



مبارزه با فساد خطرناک است

نگوزیا اوکونجو-اویالا

مترجمان: محمدرضا و امیدرضا فرهادی پور

نویسنده:

این کتاب را تقدیم می‌کنم به مادرم، کامنه اوکونجو، و پدرم، چوکووکا اوکونجو

مترجمان:

تقدیم به کسانی که دغدغه توسعه ایران و مبارزه با فساد را دارند.

مترجمان از آقای دکتر حسین سلاح‌ورزی، نائب رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران که ترجمه و انتشار این کتاب با حمایت ایشان ممکن شد و کارشناسان مرکز پژوهش‌های اتاق و مشخصاً خانم‌ها سارا پارسی و همین‌طور خانم نرگس مرادی بابت معرفی کتاب‌های اتاق بازرگانی به خوانندگان و علاقه‌مندان این حوزه، سپاسگزارند.

سرشناسه	: نگوژیا اوکونجو - اویلا Ngozi Okonjo - Iweala
عنوان و نام پدیدآور	: مبارزه با فساد خطرناک است / مولف: نگوژیا اوکونجو - اویلا / مترجمان: محمدرضا و امیدرضا فرهادی پور
مشخصات نشر	: تهران: سیزان، ۱۴۰۱
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۶۷۴-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Fighting Corruption Is Dangerous: The Story Behind the Headlines
موضوع	: فساد مالی
موضوع	: بازرگانی
شناسه افزوده	: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مرکز پژوهش‌ها
شناسه افزوده	: فرهادی پور، محمدرضا
شناسه افزوده	: فرهادی پور، امیدرضا
رده بندی کنگره	: ۹ الف ۴ ب / ۱۴۰۱ ۱۶۸ HD
رده بندی دیویی	: ۳۳۰
شماره کتاب شناسی ملی	: ۸۹۸۸۷۰۸
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی	: فیپا

مبارزه با فساد خطرناک است

نگوژیا اوکونجو-اویلا

مترجمان: محمدرضا و امیدرضا فرهادی پور

کاری از: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، مرکز پژوهش‌ها

مقدمه: محمد قاسمی

مدیر طرح: حسین سلاح‌ورزی

ناظر: سهیل فتاحی

قیمت: ۱۴۴،۰۰۰ تومان

تیراژ: ۴۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۱

انتشارات: سیزان

چاپ و صحافی: کامیاب

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۷-۶۷۴-۶



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
مرکز پژوهش‌ها

انتشارات سیزان

فهرست مطالب

سخن آغازین.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
درباره نیجریه.....	۱۵

فصل ۱: بازی ارباب..... ۲۰

«دفترت راروی یک صندلی چرخدار ترک خواهی کرد».....	۳۱
--	----

فصل ۲: بازگشت به کشوری مشکل‌دار..... ۳۴

فصل ۳: مقابله با کلاهبرداران نفتی..... ۵۲

از قطع یارانه تا فریاد اعتراض تا یک قربانی: جنجال قطع یارانه‌های نفتی.....	۵۴
کلاهبرداری، دروغ‌ها و نوار ویدیویی.....	۶۳
کسری‌ها، ارقام جالب و دیگر مسائل مشکل‌ساز مربوط به بخش نفتی.....	۷۰
۵۰ میلیارد دلار «ناپدید شده»؟ یا شاید ۲۰ میلیارد دلار؟ یا ۱۲ میلیارد دلار؟ یا شاید رقمی دیگر؟.....	۷۴
حسابرسی قانونی: فرصتی از دست رفته برای احیای حکمرانی خوب.....	۸۲

فصل ۴: فرآیند پیچیده بودجه‌ریزی..... ۹۰

شفاف‌ترسازی درآمدهای دولت: احیای خسته‌کننده‌ترین کتاب پرفروش.....	۹۱
ایجاد حساب نفت خام مازاد و صندوق ثروت حکومتی: تهدیدی مستقیم برای قدرت مالی فرمانداران ایالتی.....	۹۳
حملات پایدار به تلاش‌ها در راستای کنترل بدهی ناپایدار دولت.....	۱۰۲
حملاتی در قالب تیت‌های خبری و کمپینی زمزمه‌گر.....	۱۰۶
مبارزه با قانون‌گذاران فدرال بر سر بودجه: نقطه‌ضعف فرآیند بودجه‌ریزی.....	۱۱۳
داستان پنجاه سوال.....	۱۲۲
تبانی به نفع خود (ساخت و پاخت) به فرآیندی متناقض برای نیجریه می‌انجامد.....	۱۲۵

فصل ۵: معاملات مبهم و کلاهبرداری‌های بین‌المللی ۱۲۸

یک پیشنهاد خیرخواهانه خاورمیانه‌ای ۱۳۵

فصل ۶: کلاهبرداری در بخش خدمات عمومی: کارگران جعلی، مستمری‌بگیران جعلی و اختلاس‌گرانی که لباس اصلاح‌گران را به تن کرده‌اند ۱۳۸

مستمری‌بگیران جعلی ۱۴۵

حکم بدهی ۱۵۰

اصلاح بنادر و مساله عجیب محافظان دروازه‌های ورودی بنادر و سند پیگیری محموله ۱۵۲

فصل ۷: ضدفمینیست‌ها، قوم‌گرایان متعصب و ایدئولوگ‌های اقتصادی و سیاسی ۱۶۰

متعصبان قوم‌گرا ۱۶۶

ایدئولوگ‌های اقتصادی و سیاسی ۱۷۶

فصل ۸: تاملاتی از خطوط مقدم ۱۸۲

تامل اول: آیا ارزشش را دارد؟ آیا ایستادگی در برابر افرادی که پول عمومی را برای نفع شخصی خود برداشتند ارزش ریسک شخصی را دارد؟ ۱۸۳

تامل دوم: نمی‌توانید به تنهایی مبارزه کنید. به ائتلاف‌های پشتیبان، گروهی برای اجرای اقدامات ضروری و اصول تعهدی نیاز دارید. ۱۹۲

تامل سوم: باید از طریق افراد داخل کشور به جنگ فساد رفت. ۱۹۶

تامل چهارم: اطلاع‌رسانی خوب و یک نقشه بازی به‌خوبی طراحی شده مهم‌اند ۱۹۸

تامل پنجم: مبارزه با فساد امکان‌پذیر است! ۲۰۰

سپاسگزاری ۲۰۲

پیوست الف ۲۰۵

پیوست ب: جداول فصول ۴ و ۷ ۲۱۳

پیوست ج: حادثه غم‌انگیز دختران گمشده چیپوک و یک پروژه ابتکاری بین‌المللی برای افزایش امنیت مدارس نیجریه ۲۲۰

سخن آخر: مبارزه همچنان ادامه دارد ۲۳۰

سخن آغازین

مبارزه با فساد در برخی کشورها سخت‌تر از سایر کشورهاست؛ در کشورهای در حال توسعه مبارزه با فساد دشوار است و چه بسا این مبارزه به اعمال خشونت از جانب کسانی بینجامد که منافع‌شان به خطر افتاده است. نگوزیا اوکونجو که به تازگی رئیس سازمان تجارت جهانی شد، در این کتاب روایتی دست‌اول از واکنش فاسدان ذی‌نفع منافع نفتی در نیجریه به دست می‌دهد؛ روایتی مربوط به دوره‌ای که وزیر اقتصاد نیجریه بود. نویسنده نشان می‌دهد که مضرات شخصی مبارزه با فساد در سطح عالی در یک کشور در حال توسعه نفتی چقدر جدی است و امکان دارد هرگز هم به نتیجه نرسد. بازتوزیع منصفانه و درست درآمدهای نفتی و رانت‌های ناشی از آن در نیجریه با یک دموکراسی بسیار نوپا به کاری دشوار بدل شده است. کتاب حاضر، اقتصاد سیاسی نیجریه است؛ اقتصاد سیاسی بازتوزیع منافع نفتی در نیجریه؛ تشریح احوالات بازندگان و برندگان ثروت زیرزمینی نیجریه؛ توضیح وضعیت بازندگان و برندگان مبارزه با فساد. این کتاب که نشان‌دهنده دشواری انجام اصلاحات اقتصادی در نیجریه و بیانگر خطرات و ریسک‌های فعالیت یک اقتصاددان مشهور در وزارت اقتصاد یک کشور در حال توسعه است؛ به خواننده نشان می‌دهد چرا اصلاحات اقتصادی در یک کشور نفتی از مسیر منحرف می‌شود و چطور عده‌ای به نفع خودشان به کشور هزینه تحمیل می‌کنند.

بودجه‌ریزی و مسائل و مشکلات آن، چگونگی دست‌اندازی دولت‌های ایالتی و محلی به ذخایر صندوق ذخیره ارزی نیجریه و مخالفت‌شان با ذخیره‌کردن درآمدهای نفتی برای روزهای سخت اقتصاد و افزایش مداوم بدهی‌های دولت به خاطر قبيله‌گرایی و تامین اشتغال ناکارآمد برای حامیان دولت به قصد کسب رای و محبوبیت از سوی سیاست‌مداران، همگی دست به دست هم داده‌اند و وضعیت اقتصاد نیجریه را بدتر کرده‌اند. نویسنده که از نزدیک سال‌ها با این مشکلات دست‌وپنجه نرم کرده به بهترین شکل آنها را به دست خواننده می‌رساند.

جامعه نیجریه با بوکو حرام، مخالفان حضور فعال زنان در جامعه و ایدئولوگ‌های اقتصادی-سیاسی هم دست به گریبان است؛ ناامنی ناشی از حضور بوکو حرام در نیجریه، آموزش و تحصیل را برای خیلی‌ها ناممکن و سرمایه‌گذاری خارجی را تقریباً از دور خارج کرده است. نویسنده در این بخش نشان می‌دهد چگونه متعصبان اقتصادی-سیاسی علاقه‌مند به کمونیسم بازمانده از گذشته تنها به منافع خود می‌اندیشند و به اقتصاد و منافع عمومی ضربه می‌زنند.

کتاب حاضر برای سیاست‌گذاران اقتصادی آموزنده است زیرا نویسنده آن در رده‌های بالای شغلی بانک جهانی مشغول کار بوده و به پیشنهاد رئیس‌جمهور یک کشور در حال توسعه نفتی، شغل وزارت اقتصاد نیجریه را پذیرفته است. او نشان می‌دهد چه مشکلاتی در این راه خود و خانواده‌اش را آزار داده است. از سوی دیگر، عموم کتاب‌های اقتصادی روایت اقتصاددانان کشورهای توسعه‌یافته از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته است، درحالی‌که این کتاب روایت یک اقتصاددان نیجریه‌ای از یک اقتصاد نفتی گرفتار بازتوزیع رانت‌های نفت و فساد شکل‌گرفته پیرامون آن است. نویسنده نشان می‌دهد چطور مبارزه‌اش با فساد حتی منجر به این می‌شود که دیدارهای کاری‌اش با رئیس‌جمهور دچار اختلال شود؛ نشان می‌دهد چطور گوش ندادن به حرف بعضی ذی‌نفعان سبب می‌شود کارشکنی‌هایی در سطوح عالی دولت در کار وزارت اقتصاد انجام شود. خوانش این کتاب برای صاحبان کسب‌وکار و آنان که با فساد اقتصادی مخالف‌اند جذاب است؛ برای اقتصاددانان و اقتصادخوانان آموزنده است زیرا تجربه زیسته یک اقتصاددان درجه اول است که برخوردهای نزدیکی با فساد و فاسدان اقتصادی داشته و مشکلات پیشبرد برنامه‌های اصلاحی اقتصادی در یک اقتصاد نفتی را نشان می‌دهد.

محمد قاسمی

رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

پیشگفتار

نگارش این کتاب کاری بود دشوار. در جریان نگارش آن رویدادهایی را دوباره تجربه و مقالاتی را بازخوانی کردم و گفت‌وگوهای را به یاد آوردم که تداعی‌کننده خاطرات دردناکی بود که ترجیح می‌دادم فراموش‌شان کنم. گمان می‌کردم هنگامی که وزارت دارایی نیجریه را برای بار دوم ترک کردم، کتابی درباره موج دوم اصلاحات بخش واقعی اقتصاد نیجریه (ادامه‌ای بر کتاب اولم با عنوان اصلاح اصلاح‌ناپذیرها: درس‌هایی از نیجریه (۲۰۱۲)^۱ که بر اصلاحات اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری تمرکز داشت) خواهم نوشت. من نشستم تا کتابی درباره کارهای انجام‌شده در دولت رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان^۲ برای اصلاح بخش‌های مختلف اقتصاد نیجریه و آغاز متنوع‌سازی به‌شدت مورد نیاز بخش‌های غیرنفتی این کشور بنویسم. قصد داشتم نکات مهم ثبت و ضبط شده در یادداشت‌هایی را که دولت جاناتان - با امید به اینکه می‌توان روندهای خوب را برای پیشبرد توسعه کشور بهبود بخشید - به دولت محمدو بوهاری^۳ تحویل داده بود، برای مخاطبان گسترده‌تری ارائه کنم. در عوض، اتفاقاتی که بعد از جدایی‌ام از

-
1. Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria (2012)
 2. Goodluck Jonathan
 3. Muhammadu Buhari

وزارت اقتصاد جاناتان در ماه می ۲۰۱۵ افتاد، مرا بر آن داشت تا این کتاب که بررسی شخصی تری از جنبه مهمی از کارم در دولت است را بنویسم: مبارزه با فساد. سه دلیل برای این کار وجود دارد.

اولین دلیل، ارائه توجیهی برای خودم و افراد زیادی است که از من پرسیده‌اند «چه چیزی در پس حملاتی بود که پس از ترک دولت به من شد». به مدت یک سال و نیم، در رسانه‌ها، در اینترنت و در کمپینی شرورانه در وطنم، آماج اتهامات و دروغ‌های مخرب بودم. این دروغ‌ها و تبلیغات سیاسی مرا متهم به سوءمدیریت اقتصاد و حتی میلیاردها دلار اختلاس و دزدی می‌کردند. اینها از الگوی حمله‌ای پیروی می‌کردند که در طول دوره چهارساله دوم وزارت من با آنها دست‌وپنجه نرم کرده بودم، اما این بار شدت حملات بی‌سابقه بود. نگفتن واقعیت - تحت حمایت و پشتیبانی حقیقی آماری - درخصوص اینکه واقعا چه اتفاقی در اقتصاد نیجریه افتاد و تلاش‌های مهمی که من و دیگران برای مبارزه با فساد کردیم، برای مردم نیجریه و اجتماع بین‌المللی علاقه‌مند به توسعه این کشور مهم، زیان‌بار خواهد بود.

دومین دلیل اینکه، گرچه عملاً تمام دولت‌های نیجریه، از جمله دولت جاناتان، به فساد متهم شده‌اند و این آفت پیشینه‌ای طولانی دارد که به قبل از دولت جاناتان باز می‌گردد، اما تلاش‌های انجام شده برای مبارزه با فساد تقریباً ناشناخته مانده‌اند. این کتاب می‌کوشد بخشی از این داستان را طبق تجربه‌ام در دولت جاناتان بازگو کند.

سوم، در چند سال گذشته، در سراسر جهان روایت‌های بسیار زیادی از فساد گسترده در بخش عمومی ارائه شده است (از نیجریه گرفته تا آفریقای جنوبی، از برزیل تا آرژانتین و ونزوئلا، از اوکراین تا کره جنوبی)، به نحوی که روایتی دست اول از جانب کسی مثل من که این مشکل را در ساختار کشور خودش تجربه کرده، می‌تواند پرتو نوری بر خطرات و دام‌ها و توفیق‌های مقابله با فساد بیفکند.

فسادی که ما با آن مبارزه کردیم و مفصل در این کتاب تشریح می‌شود، وسعتی از فساد سیاسی تا فساد اداری - اجرایی دارد، چنان‌که در چارچوب بنا شده در مقاله ویلیام دورینتینسکی^۱ و شیلپا پرادان^۲ در سال ۲۰۰۷ با عنوان «کاوش فساد در مدیریت مالی عمومی^۳» مطرح شده است. فساد بزرگ (بررسی شده در فصول سوم و پنجم کتاب)

1. William Dorintinsky

2. Shilpa Pradhan

3. Exploring Corruption in Public Financial Management

عبارت است از «انتقال منابع عمومی در مقیاس وسیع در راستای منافع شخصی»؛ فساد سیاسی (تشریح شده در فصل چهارم) عبارت است از «اعمال نفوذ در جهت تخصیص منابع و پروژه‌هایی که به نفع تصمیم‌گیرنده و دوستان و آشنایان، انتقال منابع به پروژه‌های خاص و سوءاستفاده از اطلاعات ممتاز» است؛ و فساد اداری-اجرایی (تشریح شده در فصل ششم) عبارت است از «اختلاس و سوءاستفاده از وجوه عمومی، کلاهبرداری و اسراف و سوءاستعمال».^۱

این کتاب، روایتی کامل از تمام گونه‌های مشاهده شده از فساد یا تمام رویدادهای به وقوع پیوسته در دولت جاناتان نیست، بلکه بر نقاط مخاطره‌آمیزی تمرکز دارد که به دلیل کارهای انجام شده در معرض ریسک خطرات جسمی و لکه‌دارشدن حُسن شهرتم بودم یا برایشان به دردسر افتاده بودم. امیدوارم این کتاب مطالب خوبی برای خوانندگان به منظور تفکر پیرامون فساد ارائه کند و برای افرادی که در پی متوقف کردن فسادند و در کارهای خود شفافیت و حکمرانی خوب را مقدس می‌دانند، درس‌هایی داشته باشد. وزیر داری، خاصه وزیر کشورهای در حال توسعه در بین افرادی هستند که غالباً کار پرخطری انجام می‌دهند و به ندرت در این خصوص حرف می‌زنند؛ آنها غالباً مشغول نه گفتن به همکاران، اعضای کابینه، کارمندان دولت و سیاستمداران (و حتی روسای خود، رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر) هستند. وزیر اقتصاد و داری دائماً تحت فشارند و حتی اگر مورد احترام نیز باشند، به ندرت محبوب‌اند. به همین دلایل، دوره کاری آنها در کابینه عموماً کوتاه است. گوردون براون^۲، رئیس محترم چندساله خزانه‌داری^۳ و نخست‌وزیر سابق بریتانیا، که خودش وزیر امور داری دوازده‌ساله کارکشته‌ای است، روزی به من گفت که میانگین دوره کاری وزیر داری دو سال است. من در دوره کاری اولم توانستم سه سال دوام بیاورم و چهار سال از دوره کاری دومم را به‌طور کامل گذراندم؛ هفت سال بسیار سخت.

این کتاب برای فعالان توسعه نیز مفید خواهد بود. آنان با این معضل دست به گریبان‌اند که چگونه در محیط‌هایی که باید با فساد و حکمرانی ضعیف مقابله و این

1. William Dorintinsky and Shilpa Pradham, "Exploring Corruption in Public Financial Management," in *The Many Faces of Corruption: Tracking Vulnerabilities at the Sector Level*, edited by J. Edgardo Campos and Sanjay Pradhan, 267-294. Washington, DC: World Bank, 2007.

2. Gordon Brown

3. Chancellor of Exchequer

مسائل و مشکلات را بررسی و کنترل کرد، به دنبال توسعه باشند؟ اما این فعالان به ندرت روایتی دست اول و بی واسطه در این خصوص در اختیار دارند که مبارزه برای شفافیت و حکمرانی خوب از درون خود نظام به چه معناست.

در پایان، شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی که سعی در برملاسازی و افشای فساد و مبارزه با آن داشته‌اند با خطرات و ریسک‌های تشریح شده در این کتاب مرتبط‌اند (تهدیدهای فیزیکی و شهرتی و زورگویی و آزار و اذیت از جانب افراد فاسد و دارای انگیزه‌های سیاسی). شناخت ابزار مورد استفاده کسانی که قصد دارند عدم شفافیت و فساد را در حکم یک روش زندگی نهادینه سازند (از تلاش‌هایی برای مجبور کردن من به کناره‌گیری از مقام وزارت و ترک کشور، که در برابرشان ایستادگی کردم، تا تهمت‌های دروغین در زمینه سوءمدیریت، اختلاس و دزدی پول که در مطبوعات به من زده شد) گامی مهم در مسیر رسیدن به شفافیت و حکمرانی خوب است.

در باره نیجریه

نیجریه یکی از عجیب‌ترین کشورهای جهان است. این کشور پرانرژی و گاهی پرهرج و مرج و آشفته است و مردم آن به شکلی شگفت‌انگیز کار آفرین‌اند. مشخصاً، زنان نیجریه‌ای کاردان و مبتکرند. فعالیت‌های درصد کوچکی از جمعیت نیجریه آوازه بدی به این کشور داده است (یکی از آنها با فساد مرتبط است) و این کتاب در مورد فساد صحبت خواهد کرد. اما اکثریت قریب به اتفاق نیجریه‌ای‌ها شهروندانی درستکار و سخت‌کوش‌اند که خواسته‌شان همان خواسته شهروندان کشورهای دیگر است؛ دولت صلح و ثبات و خدمات پایه را فراهم کند و سپس از سر راه کنار برود تا مردم بتوانند زندگی خود را داشته باشند.

نیجریه کشوری پهناور (۹۲۴ کیلومتر مربع) و پیچیده است. با جمعیت تقریبی ۱۹۰ میلیون نفری در سال ۲۰۱۷، پرجمعیت‌ترین کشور قاره آفریقا و هفتمین کشور پرجمعیت جهان است. از هر شش نفر آفریقایی، یک نفر نیجریه‌ای است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ نیجریه به پنجمین کشور پرجمعیت جهان (با جمعیت تقریبی ۲۶۴ میلیون نفر) و تا سال ۲۰۵۰ به سومین کشور پرجمعیت جهان (با جمعیت تقریبی ۴۱۰ میلیون نفر) بدل شود. در حال حاضر، ۶۳ درصد از جمعیت نیجریه سنی کمتر از ۲۵ سال

دارند و مانند بقیه آفریقا، یا می‌توان جمعیت جوان این کشور را برای رشد اقتصادی مبتنی بر جمعیت به‌کار گرفت یا این جمعیت می‌تواند چالش سختی در زمینه اشتغال و مهاجرت به خارج از کشور ایجاد کند.^۱

پیچیدگی نیجریه تا حدی ناشی از وجود بیش از ۳۵۰ گروه قومی است که تنوع زبانی نیز به همین مقدار است و بیشتر این گروه‌ها نمی‌توانند زبان یکدیگر را بفهمند. سه گروه قومی اصلی وجود دارد؛ ایگبوس^۲ در جنوب شرق (۱۸٪)، یوروباس^۳ در جنوب غرب (۲۱٪) و هاوسا-فولانی^۴ در شمال (۲۹٪).^۵ انگلیسی زبان رسمی این کشور است که پیامد حکومت استعماری بریتانیا در زمانی بود که بریتانیای کبیر ایالت‌های تحت‌الحمایه شمالی و جنوبی نیجریه را در سال ۱۹۱۴ با هم ترکیب و به کشوری متحد بدل کرد. عموم نیجریه‌ای‌ها به‌گونه‌ای از زبان انگلیسی حرف می‌زنند که شامل کلمات و اصطلاحات بومی نیز هست و به آن انگلیسی پیجین^۶ گفته می‌شود.

پیچیدگی بیشتری نیز به سبب مذهب در این کشور ایجاد می‌شود. نیجریه تقریباً به‌طور برابر بین مسلمانان و مسیحیان تقسیم شده است. شمال عمدتاً مسلمان و همراه با اقلیتی مهم از مسیحیان و جنوب عمدتاً مسیحی و همراه با اقلیتی مهم از مسلمانان است. در نیجریه وجود خانواده‌هایی با اعضای هم مسلمان و هم مسیحی، غیرعادی نیست. هم در شمال و هم در جنوب، برخی گروه‌ها همچنان به مذاهب بومی باور دارند.

نیجریه یک دموکراسی نوپا با الگویی به سبک آمریکایی است با یک رئیس‌جمهور منتخب اجرایی قدرتمند و معاون رئیس‌جمهور. در این کشور چندین حزب سیاسی وجود دارد، اما دو حزب اصلی، حزب دموکراتیک مردمی^۷ و کنگره کل مترقی^۸ هستند که در حال حاضر، دومی حزب حاکم است. نیجریه در سال ۱۹۶۰ از بریتانیا استقلال پیدا

۱. تمام داده‌های مربوط به جمعیت در این پاراگراف برگرفته از سازمان ملل متحد (United Nations)، دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی (Department of Economic and Social Affairs)، بخش جمعیت (Population Division)، «پیش‌بینی‌های جمعیتی جهان: ویرایش سال ۲۰۱۷ (World Population Prospects: the 2017 Revision)» و برگه شماره ESA/P/WP/248,2017 و آدرس اینترنتی https://esa.un.org/unpd/wpp/Publications/Files/WPP2017_KeyFindings.pdf است

2. Igbos

3. Yorubas

4. Hausa-Fulani

5. United States Embassy in Nigeria, Economic Section, "Nigeria Fact Sheet," Abuja, Nigeria, January 2012, <http://photos.state.gov/libraries/nigeria/487468/pdfs/Nigeria%20overview%20Fact%20Sheet.pdf>.

6. Pidgin English

7. People's Democratic Party (PDP)

8. All Progressives Congress (APC)

کرد و مدت کوتاهی بعد دموکراسی به سبک پارلمانی بریتانیایی را امتحان کرد و سپس از سال ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۷۰ درگیر جنگ داخلی (جنگ نیجریه-بیافرا)^۱ شد و به مدتی طولانی تحت لوای حکومت نظامی درآمد. دوره دموکراسی فعلی بعد از تقریباً سه دهه حکومت نظامی که در آن دوره‌های کوتاه و پراکنده‌ای از حکومت مردمی وجود داشت، در سال ۱۹۹۹ آغاز شد.

طبق قانون اساسی مصوب سال ۱۹۹۹، این کشور یک دولت فدرال-یک قلمرو پایتختی فدرال^۲ که پایتخت این کشور، آبوجا^۳ در آن قرار دارد- ۳۶ ایالت که حاکمانشان انتخاب می‌شوند و ۷۷۴ دولت محلی دارد که این ایالات به ۶ ناحیه ژئوپلیتیک تقسیم شده‌اند؛ شمال غربی، شمال مرکزی، شمال شرقی، جنوب غربی، جنوب شرقی و جنوب-جنوب. برخی از این نواحی مثلاً جنوب شرقی و جنوب غربی به ترتیب با گروه‌های عمده قومی مانند ایگبو و یوروبا در تلاقی هستند و نواحی دیگر نیز خانه تعداد زیادی از گروه‌های قومی‌اند. قوه مقننه بازوی مهم دولت را شکل می‌دهد، به نحوی که یک مجلس سران یا سنا با ۱۰۹ عضو و یک مجلس نمایندگان با ۳۶۰ عضو وجود دارد.^۴ دادگستری (قوه قضائیه) بازوی سوم دولت است. تداوم گونه‌های سنتی حکمرانی (امیرنشین‌ها در شمال، پادشاهی‌ها و سالاری‌ها عمدتاً در جنوب و گاهی همراه با حاکمان سنتی نسبتاً قدرتمند) ترکیبی جالب را به حکمرانی در نیجریه اضافه می‌کند، اگرچه شاخه‌هایی از دولت که مطابق قانون اساسی تعریف و انتخاب می‌شوند، بیشترین قدرت را در دست دارند.

نیجریه بزرگ‌ترین کشور آفریقا است و تولید ناخالص داخلی آن در سال ۲۰۱۷ به میزان ۴۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.^۵ تولید ناخالص داخلی آفریقای جنوبی، دومین اقتصاد بزرگ این قاره ۳۱۷ میلیارد دلار است. نیجریه ۷۱٪ از تولید ناخالص داخلی غرب

1. Nigeria-Biafra

2. Federal Capital Territory

3. Abuja

4. Federal Republic of Nigeria, National Assembly, "About the Senate," n.d., <http://www.nassnig.org/page/about-the-senate>; Federal Republic of Nigeria, National Assembly, "About the House," n.d., <http://www.nassnig.org/page/about-the-house>.

۵. تمام ارقام مربوط به GDP، رشد GDP و GDP سرانه در این پاراگراف از صندوق پولی بین‌المللی (International Monetary Fund)، «۵. گزارش کشورها و سوزده‌های انتخاب شده (Report for Selected Countries and Subjects)، داده‌های چشم‌انداز اقتصادی جهانی (World Economic Outlook Database)، در آوریل سال ۲۰۱۷ به آدرس اینترنتی زیر گرفته شده است:

<https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2017/01/weodata/weorept.aspx?sy=2015&ey=2022&scsm=1&ssd=1&sort=country&ds=.&br=1&pr1.x=33&pr1.y=9&c=694%2C199&s=NGDPDPC&grp=0&a=>

آفریقا^۱ و ۲۷٪ از تولید ناخالص داخلی این قاره را شکل می‌دهد. تولید ناخالص داخلی سرانه این کشور ۲۱ هزار و ۳۲۳ دلار در مقایسه با پنج هزار و ۵۸۸ دلار در آفریقای جنوبی است، بنابراین اگرچه نیجریه از دیدگاه بانک جهانی^۲ یک کشور با درآمد پایین-متوسط به‌شمار می‌رود، فقر این کشور همچنان مانند بسیاری از کشورهای دیگر این گروه، به صورت یک مشکل باقی مانده است. برآورد شده که ۳۶/۱٪ از جمعیت این کشور زیر خط فقر مطلق ۱/۹ دلار در روز قرار دارند.^۳

اقتصاد نیجریه شدیداً وابسته به نفت است که بیش از ۹۰٪ از صادرات^۴ و ۷۰٪ از درآمدهای دولتی را شکل می‌دهد. این کشور که عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۵ (اوپک) است، در سال ۲۰۱۶ پانزدهمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان بود.^۶ این کشور یازدهمین ذخایر بزرگ نفتی^۷ و نهمین ذخایر بزرگ گاز طبیعی^۸ جهان را دارد.

ثروت منابع طبیعی نیجریه آن‌طور که باید به مردم خود خدمت نکرده است زیرا برخی نهادهای مهم همچنان ضعیف باقی مانده‌اند یا وجود ندارند و گروهی کوچک و دزدسالار از نخبگان حاکم به‌طور دائم پابرجا مانده و از وجود این خلأ سوءاستفاده کرده‌اند. اما این کشور تجربه دوره‌هایی از رشد خوب و عملکرد اقتصادی معقول را نیز داشته است. در دهه بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵، اقتصاد این کشور عمدتاً به سه دلیل، با سرعت پایدار ۶/۵٪ در سال رشد کرده است؛ این سه دلیل عبارت‌اند

۱. محاسبه شده از طریق تقسیم تولید ناخالص داخلی نیجریه بر مجموع تولیدهای ناخالص داخلی تمام کشورهای غرب آفریقا، با استفاده از داده‌های گرفته شده از پایگاه اطلاعاتی IMF.

2. World Bank

۳. نرخ اخیر سرشماری فقر (زیر ۱/۹ دلار در روز) در بانک جهانی و در منبع زیر در دسترس است:

“Nigeria General Household Survey,” *Living Standards Measurement Study*, 2013 (per capita methodology)

4. Organization of the Petroleum Exporting Countries, “Nigeria Facts and Figures,” n.d., http://www.opec.org/opec_web/en/about_us/167.htm.

5. Organization of Petroleum Exporting Countries

۶. رتبه پانزدهم براساس اطلاعات وزارت نیروی ایالات متحده (U.S. Energy Information Administration) است. در سال ۲۰۱۶، در بین کشورهای عضو اوپک، نیجریه رتبه ششم را داشت. منبع:

“OPEC: Annual Statistical Bulletin,” Vienna, Austria, 2017, http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/ASB2017_13062017.pdf.

7. U.S. Energy Information Administration, “International Energy Statistics, Crude Oil Proved Reserves 2016,” Washington, DC, EIA, 2017, https://www.eia.gov/beta/international/data/browser/#/?pa=00000000000000000000000000000000&c=rurvrvfvvfvtnvvlurvvvfvvfvvfvvovou20evvvvvvvvvnvvvovuo&ct=0&tl_id=5-A&vs=INTL.57-6-AFG-BB.A&cy=2016&vo=0&v=H&start=1980.

۸. مرجع قبلی.

از مدیریت خوب اقتصاد کلان، قیمت‌های بالای نفت و عملکرد خوب بخش‌های غیرنفتی (کشاورزی، تولید صنعتی، ارتباطات راه دور و خدمات دیگر). عملکرد اقتصادی این کشور از سال ۲۰۱۵ به دلیل افت قیمت نفت و مدیریت ضعیف اقتصادی تضعیف شد. بنابر برآوردهای صندوق پولی بین‌المللی^۱، در سال ۲۰۱۶، اقتصاد این کشور برای اولین بار پس از ۲۴ سال وارد رکود شد و با توجه به تخمین صندوق بین‌المللی پول به میزان منفی ۱/۵٪ منقبص شد. این صندوق آغاز یک بهبود را برای سال ۲۰۱۷ پیش‌بینی می‌کند، به نحوی که تا سال ۲۰۱۸، نرخ رشد تقریباً ۰/۸٪ به ۱/۹٪ خواهد رسید.^۲ با این حال، نرخ رشد جمعیت ۲/۶٪ در سال^۳ به منزله رشد درآمد سرانه منفی تا صفر است؛ یعنی اینکه افراد بیشتری به فقر کشیده خواهند شد. هم این صندوق و هم بانک جهانی اصلاحات سیاستی ساختاری و اقتصاد کلان مهمی را توصیه کرده‌اند، مانند مدیریت بهتر رژیم نرخ ارز خارجی و متنوع‌سازی مداوم اقتصاد غیرنفتی جهت ایجاد بهبود اقتصادی با پایه‌ای قوی‌تر و گسترده‌تر.

نیجریه به دلیل وسعت و اهمیت اقتصادی‌اش برای غرب آفریقا، کل آفریقا و جهان مهم است. به همین دلیل است که مدیریت اقتصادی و سیاسی خوب برای این کشور ضروری است و جهان باید به این کشور توجه کند و جهت تضمین اینکه به سمت مسیر توسعه‌ای درستی گام بردارد، حمایت خود را از آن دریغ نکند. بحثی صریح (همان‌طور که در این کتاب مطرح خواهد شد) درخصوص اینکه فساد در کجا و به چه علت روی می‌دهد، برای مبارزه با آن چه کارهایی انجام می‌شود و چه اقدامات بیشتری باید صورت بگیرد، بخش مهمی از گشودن راه برای افراد کارآفرین نیجریه جهت فعالیت بخشیدن به پتانسیل خودشان به شمار می‌رود.

1. International Monetary Fund

2. International Monetary Fund, "IMF Executive Board Concludes 2017 Article IV Consultation with Nigeria," Press Release No. 17/105, March 29, 2017, <https://www.imf.org/en/News/Articles/2017/03/30/pr17105-nigeria-imf-executive-board-concludes-2017-article-iv-consultation>.

۳. جدیدترین نرخ رشد جمعیت که در بانک جهانی (در سال ۲۰۱۶) در دسترس است و در منبع زیر آمده است:

"Population Growth (Annual %)," *World Bank Open Data*, 2017, <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.GROW?locations=NG>

فصل ۱

بازی ارباب

یکشنبه نهم دسامبر سال ۲۰۱۲ بین ساعت‌های ۳ تا ۴ بعد از ظهر در پایتخت نیجریه، آبوجا، در اتاق خوابم ایستاده بودم و به اینکه چقدر پس از کار شبانه‌روزی روی مشکلات وزارت دارایی خسته شده بودم و به از دست دادن مراسم مذهبی صبحگاه (گناهی کبیره در نیجریه بنیادگرا به خاطر نرفتن به کلیسا) فکر می‌کردم که تلفن همراهم زنگ خورد. برادرم او نیما پشت خط کلماتی وحشت‌انگیز گفت؛ کلماتی که آن لحظه برایم نامفهوم بود. می‌گفت «آدم‌ربایان مادر را ربوده‌اند». با سرگشتگی پرسیدم «چی گفتی؟» و دوباره تکرار کرد: «آدم‌ربایان مادر را ربودند.» خیلی سریع گفتم: «ربوده‌اند؟ منظور چیست؟ کجا و چه کسی این کار را کرده است؟»

برادرم گفت که لحظاتی پیش تماسی از یکی از دستیاران پدرم داشته که گفته تقریباً ساعت ۱۲ ظهر همان روز خودرویی وارد محوطه خانه پدر و مادرم شده بود، جایی که مادرم پس از بازگشت از مراسم کلیسا در نزدیکی در ورودی خانه ایستاده بوده و با کارگران صحبت می‌کرده است. مردی از داخل خودرو بیرون می‌پرد و از او می‌پرسد آیا مادر وزیر است یا خیر و با شنیدن پاسخ مثبت به صورتش ضربه می‌زند، با زور عقب خودرو سوارش می‌کند و به سرعت از آنجا دور می‌شود. تمام این اتفاقات آنقدر سریع می‌افتند که هیچ یک از کارگران نزدیک در ورودی خانه فرصتی برای واکنش پیدا نکرده بودند.

پرسیدم پدرم کجاست و اینکه آیا او نیز ربوده شده است یا خیر؟ برادرم گفت پدرم به جلسه‌ای در ایالت ناساراوا^۱ رفته است. معلوم نبود آیا کسی با او تماس گرفته و او را در جریان قرار داده بود یا خیر؟ من و برادرم با دو تن از برادران و خواهرانمان تماس گرفتیم و تصمیم بر این شد که او نیما به خانه والدینم در اوگواشی-اوکوو^۲ برود تا به شخصه ببیند چه اتفاقی افتاده است و در صورتی که آدم‌ربایان سعی در برقراری تماس داشتند، حاضر باشد. من نیز قرار بود پس از برقراری تماس با پدرم و گزارش این موضوع به مقامات آبوجا برای فهمیدن اینکه آنها چگونه می‌توانند به ما کمک کنند، به سرعت به او ملحق شوم.

برای چند دقیقه پس از اتمام تماس برادرم، فلج شده بودم. سعی کردم تصویری از مادر ۸۳ ساله‌ام در دست آدم‌ربایان را تجسم کنم و ناگهان موجی از اضطراب در درونم

1. Nassarawa

2. Ogwashi-Ukwu

آغاز شد. آدم‌ربایان قبل از اینکه او را سوار خودرو کنند از او پرسیده بودند آیا مادر وزیر است، بنابراین، واضح بود که این موضوع با من و مقام من، وزارت دارایی، ارتباط داشت. موجی از آدم‌ربایی‌ها در کشور آغاز شده بود، اما همیشه می‌ترسیدم هدف آدم‌ربایان من و خواهران و برادرانم یا حتی دو نفر از فرزندم باشند که تصمیم گرفته بودند آمریکا را برای زندگی و کار در نیجریه ترک کنند. بحث مفصلی در این مورد انجام داده بودیم، درخصوص اینکه باید مراقب باشیم و جوانب احتیاط را رعایت کنیم. اما هرگز فکر نکرده بودم که والدینم ممکن است ربوده شوند، شاید به دلیل سن‌شان؛ همچنین به دلیل اینکه پدرم حاکم سنتی (اوبی^۱) پادشاهی اوگواشی-اوکوو بود و احساس می‌کردم که احترام این جایگاه والدینم را تا حدی در امان نگه خواهد داشت.

اینکه این اتفاق برخلاف تصورم افتاده بود، موجی عمیق از گناه و ترس را در من ایجاد کرد. مبادا این افراد به مادرم آسیب بزنند؟ چطور می‌توانستم با این اتفاق کنار بیایم؟ همه می‌خواهند از والدین خود در سنین پیری محافظت و مراقبت کنند. اما در مورد من، ظاهراً عکس این موضوع اتفاق خواهد افتاد و منشأ آسیبی برای آنها خواهم بود. زمانی که با پدرم تماس گرفتم سعی کردم خودم را آرام کنم. او پس از اولین بوق جواب داد و گفت که خبر را شنیده و در حال بازگشت به اوگواشی-اوکوو است. اما پس از اینکه صدایم را شنید و متوجه شد چقدر مضطربم، گفت اول به آبوجا می‌آید. رسیدن پدرم آرامش‌بخش بود. انتظار می‌رفت که من او را دل‌داری و به او اطمینان‌خاطر دهم، اما کاملاً برعکس بود. گفت باید حواسمان را جمع کنیم که وقتی آدم‌ربایان از ما باج بخواهند سریع دست به کار شویم، زیرا احساس می‌کردم لاجرم چنین خواهد شد. ارزیابی او این‌گونه بود که این کار بخشی از موج آدم‌ربایی‌های شایع در کشور است و میزان باج قطعاً بسیار بالا خواهد بود، با توجه به اینکه این افراد مادر «وزیر دارایی» را ربوده‌اند. همچنین از من خواست که به بدترین حالت ممکن فکر کنم و آماده مواجهه با آن شوم؛ حالتی که شاید مادرم زنده برنگردد. گفت «تو و خواهران و برادرانت نباید زیاد نگران باشید. مادر شما و من در سنین ۸۳ و ۸۵ سالگی بسیار بیشتر از میزان امید به زندگی این کشور زندگی کرده‌ایم و اساساً بیشتر از عمر مفیدمان زیسته‌ایم.»

پدرم، استاد بازنشسته اقتصاد و آمار و جمعیت‌شناس و به‌خاطر این‌گونه اظهاراتش شهره بود. در خانواده، معمولاً واکنش ما به این حرف‌ها خنده بود، اما این بار

1. Obi

نمی توانستم بخندم. باقی روز در ابهام گذشت و همین طور منتظر بودیم که آدمربایان با ما تماس بگیرند، اما تماسی گرفته نشد. با رئیس جمهور تماس گرفتیم و او را از این موضوع مطلع ساختم و فورا گفتم که از دپارتمان خدمات دولتی^۱، به نام خدمات امنیتی دولت^۲، درخواست هماهنگی برای کمک خواهد کرد. با بازرس کل پلیس^۳ تماس گرفتیم. یکی از دوستان پیشنهاد کرد با رئیس ستاد ارتش^۴، ژنرال آزوبویکه ایهجیریکا^۵، تماس بگیرم تا ببینم آیا می تواند کمکی کند؟ تمام تماس های تلفنی را گرفتیم. در عین حال، برادرانم نیز با فرماندار ایالت دلتا^۶ (که اوگواشی-اکوو آنجاست)، امانوئل اودوآگان^۷ تماس گرفتند و از او و مقامات امنیت دولتی تقاضای کمک کردند. تمام ماموران امنیتی که با آنها تماس گرفتیم از این خبر مطلع بودند و همگی قول دادند که برای کمک کردن نهایت سعی شان را خواهند کرد.

آن شب هیچ کدام از ما نخوابیدیم. من و پدرم شب را کنار گوشی ها سپری کردیم و منتظر آن تماس بسیار مهم بودیم؛ برادران و خواهرانم در آن سوی کشور، در آفریقای جنوبی و در آمریکا نیز همین طور؛ زیرا نمی دانستیم آدمربایان از کدام یک از ما باج خواهند خواست و یا با کدام یک از ما تماس خواهند گرفت. ساعت ۱۱ صبح دوشنبه (روز دوم) بود که برادرم اونیما از اوگواشی-اکوو تماس گرفت و گفت آدمربایان با گوشی مادرم که آن را در خانه گذاشته بود، تماس گرفته اند. آدمربایان خواهان حرف زدن با من شده بودند، اما اونیما گفته بود که من نمی توانم پای تلفن بیایم و قرار است او به نمایندگی از خانواده مذاکره کند. برادرم به سرعت ماموران امنیتی را مطلع کرده بود و آنها سیستمی برای گوش دادن به مکالمات برقرار و یک مامور ارشد به نام آقای ماکسون اوپید^۸ را مسئول این کار کرده بودند. من در ابوجا از شدت ترس فلج شده بودم و به بازگشتن به سر کارم فکر نمی کردم.

پس از تماس اول، تا ساعت ها خبری نشد. سپس آدمربایان دوباره بعد از ظهر روز

1. Department of State Service (DSS)
2. State Security Service (SSS)
3. Inspector General of Police
4. Chief of Army Staff
5. General Azubuike Ihejirika
6. Delta
7. Emmanuel Uduaghan
8. Mr. Maxson Opede

دوشنبه با برادرم تماس گرفتند و صحبت‌های جدی آغاز شد. خواسته‌شان چه بود؟ در این نقطه بود که برادرم و آنهایی که به حرف‌ها گوش می‌دادند متحیر شدند. پول نمی‌خواستند! آنها از برادرم خواسته بودند به من بگویند در تلویزیون و رادیوی ملی اعلام کنم که از شغل وزیر دارایی استعفا می‌دهم و می‌خواهم به آمریکا، جایی که از آنجا آمده بودم، بازگردم. بنابراین، برادرم با من تماس گرفت تا مرا از خواسته آدم‌ربایان مطلع سازد؛ باید در برابر تمام کشور به طور عمومی استعفا دهم. از اینکه مادرم در حکم وسیله‌ای برای تهدیدم به ترک دولت ربوده شده بود حیرت‌زده بودم.

سوال اول این بود که چه کسی می‌توانست پشت این آدم‌ربایی باشد؟ می‌دانستم که بزرگ‌ترین گروهی که از این موضوع نفع می‌برد و اخیراً در اقدامات ضدفساد به آنان صدمه زده بودم، خرده‌گروهی بی‌وجدان از بازاریابان نفت کشور بودند. من با حمایت رئیس‌جمهور، یک گروه عملیاتی تشکیل داده بودم که به حساب‌های مالی‌شان رسیدگی کرده و ادعاهایی جعلی درباره پرداخت‌های بارانه‌ای نفتی یافته بودیم که با پشتیبانی رئیس‌جمهور، گودلاک جاناتان^۱ از پرداخت پول‌شان انصراف داده بودیم (به فصل سوم مراجعه کنید). آیا ممکن بود این گروه مسئول این آدم‌ربایی باشند؟ یا شاید آدم‌ربایان، کسانی بودند که از پرداخت‌های بازنشستگی جعلی سود می‌بردند یا حتی شاید همان کلاهبرداران محکومیت مالی (بدهی) بودند که حساب‌شان را مسدود کرده بودم (به فصل ششم مراجعه کنید)؟ آیا ممکن بود آدم‌ربایان، آدم سیاست‌مدارانی باشند که از اصلاحات مالی ناراضی بودند یا حتی شاید افرادی بودند که سعی در مسدود کردن اصلاحات نوظهور در بنادر و مناطق گمرکی داشتند (به فصل ششم مراجعه کنید)؟ به هرکجا نگاه می‌کردم، به نظر می‌رسید که پا روی دُم عده‌ای از افراد گذاشته بودم و اکنون هر یک از این گروه‌ها می‌توانست به دنبال انتقام‌جویی باشد.

هنگامی که پدرم درخواست‌شان برای استعفای من را شنید گفت که کاملاً چرند است و نباید به استعفا دادن فکر کنم. در واقع، برای اینکه به این افراد نشان می‌دادم که نمی‌توانند با اخاذی و تهدید مرا از دولت برکنار کنند، باید فردا سر کار می‌رفتم. اما در درونم احساس می‌کردم که وقتی جان مادرم در خطر است، نمی‌توانم روی کارم تمرکز کنم.

صبح روز سه‌شنبه که روز سوم بود، بدون اطلاع پدرم تصمیم گرفتم وانمود کنم

1. Goodluck Jonathan

سرکارم می‌روم، اما به شهر خودمان اوگواشی-اوکوو بروم و در این مذاکرات به برادرم پیوندم. چه بسا اگر مستقیماً با این افراد صحبت می‌کردم می‌توانستم متقاعدشان کنم مادرم را آزاد کنند. با ماشین خودم به فرودگاه رفتم و سپس متوجه شدم که با توجه به این شرایط، باید به رئیس جمهور بگویم که قصد رفتن به کجا را دارم. طبق قوانین شغلی که وزرا به آن متعهد هستند با «بخش کنترل»، سیستم تلفنی مرکزی ریاست جمهوری تماس گرفتم و آنها فوراً به من اجازه صحبت با رئیس جمهور را دادند.

رئیس جمهور را در جریان تقاضای آدم‌ربایان برای استعفای خودم قرار دادم. گفت از این موضوع اطلاع دارد و خدمات امنیت دولت وضعیت را برای او کاملاً شرح داده است. وقتی گفتم فکر نمی‌کنم که باید استعفا دهم اما باید برای مذاکره با آدم‌ربایان به برادرم پیوندم زیرا فکر می‌کنم که این کار تغییری ایجاد می‌کند، در پاسخ گفت «نه!» او گفت نباید به اوگواشی-اکوو بروم زیرا این کار مطابق میل آدم‌ربایان خواهد بود. در عوض، باید از فرودگاه به خانه‌ام برگردم. بهتر است مذاکرات به عهده برادرم، که خدمات امنیتی دولت پشتیبانی شایانی از او خواهد داشت، باقی بماند.

مردد بودم، اما رئیس جمهور دستور مستقیمی به من داده بود. بنابراین، تصمیم گرفتم به دفتر کارم بازگردم. تمرکز روی کار دشوار بود، اما خودم را غرق کار کردم. در عین حال، این خبر منتشر شد. خبر ربه‌ده شدن مادرم در تلویزیون و رادیو پخش شد. زمانی که شبکه سی‌ان‌ان را تماشا کردم و دیدم این خبر آنجا نیز پخش می‌شود، شوکه بودم. این خبر اکنون جهانی شده بود.

روز سوم به چهارم رسید، اما آدم‌ربایان از موضع‌شان عقب‌نشینی نکردند. آنان خواهان استعفای من بودند. اگرچه رسانه‌های خبری می‌دانستند که مادرم ربه‌ده شده، اما تنها خدمات امنیتی دولت، رئیس جمهور و خانواده‌ام از جزئیات مذاکرات در حال انجام باخبر بودیم. روزهای چهارشنبه روز کابینه بود و من یادداشت‌هایی را برای ارائه به کابینه آماده کرده بودم. باور نمی‌کردم که بتوانم از عهده این ارائه برایم، اما پدرم اصرار کرد که این کار دقیقاً چیزی است که باید انجام دهم. با توجه به اینکه آغاز بیشتر جلسات کابینه در تلویزیون پخش خواهد شد، او احساس می‌کرد که آدم‌ربایان این جلسه را تماشا خواهند کرد و من باید نشان می‌دادم که نترسیده‌ام و نمی‌توانند مرا تهدید کنند. پدرم به تربیتی که ما پایبند بود و گفت: «بینی‌ات را تمیز کن، سرت را بالا بگیر و نگذار هیچکس تو را بترساند یا تهدیدت کند.» با این یادآوری، سرم را بالا

گرفتم و به شکلی فعال در جلسه کابینه شرکت و حتی یادداشت‌هایم را نیز ارائه کردم. این یکی از سخت‌ترین کارهایی بود که در زندگی انجام داده بودم، اما تماس‌های بعدی دوستان و همکاران نشان داد که این تصمیم خوبی بوده است. همگی گفتند که این نشان‌دهنده قدرت من در زمان فشار بود، اما این حرف متعجبم می‌ساخت زیرا ابدا احساس قدرت نمی‌کردم.

تداوم شرایط به همین منوال، فشار شدیدی بر آدم‌ربایان وارد می‌کرد. نیروهای امنیتی و پلیس و خدمات امنیتی دولت که با فرماندار، دکتر امانوئل اودوآگان از ایالت دلتا همکاری می‌کردند در حال جست‌وجو در مناطق اطراف شهر بودند. رئیس ستاد ارتش در آن زمان، ژنرال آزوبویکه ایبهجیریکا، گروهی را از ارتش برای پیوستن به این جست‌وجو موظف کرد. این کار جست‌وجوکنندگان را قادر ساخت تا محدوده‌ای به وسعت چندین مایل در اطراف اوگواشی-اوکوو را پوشش دهند. برنامه‌های خبری اعلام می‌کردند که جست‌وجو به دنبال آدم‌ربایان در حال گسترش و تشدید است. این کار برای اعمال بیشترین فشار بر آدم‌ربایان بود تا مجبورشان کند که یا گروگان را آزاد کنند یا در صورت دستگیری با عواقب شدیدی روبه‌رو شوند.

این جست‌وجو و همچنین مذاکرات با آدم‌ربایان به روز پنجم، پنج‌شنبه رسید. وقتی آدم‌ربایان متوجه شدند قصد استعفا ندارم سریعاً روش خود را تغییر دادند و تقاضای ۱۰۰ میلیون نایرا (تقریباً ۶۲۵ هزار دلار) کردند. برادرم با انجام مذاکرات این مقدار را به ۱۰ میلیون نایرا رساند و دستورالعمل گذاشتن این پول در محلی در نزدیکی شهر بنین^۱ را دریافت کرد. یک راننده از خدمات امنیتی دولت و دستیار برادرم، سیلوانوس^۲، پول را با ماشین خودشان به این منطقه در حومه‌های شهر بنین بردند.

صبح روز ششم (جمعه، ۱۴ دسامبر) با نگرانی‌های بسیاری در این خصوص که آیا آدم‌ربایان پول را برداشته‌اند و مادرم را آزاد کرده‌اند یا خیر، فرا رسید. سپس خوشحال‌کننده‌ترین خبر رسید! نزدیک ظهر جمعه، برادرم او نیما تماس گرفت تا بگوید که مادرمان با تاکسی به خانه بازگشته است. او آزاد به خانه بازگشته بود؛ پیرزنی پریشان و به شدت وحشت‌زده. پدرم فوراً آبوجا را به مقصد اوگواشی-اوکوو ترک کرد و قول داد که برای بهبودی مادرم را به آبوجا خواهد آورد. دو روز بعد رسیدند.

1. Benin City

2. Sylvanus

مادرم شکسته شده بود و به نظر می‌رسید نمی‌تواند صحبت کند. دو روز دیگر طول کشید تا بتوانیم داستان این بلایی که بر سرش آمده بود را از خودش بشنویم. او را با ماشین تقریباً ۳۵ مایل به بیرون از اوگواشی-اوکوو برده و سپس پیاده تا یک مکان خالی و مسطح کوچک در داخل جنگل کشانده و دست‌وپاهایش را بسته بودند؛ او روی زمین در همین مکان بالای تپه می‌نشست و می‌خواست و می‌خواست که رابیندگانش (چهار مرد جوان) پایین تپه مانده بودند و تنها غذایی که کل هفته به او داده بودند سوسیس و آب بود.

کوشیده بود با این مردان جوان صحبت کند و بپرسد که چرا او را رها کرده‌اند. آدم‌ربایان دو دلیل برایش آورده بودند. «دختر شما از پرداخت پول بازاریابان نفت انصراف داد و پول توان‌بخشی و سرمایه‌گذاری مجدد یارانه را پرداخت نکرد.» مادرم از نبرد من با کارتلی متشکل از بازاریابان نفتی شیاد که قصد داشتند میلیاردها نایرا را تحت برنامه یارانه نفتی به صورت کلاهبرداری به سرقت ببرند و دولت از پرداخت این مبلغ انصراف داد، مطلع بود. اما او با توان‌بخشی و سرمایه‌گذاری مجدد یارانه آشنا نبود زیرا چیزی در آن خصوص از من نشنیده بود. مادرم گفت: «من پرسیدم که توان‌بخشی و سرمایه‌گذاری مجدد یارانه چیست؛ توضیحی ندادند.»

در اصل برنامه توان‌بخشی و سرمایه‌گذاری مجدد یارانه^۱ طراحی شد تا پول صرفه‌جویی شده از قطع یارانه‌های نفتی برای کارهای عمومی، شبکه ایمنی اجتماعی، سایر برنامه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های کمک به افراد کم‌سواد، بیکاران، زنان و معلولین مصرف شود. مدیریت این برنامه به عهده یک گروه اجرایی اختصاصی خارج از وزارت دارایی بود، به نحوی که مکانیزم‌های پرداختی آن مجزا و خارج از قلمرو کاری من بود. ظاهراً فرد یا افرادی، احساس می‌کردند پولی که حق‌شان بوده را دریافت نکرده‌اند و مادرم تا حدی برای چیزی که اصلاً در حیطه مسئولیت من نبود تنبیه شده بود.

مادرم گفت: «آن چهار مرد تمام روز مراقبم بودند، اما معمولاً شب‌ها سه نفرشان می‌رفتند و فقط یکی نگهبانی می‌داد.» مادرم بارها و بارها سعی کرده بود با آنان صحبت کند اما چندان موفق نشده بود. او متوجه شد که یکی از آنها به زبان ایگبو، زبان ما، حرف می‌زند و گویشش به وضوح از شهر خودمان بود. او با آداب و رسوم ما آشنا بود و طرز احوال‌پرسی‌اش از مادرم به سبک سنتی خودمان بود. اما این فرد جدا

1. Subsidy Reinvestment and Empowerment Program (SURE-P)

از احوال‌پرسی، از حرف زدن خودداری می‌کرد و برخوردی دوستانه نداشت. مادرم فکر می‌کرد که یکی دیگر از آنها نیز به زبان ایگبو حرف می‌زد، اما با لهجه ایالت همسایه ما، آنامبرا. مادرم نمی‌توانسته تشخیص دهد که دو فرد دیگر کجایی بودند، اما فکر می‌کرد که ظاهر و گویش یکی همانند شمالی‌ها بود. او بارها صحبت‌شان پشت تلفن را شنیده بود که وضعش را شرح می‌دادند و دستور می‌گرفتند.

در شب روز پنجم، پنجشنبه، مادرم شنید که این افراد به زبان انگلیسی پیچین با فردی پشت تلفن صحبت می‌کنند و از او می‌پرسند باید با جسدش چه کنند. این یکی از ترسناک‌ترین لحظات زندگی مادرم بود. آن شب، طبق معمول، سه نفرشان رفتند و تنها یک نگهبان باقی ماند. مادرم نمی‌دانست که این نگهبان مامور به کشتش شده است یا خیر. اما تقریباً دو ساعت بعد از اینکه همراهان این مرد او را ترک کردند، او نیز ناگهان محل را ترک کرد. مادرم فکر می‌کرد که او در گوشه‌ای ایستاده است و به‌زودی باز خواهد گشت. اما چند ساعت منتظر ماند و آن مرد دیگر باز نگشت. مادرم گفت که به نحوی تنها ماندن در آن مکان مسطح در تاریکی جنگل باعث ترس بیشترش شده بود، زیرا سرنوشتش نامعلوم بود.

هنگامی که او را در ماشین آدم‌ربایی نشانده بودند، جواهر طلایی که همیشه برای رفتن به کلیسا به تن می‌کرد و همچنین حلقه ازدواج شصت و یک‌ساله‌ای که بسیار دوستش می‌داشت را از او گرفته بودند. اما به ساعت طلایی‌اش دست نزنده بودند، زیرا فکر می‌کردند که خیلی ارزشمند نیست. مادرم گفت که این کار در نظرش یک لطف بود، زیرا می‌توانست از زمان باخبر شود و ساعت‌ها را تا سپیده‌دم بشمارد. زمانی که نگهبان ترکش می‌کند، ساعت تقریباً ۹ شب بود و او تقریباً چهار ساعت برای بازگشتش صبر می‌کند. با بازنگشتن نگهبان، مادرم شروع به باز کردن طنابی می‌کند که با آن دست‌هایش را پشت کمرش بسته بودند و برای شل کردن گره راه‌های مختلفی را امتحان می‌کند. او تمام شب این کار را ادامه داد و تا طلوع آفتاب طناب به اندازه کافی شل شده بود تا بتواند دست‌هایش را بیرون آورد و پاهایش را نیز آزاد کند. او به اطراف نگاهی انداخت، اما کسی را ندید و تصمیم به دویدن گرفت.

مادر ۸۳ ساله من در جنگل می‌دوید و راه می‌رفت و از این می‌ترسید که آدم‌ربایان پیدا و کارش را تمام کنند. تقریباً دو ساعت راه می‌رود تا صدایی مانند عبور ماشین را

باشنود. ساعت تقریباً هفت بامداد روز جمعه بود و او در مسیر صدا به حرکت خود ادامه داده بود. تقریباً چهل و پنج دقیقه بعد صدای عبور ماشین‌ها را از نزدیک می‌شنود. روی یک سراسیمگی بوده و زمانی که به پایین نگاه کرده می‌توانسته بزرگرایی را ببیند که ماشین‌ها در آن رفت‌وآمد داشتند. اما او چطور می‌توانست پایین بیاید؟ مادرم به این نتیجه رسیده بود که تنها راه سُرخوردن است. تا زمانی که او به پایین سراسیمگی رسیده بود، بدنش پر از خراش و کبودی و گل‌ولای و برگ‌ها و علف‌ها شده بود. مادرم می‌گفت، ظاهرش شبیه دیوانه‌هایی شده بود که در نیجریه غالباً در اطراف خیابان‌ها به چشم می‌خورند یا در بازار با خود زمزمه می‌کنند.

او کنار جاده می‌ایستد و با حرکت دستانش سعی در متوقف کردن یک ماشین می‌کند، اما موفق نمی‌شود. افراد نگاهی به او می‌کردند و به راهشان ادامه می‌دادند. او شدیداً به گریه می‌افتد و درحالی‌که کنار بزرگراه ایستاده، از این می‌ترسید که آدم‌ربایان شاید هنوز به دنبالش بیایند. ۴۵ دقیقه گذشته بود که یک جوان با تاکسی موتوری‌اش از راه می‌رسد. وقتی مادرم دست تکان می‌دهد، او چند لحظه‌ای درنگ می‌کند و راهش را می‌رود. مادرم با ناامیدی به دنبالش می‌دود و تاکسی می‌ایستد. مادرم با گریه هویتش و داستان فرارش را توضیح می‌دهد. مرد جوان خبر آدم‌ربایی را در رادیو شنیده بوده است و حرفش را باور و مادرم را سوار می‌کند و با طی کردن ۳۵ مایل او را به خانه‌اش در اوگواشی-اوکو می‌آورد؛ مادرم می‌گفت که وقتی پشت موتور سوار بود تنها چیزی که به فکرش می‌رسید خواندن دعا پس از دعا و خواستن از خدا برای دور نگاه داشتن آدم‌ربایان بود و اینکه بگذارند سالم به خانه برسد.

وقتی مادرم در خانه من بهبودی خود را به دست می‌آورد، چند نفر، از جمله رئیس جمهور و همسر رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور به دیدنش آمدند. با دیدن رئیس جمهور صدایش را باز یافت و قبول کرد که داستان این بلا را از آغاز تا پایان تعریف کند. این اولین باری بود که دیدم او می‌تواند داستان را بدون مکث و بدون درهم‌شکستن خودش تعریف کند.

داستان روده‌شدن مادرم در رسانه‌های بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان گزارش شد و برخی گزارش‌ها به وجود یک ارتباط سیاسی با این آدم‌ربایی اشاره داشت. ویل راس^۱ در ۱۴ دسامبر سال ۲۰۱۲، در مقاله اخبار بی‌بی‌سی نوشت: «خانم

1. Will Ross

اوکونجو-اویالا ۵۸ ساله یک اقتصاددان محترم بین‌المللی است که کمپینی علنی برای پاکسازی فساد، مشخصاً در یک برنامه بحث‌برانگیز مربوط به یارانه سوخت را مدیریت کرده است. او پرداخت پول واردکنندگان سوخت را به تاخیر انداخته و به دنبال تایید بهتر صحت ادعاهای مربوط در خصوص این یارانه‌ها بوده است.^۱ او افزود: «چند روز پیش در هفته جاری سخنگوی وزارت دارایی، پل نوابویکو^۱ گفت که خانم اوکونجو-اویالا اخیراً مورد تهدید قرار گرفته است.»^۲ جیروم استارکی^۳ در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲، در مقاله‌ای در مجله تایمز^۴ نوشت: «دکتر اوکونجو-اویالا، که در سمت مدیر بانک جهانی نیز خدمت کرده، زیر فشار موجی از تهدیدهای جانی بوده است.»^۵

اما این آدم‌ربایی عمدتاً به شکل یک رویداد خاص دیگر در کشوری که معروف بود به این‌گونه رویدادهای تاسف‌انگیز، دیده شد. تاکنون اطلاعات زیادی در مورد دلایل حقیقی این آدم‌ربایی به دست نیامده است. با این وجود، پوشش رسانه‌ای این رویداد به مقامات فشار آورد تا مجرمان را پیدا کنند. چند ماه بعد، گزارش‌های متفاوتی از دستگیری‌های انجام‌شده به دست پلیس در روزنامه‌ها چاپ شد (ابتدا دو نفر و سپس سه نفر). مشخص شد که یکی از آدم‌ربایان فردی بود که در خانه پدر و مادر، «قصر اوبی^۶»، در نقش نگهبان قصر کار کرده و به دلیل رفتار بد از کار خود اخراج شده بود. این فرد اطلاعات درونی را برای آدم‌ربایان فراهم کرده بود.

به‌رغم تلاش‌های مکرر خانواده‌ام برای ادامه جست‌وجو، تحقیقات اطلاعات رسمی اندکی از اینکه دقیقاً چه کسی این افراد را برای آدم‌ربایی استخدام و هدایت کرده بود بر ملا ساخت. چه کسی به آنان گفته بود که من در حال مسدود کردن پرداخت‌ها به بازاریابان نفتی و پیمان‌کاران SURE-P^۷ بودم و باید استعفا دهم؟ اگرچه اطلاعاتی درباره افرادی که احتمالاً در پس این آدم‌ربایی بودند به دست آورده‌ام، اما هیچ اقدام رسمی برای زیر سوال بردن این مجرمان قدرتمند انجام نشده است. مغز متفکرهای احتمالی

1. Paul Nwabuikwu

۲. Will Ross, "Nigeria's Okonjo-Iweala: Kidnappers 'Demanded Resignation,'" *BBC News*, December 17, 2012, www.bbc.com/news/world-africa-20762630.

3. Jerome Starkey

4. Times

5. Jerome Starkey, "Mother of Finance Minister Kidnapped in Nigeria," *The Times*, December 11, 2012, <http://www.thetimes.co.uk/article/mother-of-finance-minister-kidnapped-in-nigeria-8mlnfn5h3m3>.

6. Obi's Palace

پشت این آدم‌ربایی نه هویت‌شان مشخص شد و نه بازجویی شدند. در واقع، هر بار که در مورد آدم‌ربایی مادرم صحبت می‌کنم، گزارش‌های خبری می‌کشند این اتفاق را به شکل یک آدم‌ربایی «معمولی» جلوه دهند. مثلاً، در مقاله‌ای در روزنامه لیدرشیپ^۱ در ۲۳ دسامبر سال ۲۰۱۵، به قلم کولا اکه-اوگیوگو^۲، سلسیتینا کالو^۳، کارمند روابط عمومی پلیس ایالت دلتا، این‌طور نقل قول شده بود که می‌گفت یک مرد با نام پیتر نویکه^۴ که برای آدم‌ربایی دستگیر شده است، «سال‌ها در کار آدم‌ربایی بوده و مدعی است که فقر او را به سمت ارتکاب به این جرم کشانده است.»^۵

اگرچه ممکن بود تمام این گفته‌ها درست باشد، اما واضح بود که بعضی‌ها علاقه‌مند بودند که آدم‌ربایان بدین شکل جلوه داده شوند.

«دفترت را روی یک صندلی چرخ‌دار ترک خواهی کرد»

بلایی که سر مادرم آمد پایان کار ترساندن من که در اواخر سال ۲۰۱۲ و اوایل سال ۲۰۱۳ روی داد، نبود. چند ماه بعد از رهایی مادرم، در یک بعدازظهر جلسه‌ای را با بعضی کارمندانم در دفترم به پایان رسانده بودم و با نوشیدن یک فنجان قهوه دلچسب در حال استراحتی کوتاه بودم که تلفن همراهم به صدا در آمد. دوباره برادرم اونیما بود. مضطرب به نظر می‌رسید. اولین فکری که به ذهنم رسید این بود که دوباره اتفاق بدی در خانواده افتاده است؛ خودم را آماده خبر بد کردم که او هراسان از من می‌پرسید «کجایی؟ کجایی؟» متعجب بودم و گفتم دفترم. گفت باید فوراً به دنبال نیروی امنیتی بیشتری باشم، باید محل کارم را زود ترک کنم (من و کارمندانم به کار کردن تا نیمه‌های شب شهرت داشتیم و عملاً شیفت سوم کاری یا پس از جلسات بعدازظهر، نامی که ما به آن داده بودیم، را آغاز می‌کردیم) و باید از مسیری متفاوت به خانه بازگردم. از برادرم پرسیدم که موضوع چیست؟ او داستان عجیبی را برایم تعریف کرد.

یکی از دوستان قدیمی برادرم با او تماس گرفته و گفته بود به‌تازگی از یک جلسه مخفی آمده است که موضوع آن چگونگی رساندن بیشترین آسیب جسمی به من، طوری

1. Leadership
2. Kola Eke-Ogiugo
3. Celestina Kalu
4. Peter Nweke
5. Kola Eke-Ogiugo, "Nigeria: Okonjo-Iweala's Mother's Kidnap-Suspect Admits Receiving ₦12 Million Ransom," *Leadership*, December 23, 2015, <http://allafrica.com/stories/201512230664.html>.

که فقط زنده بمانم، بود. توافق جلسه بر این بوده که طوری به من حمله شود که فلج، وابسته به صندلی چرخ‌دار و مجبور شوم وزارت دارایی را ترک کنم. این جلسه بین گروهی از واردکنندگان و بازاریابان نفتی برگزار شده بود که دولت فدرال به‌شان پول «بدهکار» بود. این جلسه در خانه رئیس و مالک یکی از شرکت‌های بازاریابی نفتی برگزار شده بود. آنان از این شاکی بودند که من پرداخت‌های یارانه‌ای که فکر می‌کردند به دلیل واردات نفت پالایش شده از ما «طلبکار»ند را نمی‌دهم (به فصل سوم مراجعه کنید). از آنجا که ربودن مادرم نتوانسته بود مرا مجبور به استعفا کند، حرکت بعدی‌شان بیرون راندن من از طریق حمله و معلول کردنم بود. دوست برادرم در این جلسه شرکت داشت، اما احساس می‌کرد که این نقشه ناعادلانه و بی‌رحمانه بود و حق من نبود چنین شود. بنابراین، او تصمیم گرفته بود که این موضوع را در اسرع وقت به برادرم اطلاع دهد.

ترس وجودم را فرا گرفت، در درجه اول به این دلیل که چند هفته پیش با زنی که ادعا می‌شد این جلسه در خانه او برگزار شده، همراه با همسرش ملاقات کرده بودم. همچنین همسرش به من گفت که مطابق سنت ما، برادر من است، زیرا همسرش و من با هم هم‌محلّه‌ای بودیم. چطور یک دوست و هم‌محلّی می‌توانست این کار را بکند؟ به برادرم گفتم که بیشتر احتیاط خواهم کرد. در طول دو سالی که از کارم می‌گذشت، زیاد تهدید شدم، اما با توجه به بلایی که اخیراً سر مادرم آمد، این یک فقره بسیار واقعی و قریب‌الوقوع به نظر می‌رسید.

وقتی به این وضعیت فکر می‌کردم، احساسم این بود که بهترین کار برای اجتناب از یک زندگی در ترس و خطری بزرگ‌تر، انجام کاری غیرعادی بود: با زنی که صاحب آن خانه بود و جلسه در آنجا برگزار شده بود روبه‌رو شوم و بگویم که از نقشه خبر دارم. آدمی بودم که هرگز نمی‌توانستم زیر تهدیدها و باج‌گیری‌ها به راحتی زندگی کنم. نقشه‌ام را به برادرم گفتم. او فکر می‌کرد که این کاری پرخطر است، اما ارزش امتحان کردن دارد. احتمال داشت که این زن دست به انکار بزند، اما دست‌کم حساب کار دستش می‌آمد. فکر می‌کردم که اگر بی‌گناه باشد، احتمالاً شوهرش، «برادر من» را مجبور خواهد کرد تا با خشم تمام با من تماس بگیرد و از تهمت‌هایی که به زنش زده‌ام شاکی خواهد شد، همان‌طور که در سنت نیجریه‌ای ما چنین انتظار می‌رود. اگر او این کار را انجام نمی‌داد، معلوم می‌شد که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه بود و همین هم دلیلی می‌شد برای مقصر بودنش.

شماره تلفنش را از طریق آشنایان پیدا کردم و روز بعد با او تماس گرفتم و او را به آبوچا برای صحبت در مورد مبلغی که به او بدهکار بودیم، دعوت کردم. یکی دو روز بعد در این جلسه حاضر شد؛ فرصت را غنیمت شمردم و مستقیماً سر اصل مطلب رفتم و گفتم که از جلسه برگزار شده در خانه‌اش و موضوعات بحث شده در آن مطلع‌م. گفتم که خدمات امنیتی نیز از این موضوع آگاه است. تظاهر کرد از این موضوع خبری ندارد و اطلاع داشتن از حرف‌های من را انکار و سعی کرد با حق به جانب نشان دادن خودش اصرار کند که زنی در جایگاه او هرگز در چنین دسیسه‌ای مشارکت نمی‌کند. اما انکارهایش پوچ به نظر می‌رسید. پس از اخطار دادن به او که از این تهدیدها نمی‌ترسم، جلسه را پایان دادم و او هم رفت. می‌توانستم ببینم که او کمی شوکه شده بود. تماس خشمگینانه همسرش هرگز گرفته نشد، از این رو، می‌دانستم که این استراتژی موثر بوده است. هر نقشه‌ای که کشیده شده بود، قطعی بود که بی‌سرانجام خواهد ماند!

از این خطر نیز به سختی جان سالم به‌در بردم و فقط به لطف وساطت خدادادی دوست برادرم ممکن شده بود. در سال دوم وزارت بودم. راهی که پیش رو داشتم بسیار طولانی به نظر می‌رسید.

حالا چرا مادرم ربوده شده و تقریباً به قتل رسیده بود؟ و چرا یک گروه طرح معلول کردنم را کشیده بودند؟

پاسخ این سوالات ترسناک این بود که من پا روی دُم بعضی افراد بسیار ثروتمند و قدرتمند گذاشتم که در یک رسوایی فساد، که در نیجریه با نام کلاهبرداری یارانہ نفتی شناخته می‌شود، دخیل بودند. این ماجرا را در فصل سوم تعریف خواهم کرد. اما ابتدا باید با کمی زمینه‌سازی، داستان بازگشتم برای دور دوم وزارت دارایی را تعریف کنم. این موضوع فصل بعد خواهد بود.

فصل ۲

بازگشت به کشوری مشکل‌دار

یک روز خوب بهاری در اولین هفته از ماه می سال ۲۰۱۱، در سال چهارم دوره‌ای که در مقام مدیر کل عملیات بانک جهانی انجام وظیفه می‌کردم، در دفترم در واشنگتن دی‌سی^۱ نشسته بودم که تلفن همراهم به صدا درآمد. این تماس از سوی آتیدو پیترساید^۲، یکی از محترم‌ترین بانک‌داران نیجریه و رئیس Stanbic-IBTC، یکی از عالی‌رتبه‌ترین نهادهای مالی این کشور بود.

طی اولین دوره‌ای که در نقش وزیر دارایی مشغول کار بودم (۲۰۰۶-۲۰۰۳)، آتیدو و من درباره مسیرهای استراتژیک ضروری برای توسعه نیجریه و نقش بخش مالی در آن توافق داشتیم و رابطه حرفه‌ای خوبی با هم برقرار کردیم. ماه‌ها بود که از او خبری نداشتم، اما در واقع از این تماس متعجب نشدم، زیرا برایم کاملاً عادی بود که تماس‌هایی از مقامات رسمی بخش عمومی و خصوصی نیجریه داشته باشم. این افراد همیشه دنبال تبادل نظر در مورد مسائل اقتصادی یا گرفتن راهنمایی در خصوص یک موضوع اقتصادی یا مالی بودند.

با این وجود، برای حرف‌های آتیدو اصلاً آمادگی نداشتم. پس از احوال‌پرسی‌های همیشگی گفت که می‌خواهد مطلع‌م سازد که رئیس‌جمهور منتخب فعلی نیجریه، گودلاک ایبله جاناتان^۳ قصد دارد با من تماس بگیرد و بخواهد که برای سمت وزیر دارایی به کابینه پیوندم. رئیس‌جمهور قرار بود در پایان ماه می سوگندش را یاد کند و قصد داشت کابینه خود را هر چه زودتر تشکیل دهد. او افزود که وی و گروهی از نیجریه‌ای‌های دیگر که بیشترشان از بخش خصوصی بودند، مسئول متقاعد کردن رئیس‌جمهور برای بازگرداندن من در نقش وزیر دارایی بودند. اولین واکنشم آزرده شدن و انصراف از این ایده بود. به آتیدو گفتم در وهله اول از شغلم راضی‌ام و نمی‌خواهم آن را ترک کنم؛ ثانیاً با اینکه این درخواست برای خدمت‌رسانی را افتخار بزرگی تلقی می‌کردم، اما قبلاً این کار را انجام داده و تابه‌حال دو بار به کشورم خدمت کرده‌ام (ابتدا در سال ۲۰۰۰ مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور اولوسگون اوباسانجو^۴ و سپس از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ وزیر دارایی و سپس وزیر امور خارجه در دور دوم ریاست اوباسانجو). خاطرنشان

1. Washington DC.

2. Atedo Peterside

3. Goodluck Ebele Jonathan

4. Olusegun Obasanjo

ساختم که وزیر سابق دارایی، سگون آگانگا^۱، که از گلدمن ساچز لندن^۲ استخدام شده بود، فقط یک سال خدمت کرده بود و می توانستند از او تقاضای ادامه کار کنند یا حتی خود آتیدو یا یکی دیگر از مدیران شایسته بخش خصوصی نیز می توانستند این کار را انجام دهند.

آتیدو پاسخ داد که اجماع گروهی که خواهان بازگشت من بودند این بود که پس از مرگ رئیس جمهور اومارو موسی یار آدوا^۳ و دوره متزلزل سیاسی بعد از آن که به انتخاب گودلاک جاناتان انجامید، به فردی با جایگاه بین المللی نیاز است تا برای جلب دوباره اعتماد و تشویق جریان های سرمایه گذاری داخلی و خارجی به اقتصاد نیجریه، مدیریت اقتصاد این کشور را به دست گیرد. دوما، نیجریه برای ترویج رشد مبتنی بر منابع غیرنفتی، به حرکت استراتژیک محکمی نیاز داشت. سوما، به انجام اقداماتی برای همیاری در زمینه مسدود کردن نشستی های درآمدی و تقویت مدیریت مالی نیاز بود. احساس می شد که من بهتر از هر فرد دیگری مناسب حل این مشکلات بودم. آتیدو از من خواست که قبل از تصمیم گیری، دست کم به گفته های رئیس جمهور منتخب گوش کنم.

چند روز بعد، جاناتان، رئیس جمهور منتخب با من تماس گرفت. اگرچه زمانی که وزیر دارایی بودم و او معاون فرماندار ایالت بایلسا^۴ بود، او را از دور دیده بودم، اما او را نمی شناختم. بنابراین، واقعا نمی دانستم چه انتظاری باید داشته باشم. صدایی دلنشین و پرانرژی به گوشم رسید که می گفت قصد داشته در پی گفت و گوی من با آتیدو، با من صحبت کند. واقعا دوست داشت که با این پیشنهاد موافقت کنم و برای انجام این کار روانه نیجریه شوم.

رئیس جمهور منتخب علاوه بر تمام دلایلی که آتیدو ارائه کرد، توضیح داد که احساس می کند «امور مالی در مسیر نادرستی در حرکت است» و اصلاحش نیازمند جد و جهد است. به منابع بیشتری جهت (ایجاد) سرمایه، مخصوصا در زمینه سرمایه گذاری زیرساختی نیاز بود. او خیلی نگران تعداد زیاد جوانان بیکار و خواهان تمرکز استراتژیک در حوزه اقتصاد ایجاد شغل و ثروت در خارج از بخش های نفت و گاز بود.

1. Segun Aganga
2. Goldman Sachs London
3. Umaru Musa Yar'Adua
4. Bayelsa

در سالی که جاناتان پس از مرگ نافرجام رئیس‌جمهور یار آدوا، موقتا به ریاست جمهوری منصوب شد، متوجه وجود نیازی در زمینه هماهنگ‌سازی مسائل اقتصادی شده بود. برخی مسائل اقتصادی بدون پیگیری یا انجام نشدن اقداماتی در این خصوص حل نشده باقی می‌ماند، زیرا طبیعت آن مسائل و مشکلات مربوط به چند بخش می‌شد و نیازمند توجه دو یا چند وزیر بود. معمولا مسائل مربوط به قلمرو وزرا (عاملی) مهم می‌شد و وزرا در خصوص نحوه اقدامات، ایده‌های متفاوتی داشتند. با پیچیده‌تر شدن اقتصاد، او احساس می‌کرد که وضعیت‌های بیشتری مانند این پدیدار خواهند شد. بنابراین، فکر می‌کرد به فردی با دیدگاه کلی نسبت به اقتصاد نیاز است تا بتواند این مسائل را در سطح فنی به هم نزدیک کند و آنها را بدون نیاز به ارجاع به سطح ریاست جمهوری یا معاونت ریاست جمهوری حل کند. این‌طور فکر می‌کرد که فردی با تجربه و ارشدیت من می‌تواند به انجام این کار کمک کند.

سرانجام، رئیس‌جمهور منتخب سخنش را با کلامی به پایان برد که مرا تحت تاثیر قرار داد. گفت «من از تو نمی‌خواهم که بیایی و برای جاناتان کار کنی. این موضوع در مورد جاناتان نیست. این کار به منزله کمک به کشور خودت است.» این گفته باعث شد برهان او حتی از برهان آتیدو نیز متقاعدکننده‌تر شود. از او به دلیل این افتخار تشکر کردم و برخی نکاتی که با آتیدو در میان گذاشته بودم را برای او نیز تکرار و تاکید کردم که موقعیتم در بانک جهانی در برگیرنده مسئولیت‌های بسیاری است که ترک‌شان برایم بسیار دشوار است. با این وجود، گفتم که با خانواده و رئیس‌م، رابرت زوئلیک^۱، مدیر بانک جهانی مشورت خواهم کرد و به او خبر خواهم داد. گفتم که به اندکی زمان نیاز دارم. رئیس‌جمهور منتخب یک شماره تلفن به من داد تا بتوانم از طریق آن مستقیما با خودش در ارتباط باشم.

درخواست برای بازگشت از واشنگتن به وطنم نیجریه، ذهنم (و در حقیقت زندگی‌ام) را آشفته کرد. واقعا از کارم در صحنه توسعه بین‌المللی لذت می‌بردم. اگرچه دوره اول وزارت دارایی از لحاظ موقعیت‌هایی برای کمک به کشورم، کار کردن با یک گروه قوی و به ثبت رساندن دستاوردهای زیادی در اقتصاد بسیار مثمر ثمر بود، اما دشواری‌های سیاسی و شخصی هم داشت، خاصه در اواخر این دوره. هنگامی که احساس کردم دیگر نمی‌توانم تحت شرایط ناسازگار انجام وظیفه کنم استعفا دادم و استعفایم در حکم یک

1. Robert Zoellick

حرکت جسورانه و بحث‌برانگیز تلقی شد. هیچ وزیری در نیجریه استعفا نمی‌دهد؛ آنها فقط اخراج می‌شوند. کناره‌گیری من از منصبم، خشم بالادستی‌ها را برانگیخت.^۱

با توجه به فضای سیاسی خشن نیجریه، آیا بازگشتم عاقلانه خواهد بود؟ شرایط فعلی در وزارت دارایی دقیقا به چه شکل بود و آیا این شرایط برای رسیدن به پیشرفت‌های بیشتر در اقتصاد، کارآمد خواهد بود؟ باید کمی تحقیق و مقدار زیادی تامل می‌کردم. اگر بنا بر میل خودم پاسخ منفی می‌دادم باید ادله محکمی برای پشتیبانی از این پاسخ ارائه می‌کردم، زیرا رد پیشنهاد رئیس‌جمهور می‌تواند کار بسیار سختی باشد.

به یاد آوردم که رد پیشنهاد رئیس‌جمهور یار آدوا، فردی که به من افتخار داد و دو مرتبه به من پیشنهاد داد که در نقش وزیر دارایی به کشورم بازگردم، چقدر دشوار بود. اما این اتفاق در سال ۲۰۰۸ افتاد و آن زمان دلایل بسیار محکمی برای نه گفتن داشتم (از جمله این حقیقت که من چند ماه قبل به تازگی به یک مقام ارشد در بانک جهانی بازگشته بودم و ترک این شغل پس از چنین مدت کوتاهی کاری غیرحرفه‌ای محسوب می‌شد).

وقتی او بار دوم با مهربانی خود تاسف مرا پذیرفت و از من خواست تا فرد دیگری را پیشنهاد کنم، خاطرم بسیار آسوده شد. او پیشنهادم را پذیرفت و دکتر منصور موحتار^۲ که اقتصاددان و همکار و مدیر کل سابق دفتر مدیریت بدهی نیجریه^۳ بود را به سمت وزیر دارایی منصوب کرد. اگرچه آن وضعیت دشوار، نسبتا خوب حل شد، اما آن زمان نمی‌دانستم که اگر دوباره پاسخ منفی بدهم چه اتفاقی خواهد افتاد.

در همین زمان، تصمیم گرفتم که با خانواده‌ام مشورت کنم زیرا نمی‌توانستم بدون پشتیبانی آنها دست به حرکتی بزنم. همسر و فرزندانم زیاد مشتاق نبودند و اضطراب دوره قبل را از یاد نبرده بودند. اما گفتند که اگر بخواهم این کار را بکنم، از تصمیمم حمایت خواهند کرد. خانواده دورتر من قطعاً مخالف این کار بودند، مخصوصاً برادران و خواهرانم. سه نفر از برادرانم صاحب کسب‌وکار خودشان در نیجریه بودند و زمانی که وزیر دارایی بودم از بسیاری از کنایه‌ها و اتهامات دروغین رنج بردند. آنها نمی‌خواستند آن دوران دوباره تکرار شود. پدرم نگاه خیلی مثبتی داشت و حمایت زیادی نشان داد و احساس می‌کرد که ممکن است دوباره یک شانس واقعی برای تغییر اقتصاد کشور از

۱. به کتابم مراجعه کنید:

Reformorming the Unrable: Lessons from Nigeria (Cambridge, MA: MIT Press, 2012)

2. Dr. Mansur Muhtar

3. Nigeria's Debt Management Office

طریق ریشه‌یابی نشتی‌ها، ارتقای سطح زندگی مردم، اشتغال‌زایی و مبارزه با فقری که هر روز محل زندگی او و مادرم را احاطه می‌کرد، داشته باشم. مادرم یادآوری کرد که یک مزیت دیگر قبول این مقام این است که او می‌تواند بیشتر مرا ببیند.

حمایت و استدلال پدرم تاثیر بسیاری بر من گذاشت. او فردی بود که به نیجریه و ادای دین به زادگاه‌مان بسیار باور داشت و در این موضوع، تاثیر او بر من بسیار عمیق بود. پدرم همچنین همیشه توصیه‌ها و راهنمایی‌های خوبی را در اختیارم می‌گذاشت. تصمیم گرفتم که در مورد اتفاقات مربوط به اقتصاد و امور مالی وطنم اطلاعات بیشتری کسب کنم.

با شگفتی تمام متوجه شدم که در زمینه امور مالی، روند اقداماتی که در سال ۲۰۰۴ (با کمک بانک جهانی، دپارتمان توسعه بین‌المللی^۱ (DFID) بریتانیا و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۲ (USAID)) برای ایجاد نهادها، نظام‌ها و فرآیندهایی که جهت ریشه‌کن کردن نشتی‌های درآمدی در بودجه آغاز شده بود، پس از رفتن من بسیار کند و در واقع متوقف شده بود. تراکنش‌های دولتی همچنان به طور عمده مبتنی بر پول نقد بود و فضای زیادی برای انحراف مفسدانه بودجه‌ها باقی گذاشته بود. ایجاد سه سامانه مبتنی بر فناوری که ما آغاز کرده بودیم و برای نوسازی سامانه پرداخت طراحی و به یک سامانه الکترونیکی منتقل شده بودند (سامانه یکپارچه اطلاعات مدیریت مالی دولت^۳ (GIFMIS))، سامانه اطلاعات یکپارچه حقوق و دستمزد^۴ (IPPIS) و سامانه حساب منفرد خزانه‌داری^۵ (TSA)) متوقف شده بود. ظاهراً منافع خاصی که از سامانه قدیمی سود می‌برند همچنان دست بالا را در اختیار دارند. این بخشی از کار ناتمام ما در امور مالی بود که افراد آشنا با این مسائل در مورد آن صحبت می‌کردند.

یک مساله جدی دیگر در زمینه اقتصاد و امور مالی، برنامه یارانه نفتی بود که حفره‌ای بزرگ در امور مالی کشور به وجود آورده بود و هزینه آن تقریباً به ۱۱ میلیارد دلار در سال (تقریباً معادل با ۳٪ از تولید ناخالص داخلی نیجریه) می‌رسید. این اتفاق زمانی در حال وقوع بود که منابع مختص سرمایه‌گذاری‌های مربوط به زیرساخت‌ها یا

1. Department for International Development

2. The United States Agency for International Development

3. Government Integrated Financial Management Information System

4. The Integrated Personnel and Payroll Management Information System

5. The Treasury Single Account

شبکه‌های ایمنی اجتماعی محدود بود. اجرای این برنامه مشکوک به کلاهبرداری بود، طوری که به نظر می‌رسید پول‌ها در حال انتقال به اعضای (طبقه) ممتاز کشور است. بنابراین، نه تنها فقرایی که توجیه اصلی یارانه‌ها بودند، سود بسیار اندکی می‌بردند، بلکه گروه کوچکی از افراد (طبقه) ممتاز با کلاهبرداری خود دوبرابر به آنها حقه می‌زدند.

هشدار عجیب

اکنون دیگر به اواسط ماه می رسیده بودیم و من درحالی‌که عمیقاً به این مسائل فکر می‌کردم تماسی از دوست قدیمی دیگری، فرماندار دونالد دوک^۱، فرماندار سابق ایالت کراس ریور^۲، دریافت کردم. او که فرماندار روشنفکر «پاک‌ترین ایالت نیجریه» بود و سعی داشت برای ایالت خود یک پایه گردشگری و خدماتی بسازد به من گفت که به واشنگتن دی‌سی آمده و علاقه‌مند است با من ملاقات کند. او را به دفترم دعوت کردم. فرماندار دوک به من گفت شایعاتی شنیده که من را برای وزارت دارایی نیجریه دعوت کرده‌اند. راجع به صحت این شایعات پرسید. تایید کردم و گفتم در حال فکر کردنم. سپس به من گفت که پیامی را از سوی گروهی از افراد «نگران» آورده که توصیه می‌کنند این دعوت را نپذیرم. از او درمورد هویت این افراد نگران و دلیل‌شان برای این توصیه پرسیدم. اسامی این گروه را در اختیار من قرار نداد، اما خاطر نشان کرد که بعضی از آنها را می‌شناسم و حتی برخی گفته بودند که دوستان من هستند. او در مورد دلیل این توصیه گفت که این افراد احساس می‌کردند که پذیرش این دعوت «باعث اعتبار بخشیدن به جاناتان و دولت او خواهد شد»، درحالی‌که او شایسته این اعتبار نیست. اگر این دعوت را رد می‌کردم، مدیریت او ضعیف باقی می‌ماند و به احتمال زیاد به موفقیت نمی‌رسد.

از این بدبینی تعجب و اشاره کردم که مردم نیجریه رئیس‌جمهور جاناتان را به‌تازگی و با ۵۸/۸۹٪ از آرا انتخاب کرده‌اند و این به منزله این است که به توانایی او برای هدایت کشور ایمان دارند. همچنین ذکر کردم که جاناتان از من نخواست که برای حمایت از وی به دولت‌ش بپیوندم، بلکه از من خواسته برای کمک به پیشرفت امور مالی کشور و

1. Governor Donald Duke

2. Cross River

هدایت اقتصاد در مسیر درست اشتغال‌زایی و بهبود استاندارد زندگی، مخصوصاً برای جوانان این کار را انجام دهم. تمام افرادی که جاناتان را انتخاب کرده‌اند چه می‌شوند؟ آیا حق‌شان نیست که افرادی شایسته به آنها خدمت کنند؟ او گفت صرفاً ابلاغ‌کننده یک توصیه دوستانه است و پیشنهاد می‌کند آن را بپذیرم. او بدون اینکه از من تعهدی در مورد نپذیرفتن این دعوت بگیرد، رفت.

این گفت‌وگو مرا هراسان کرد زیرا بدین معنا بود که به‌رغم نتایج واضح انتخابات، همچنان در سربلندی در کشور وجود داشت. افرادی بودند که آشکارا نمی‌خواستند رئیس‌جمهور منتخب جدید به موفقیت برسد و تاثیر این موضوع بر کشور اهمیتی برای‌شان نداشت. این موضوع حاکی از این بود که به احتمال زیاد تفرقه‌های عمیقی که در زمان بیماری رئیس‌جمهور یار آدوا در سال ۲۰۰۹ و مرگ او در پنجم ماه می سال ۲۰۱۰ در کشور به وجود آمده بود، همچنان آتش زیر خاکستر بودند. رئیس‌جمهور یار آدوا در ماه می سال ۲۰۰۷ برای ریاست جمهوری انتخاب شد و با یک بیماری کلیوی مزمن و بعدها با بیماری‌های قلبی که نیجریه‌ای‌ها از آن بی‌خبر بودند، بر سر قدرت آمده بود و وضعیت سلامتی رئیس‌جمهور مخفی نگه داشته می‌شد. فقط در سال ۲۰۰۹ بود که وقتی یار آدوا برای معالجه‌اش کشور را زمانی طولانی ترک و به آلمان و عربستان سعودی سفر کرد، نیجریه‌ای‌ها متوجه جدیت بیماری‌های او شدند. غیبت طولانی او، بدون انتقال قدرت به معاون رئیس‌جمهور، گودلاک جاناتان، بنا بر شرط قانون اساسی باعث شد تا کشور بی‌سرپرست باقی بماند. اعتراضاتی در گرفت. مقاله آدام نوسیتز^۱ در مجله نیویورک تایمز^۲ در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۰ گزارش می‌دهد که:

روز پنجشنبه صدها نیجریه‌ای خشمگین برای اعتراض به غیبت طولانی رئیس‌جمهور که برای مداوای درمانی به مدت تقریباً دو ماه در عربستان سعودی مانده بود، در خیابان‌های پایتخت تظاهرات کردند. رئیس‌جمهور اومارو یار آدوا قبل از چند جمله مکث‌داری که روز پنجشنبه از روی تخت بیمارستان به بی‌بی‌سی اعلام کرد، خاموش مانده و دولت از زمانی که او نیجریه را در روز ۲۳ نوامبر ترک کرده بود، اطلاعاتی در مورد وضعیت او نداده بود. با این حال، مشخص شده که او مبتلا به پریکاردیتیس حاد^۳ یا

1. Adam Nossiter
2. New York Times
3. Acute pericarditis

التهاب جداره قلب است. در این کشور که از لحاظ قومی شکننده است، سیاستمداران گرد هم آمده‌اند تا درباره این خلأ قانون اساسی مذاکره کنند و پیشنهاد‌های مکرری در مورد انتقال قدرت به معاون رئیس‌جمهور ارائه شده و تعدادی دادخواهی فدرال در خصوص غیبت آقای یار آدوا تصویب شده است و رسانه‌های خبری به‌شکلی جنون‌آمیز وضعیت سلامتی او را پیش‌بینی می‌کنند و نیجریه‌ای‌ها از اینکه کشور به وضوح بدون سرپرست رها شده مبهوت مانده‌اند. ... آقای سونینکا^۱ در مصاحبه‌ای کوتاه خاطرنشان ساخت که غیبت طولانی رئیس‌جمهور نیجریه و ناتوانی او در این دوره در انتقال قدرت به معاون رئیس‌جمهور، گودلاک جاناتان که از بخش متفاوتی از کشور آمده، باعث «اختلال کامل در قانون اساسی» شده است. برخی معترضان ادعا دارند که شمالی‌هایی که آقای یار آدوا را احاطه کرده‌اند تمایلی ندارند که قدرت و منافع آن را به جنوبی‌هایی که از لحاظ قومی با آنها متفاوت‌اند محول کنند.^۲

فشار مردم طوری بود که وقتی رئیس‌جمهور یار آدوا در ماه می سال ۲۰۱۰ درگذشت، تنها چیزی که مانع از به وجود آمدن بحرانی در قانون اساسی شد، سوگندی بود که معاون رئیس‌جمهور برای ریاست جمهوری یاد کرده بود. همه افراد از این پیش‌آمد خوشحال نبودند زیرا این رویداد آشکارا با توافق غیررسمی اشتراک قدرت در حزب دموکراتیک مردمی^۳ حاکم منوط بر گردش ریاست جمهوری بین شمال و جنوب در تضاد بود. به دلیل اینکه اولسگون اوباسانجو از جنوب غرب کشور برای دو دوره مجاز توسط قانون اساسی رئیس‌جمهور بود، انتظار می‌رفت که یار آدوا که یک شمالی بود به مدت دو دوره در ریاست جمهوری بماند. برخی باور داشتند که اگر او فوت کند باید یک فرد شمالی دیگر قدرت را به دست بگیرد، نه یک معاون رئیس‌جمهور جنوبی. بنابراین، بعضی افراد دوره ریاست جمهوری جاناتان در سال ۲۰۱۰، که کامل‌کننده اولین دوره چهارساله یار آدوا بود را نامشروع می‌پنداشتند. اما مطمئناً او در سال ۲۰۱۱ با شرکت در انتخابات و شکست رقیب خود، محمدو بوهاری^۴ با اختلاف متقاعدکننده ۲۶٪

1. Mr. Soyinka

۲. Adam Nossiter, "Protest in Nigeria over Absent Leader Led by Nobel Laureate and Writer Wole Soyinka," *New York Times*, January 12, 2010.

۳. People's Democratic Party (PDP)

۴. Mr. Muhammadu Buhari

مشروعیتش را کسب کرده بود. این موضوع باید جایگاه او را تثبیت می‌کرد. با این همه، با توجه به برخوردی که من با فرماندار دوک داشتم، این‌طور نبود. آتش در دسرسازی زیر خاکستر سوگند ریاست جمهوری گودلاک جاناتان در ۲۸ ماه می بود.

حملات آغاز می‌شود

بعد از رفتن فرماندار دونالد دوک از واشنگتن و آن گفت‌وگوی غیرعادی، چند روزی در حال فکر کردن به تمام این اتفاقات بودم و سعی داشتم درک کنم که قبول این وظیفه به چه معنایی خواهد بود که ناگهان حملات آغاز شد. دوستان و خانواده‌ام به من در مورد انتشار سیلابی از مقالات که روی خبرگزاری آنلاین نیجریه با نام صحرا رپورترز قرار می‌گرفت و در حال حمله به من و ایده بازگشتم به دولت به عنوان وزیر اقتصاد و دارایی بود، هشدار دادند.

در وهله اول این رویداد را در حکم اقدام یک خبرگزاری برای جلب توجه نادیده گرفتم. وقتی وزیر بودم برخورد ناخوشایندی با صحرا رپورترز داشتم. یک شب روی یک خط تلفن خصوصی که آن را فقط برای خانواده‌ام در نظر گرفته بودم، تماسی دریافت کردم. وقتی با این انتظار که یکی از اعضای خانواده‌ام پشت خط است گوشی را برداشتم، صدای فردی را شنیدم که خودش را اومویله سووره^۱ از خبرگزاری صحرا رپورترز معرفی کرد و سوالاتی داشت که می‌خواست به آنها پاسخ بدهم. بسیار خشمگین شدم و پرسیدم چطور توانسته با شماره خصوصی من تماس بگیرد. سووره، خبرنگار صحرا رپورترز، گفت که منابع خود را دارد، اما مساله این نیست که چطور شماره مرا به دست آورده است؛ بلکه من یک خادم عمومی هستم و او حق دارد هر زمانی و با هر شماره‌ای با من تماس بگیرد و من باید سوالاتش را پاسخ بدهم. به صورت جدی به او گفتم که حق تجاوز به حریم خصوصی من را ندارد. دیری نپایید که نوار گفت‌وگوی ما روی اینترنت پدیدار شد. نه تنها این فرد تمام قوانین مربوط به رفتار خوب را زیر پا گذاشته بود، بلکه پا فراتر گذاشته و به شکلی غیراخلاقی گفت‌وگوی ما را بدون آگاهی یا اجازه من ضبط کرده بود. فکر نمی‌کردم که این رسانه خبری ارزش توجه داشته باشد.

1. Sahara Reporters

2. Omoyele Sowore

صحرا ریپورترز از اواخر ماه می سال ۲۰۱۱ تا ژوئن و جولای همان سال تقریباً روزانه یک مقاله منفی در مورد من منتشر می‌کرد (به پیوست الف مراجعه کنید). واضح بود که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. این مقالات در حمله‌های خود روش‌های متفاوتی را به کار می‌گرفتند. برخی ادعا می‌کردند که من در دوره اول حضورم در وزارت دارایی ناموفق بودم و از این رو ارزش دعوت دوباره به کشور را ندارم. مقاله‌های دیگر موفقیت دوره اولم را تصدیق اما پیش‌بینی می‌کردند که در دوره دوم از سوی فرمانداران ایالتی که خواهان بازگشت من نبودند با چنان مخالفت شدیدی روبه‌رو خواهم شد که در کارم ناموفق خواهم شد؛ پس نباید زحمت بازگشتن به کشور را به خودم بدهم.

برخی دیگر از این مقالات نیز در مورد درخواست‌های غیرقانونی بود که من از رئیس‌جمهور جدید داشتم؛ مثلاً پرداخت حقوق من در قالب دلار آمریکا. این حمله سعی داشت انتقادات مربوط به حقوقی که از صندوق دیاسپورا^۱ تحت مدیریت برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۲ در قالب دلار به نفع من از کارکنان نیجریه‌ای بازگشته به وطن (من و هشت نفر دیگر) پرداخت شده بود را زنده کند. این صندوق از طریق کمک‌های اهدایی (همان‌طور که برای کشورهای دیگری چون افغانستان انجام می‌شد) و به درخواست رئیس‌جمهور وقت او با سانجو تشکیل شده بود تا او بتواند نیجریه‌ای‌های شایسته را برای انجام وظیفه به وطن جذب کند. رقبای رئیس‌جمهور این صندوق را به عرصه سیاست کشانده و آن را به شکلی بد جلوه داده بودند. وزیر امور خارجه وقت، اولویمی آدنيجی^۳ (که او نیز از این صندوق حقوق می‌گرفت) و من هدف انتقادات قرار گرفته بودیم. در خصوص من، این صندوق به مدت یک‌سال و نیم همان حقوق پایه‌ای که در بانک جهانی دریافت می‌کردم را منهای مزایای دیگر آن به من اختصاص می‌داد که بعداً تصمیم به خروج از این برنامه و پذیرفتن حقوق معمولی وزیران گرفتم. این حقوق موقتی به من و همسرم اجازه داد تا در حین انجام وظیفه، ترتیبات دیگری برای شهریه دانشگاهی سه فرزندمان فراهم کنیم. این خبرگزاری با این ادعای دروغین که من تقاضای حقوق دلاری دارم سعی در برهم‌زدن جو عمومی علیه من داشت.

مقاله‌های دیگری نیز بودند که سعی داشتند بدانند چرا من باید شغل خوب در

1. Diaspora Fund

2. United Nations Development Programme (UNDP)

3. Oluyemi Adeniji

بانک جهانی را رها کنم و به نیجریه بیایم و گمان می‌کردند که من به دنبال قدرت و کنترل هستم. دو مقاله از صحرا راپورترز این نگرش را به طور خلاصه نشان می‌دهند. مقاله‌ای که در ۲۱ ژوئن چاپ شده بود می‌پرسید:

آیا شما حاضرید قدرت و امتیازات مربوط به جایگاه مدیریت کل در بانک جهانی را با گذراندن دور دوم وزارت اقتصاد و دارایی در نیجریه تعویض کنید؟ اگر شما هیچ ضمانتی نداشته باشید که بتوانید سیاست اقتصادی را کنترل کنید، آیا باز هم این کار را انجام می‌دهید؟ آیا شما این کار را با حقوقی که به طرز چشمگیری پایین‌تر از دستمزد شغل فعلی شما در واشنگتن دی‌سی است انجام می‌دهید؟ این موارد برخی از سوالاتی هستند که گفته می‌شود بین خانم اوکونجو-اویالا و گودلاک جاناتان برای بازگرداندن همکار سابق کابینه خود برای شغلی در بخش امور مالی مطرح است و به همین خاطر آنها تعیین (اسامی) زودهنگام وزیران کابینه را متوقف کرده‌اند.^۱

این یادداشت مطبوعاتی ادامه داشت و به خوانندگان یادآور می‌شد که اوکونجو-اویالا «قبلاً زمانی که با رئیس‌جمهور سابق اولسگون اوباسانجو موافقت به انجام کار کرده بود نیز سر یک موضوع بحث‌برانگیز دیگر در مورد حقوق دلاری درگیر شده بود.» مقاله روز ۲۲ ژوئن با عنوان خبری «کابینه جاناتان و نگوزی اوکونجو-اویالا^۲» در حقیقت می‌گوید که:

اخبار مربوط به جاناتان و نگوزی بسیار تهوع‌آور است. نگوزی می‌توانست فقط یک مشاور با حقوقی بسیار بالا باشد، نه وزیر دارایی. او در گذشته‌ای نزدیک به این مقام منصوب شد و به شدت ناموفق بود. او پول نقد وام‌های بی‌پایه و اساس را در جیبش گذاشت و با آن پول کارفرمای واقعی خود، یعنی صندوق پولی بین‌المللی^۳ پول، را «بازپرداخت کرد». اینها پول‌هایی است که می‌توانست برای تعمیر بخشی از زیرساخت‌های کاملاً تخریب‌شده ما مورد استفاده قرار گیرد.^۴

اینکه این حملات رسانه‌ای حتی قبل از اینکه من تصمیم به پذیرفتن این مقام بگیرم روی می‌داد، خود گویای اوضاع بود! من احساس کردم که زمان دیدار با رئیس‌م، رابرت

1. "New Cabinet List: Ngozi Iweala Stalls Jonathan over Pay and Control of Economic Policy," *Sahara Reporters*, June 21, 2011.

2. Jonathan's Cabinet and Ngozi Okonjo-Iweala,"

3. International Monetary Fund

4. "Jonathan's Cabinet and Ngozi Okonjo-Iweala," *Sahara Reporters*, June 22, 2011.

زونلیک مدیر بانک جهانی و در میان گذاشتن خبر این پیشنهاد شغلی با او و صحبت در مورد این وضعیت فرارسیده است. باب^۱ از مقالاتی که صحرا راپورتز منتشر کرده بود اطلاع داشت و اکنون شرایط را درک می‌کرد. ما به این نتیجه رسیدیم که این کارها تاکتیک‌های بدی برای ترساندن و اجبار من به پذیرفتن این موقعیت شغلی بود. از نظر او کار کردن در نیجریه حتی در شرایط معمولی نیز سخت و پیچیده بود، اما با توجه به این حملات باید با دقت فکر و قبل از تصمیم‌گیری وضعیت را سبک‌سنگین می‌کردم. به باب گفتم از سفری که به‌زودی در روزهای ۱۵ و ۱۶ ژوئن سال ۲۰۱۱ به مجمع اقتصادی سن‌پترزبورگ^۲ در روسیه خواهم داشت برای تامل در این‌باره استفاده می‌کنم و با تصمیم پیش او باز خواهم گشت. من و اعضای خانواده‌ام آن زمان از تاکتیک‌های کثیفی که علیه من به کار گرفته شده بود عصبانی بودیم. برخی رسانه‌ها در نیجریه که بسیار جلوتر از بقیه بودند، قبل از اینکه این تاکتیک‌ها به رفتارهای محبوبي در سال ۲۰۱۷ بدل شود، شروع به انتشار اخبار جعلی و حقایق دیگری کرده بودند.

اما من به این راحتی میدان را خالی نمی‌کردم. در واقع، تاثیر این حملات مرا بیشتر به پذیرفتن این شغل سوق می‌داد. این کار برای من تاحدی به لجبازی بدل شده بود. چرا برخی افراد چنان درصدد مشاهده شکست دولت (حکومت) بودند که برای منصرف کردن من از پذیرفتن این شغل به دروغ روی آورده بودند؟

چند روز قبل از اینکه واشنگتن را به مقصد سن‌پترزبورگ ترک کنم، رئیس‌جمهور جاناتان دوباره تماس گرفت تا بداند آیا تصمیمی گرفته‌ام یا خیر. از او خواستم اندکی دیگر به من زمان دهد و گفتم تصمیمم را هفته بعدی در سن‌پترزبورگ خواهم گرفت. پس از تماس رئیس‌جمهور، دبیر جدید دولت فدرال^۳، رئیس آنیم پیوس آنیم^۴ تماس گرفت و اصرار داشت که پاسخ مثبت باشد. با همسرم سفر کردم و با او مفصل در مورد نکات خوب و بد این شغل صحبت کردم. در سن‌پترزبورگ، آتیدو پیترساید تماس گرفت و بازم فشار بیشتری جهت پذیرش این شغل وارد کرد.

هنگامی که روسیه را ترک کردم، قطعا احساس مثبت‌تری نسبت به این شغل داشتم. واضح بود که کارهای ناتمامی از دوره اول کاریم در نقش وزیر دارایی باقی مانده بود. اگر

1. Bob

2. St. Petersburg Economic Forum

3. New Secretary to the Federal Government

4. Anyim Pius Anyim

قرار بود نیجریه به شکل موفقیت آمیزی با فساد مبارزه کند، نه تنها نیاز به دستگیری و محاکمه افراد داشت (که کاری حیاتی بود) بلکه باید در وهله اول برای بهبود شفافیت و دشوارتر ساختن کارهای مفسدانه، نهادها و فرآیندها و نظام‌هایی را مستقر می‌کرد.

برای مدیریت امور مالی این کشور، سامانه‌هایی وجود داشت که در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ آغاز به ساخت‌شان کرده بودیم، اما ساخت‌شان متوقف شده بود. احساس می‌کردم در اینجا فضایی وجود دارد که می‌توانم واقعا نقشی در بهبود امور کشور ایفا کنم. اتمام این کار برای ریشه‌کن کردن نشتی‌ها در بودجه الزامی بود. فرآیند انتشار درآمدهای ماهانه در دولت فدرال و تمام سی‌وشش ایالت این اتحادیه، که اطلاعات را در اختیار مردم قرار می‌داد نیز متوقف شده بود و باید دوباره آغاز می‌شد. همچنین کار روی روش‌هایی برای بهبود اقتصاد غیرنفتی، متنوع‌سازی پایه اقتصادی و اشتغال‌زایی برای جوانان هیجان‌انگیز بود.

تجربه کسب‌شده تا بدینجا نشان می‌داد که این جایگاه شغلی جدید ریسک زیادی دارد. این کشور آن‌طور که آرا نشان می‌داد، متحد نبود. افرادی بودند که آرزوی ناکامی رئیس‌جمهور را داشتند. افرادی بودند که به وضوح بدخواه من بودند و گرایش به حمله نشان داده بودند. اما در آن مقطع احساس می‌کردم یک موقعیت واقعی برای اثرگذاری مثبت وجود دارد و باید این خطر را به جان بخرم. متأسفانه نمی‌دانستم که افراد دارای سوءنیت حاضر به انجام دادن چه کارهایی هستند و اینکه کدام گروه از افراد با چه انگیزه‌هایی اقدام خواهند کرد. اما در رویدادهای فصل اول مشاهده شد که این افراد ناچار به انجام چه کارهایی شده بودند. زمانی که مادرم ربوده شده بود، مدام از خودم می‌پرسیدم آیا این شغل ارزش این ریسک را داشت یا خیر؟

با بازگشت از سن پترزبورگ به واشنگتن در ماه ژوئن سال ۲۰۱۱، به رئیس‌م گفتم تصمیم به پذیرفتن پیشنهاد رئیس‌جمهور جانانتان گرفته‌ام. به من گفت: «تو شجاعی.» گفت اگرچه با تصمیم موافق نیست اما به خواسته‌ام برای کمک به کشورم احترام می‌گذارد. از او خواستم به من توصیه‌ای کند. دو چیزی که او به من گفت به نکاتی محوری در گفت‌وگوی من با رئیس‌جمهور بدل شد.

ابتدا تشویق کرد که از دسترسی سیستماتیک خودم به رئیس‌جمهور اطمینان حاصل کنم. اگر قرار بود با مسائل دشواری سروکار داشته باشم، باید مطمئن می‌شدم که جلساتی رودررو و مرتب با رئیس‌جمهور خواهم داشت تا بتوانم با او درباره مسائل دشوار

صحبت کنم. به من یادآوری کرد که این گونه دسترسی‌ها همیشه از پیش تعیین شده نیست و پس از اینکه به دیوانسالاری اداری بیوندم افراد بیشتری قصد این را خواهند داشت که به جای کمک کردن به من برای دیدار با رئیس‌جمهور، مانع این دیدار شوند. از این رو، قبل از هر چیز باید در این مورد (با رئیس‌جمهور) مذاکره کنم. دوماً باید به فکر افرادی باشم که با من همکاری خواهند کرد. نیجریه کشوری مساله‌دار بود و به افرادی نیاز داشتم که به صورت گروهی با من همکاری و از من پشتیبانی کنند. همچنین باید قبل از شروع مسئولیت، در خصوص این موضوع نیز با رئیس‌جمهور به توافق می‌رسیدم.

این توصیه‌ها بازتاب تجارب خودم طی دور اول وزارت دارایی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ بود. برای دیدار با رئیس‌جمهور به نیجریه سفر کردم و کوچک‌ترین برادرم، چیچی، مرا برای شرکت در این جلسه تعیین‌کننده با ماشینش به ویلا^۱ (محل اقامت و دفتر رسمی ریاست جمهوری نیجریه) برد. با قرار گرفتن در مقابل دروازه این اقامتگاه، ناگهان عظمت و وظیفه‌ای که ممکن بود به عهده‌ام قرار گیرد احساس اضطرابی در درونم ایجاد کرد. برادرم متوجه نگرانی‌ام شد و گوشه‌ای پارک کرد و از خدا طلب دانش و راهنمایی کردیم.

آن لحظه تقریباً امیدوار بودم که رئیس‌جمهور موضوعاتی که قرار بود با او در میان بگذارم را نپذیرد و همه چیز تمام شود. اما این جلسه خوب پیش رفت. رئیس‌جمهور جاناتان فردی مهربان و دلپذیر بود. به تمام سخنانم با دقت گوش داد. به خوبی پیرامون اقتصاد گفت‌وگو کردیم و اگرچه او مدام می‌گفت که از اقتصاد چیزی نمی‌داند، اما دقیقاً می‌دانست که قصد دارد کشور را در چه مسیری هدایت کند. شرایط من از جمله نقشی که قرار بود بنا به خواسته او به عنوان وزیر هماهنگی اقتصاد^۲ ایفا کنم را مرور کرد. با یک جلسه دو جانبه، دست‌کم هفته‌ای یک بار و دسترسی به او در صورت نیاز در اوقات دیگر موافقت کرد. همچنین با تشکیل یک گروه اقتصادی به مدیریت خودش که قرار بود در ابتدا ماهانه و بعدها در فواصل طولانی‌تر با هم دیدار کنند و یک گروه اجرایی اقتصادی کوچک‌تر به مدیریت خودم که قرار بود برای هماهنگ‌سازی امور اقتصادی و انجام کارها هفته‌ای یک‌بار با هم دیدار کنند، موافقت کرد.

1. Villa
2. Coordinating Minister of Economy

اشاره کردم که برای تشکیل این گروه به هسته کوچکی از اصلاح‌گران نیاز است. قبل از ملاقات با رئیس‌جمهور، تماسی از دکتر آکین آدسینا^۱، اقتصاددان کشاورزی در بنیاد راکفلر^۲ و معاون رئیس اتحادیه انقلاب سبز در آفریقا^۳ داشتم که گفت قصد نامزد شدن برای مقام وزارت را دارد و نظر من را راجع به این موضوع جویا شد. وقتی در هیات‌مدیره راکفلر کار می‌کردم، با آکین آشنا شدم و بسیار به او افتخار می‌کردم. او یکی از بهترین نیجریه‌ای‌هایی بود که در حوزه کشاورزی می‌شناختم؛ باهوش و خلاق و پویا بود. فکر می‌کردم یکی از اعضای عالی‌کابینه و گروه اقتصادی خواهد بود و او را تشویق به پذیرفتن این نامزدی کردم. همچنین گفتم چه‌بسا من هم به او بپیوندم. بنابراین، اصرار داشتم که رئیس‌جمهور آکین را منصوب کند.

همچنین پیشنهاد دادم دکتر محمد پاته^۴ (یکی دیگر از اصلاح‌گران مشتاق در بخش درمانی ما در ایالت باوچی^۵ که ذهنیتی قدرتمند داشت و آن زمان رئیس آژانس مراقبت درمانی اولیه^۶ بود) باید به جایگاهی در سطح کابینه ترفیع پیدا کند تا بتوانیم او را نیز در نقش عضوی از هسته این گروه اقتصادی داشته باشیم. با محمد در بانک جهانی آشنا شده بودم و وقتی رئیس‌جمهور یار آدوا در حال تشکیل کابینه خود بود، او را برای مقام وزارت توصیه کرده بودم. اگرچه آن زمان به مقام وزارت منصوب نشد اما شغل مهم نظارت بر مراقبت درمانی اولیه در کشور را دریافت کرد. آکین و محمد می‌توانستند یک گروه دو نفره نیرومند در زمینه رسیدگی به مشکلات بخش حقیقی (اقتصاد) باشند.

رئیس‌جمهور پذیرای (این پیشنهادها) بود. او فکر می‌کرد شاید مشکلی درخصوص محمد به وجود آید، زیرا در حال حاضر یک نامزد از ایالت محمد (ایالت باوچی) وجود داشت، اما به من گفت که این مساله را حل خواهد کرد. اضافه‌براین، دکتر نوانزه اوکیدگبه^۷ که اقتصاددانی خوش‌خلق و محترم و همکار سابقم در بانک جهانی بود و پروفیسور سیلویستر مونیه^۸، دبیر اجرایی سابق کمیسیون برنامه‌ریزی را نیز در حکم

1. Akin Adesina
2. Rockefeller Foundation
3. The Alliance for a Green Revolution in Africa
4. Muhammad Pate
5. Bauchi
6. Head of Primary Healthcare Agency
7. Nwanze Okidegbe
8. Sylvester Monye

افزونه‌های خوبی برای این گروه پیشنهاد کردم. رئیس‌جمهور گفت که رزومه‌های‌شان را مطالعه خواهد کرد و تصمیمی خواهد گرفت.

در نهایت به رئیس‌جمهور پیشنهاد کردم اگر علاقه‌مند باشد می‌تواند دکتر برایت اوکوگو^۱، که فعلاً مدیر کل دفتر بودجه^۲ و یکی از بهترین اقتصاددانان کلان‌ماست را نیز به مقامی در کابینه ترفیع دهد. دکتر اوکوگو از زمانی که بار اول من برای وزارت دارایی صندوق پولی بین‌المللی پول را ترک کرده و به دولت پیوسته بودم، در شغلی دشوار و به طوری وفادارانه به کشورش خدمت کرده بود. رئیس‌جمهور گفت که او این را نیز در نظر خواهد داشت اما این کار شاید دشوار باشد، زیرا دوباره از ایالت دکتر اوکوگو (ایالت دلتا) نامزدهای دیگری برای وزارت مطرح بودند.

رئیس‌جمهور یادآور شد که علاقه‌مند است اعضای از بخش خصوصی را به گروه اقتصادی بیافزاید و در این باره نظرم را پرسید. در ابتدا تمایلی به این کار نداشتم زیرا فکر می‌کردم این کار می‌تواند به تضاد منافع بینجامد. اما متقاعدم کرد که حضور بخش خصوصی در اتاق می‌تواند زودتر مشکلات بخش واقعی اقتصاد را برملا کند و چه بسا منجر به راه‌حل‌ها و ایده‌های نوآورانه‌ای شود. اضافه‌براین، آنها می‌توانستند همکاران خود در بخش خصوصی را از پیچیدگی سیاست مطلع و به کاهش درخواست‌های ویژه کمک کنند.

ما توافق کردیم که بحث در خصوص شکل‌گیری کامل گروه اقتصادی، از جمله نامزدهایی از بخش خصوصی را به تاریخی دیگر موکول کنیم. از دوره اول وزارت دارایی درس‌هایی آموخته بودم، از این‌رو موضوع دستمزد یکی از موضوعاتی بود که زیاد به آن پرداختیم. به صراحت به رئیس‌جمهور گفتم که دستمزد باید با دستمزد وزیران همکارم یکسان باشد. تمام فرزندانم، به استثنای یکی که در مدرسه پزشکی بود، از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده بودند و همراه همسرم که هنوز شغلش را در واشنگتن حفظ کرده بود، می‌توانستیم از عهده هزینه تحصیلات فرزندانم و وام مسکن و هزینه‌های دیگرمان برباییم.

صحبت‌م با رئیس‌جمهور سازنده بود و به من قوت قلب داد. با این احساس که ابزار لازم برای انجام این کار را در دست دارم، دفتر او را ترک کردم. نمی‌دانستم موضوع مربوط

1. Bright Okogu

2. Budget Office

به همکاران کابینه چطور حل خواهد شد و اینکه آیا سرانجام تمام پیشنهادهایم پذیرفته خواهد شد یا خیر، اما به نظر می‌رسید که هسته‌ای از اصلاح‌گران برای همکاری تشکیل خواهد شد. رئیس‌جمهور از من خواست که فرآیند اخذ رای اعتماد از مجلس سنا را آغاز کنم، اگرچه اشاره کرده بودم که تا شش هفته دیگر قادر به کار کردن نخواهم بود. برای خالی کردن میز کارم در واشنگتن و اثاث‌کشی به این زمان احتیاج داشتم؛ پس قرار بود کارم را در ۱۷ اوت سال ۲۰۱۱ آغاز کنم.

همین‌طور که برای پر کردن فرم‌های اخذ مجوز امنیتی لازم به سمت ستاد دپارتمان خدمات دولتی^۱ در آبوja رانندگی می‌کردم، سرشار از امید بودم. اکنون دیگر خطرات از ذهنم پاک شده بود و کمترین اطلاعی از چالش‌های دشوار پیش رو نداشتم: نبردهایی دشوار با همکارانم در کابینه، خصومت و توهین‌های پیوسته‌ای که به روال کار صحرا ریپورترز و برخی دیگر از روزنامه‌ها بدل شده بود، خطرات از سوی ذی‌نفعان فاسد و خاص، کشمکش‌هایی با فرمانداران و قانون‌گذاران و حملات بی‌پایان سیاست‌مداران مخالف. فصل‌های پیش رو توصیفی از سفرم در این چشم‌انداز دشوار ارائه خواهند کرد.

فصل ۳

مقابله با کلاهبرداران نفتی

هفدهم اوت سال ۲۰۱۱، هنگامی که دوره دوم وزارت دارایی نیجریه را آغاز کردم، نمی دانستم قدم در یکی از بزرگ‌ترین رسوایی‌های فساد در تاریخ نیجریه خواهم گذاشت. نیجریه به مدت سه دهه قیمت بنزین را در پمپ‌های بنزین به صورت یارانه‌ای ارائه می‌کرد تا برای مردمش ارزان‌تر باشد. سیزدهمین تولیدکننده بزرگ نفت در آن زمان ظرفیت پالایشی محدودی داشت، در نتیجه نفت خام صادر و نفت پالایش شده وارد و به قیمتی زیر قیمت‌های بازار فروخته می‌شد. دولت این یارانه‌ها را پوشش می‌داد و آنها را به بازاریابان و واردکنندگان این محصولات به کشور از جمله کمپانی نفتی دولت یعنی شرکت ملی نفت نیجریه^۱ (شرکت ملی نفت نیجریه) می‌پرداخت. مساله مربوط به پرداخت یارانه‌های نفتی چیزی بود که مسبب ربه‌شده شدن مادرم شد (فصل اول). مردم نیجریه به دولت اعتماد نداشتند و از سیاست و فساد خسته شده بودند، در نتیجه به این یارانه‌ها احساس خوبی داشتند و حس می‌کردند این یارانه‌ها تنها مزایای مستقیمی است که از منابع نفت خام کشورشان دریافت می‌کنند. این یارانه‌ها بار مالی سنگینی داشت، اما تمام تلاش‌ها برای پایان دادن به این یارانه‌ها در طول سال‌ها با مقاومت شدیدی از سوی اتحادیه‌های کارگری و جامعه مدنی و عموم مردم روبه‌رو می‌شد. طی دومین دوره ریاست جمهوری اولسگون اوباسانجو (۲۰۰۳-۲۰۰۷)، زمانی که برای اولین بار در نقش وزیر دارایی انجام وظیفه می‌کردم، توانستیم در سال ۲۰۰۴، به رغم وجود اعتراضاتی از سوی مردم به رهبری اتحادیه‌های کارگری، این یارانه‌ها را به‌طور کامل قطع کنیم. اما تا سال ۲۰۰۶، قیمت‌های نفت بالا رفت، بنابراین این طرح یارانه‌ای دوباره آغاز و منجر به پرداخت‌هایی شد که مبلغ کلی‌شان تقریباً بالغ بر ۲۶۱ میلیارد نایرا (۲ میلیارد دلار برحسب نرخ‌های ارز آن زمان) می‌شد. تا سال ۲۰۱۱، سنگینی این یارانه‌ها برای مالیه کشور بسیار شدید شده بود. مجموع درآمدهای دولت فدرالی خالص^۲ تقریباً به ۵/۲ تریلیارد نایرا می‌رسید و پرداخت‌های یارانه‌ای ۱/۷۳ تریلیارد نایرا (۱۱/۳ میلیارد دلار)، یا ۳۳٪ از درآمدهای خالص متورم شده بود.

یکی از اولین جلسات توجیهی که عملاً در روز اول کاری‌ام برای من ترتیب داده شد، از طرف دکتر برایت اوکوگو بود که رئیس جمهور جاناتان او را در مقام مدیر دفتر بودجه حفظ کرد. او به من توضیح داد که پرداخت‌های عظیم یارانه‌ای در آن سال انجام شده

1. Nigerian National Petroleum Corporation

2. Net Federation

بود و بیش از ۱۴۳ کمپانی قرار بود سیلی ظاهرا بی‌پایان از صورت حساب‌های واردات نفتی تاییدشده از سوی آژانس تنظیم قیمت محصولات نفتی^۱ را روانه دفتر ما کنند. تا اواسط ماه اوت سال ۲۰۱۱، تقریباً ۱/۳ تریلیارد نایرا (۸/۴ میلیارد دلار بر اساس نرخ‌های ارز آن زمان) به این کمپانی‌های پرداخت شده بود. من و همکارانم در وزارت دارایی نسبت به بزرگی این پرداخت‌ها نگران شدیم. هنگامی که در سال ۲۰۰۶ پس از اتمام دوره اول وزارت دارایی دفترم را ترک کردم، یارانه‌های نفتی تقریباً ۲ میلیارد دلار بود. اما اکنون رقمی چهار برابر بزرگ‌تر از آن مبلغ در حال پرداخت و هنوز چهار ماه دیگر از سال مالی باقی بود: واضح بود که مشکلی وجود دارد! تا پایان سال ۲۰۱۱، مبلغی بالغ بر ۱/۷۳ تریلیارد نایرا^۲ (۱۱/۲ میلیارد دلار) صرف پرداخت‌های یارانه‌ای نفت وارداتی می‌شد.

تا این زمان، نیجریه پر از داستان‌هایی در مورد یک کلاهبرداری عظیم در طرح یارانه نفتی بود. با نگاهی به مالیه کشور متوجه شدم نیجریه نمی‌تواند زیر بار این طرح مالی ظالمانه برای یارانه‌های نفتی دوام بیاورد. بنابراین، براساس وجود یک کلاهبرداری مشکوک و بی‌ثباتی مالی، از گفت‌وگو بین رئیس‌جمهور و فرمانداران سی و شش ایالت دولت فدرال، درخصوص اینکه یارانه‌های نفتی باید قطع شوند، پشتیبانی کردم.

از قطع یارانه تا فریاد اعتراض تا یک قربانی: جنجال قطع یارانه‌های نفتی

گروه مدیریت اقتصادی با مدیریت رئیس‌جمهور نقشه مربوط به قطع یارانه‌های بنزین را به شدت مورد بحث و جدل قرار داد و بر سر آن به توافق رسید (به جدول ۳-۱ مراجعه کنید). فرمانداران در نقش اعضای از شورای اقتصادی ملی^۳، حامیان بزرگ قطع یارانه‌های نفتی بودند. پرداخت‌های یارانه‌ای مسبب کاهش‌های چشمگیری در درآمدهای ایالتی و فدرال بود، به نحوی که این یارانه‌ها که قرار بود به تمام نیجریه‌ای‌ها سود برساند، قبل از توزیع درآمدهای کل بین طبقات مختلف دولت از درآمد ایالت‌ها کاسته می‌شد. متوجه شدم که فرمانداران به محض اینکه جانانان در ماه می سال ۲۰۱۱ به سمت ریاست جمهوری رسید (بسیار قبل از اینکه در ۱۷ اوت سال ۲۰۱۱ به کابینه پیوندم)

1. Petroleum Products Pricing Regulatory Agency (PPPRA)

۲. تا پایان سال ۲۰۱۱، مقدار کل یارانه‌ها بالغ بر ۱/۷۳ تریلیارد نایرا بود، اما کل یارانه‌های سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۲/۳ تریلیارد نایرا بود، زیرا مقداری از صورت حساب‌های سال ۲۰۱۲ به سال جاری منتقل شده بود.

3. National Economic Council

تقاضای قطع این یارانه‌ها را داشتند.

با توافق نمایان بین تمام افراد مرتبط در دولت بر سر اینکه این وضعیت ناپایدار است، این مساله به آغاز طرحی برای متقاعد ساختن عموم مردم در این مورد بدل شد که چنین سیاستی بهترین کار برای کشور است.

جدول ۳-۱: گروه مدیریت اقتصادی: عملی ساختن برنامه اصلاح

یکی از اولین اولویت‌هایی که رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان و من بلافاصله بعد از آغاز دور دوم وزارت دارایی (۲۰۱۵-۲۰۱۱) بر آن تمرکز کردیم، تشکیل گروه مدیریت اقتصادی (ETM) بود. در دور اول در سمت وزیر دارایی (۲۰۰۶-۲۰۰۳) تحت ریاست جمهوری اولسگون اوباسانجو نیز گروهی اینچنینی از اصلاح‌گران تشکیل شد. این گروه اقدامات اصلاح‌گرانه حساسی را برنامه‌ریزی و در موردشان بحث می‌کرد و آنها را از درون کابینه و قوهی مقننه می‌گذراند و به مرحله اجرا می‌رساند (که تمام این کارها به عملکرد اقتصادی بهتر می‌انجامید).^۱

ایده اصلی ما این بود که این موفقیت را تکرار کرده و یک EMT تشکیل دهیم که بتواند برنامه اصلاحی دولت (حکومت) را به مرحله عمل برساند. حول و حوش این زمان که متنوع‌سازی اقتصاد به یک اولویت مهم بدل شد، این گروه شامل نمایندگانی از سوی وزارتخانه‌های کلیدی مانند وزارتخانه‌های کشاورزی، نیرو و بازرگانی و سرمایه‌گذاری بود که پرتفوی آنها برای برنامه متنوع‌سازی حیاتی بود.

رئیس‌جمهور نیز با مشمول ساختن شرکت‌کننده‌هایی از بخش خصوصی، مهر تاییدش را روی این گروه اقتصادی زده بود. پس از تردیدهای اولیه در مورد تضادهای منافع احتمالی، متوجه شدم که افزوده شدن بخش خصوصی به گروه اقتصادی می‌تواند درک آنها درخصوص نیاز دولت به اصلاحات را بالا برد و متقاعدشان کند تا به صورت شرکایی در فرآیند اصلاح با ما همکاری کنند. رئیس‌جمهور نیز دو نفر از فرمانداران ایالتی را عضو این گروه کرد تا داده‌هایی را در اختیار ما قرار دهند و از نقطه‌نظر ایالتی با ما مشورت کنند.

۱. به کتابم با عنوان زیر مراجعه کنید:

Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria (Cambridge, MA: MIT Press, 2012)

ریاست EMT به عهده رئیس جمهور بود و اعضای آن عبارت بودند از: معاون اول رئیس جمهور؛ فرمانداران ایالات آنامبرا^۱ و آداماوا^۲؛ وزیران کشاورزی، امور دارایی، سلامت، منابع نفت خام، برنامه ریزی، نیرو، تجارت و سرمایه گذاری و حمل و نقل؛ وزیر ایالتی سلامت؛ وزیر ایالتی امور مالی؛ رئیس بانک مرکزی؛ مشاور ارشد اقتصادی رئیس جمهور؛ مشاور رئیس جمهور در زمینه نظارت بر عملکرد^۳؛ رئیس کارمندان رئیس جمهور؛ مدیر اجرایی خدمات درآمد فدرال درون مرزی^۴؛ مدیرعامل حسابداری خدمات گمرکی^۵؛ و مدیران دفتر بودجه، دفتر مدیریت بدهی^۶، دفتر شرکت های عمومی^۷، دفتر تدارکات عمومی^۸ و کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۹.

اعضای بخش خصوصی عبارت بودند از: مدیر و افسر اجرایی ارشد صنایع دانگوت^{۱۰}، آلیکو دانگوت^{۱۱}؛ مدیر Stanbic-IBTC، آتیدو پیترساید؛ مدیر اکسس بانک^{۱۲}، آئیگ ایموکوئده^{۱۳}؛ مدیر بانک زینت^{۱۴}، جیم اوویا^{۱۵}؛ و یک خانم صاحب کسب و کار با نام دکتر وصیلت تیتولا شیتو^{۱۶}. گروه مدیریت اقتصادی با مدیریت رئیس جمهور و وزیر دارایی در نقش دبیر، ماهانه با هم دیدار می کردند.

به دلیل اینکه گروه مدیریت اقتصادی نسبتاً بزرگ بود، رئیس جمهور تصمیم گرفت که یک گروه اجرایی مدیریت اقتصادی^{۱۷} (EMIT) به ریاست وزیر دارایی نیز تشکیل دهد تا به طور هفتگی ملاقات و درباره اقدامات اجرایی با هم

1. Anambra
2. Adamawa
3. Performance Monitoring
4. Federal Inland Revenue Service
5. Customs Service
6. Debt Management Office
7. The Bureau for Public Enterprises
8. The Bureau of Public Procurement
9. The Securities and Exchange Commission
10. Dangote Industries
11. Aliko Dangote
12. Access Bank
13. Aig Imokhuede;
14. Zenith Bank
15. Jim Ovia
16. Dr. Wasilat Titiola Shittu
17. Economic Management Implementation Team

صحبت کنند. این گروه کوچک‌تر متشکل از تمام وزیران و مدیران کل عضو EMT، مدیر اجرایی خدمات درآمد فدرال درون‌مرزی؛ مشاور ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور و مشاور رئیس‌جمهور در زمینه نظارت بر عملکرد بود. من در نقش مدیر این گروه از سوی رئیس‌جمهور این اجازه را گرفتم تا چند عضو دیگر از جمله حسابدار کل دولت فدرال، آماردان کل دولت فدرال، دبیر دائم وزارت دارایی و وزیر آموزش و پرورش را نیز به آن اضافه کنم. این اعضا دانش و تخصص اجرایی مهمی را وارد EMIT و همچنین EMT کردند. جلسات هفتگی بین اعضای EMIT، سهولت زیادی برای من در نقش وزیر هماهنگی اقتصاد فراهم کرد، زیرا EMIT همچنین به جایگاهی بدل شد که وزرا می‌توانستند در آن مشکلات بین‌وزارتخانه‌ای و بین‌بخشی را در سطح فنی حل کنند.

در گروه مدیریت اقتصادی بحث‌هایی درخصوص اینکه آیا یارانه‌ها باید به صورت مرحله‌ای یا یکجا قطع شوند مطرح بود. همه موافق بودند که تجربه‌های به‌دست‌آمده در نیجریه نشان داده بود که حتی اگر ما بخش کوچکی از این یارانه‌ها را قطع کنیم باز هم اعتراضات عظیمی مشابه با اعتراضات به قطع کلی یارانه‌ها روی خواهد داد، بنابراین تمام اعضای گروه احساس می‌کردند که «چرا چند بار بمیریم؟» پس شاید بهتر بود که این کار را یک‌بار و یکجا انجام دهیم.

توافقی غافلگیرکننده وجود داشت که چنین کاری نیازمند دوره‌ای از برقراری ارتباط با مردم و آموزش به آنها جهت ایجاد توافقی بزرگ‌تر درخصوص این موضوع بود. به همین دلیل، با کمک آقای اندوکا اوبایگبنا^۱، مالک محترم‌ترین روزنامه کشور با نام دیس دی^۲، یک مباحثه عمومی مهم تلویزیونی در لاگوس^۳ ترتیب یافت. سه نفر از اعضای گروه مدیریت اقتصادی (رئیس بانک مرکزی نیجریه، مالام سانوسی لامیدو سانوسی^۴ (اکنون امیر کانو^۵)؛ وزیر منابع نفت خام و وزیر دارایی یعنی خودم) نمایندگان

1. Nduka Obaigbena

2. This Day

3. Lagos

4. Mallam Sanusi Lamido Sanusi

5. Emir of Kano

دولت بودیم. نمایندگان جامعه مدنی و کارگری نیز در این مجموعه حضور داشتند. یک گروه نمونه بزرگ از شرکت‌کنندگان مردمی از جمله زنان بازاری، نمایندگان بخش خصوصی و کارگران نیز بودند. این مباحثه دشوار اما به شدت موفقیت‌آمیز بود. بازخورد شرکت‌کنندگان این بود که عموم مردم احساس می‌کردند دانش بهتری در مورد مزایا و معایب این یارانه کسب کرده‌اند. نکات کلیدی این بود که (۱) اگرچه این یارانه با کاهش هزینه حمل‌ونقل و هزینه‌های دیگر به فقرا سود می‌رساند، اما مزیت بسیار بیشتری برای ثروتمندان دارد و (۲) اینکه با استفاده از منابعی که از قطع این یارانه جمع خواهد شد، راه‌های بهتری برای هدف‌گیری مستقیم مزایا به سوی کم‌درآمدها وجود خواهد داشت.

با توجه به بازخوردی که گرفته شد، واضح بود که حضار احساس می‌کردند که کلاهبرداری‌های زیادی در این سیستم وجود دارد. یکی از نظراتی که مکرر مطرح می‌شد این بود که اگر کلاهبرداری‌ها ریشه‌کن شوند، برنامه یارانه نفتی ارزان‌تر و مقرون‌به‌صرفه‌تر خواهد شد و بنابراین قطع یارانه‌ها الزامی نخواهد بود. همچنین بی‌اعتمادی شدید مردم نسبت به دولت به‌وضوح قابل‌رویت بود. تردید زیادی وجود نداشت که دولت با پول‌های صرفه‌جویی شده نیز، برنامه‌هایی که به سود مردم، مخصوصاً فقراست را واقعاً به اجرا نخواهد گذاشت. گروه مدیریت اقتصادی طبق بازخوردی که در بحث اول از مردم گرفته بود، تصمیم گرفت قبل از انجام هر اقدامی در مورد قطع یارانه‌ها، جلسات بحث بیشتری در سراسر کشور و شاید در شش منطقه ژئوپلیتیک برگزار کند.

این مباحثه در اوایل دسامبر سال ۲۰۱۱ برگزار و توافق شد که بقیه بحث‌های مردمی پس از تعطیلات کریسمس و سال نو برگزار شود. درک اولیه این بود که بازه زمانی بین ماه ژانویه تا ماه مارس سال ۲۰۱۲ برای بحث‌ها و برقراری ارتباط بیشتر با مردم استفاده و در ماه آوریل سال ۲۰۱۲ قطع یارانه به صورت ابتدایی اجرا شود. در ۱۹ دسامبر سال ۲۰۱۱، برای ملاقات با خانواده‌ام در تعطیلات به واشنگتن دی‌سی سفر کردم و قصد داشتم پنجم ماه ژانویه به آبوja بازگردم.

صبح روز ۳۱ دسامبر تماسی شوکه‌کننده از دوست و همکارم، پروفیسور سیلویستر مونیسه، مشاور مخصوص رئیس‌جمهور در زمینه نظارت بر عملکرد داشتم که می‌گفت به‌تازگی چیزی عجیب شنیده و با من تماس گرفته تا ببیند آیا در جریان هستم یا خیر.

او در راهروهای ویلا (معادل نیجریه‌ای کاخ سفید) با یک مقام ارشد شرکت ملی نفت نیجریه ملاقات کرده بود. این فرد بسیار عجله داشته، اما به او گفته دلیل عجله‌اش این است که رئیس‌جمهور قرار است در روز اول ژانویه، اقدام قطع یارانه سوخت را اعلام کند و از شرکت ملی نفت نیجریه خواسته تا برای این کار آماده شود. سیلوستر شوکه شده و فوراً به این فکر افتاده بود که آیا من از این رویداد باخبرم یا خیر. پس به‌سرعت با من تماس گرفته بود.

از این خبر غافلگیر شدم. با توجه به توافق‌هایی که بر سر آموزش بیشتر به مردم قبل از قطع یارانه‌ها شده بود، این کار بی‌معنا بود. احساس کردم که اشتباه وحشتناکی روی داده و فردی توصیه بدی به رئیس‌جمهور کرده است. اگر تورم شدید قیمت سوخت هدیه سال نو رئیس‌جمهور باشد، مردم نیجریه چه حسی خواهند داشت؟ زمان‌بندی این کار کاملاً اشتباه بود!

به سیلوستر گفتم سعی می‌کنم با رئیس‌جمهور تماس بگیرم و از اتفاقات باخبر شوم و توصیه کنم از انجام این کار منصرف شود. در تمام روز ۳۱ دسامبر سعی کردم با رئیس‌جمهور تماس بگیرم و حتی تمام شب بیدار ماندم و کوشیدم با او تماس برقرار کنم، اما «بخش کنترل»، مرکز مبادلات تلفنی در ویلا، هر بار می‌گفت که رئیس‌جمهور قادر به صحبت کردن نیست، به‌رغم اینکه رئیس‌جمهور همیشه در پاسخ دادن به تماس‌هایم سخاوتمند بود. تقریباً به نظر می‌رسید که فردی (یا چیزی) بر سر راه صحبت کردنم با رئیس‌جمهور ایستاده بود.

خشمگین بودم و توان جلوگیری از چیزی که احساس می‌کردم یک اشتباه بزرگ است را نداشتم و حس بدی درخصوص عاقبت این کار داشتم. کوشیدم تصور کنم که چه کسی ممکن بود چنین توصیه نادرستی را به رئیس‌جمهور کرده باشد و برایم سوال شده بود که آیا در جو سیاسی مسموم نیجریه هدف از چنین توصیه‌ای لطمه زدن به رئیس‌جمهور و دولت او بود یا خیر. به همسرم گفتم که مطمئنم اگر کارها به‌درستی پیش نرود، من را مقصر خواهند دانست. زیرا همه این‌طور فکر خواهند کرد که با عجله‌ام برای اجرای سیاست‌های به اصطلاح نتولیرال معرفی شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، رئیس‌جمهور را به سوی انجام چنین تصمیم عجولانه‌ای سوق داده بودم.

رئیس‌جمهور خبر قطع یارانه‌ها را در اول ژانویه ۲۰۱۲ اعلام کرد و من تاریخ بازگشتم

به نیجریه را جلو انداختم و به سوم ژانویه موكول كردم. خشم فوری و فزاینده مردم به رهبری اتحادیه‌های کارگری قابل مشاهده بود. کرایه اتوبوس برای افرادی که از دهکده‌ها به شهرها آمده بودند، پس از تعطیلات عملاً دو برابر شده بود (اگرچه بیشتر اتوبوس‌های بین‌ایالتی با گازوئیل کار می‌کردند و قیمت آن تغییری نکرده بود؛ زیرا در دوره رئیس‌جمهور اوباسانجو در سال ۲۰۰۷ از این قیمت مقررات‌زدایی شده بود). حزب کارگر عهد کرد که دست به تظاهرات و اعتصابات ملی خواهد زد و از دولت خواهد خواست که این سیاست را لغو کند.

اگرچه اعتصاب‌هایی در سطح کشور آغاز شد، اما لاگوس مرکز اصلی ناراضی‌های مردمی بود. در این شهر تظاهرات عظیم بود و به‌خوبی سازمان‌دهی شده بود، طوری که مردم را با توزیع غذا و تفریحات جانبی، از جمله کنسرت‌هایی از سوی هنرمندان مشهور، در خیابان‌ها نگاه می‌داشتند. تظاهرات‌کنندگان تی‌شرت‌هایی پوشیده بودند که روی‌شان شعارهایی مربوط به مبارزه با فساد نوشته شده بود. جنبش‌های جامعه مدنی مانند اشغال نیجریه^۱ نیز فعال بودند. خیلی زود روشن شد که احزاب سیاسی مخالف از این فرصت برای سیاست‌بازی علیه دولت استفاده می‌کردند. جو بدی بر کشور حاکم شده و واضح بود که این ناراضی‌ها در حال فراتر رفتن از مرز اظهار مخالفت در مورد قطع یارانه سوخت و بدل شدن به تقاضایی برای استعفا یا استیضاح رئیس‌جمهور بود. رسانه‌های داخلی و بین‌المللی این آشوب در نیجریه را به‌طور گسترده‌ای پوشش دادند. با بسیاری از اعتراض‌کنندگان مصاحبه شد و آنان به‌شدت از سیاست دولت انتقاد کردند. با این حال، هیچ فردی برای دفاع از دولت یا توضیح اساس این اقدام سیاسی پا پیش نگذاشت. فرمانداران ایالتی که تصمیم اجرای این سیاست را گرفته بودند در هیچ‌کجا به چشم نمی‌خوردند. ناکامی ریاست جمهوری در برقراری ارتباط با رسانه‌ها آنقدر آشکار بود که من از سوی دوستان نگرانم در ایالات متحده و اروپا تماس‌هایی دریافت کردم که فکر می‌کردند گرچه دولت برای اجرای چنین سیاست مهمی شجاعت کافی را داشته، اما در توجیه اقداماتش برای شهروندانش و جهان شیدا ناموفق بوده است. این اولین باری نخواهد بود که دولت جاناتان با ناکامی جدی در برقراری ارتباط روبه‌رو می‌شود!

کوشیدم مسئولان برقراری ارتباطات در دولت را متقاعد به رویارویی با این چالش

کنم، اما هیچ کدامشان تمایل به صحبت نداشتند، مخصوصاً صحبت با مطبوعات بین‌المللی. با اینکه می‌دانستم احتمالاً برخی افراد دفاع من از دولت را به منزله اعتراف به مقصر بودنم برای این سیاست نامحبوب قلمداد خواهند کرد، ریسک کردم و با سی‌ان‌ان صحبت کردم. هنگامی که گروه ارتباطات دولت توانست استدلالش را ارائه کند، دیگر خیلی دیر شده بود و استدلال‌شان هم خیلی ضعیف بود. دولت در این مساله حمایت مردم را به‌طور کامل از دست داده بود.

این وضعیت متشنج باعث شد تا رئیس‌جمهور تصمیم به انجام مذاکراتی با حزب کارگر بگیرد. گروهی تشکیل شد که من نیز عضوی از آن بودم. این مذاکرات چند روز ادامه پیدا کرد. اما برخلاف اعتراض‌های گذشته که حزب کارگر مشتاق مشارکت (در مذاکرات) بود، این بار به نظر می‌رسید تمایلی به مذاکره یا دیده شدن در حال تن دادن به تقاضاهای دولت نداشتند (و حتی از این کار می‌ترسیدند). کمی بعد یکی از ماموران حزب کارگر که او را می‌شناختم زیر لب به من گفت که رهبران حزب کارگر واقعا می‌ترسند، زیرا تهدیداتی از سوی منابع ناشناس دریافت کرده‌اند که اگر به اعتراضات پایان دهند، خانواده‌هایشان تاوان این کار را پس خواهند داد. نهایتاً رئیس‌جمهور توانست به نمایندگان حزب کارگر اطمینان خاطر دهد که از آنان حفاظت خواهد شد. مصالحه‌ای برقرار شد که در آن دولت از قطع کامل یارانه‌های بنزین و نفت پالایش‌شده منصرف شد و فقط به قطع ۵۰٪ از این یارانه‌ها رضایت داد.

حزب کارگر و جامعه مدنی تقاضا داشت که پول صرفه‌جویی‌شده از این کار برای هزینه‌های حمل‌ونقل، سلامت مادران و کودکان، اشتغال‌زایی به نفع فقرا، زیرساخت‌ها و دیگر سرمایه‌گذاری‌هایی که به کل جامعه سود خواهند رساند استفاده شود و دولت نیز با این خواسته موافقت کرد. این پول‌ها باید به صورت شفاف مدیریت می‌شدند. مدیریت این پول نیز باید از مدیریت بودجه جدا می‌بود تا از کاغذبازی اداری جلوگیری به عمل آید و سرعت اجرای این کار بیشتر شود. قرار بر این شد تا کمیته‌ای شامل حزب کارگر، جامعه مدنی و گروهی از نیجریه‌ای‌ها به ریاست یک نیجریه‌ای برجسته و معتمد، برای مدیریت و نظارت بر این پول‌ها تشکیل شود. این برنامه قرار بود با نام برنامه توان‌بخشی و سرمایه‌گذاری مجدد یارانه‌ها^۱ شناخته شود که به SURE-P معروف شد.

با برقراری این توافق، حزب کارگر در روز ۱۶ ژانویه ۲۰۱۲ به اعتراضات پایان داد. تظاهرات به مدت چند روز دیگر در لاگوس و با لحنی بسیار سیاسی تر ادامه پیدا کرد که خواهان استعفای رئیس جمهور بودند. نیروهای پلیس و ارتش برای برقراری نظم در خیابان‌ها مستقر شدند و سرانجام این اعتراضات متوقف شد. اما دولت و کشور طی این رویداد زخم‌هایی برداشت که جای‌شان باقی ماند.

یکی از جالب‌ترین سوالاتی که در ذهن داشتم این بود که چه کسی به رئیس جمهور توصیه کرده بود که در روز اول ژانویه اقدام قطع یارانه‌ها را به صورت خام‌دستانه اعلام کند؟ می‌خواستم بدانم زیرا من قربانی این کار شده بودم. این گفته که من «یک چهره سیاسی بودم... که مقداری خصومت به خود جلب کرده بودم» را سفیر سابق ایالات متحده با نام جان کمپبل^۱ در مقاله‌ای در روزنامه دیلی بیست^۲ در ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۲ یعنی روز ربوده شدن مادرم عنوان کرده بود. این مقاله در ادامه نوشته بود «اوکونجو-اویالا چهره‌ای بحث‌برانگیز است که اساساً مقصر یک کاهش ناگهانی در یارانه‌های سوختی نیجریه در اوایل امسال شناخته می‌شود.»^۳

بیشتر گزارش‌های رسانه‌ای نیز در واقع مرا مقصر می‌دانستند؛ با این وجود، من یکی از آخرین کسانی بودم که از اعلامیه پیشنهادی در روز عید سال نو مطلع شدم. هیچکس مسئولیت ارائه این توصیه نامناسب به رئیس جمهور را نمی‌پذیرفت و گودلاک جاناتان به اعتبار خود قصد سرزنش هیچکس را نداشت و تمام مسئولیت این اقدام سیاسی را به عهده گرفته بود.

هفته‌ها بعد در یک جلسه شورای اقتصادی ملی که موضوع این توصیه نابجا مورد بحث بود، فرماندار باباگیندا آلیو^۴، فرماندار سابق ایالت نیجر^۵ و در آن زمان رئیس مجمع فرمانداران شمالی^۶، با شجاعت تایید کرد که این فرمانداران بودند که به رئیس جمهور اصرار کردند تا بیش از این کار را به تعویق نیندازد و قطع یارانه‌ها را در آغاز سال اعلام کند. بالاخره این راز هویدا شد، اما برای من باورنکردنی بود که وقتی این سیاست باعث آشفتگی در کشور شد هیچ‌یک از فرمانداران برای نجات دولت پا پیش نگذاشتند و راضی بودند که دیگران مقصر این کار شناخته شوند!

1. John Campbell

2. Daily Beast

3. Heather Murdoch, "Nigeria Given 24 Hours to Rescue Kidnapped Mother of Finance Minister," *Daily Beast*, December 11, 2012.

4. Babaginda Aliyu

5. Niger

6. Northern Governors Forum

مجموع یارانه‌های نفتی نیجریه در سال ۲۰۱۱ به مبلغ وحشتناک ۱/۷۳ تریلیارد نایرا (۱۱/۲ میلیارد دلار بر حسب نرخ مبادلات ارزی در آن زمان) رسیده بود که از این مبلغ یارانه‌های نفت سفید ۳۱۰/۴ میلیارد نایرا (۲ میلیارد دلار) را به خود اختصاص می‌داد. این مبلغ ۲/۷٪ از تولید ناخالص داخلی، ۳۳٪ از درآمدهای دولت فدرال و ۳۸٪ از بودجه دولت فدرال را در بر می‌گرفت. با قطع یارانه‌ها، مصرف‌کنندگان در پمپ‌بنزین‌ها دیگر به جای پرداخت ۶۵ نایرا برای هر لیتر بنزین، ۹۷ نایرا پرداخت می‌کردند (۰/۶۲ دلار برای هر لیتر یا در مجموع ۲/۳۵ دلار برای هر گالون). پول‌های صرفه‌جویی شده به SURE-P منتقل می‌شد و بنا بر فرمول توزیع استاندارد دولت فدرال بین دولت فدرال و ایالت‌ها تقسیم می‌شد، طوری که ۵۲٪ به دولت فدرال و ۴۸٪ به ایالت‌ها و دولت‌های محلی اختصاص می‌یافت. به دنبال توافق بین دولت و حزب کارگر، دولت فدرال پس‌اندازهایش را در برنامه‌های شبکه‌های امنیتی حمل‌ونقل، اشتغال‌زایی، سلامت مادران و کودکان و توسعه زیرساخت‌ها (عمدتاً راه‌ها و ریل‌ها) سرمایه‌گذاری کرد. یک کمیته ملی به ریاست دکتر کریستوفر کولاید^۱، کمیسر عالی و بسیار محترم سابق بریتانیا، مسئول نظارت بر این برنامه بود.

یکی از بحث‌انگیزترین مسائل طی این اعتراضات، کلاهبرداری‌های ادعاشده در برنامه یارانه نفت بود. این معاملات کلاهبردانه فراتر از قاچاق محموله‌های نفتی به بیرون از مرزها و به کشورهای همسایه مانند بنین و نیجر بود که نفت در آنها قیمت بسیار بالاتری داشت. حدس و گمان‌های بسیاری مطرح بود که اشاره می‌کردند شرکت‌ها بدون اینکه نفتی تحویل دهند، در حال دریافت یارانه‌ها هستند. در خصوص محموله‌های نفت سفید، گمانه‌زنی‌ها به این موضوع اشاره داشت که معاملات مفسدانه‌ای در حال انجام است تا شرکت‌های خاصی بتوانند حق وارد کردن محموله‌های نفت سفید یارانه‌ای به کشور را به دست آورند، درحالی‌که این کمپانی‌ها همان نفت سفید را با قیمت‌های غیریارانه‌ای به مصرف‌کنندگان می‌فروختند.

کلاهبرداری، دروغ‌ها و نوار ویدیویی

قوه مقننه تصمیم به بررسی این ادعاها گرفت. در یک جلسه اضطراری و فوق‌العاده در روز یکشنبه هشتم ژانویه سال ۲۰۱۲، مجلس نمایندگان^۲، کمیته‌ای برای تایید و تعیین

1. Christopher Kolade

2. The House of Representatives

الزامات یاران‌های واقعی^۱ تحت مصوبه شماره HR.1/2012 تشکیل داد. ریاست این کمیته به عهده فاروک لاوان محترم^۲ از ایالت کانو، یک قانون‌گذار پرنرژژی و شناخته‌شده از حزب دموکرات مردمی و مدیر سابق کمیته امور مالی مجلس^۳ بود. لاوان محترم همچنین بنا به گفته خودش مدیر «گروه اتحاد^۴»، گروهی متعهد به شفافیت و حکمرانی خوب، در مجلس بود. مجلس این کمیته را به شکل زیر توصیف می‌کند:

دولت فدرال کشور را از ناتوانی خود در ادامه دادن به تزریق بی‌پایان پول به درون چاهی ظاهراً بی‌ته که به آن یاران‌های محصولات نفتی گفته می‌شود مطلع ساخت. دولت توضیح داد که پرداخت سالانه این یاران‌های عظیم، بی‌پایان و تحمل‌ناپذیر بود. نیجریه‌ای‌ها باور داشتند که این پرداخت‌های هنگفت فقط برای PMS (نفت) و HHK (نفت سفید) که در واقع به مصرف خود نیجریه‌ای‌ها می‌رسد انجام می‌شود. دولت این ارقام منقول را به افزایشی در قیمت نفت خام بین‌المللی، نرخ ارز بالا، قاچاق، افزایش جمعیت و ماشین‌ها و موارد دیگر نسبت داد. با این حال، بخش بزرگی از جمعیت از این فرضیه در خصوص ارقام یاران‌های دولتی عیب‌جویی کردند و باور داشتند که فساد افسارگسیخته و یک فرآیند ناکارآمد و بی‌فایده مسبب بخش بزرگی از این پرداخت‌ها است. برای جلوگیری از خطر وقوع هرج‌ومرج که واضح و حاضر است، رهبر مجلس نمایندگان تصمیمی جسورانه و قطعی به تشکیل اولین جلسه اضطراری در یک روز یکشنبه (هشتم ژانویه سال ۲۰۱۲) گرفت و کمیته‌ای برای راستی‌آزمایی الزامات یاران‌های واقعی کشور تشکیل داد. این کمیته تشخیص داد که گستره این تحقیق و تفحص باید به مدت سه سال از ۲۰۱۱-۲۰۰۹ باشد.^۵

این کمیته طی سه ماه جلسات استماعی با حضور بازاربانان نفتی، بخش خصوصی، مقامات دولتی و تمام افراد مرتبط با طرح یاران‌های نفتی تشکیل داد. این کمیته در آوریل ۲۰۱۲ یافته‌های خود را همراه با شصت‌ویک پیشنهاد ارائه کرد. اساساً این کمیته متوجه شد: در طرح یاران‌های نفتی قطعاً کلاهبرداری و سوءمدیریت وجود داشته است؛ درخواست یاران‌های برای محصولات نفتی که عرضه نشده‌اند؛ هزینه‌ای که بازاربانان نفتی از دولت طلب

1. Ad-Hoc Committee to Verify and Determine the Actual Subsidy Requirements

2. Honorable Farouk Lawan

3. House Finance Committee

4. Integrity Group

5. House of Representatives, Report of the Ad-Hoc Committee to Verify and Determine Actual Subsidy Requirements under Resolution No. HR.1/2012, April 2012, 3, <http://www.nigerianmuse.com>.

کرده‌اند بیش از حد معمول بوده است؛ برای وارد کردن محصولات پالایش شده، ارز خارجی درخواست شده است، اما این ارزهای خارجی به مصارف دیگر رسیده‌اند؛ شرکت ملی نفت نیجریه تخفیفات غیرمجازی را برای خود قائل شده است و مقامات دولتی سوءمدیریت داشته‌اند. مطابق گزارش این کمیته:

ما متوجه شدیم که طرح یارانه اجرا شده در بازه زمانی مورد بررسی (۲۰۱۱-۲۰۰۹) پر از فساد بومی و ناکارآمدی‌های نهادینه شده بود. بسیاری از مبالغی که ادعا می‌شد به عنوان یارانه پرداخت شده‌اند، در واقع به نفت مصرفی اختصاص نیافته‌اند. مقامات دولتی عمدتاً جهت اهداف فاسد و در برخی دیگر از موارد به دلیل بی‌کفایتی خود، رهنمودهای صندوق یارانه نفت^۱ (PSF) را زیر پا گذاشته‌اند. بنابراین، واضح است که اصرار مقامات عالی دولت بر اینکه ارقام یارانه ذکر شده برای محصولات مصرفی بوده‌اند، تلاشی واضح به منظور گمراه‌سازی مردم نیجریه بوده است.^۲

این گزارش چندین پیشنهاد مهم ارائه کرد: شرکت ملی نفت نیجریه، آژانس تنظیم قیمت محصولات نفتی و بازار یابان نفتی باید مجموعاً ۱/۰۶۷ تریلیارد نایرا (۶/۸ میلیارد دلار) که معلوم شده بود در بازه زمانی تحت بررسی در قالب پرداخت‌های یارانه‌ای اختلاس کرده‌اند را به خزانه‌داری کشور بازگردانند؛ آژانس‌ها و مقامات دولتی که معلوم شده بود در فرآیند اختلاس یا سوءمدیریت طرح یارانه دخیل بوده‌اند، باید مجازات شوند؛ بازار یابان نفتی مربوطه باید بیشتر مورد بازجویی قرار بگیرند و محاکمه شوند. شرکت ملی نفت نیجریه و وزارت منابع نفتی^۳ باید طوری بازسازی شوند که فعالیت‌های‌شان شفافیت بیشتری داشته باشد؛ و با توجه به تاثیری که یارانه نفت سفید بر فقرا دارد، این یارانه نباید متوقف شود. این گزارش در ادامه توصیه‌هایی در خصوص مقدار محصولات نفتی که باید روزانه در کشور مصرف شود، بودجه‌ای که باید برای این محصولات در نظر گرفته شود و فرآیند نظارتی تصحیح‌شده‌ای برای اجرای کارآمد طرح یارانه ارائه کرد.

نکته طعنه‌آمیز این بود که در حالی که گزارش کمیته مذکور در دسترس عموم قرار

1. Petroleum Subsidy Fund

۲. مرجع قبلی، ۴.

3. Ministry of Petroleum Resources

می‌گرفت، رسوایی جدیدی رخ داد. یک صاحب کسب‌وکار و میلیاردر نیجریه‌ای به نام آقای فمی اوتدولا^۱، فاروک لاوان محترم، مدیر کمیته مجلس، را متهم به تقاضای سه میلیون دلار رشوه از او برای سهولت‌بخشی به کار کمیته در حذف نام دو کمپانی او- شرکت محدود نفت و گاز زنون^۲ و شرکت‌های محدود اجمالی^۳ - از فهرست کمپانی‌های بازاریاب نفتی کرد که قرار بود به دلیل دریافت میلیون‌ها دلار ارز خارجی برای واردات نفتی انجام نشده مجازات شوند. لاوان محترم این اتهام را انکار کرد اما وقتی یک نوار ویدیویی درز پیدا کرد که نشان می‌داد او و یکی از همکارانش ظاهراً در حال دریافت ۶۲۰ هزار دلار از این رشوه سه میلیون دلاری از آقای اوتدولا هستند، لاوان محترم گفت که او این پول را دریافت کرد تا به کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی و مقامات دیگر نشان دهد که کمیته او از سوی بازاریابان نفتی و دیگران زیر چه نوع فشار اخاذی قرار دارد تا به این بازجویی پایان داده یا نام شرکت‌ها را از فهرست قانون‌شکنان حذف کند. مجلس نمایندگان این توضیح را قابل قبول ندانست زیرا سوابق نشان می‌داد که لاوان محترم در یکی از جلسات مجلس خواسته بود تا نام دو شرکت از اسامی شرکت‌ها از گزارش کمیته حذف شوند. او موقتا از ریاست کمیته مذکور عزل شد و مجلس تفحصی درباره این اتهامات جدید آغاز کرد.

در عین حال، جریان‌ات سیاسی پنهانی و قدرتمندی در مورد این گزارش به راه افتاد. احساسی در مجلس نمایندگان به وجود آمده بود و برخی از اعضای مجلس در این مورد صحبت کردند که تلاش آقای اوتدولا برای رشوه دادن به لاوان محترم حرکتی از سوی شعبه اجرایی دولت برای بی‌اعتبارسازی این گزارش و مجلس و در نتیجه جلوگیری از اقدامات بعدی بود. در جبهه دولت، برخی احساس می‌کردند که این گزارش به طور نامنصفانه‌ای صرفاً آژانس‌ها و اعضای دولت را هدف گرفته و بنابراین ناعادلانه و جانبدارانه است.

آشفستگی درباره رسوایی رشوه‌گیری به سرعت بر مباحث مربوط به این گزارش و یافته‌های آن سایه افکند. این گزارش به طور قطع در چشم عموم مردم لکه‌دار شده بود. معلوم شد که چه بسا یافته‌ها و توصیه‌های مهم این گزارش نادیده گرفته شود و این

1. Femi Otedola
2. Zenon Oil and Gas Ltd.
3. Synopsis Enterprises Ltd.

به نفع بسیاری از بازیگران اصلی (یارانه‌های نفتی) بود. فشار زیادی بر وزارت دارایی و شخص من آورده شد تا پرداخت یارانه‌های ده‌ها تن از بازاربابان مدعی را تایید کنم. تنگنایی که با آن روبه‌رو شده بودم این بود که وزارت دارایی بر چه اساسی باید این پرداخت‌ها را انجام دهد، با توجه به اینکه می‌دانستم بسیاری از این تراکش‌ها احتمالاً شیدانه هستند. اگر وزارت دارایی بدون داشتن تاییدیه‌های صحیح این پول را می‌پرداخت، خطر قرار گرفتن در معرض سرزنش عمومی و زیر پا گذاشتن قانون را برای خود خریداری می‌کرد. من و کارمندان نزدیکم تصمیم گرفتیم که یکی از راهبردها این است که روش خودمان را برای تایید ادعاهای مربوط به یارانه به کار بگیریم، اما نگران بودیم که این موضوع آنقدر سیاسی شده باشد که قادر باشیم این کار را بدون مداخله دیگران انجام دهیم. در پایان تصمیم گرفتیم که باید این ریسک را بپذیریم و از سروصدایی که هنوز در مورد مجلس ملی به گوش می‌رسد بهره ببریم و یک کمیته تحقیق و ممیزی تشکیل دهیم و فردی بسیار شجاع برای اداره آن پیدا کنیم.

در اواخر ماه می سال ۲۰۱۲ از یکی از محترم‌ترین اعضای بخش خصوصی گروه مدیریت اقتصادی خودمان، آقای آيگ ایموکوئده^۱، مدیرعامل و سرپرست اکسس بانک پرسیدم که آیا می‌تواند مدیریت این پروژه را به عهده بگیرد یا خیر. به‌رغم وجود خطرات، او این کار را به منزله خدمتی به کشور می‌دید و آن را پذیرفت. ما یک کمیته فنی متشکل از عاملین مختلفی که از پیدا شدن حقیقت نفع می‌بردند تشکیل دادیم که اعضای آن عبارت بود از: دکتر برایت اوکوگو، مدیر کل دفتر بودجه در وزارت دارایی؛ دکتر ابراهام نوانکوو^۲، مدیر کل دفتر مدیریت بدهی؛ آقای جونا اوتونلا^۳، حسابدار کل دولت فدرال؛ و نمایندگانی از بانک‌ها، شرکت‌های بازارباب نفتی، بانک مرکزی و وزارت نفت. این کمیته فنی برای انجام بازدیدهای میدانی از ذخایر و تانکرهای نفتی و بنادر و دیگر مناطقی که گزارش مربوط به ادعای یارانه به آنها ختم می‌شد به متخصصانی نیاز داشت، بنابراین تقریباً پانزده نفر از بازرسان قانونی، حسابداران و بازرسان بانکی از PricewaterhouseCoopers و شرکت‌های حسابداری دیگر، بانک مرکزی و جاهای دیگر را برای همکاری در این کار استخدام کرد. به این توافق رسیدیم که هدف این

1. Aig Imoukhuede

2. Dr. Abraham Nwankwo

3. Mr. Jonah Otunla

کمیته باید شامل این موارد باشد: تایید و تسویه اولین ۱/۳ تریلیارد نایرا (۸/۴ میلیارد دلار) از طلب یارانه‌ای بازاریابان خصوصی نفت برای سال ۲۰۱۱، تشخیص تمام موارد مربوط به پرداخت بیش از حد یا نامنظم، تشخیص تمام موارد احتمالی کلاهبرداری برای بازجویی‌های جنایی، بررسی هر مشکل مربوطه دیگری که ممکن است از کارکرد این کمیته ناشی شود و انجام توصیه‌های مناسب درخصوص این موارد. برآورد ما این بود که کار این کمیته شاید پنج هفته طول بکشد، اما در پایان تقریباً دو برابر این مدت به طول انجامید.

پس از اینکه رئیس‌جمهور را درخصوص این کمیته فنی مطلع ساختم و اجازه ادامه کار را از او گرفتم، بسیاری از تراکنش‌های شیادانه و تخلفات دیگر برملا شد، از این رو، گزارشی از یافته‌های موقتی‌ام را در اختیار رئیس‌جمهور قرار دادم. او تصمیم گرفت که کمیته فنی را به یک کمیته ریاست‌جمهوری بدل و فعالیت‌های آن را به ویلا (دفتر رئیس‌جمهور) منتقل کند. این کار باعث حفاظت از این کمیته شد و به آن قدرت بیشتری برای مراحل بعدی کار خود، که شامل فعالیت‌های تفحصی و قانونی مفصل‌تری بود، می‌داد. این کمیته با حضور وکلای مجلس، دولت و نمایندگان از دفتر دادستان کل^۱، نیروی پلیس و خدمات امنیتی دولت تقویت شد. کمیته ریاست‌جمهوری جلسه اولیه خود را در روز ۶ جولای سال ۲۰۱۲ تشکیل داد و با پیگیری کارهای انجام‌شده در کمیته فنی، در اواخر ماه جولای گزارشی از یافته‌هایش را ارائه کرد.

بسیاری از این یافته‌ها بازتاب یافته‌های کمیته مجلس نمایندگان برای راستی‌آزمایی و تعیین الزامات یارانه‌ای واقعی بود، اما این بار یافته‌ها با دقت تمام مورد بررسی قرار گرفته و به خوبی مستندسازی شده بود. کمیته ریاست‌جمهوری برای محموله‌هایی در «کشتی‌های خیالی» که هیچ محموله‌ای فراهم نکرده بودند و برای محموله‌های کشتی‌هایی که وقتی ادعا می‌شد در حال بارگیری در ساحل کوتونو^۲ بنین هستند و در واقع در کشور چین و جنوب اقیانوس آرام بودند، درخواست‌هایی برای یارانه پیدا کرد. دفتر ثبت لوید^۳ که حرکت کشتی‌ها در تمام جهان را پیگیری می‌کند، این یافته‌ها را تایید می‌کرد. درخواست‌های یارانه‌ای برای مواردی داده شده بود که برای‌شان هیچ

1. Attorney General
2. Cotonou
3. Lloyd's Register

سند بارگیری یا مدرک پرداخت هزینه محصولات به ارزش خارجی وجود نداشت. همچنین موارد مختلف دیگری از پرداخت‌های بیش از حد، ادعاهای نادرست و تخلفات از رهنمودهای صندوق یارانه نفت پیدا شد. کمیته ریاست جمهوری متوجه شد که از ۱/۳ تریلیارد نایرای (۸/۴ میلیارد دلار) تاییدشده، ۳۸۲ میلیارد نایرا (۲/۵ میلیارد دلار) به صورت کلاهبرداری یا مشکوک طلب شده و این مبلغ باید از ۱۰۷ شرکت بازاریابی نفتی که فعالیت‌شان مورد تایید نبود مطالبه شود. بابتی را برای برخی از تراکنش‌های مشکوک شرکت‌هایی که ممکن بود همچنان اسنادی را برای تایید ارائه کنند باز گذاشتیم تا برای تایید تراکنش‌هایشان اقدام کنند. این گزارش اعمال چندین اصلاح رویه و مقررات را برای فرآیند مدیریت یارانه توصیه کرد. همچنین توصیه کرد که آژانس‌ها و افراد متخلف، از جمله دبیران اجرایی آژانس اصلی مقررات که بر صندوق یارانه نفتی نظارت داشت، آژانس تنظیم قیمت محصولات و بازرسان خارجی وزارت دارایی، آکینتولا و پلیمز دیلویته^۱ و اولوسولا آدکونولا و همکارانش^۲، که در وظایف خود غفلت کرده بودند، مجازات شوند.^۳

مطابق یافته‌ها و پیشنهادهای این گزارش، آشکار بود که وزارت دارایی نمی‌توانست پول شرکت‌های بازاریاب نفتی که در این تراکنش شایدانه ۳۸۲ میلیارد نایرای (۲/۵ میلیارد دلار) دست داشتند را پرداخت کند. این تصمیم با خشم و مقاومت شدیدی از سوی شرکت‌هایی مواجه شد که تراکنش‌هایشان تحت تاثیر قرار گرفته بود. چندین شرکت که پول‌شان تحت تاثیر قرار نگرفته بود نیز از خود خشم و بی‌صبری نشان می‌دادند زیرا احساس می‌کردند که فرآیند تفحص و تایید کمیته ریاست جمهوری پرداخت پول آنها را بیشتر به تعویق انداخته بود. در این زمان تنش به‌گونه‌ای آشکار بود که مدیر کمیته ریاست جمهوری، آیگ ایموکونده، نزد من آمد و گفت که خانواده‌اش را به خارج از کشور و به لندن منتقل می‌کند زیرا احساس می‌کند که اوضاع خطرناک شده است. انصراف از پرداخت پول بازار یابان شاید (که بسیاری‌شان آشنایان قدرتمندی در دولت و جامعه داشتند) تصمیم دشوار و خطرناکی بود و من نیز خیلی زود باربوده شدن مادرم و تهدید به نقص عضو و معلولیت برای مجبور کردنم به ترک شغل (جدایی از وزارتخانه)، متوجه این موضوع شدم (به فصل اول مراجعه کنید)!

1. Akintola Williams Deloitte

2. Olusola Adekonola and Associates

۳. اولوسولا آدکونولا و همکارانش مدتی بعد به دست کمیته‌ای از انجمن ملی و بر این اساس که وظیفه آنها در پایان دوره تحت بازرجویی آغاز شده بود، تیرنه شدند.

کسری‌ها، ارقام جالب و دیگر مسائل مشکل‌ساز مربوط به بخش نفتی

در حالی که مشغول مبارزه با بازاریابان نفتی و نهادهای دیگر در خارج از دولت بودم، مبارزات داخلی مربوط به بخش نفتی نیز در دولت در جریان بود. وزارت دارایی قربانی این مبارزات بود زیرا در نهایت این وزارتخانه بود که باید دنبال درآمدهای لازم برای تامین بودجه می‌دوید و بخش اعظم این بودجه (۷۰ درصد) باید از بخش نفتی تامین می‌شد. این مبارزات جوی از تنش و تخاصم را بین وزارت دارایی و وزارت نفت و نهاد نیمه‌دولتی عظیم خود، شرکت ملی نفت نیجریه رقم زد. شرکت ملی نفت اگر قدرت‌مندترین آژانس دولتی در تاریخ نیجریه نبود، مطمئناً یکی از قدرتمندترین‌ها بود و در حکم یکی از ناشفاف‌ترین و بی‌مسئولیت‌ترین نهادها محسوب می‌شد. این شرکت از سال ۱۹۷۷ بدین شکل بوده است زیرا در آن زمان به تصمیم دولت‌های نظامی، تنها فردی که این شرکت به او پاسخگو بود رئیس دولت بود به نحوی که رئیس دولت در برخی دولت‌ها نیز نقش وزیر نفت را به عهده می‌گرفت.

شرکت ملی نفت و وزارت نفت کنترل مطلق بر منابع نفتی و گازی کشور داشتند. زمانی که من در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار به سمت وزیر دارایی منصوب شدم، متوجه شدم که وزارت دارایی نقشی در مدیریت صنعت نفت کشور ندارد و اگر هم دارد این نقش ناچیز است. به استثنای اینکه دبیر وزارت دارایی در هیات‌مدیره شرکت ملی نفت (هیات‌مدیره‌ای که تنها به صورت نامنظم و براساس دولت حاکم با هم ملاقات داشتند) حضور داشت، ارتباط‌های حقوقی کمی بین وزارت دارایی و وزارت نفت برقرار بود.

مسئولیت بودجه‌بندی درخواست‌های نقدی سرمایه‌گذاری‌های مشترکی که سهم نیجریه از هزینه‌های مربوط به تولید نفت را در قراردادهای مشترک با کمپانی‌های بزرگ نفتی مانند شل^۱، توتال^۲ و اکسون‌موبیل^۳ پرداخت می‌کرد، به عهده وزارت دارایی بود. این کار از طریق مشورت با دپارتمان‌های مرتبط در شرکت ملی نفت و وزارت نفت انجام می‌شد. همچنین در زمان تعیین ارقام تولیدی، قیمت‌های معیار نفت و پارامترهای درآمدی بودجه، با این آژانس‌ها مشورت می‌شد. اما به استثنای این موارد، وزارت دارایی یگانه دریافت‌کننده هر درآمدی بود که بخش‌های نفت و گاز برای دولت دولت فدرال بودجه‌بندی می‌کرد. وزارت دارایی هیچ‌کنترلی بر فروش، بازاریابی یا عواید این

1. Shell
2. Total
3. ExxonMobil

فعالیت‌ها نداشت. این موارد معمولاً در جلسات ماهانه کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون^۱ مطرح و به بحث گذاشته می‌شد؛ این جلسات به ریاست وزیر دارایی دولت^۲ (معاون وزیر دارایی)، شصت و شش ایالت دولت فدرال منطقه پایتخت فدرال^۳، دولت فدرال و آژانس‌های اصلی درآمدسازی (مانند خدمات درآمد فدرال درون‌مرزی، شرکت ملی نفت نیجریه و خدمات گمرک) را گرد هم می‌آورد تا عواید حاصل از درآمد نفتی و غیرنفتی را برحسب قانون اساسی گزارش دهند و با هم تقسیم کنند.

در سال ۲۰۱۲، اضافه‌بر مشکلات جدی درخصوص کلاهبرداری در زمینه یارانه نفتی، در جلسات کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون تنش‌هایی برسر پرداخت کمتر از میزان پیش‌بینی شده درآمدهای نفتی به حساب‌های دولت فدرال به وجود آمده بود. این پرداخت‌های کمتر، ایالت‌ها و دولت فدرال را در جایگاهی قرار می‌داد که دیگر قادر به اجرای کامل طرح بودجه خود نبودند. چارچوب مخارج میان‌مدت^۴ در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۲ معیار قیمت نفت را در حدی تعیین کرده بود که ایالت‌ها و دولت فدرال باید برای هر بشکه ۷۲ دلار بودجه در نظر می‌گرفتند، درحالی‌که قیمت متوسط هر بشکه نفت خام نیجریه (بانی لایت^۵) ۱۱۳ دلار بود. با تولید پیش‌بینی شده یعنی ۲/۴۸ میلیون بشکه در روز، درآمد ماهانه نفتی برای حساب دولت فدرال به طور متوسط ۸۰۸ میلیارد نایرا (۵/۱ میلیارد دلار) پیش‌بینی می‌شد. علاوه‌براین، مابه‌التفاوت قیمت معیار نفت و قیمت بازار برای هر بشکه (پس از کسر هزینه‌های مختلف و پرداخت تراکنش‌های شرکت ملی نفت نیجریه که همیشه از مقدار آن نامطمئن بودیم) به شکل پس‌اندازهایی برای حساب مازاد نفت خام دولت فدرال^۶ جمع‌آوری می‌شد (صندوق پس‌اندازی که در دوره اول وزارت دارایی من تحت ریاست جمهوری اوباسانجو برای کمک به مدیریت نوسان قیمت نفت و پس‌انداز برای روز مبادا تشکیل داده بودیم).^۷ با این حال، با آغاز سه‌ماهه دوم سال ۲۰۱۲، حسابدار کل فدراسیون^۸ و وزیر دارایی دولت گزارش دادند که

1. Federation Accounts Allocation Committee (FAAC)
2. Minister of State Finance
3. Federal Capital Territory
4. Medium-Term Expenditure Framework (MTEF)
5. Bonny Light
6. Federation's Excess Crude Account

۷. به کتاب خودم با عنوان زیر مراجعه کنید:

Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria (Cambridge, MA: MIT Press, 2012)

8. *Accountant General of the Federation (AGF)*

در میزان درآمدهای نفتی که شرکت ملی نفت نیجریه به حساب دولت فدرال واریز کرده است، کسری شدیدی وجود دارد. هنگامی که گروه مدیریت ارشد در وزارت دارایی حساب‌ها را بررسی کرد، متوجه شدیم که میزان کسری‌ها، ماهانه متغیر است، چنانکه اگر کسری‌های موجود در بودجه و حساب مازاد نفت خام را با هم جمع می‌کردیم، مقدار کسری‌های ماهانه تقریباً به ۱۶۰ میلیارد نایرا (یک میلیارد دلار) می‌رسید.

شرکت‌کنندگان کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون از ما خواهان توضیحی در مورد وجود کسری‌ها در پرداخت‌های شرکت ملی نفت نیجریه بودند. وزارت دارایی نیز جلساتی را با مقامات رسمی شرکت ملی نفت نیجریه و وزارت نفت تشکیل داد تا از جریان پرداختی باخبر شود. توضیح آنها هر ماه این بود که دلیل وجود کسری در درآمدها، سرقت نفت و آسیب‌رسانی به خط لوله است. در زمان افزایش قیمت‌های نفتی، نیجریه باید خروجی و درآمدهای خود را افزایش می‌داد، اما برعکس، کشور از کمبودهای چشمگیری رنج می‌برد. شرکت ملی نفت نیجریه گفت به دلیل سرقت نفت از لوله‌ها، میانگینی تقریباً برابر با ۱۵۰ هزار بشکه در روز از دست می‌رود. اما تاثیر واقعی این رویداد بسیار بیشتر از مقادیر مسروقه بود. آسیب‌رسانی به لوله‌ها و استفاده از تجهیزات زیرآبی که پیچیدگی‌شان مدام در حال افزایش بود باعث می‌شد تا شرکت‌ها نفت‌رسانی خود را به طور گسترده تعطیل کنند (بستن خط لوله انتقال محصولات نفتی)، به نحوی که روزانه تقریباً ۴۰۰ هزار بشکه بدون انتقال باقی می‌ماند و به کاهش‌های درآمدی شدیدی به میزان یک میلیارد دلار در ماه می‌انجامید.

اگرچه ما در وزارت دارایی هر ماه به کسری‌ها و پول‌های گزارش‌نشده رسیدگی و با آنها مقابله می‌کردیم، اما از اواسط سال ۲۰۱۲، کم‌کم زنگ خطر مربوط به پول‌های ناپدید شده را به صورت عمومی به صدا در آوردیم. مقاله‌ای در مجله اوپل پنج اینترنت‌نشال^۱ در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۲ از من نقل می‌کند که: «نیجریه ماهانه یک میلیارد دلار را به دلیل سرقت نفت از دست می‌دهد.»^۲

این وضعیت در سال ۲۰۱۳ وخیم شد و تا ماه آوریل همان سال چندین گزارش روی کانال‌های تلویزیونی نیجریه، اینترنت و رسانه‌های چاپی ملی و بین‌المللی منتشر

1. Oil Change International

2. Andy Rowell, "Nigeria Loses \$1 Billion a Month in Oil Theft," *Oil Change International*, June 27 2012, <http://priceofoil.org/2012/06/27/nigeria-loses-1-billion-a-month-in-oil-theft>.

شد که گفته‌های من درخصوص شدت سرقت نفت و مشکلات مربوط به از دست رفتن درآمد را منتشر می‌کرد. اضافه‌بر کسری‌های حاصل از سرقت، شرکت ملی نفت نیجریه نیز پول‌هایی بابت اقلامی مانند خط لوله و تعمیرات دیگر کسر می‌کرد. این شرکت پول‌هایی را نیز در حکم یارانه نفت و نفت سفید برای خود کنار می‌گذاشت. بسیاری از موارد کسری‌ها آنقدر زیاد بود که باعث تنش‌هایی در جلسات کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون می‌شد، طوری که کارکنان امور مالی و حسابداران کل از جلسات بیرون می‌رفتند و نمودارهایی که شرکت ملی نفت نیجریه برای آن ماه ارائه کرده بود را نمی‌پذیرفتند.

چندین جلسه را با شرکت ملی نفت نیجریه و گروه وزارت دارایی تشکیل دادم تا در مورد مشکلات صحبت کنم و آنها را پاسخگو سازم. در یکی از این جلسات، آستین اونیوان، مدیرعامل گروه شرکت ملی نفت نیجریه در آن زمان، جایگاه من برای طلب اطلاعات درخصوص حجم تولید و فروش یا حتی پاسخگو قرار دادن شرکت ملی نفت نیجریه برای ارائه حجم مورد نیاز بودجه را زیر سوال برد. او در حضور همکارانش و مدیران ارشد وزارت دارایی مانند مدیرعامل دفتر بودجه، با چنان شدتی من را زیر سوال می‌برد که مجبور شدم برای اینکه بحث وخیم‌تر نشود، جلسه را ترک کنم.

این مشکلات را با همکارم وزیر نفت، در میان گذاشتم و او نیز همراه با گروه خود پس از مدتی تاثیر زیان‌بار کسری‌های موجود در بودجه و اقتصاد را بررسی کرد. اما رابطه بین وزارت دارایی و وزارت نفت زیاد خوب نبود و عملاً در تمام سطوح بین آنها تنش وجود داشت؛ ماموران وزارت دارایی مجبور بودند مسئولیت این کسری‌ها در درآمدهای دولت فدرال را به گردن بگیرند و همکاران ما در وزارت نفت غالباً طوری رفتار می‌کردند که گویی درقبال هیچ فردی پاسخگو نیستند.

گزارش این موضوع ماهانه به رئیس‌جمهور می‌رسید. با کمک و وساطت گاه‌به‌گاه او، چند ماهی درآمدهای بیشتری دریافت می‌کردیم و برخی ماه‌ها کمتر. این فرآیند فشار زیادی روی کارمندان وزارت دارایی و خود من وارد می‌کرد و رابطه ما با شرکت ملی نفت نیجریه و وزارت نفت به ندرت صمیمی بود. این وضعیت به شورای اقتصادی ملی نیز سرایت کرد، طوری که فرمانداران نیز خواهان رسیدگی به مشکلات مربوط به سرقت نفت و کسر درآمد شده بودند. شایعات زیادی در گرفته بود که ذی‌نفعان مربوطه (از

جمله افسران ارتشی سابق و فعلی و کارمندان سابق (شرکت‌های نفتی)) در این سرقت نفت دست دارند.

وضعیت افتتاح به نظر می‌رسید، اما وضعیتی بود که اگر اقدامات اصلاح‌گرانه انجام می‌شد، مطمئناً قابل حل بود. من با رئیس‌جمهور چندین بار در مورد این موضوع صحبت کردم و با او به جست‌وجوی راه‌حل پرداختیم و سرانجام او یک گروه عملیاتی برای تعیین اندازه و تاثیر مشکل سرقت نفت، تشخیص دلایل کارگر نبودن راه‌حل‌های پیشنهادی و ارائه و اجرای راه‌حل‌های جدید تشکیل داد. ریاست این گروه عملیاتی به عهده دکتر امانوئل اودوآغان^۱، فرماندار ایالت نفت خیز دلتا بود. اعضای دیگر این گروه عبارت بودند از: فرماندار ایالت بایلسا^۲، کارمندان شرکت‌های نفتی، اعضای آژانس‌های شبه‌نظامی و نمایندگانی از وزارتخانه‌های دارایی، دادگستری، نفت و دفاع و گروه عملیاتی مشترک هر یک از آنها. احساس می‌کردم که این گروه مناسبی برای حل این مشکل بود و بسیار امیدوار بودم.

اما در طول زمان، امیدواری‌های من از بین رفت زیرا هرچند برای یافتن راه‌حل با هم ملاقات می‌کردیم، اما تغییری حاصل نمی‌شد و امیدهای من از بین رفت. برخی سارقان نفتی دستگیر شدند و کشتی‌های‌شان توقیف شد، اما رویکردی همه‌جانبه برای رسیدگی به این مشکل وجود نداشت. اوضاع برای یک ماه بهبود می‌یافت و سپس دوباره رو به وخامت می‌گذاشت و درآمدها دوباره در مضیقه می‌افتاد. در سراسر کشور جوی از تردید، اتهامات و تنش بر بخش نفت حاکم بود و با توجه به فشار دائم جریان نقدی که کشور زیر آن بود، از بین بردن این جو، کار دشواری بود. در این جو بود که مالام سانوسی لامیدو سانوسی، رئیس بانک مرکزی و اکنون امیر ایالت کانو، داستان میلیاردها پول ناپدیدشده از درآمد نفتی را فاش کردند.

۵۰ میلیارد دلار (ناپدید شده)؟ یا شاید ۲۰ میلیارد دلار؟ یا ۱۲ میلیارد دلار؟ یا شاید رقمی دیگر؟ در اوایل ماه اکتبر سال ۲۰۱۳ ساعت ۱۰ شب، در دفترم نشسته بودم و سعی داشتم کار روزانه را به پایان برسانم؛ آن هنگام رویدادی شروع به آشکار شدن کرد که قرار بود به آبروی ریاست‌جمهوری گودلاک جاناتان و کشور آسیب بزند و من را در تنگنای شدیدی

1. Dr. Emmanuel Uduaghan

2. Bayelsa

قرار دهد. این رویداد با یک تماس تلفنی از سوی سانوسی لامیدو، رئیس بانک مرکزی، که به واسطه یک بانک مرکزی مستقل، مسئول سیاست پولی بود، آغاز شد. ما از گروه مدیریت اقتصادی خودمان به منزله واسطه‌ای برای هماهنگ‌سازی سیاست پولی و مالی استفاده می‌کردیم، اما لامیدو و من با هم زیاد در ارتباط بودیم؛ گاهی یک یا دو بار در روز. به‌خوبی با هم کنار می‌آمدیم و حتی با اینکه همیشه با هم موافق نبودیم به نظرات یکدیگر احترام می‌گذاشتیم. او نیز در خصوص کسری‌ها و درآمدهای گزارش‌نشده بخش نفت نگران بود، زیرا این موضوع بر میزان ذخایر ارز خارجی، ثبات نرخ ارز و اجرای سیاست پولی اثر می‌گذاشت. ما هر دو به مراتب از تاثیر جدی این مشکل بر اقتصاد تاسف می‌خوردیم. تماس تلفنی او با من در این ساعت از شب موضوع عجیبی نبود. با این حال، موضوعی که قصد داشت پشت خط با من در میان بگذارد آنقدر شوکه‌ام کرد که بی‌حرکت ماندم. تماس گرفته بود تا خبر دهد که چند روز پیش (دقیقا ۲۵ سپتامبر) نامه‌ای به رئیس‌جمهور فرستاده و به او هشدار داده بود که ۴۹/۸ میلیارد دلار از حساب‌های نفتی کشور برای بازه زمانی بین ژانویه ۲۰۱۲ تا جولای ۲۰۱۳ مفقود یا گزارش نشده‌اند. این برآورد براساس تحقیقاتی بود که کارمندان او در بانک مرکزی انجام داده بودند. او به این دلیل قصد مطلع ساختن رئیس‌جمهور را داشت که پای مبالغ‌گرافی در میان بود که تاثیر اقتصادی جدی‌ای بر کشور داشت.

اگرچه من با این هشدار موافق بودم، اما این کار وزارت دارایی بود که ماهانه از طریق در میان گذاشتن مبلغ کسری حساب دولت فدرال با رئیس‌جمهور با این مشکل مقابله کند. با این وجود، از میزان این کسری که رئیس بانک مرکزی به آن اشاره کرد شوکه شده بودم. فوراً گفتم که فکر نمی‌کنم مقدار پول‌های گزارش‌نشده تا این حد زیاد باشد، زیرا این مبلغ ۵۰ درصد یا بیش از ۵۰ درصد مقدار کل درآمدهای نفتی برای آن دوره است و اگر این مقدار پول مفقود شده باشد پس کشور قادر به ادامه کار نخواهد بود. این فشار مالی باید به‌وضوح قابل‌رویت می‌بود. همان‌طور که او طبق حساب‌های کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون آگاه بود، وزارت دارایی در حال پیگیری ماهانه کسری‌ها در درآمد بوده است. ما جدولی در دست داشتیم که نشان می‌داد طی همان دوره مبلغ ۱۰/۸ تا ۱۲ میلیارد دلار به صورت گزارش‌نشده وجود داشت (اینها مقادیر زیادی برای کشور فقیری مانند نیجریه بود، اما با ۵۰ میلیارد دلاری که او راجع به آن صحبت می‌کرد بسیار فاصله داشت).

نگران و کاملاً گیج شده بودم که او بدون در میان گذاشتن یافته‌های بانک مرکزی یا بررسی ارقام با من، طبق روال همیشه، چنین نامه‌ای را برای رئیس جمهور فرستاده بود. در حکم بانکدار دولت (اساساً بانکدار وزارت دارایی) در بسیاری از مواقع با هم در خصوص مبالغ گزارش نشده صحبت و ابراز نگرانی کرده بودیم. نمی‌توانستم درک کنم چرا بانک مرکزی از در میان گذاشتن چنین مشکل جدی با خزانه‌داری و وزارت دارایی اجتناب کرده بود.

نگرانی دیگرم این بود که این نامه جنجال برانگیز (رسوایی آور) ممکن بود به مطبوعات درز کند و بازتابی منفی در کشور داشته باشد. در کدام کشور ۵۰ میلیارد دلار می‌تواند مفقود می‌شود یا گزارش نمی‌شود؟ مطمئناً در یک جمهوری موزا^۱ سانوسی لامیدو سانوسی خاطرمد را جمع کرد که فقط سه نفر از وجود این نامه باخبر بودند؛ خودش، من و رئیس‌جمهور. اما نسبت به حرف حرفش تردید داشتم. پرسیدم آیا این نامه را خودش تایپ کرده است یا نه و او در جواب گفت خیر، بنابراین افراد دیگری بودند که به این اطلاعات رسیدگی کرده بودند و از آن باخبر بودند. مطمئن بودم که این نامه خیلی زود به مطبوعات درز خواهد کرد. همچنین تعجب کرده بودم که رئیس‌جمهور راجع به این نامه حرفی به من نزنده بود و قصد داشتم صبح روز بعد از او راجع به این موضوع سوال کنم.

در جلسه‌ای که صبح زود برگزار شد، رئیس‌جمهور تایید کرد که رئیس بانک مرکزی واقعا چنین نامه‌ای را برایش ارسال کرده است. گفت از مقدار این مبلغ شوکه شده و از من پرسید آیا لامیدو قبلاً با من در مورد آن صحبت کرده بود یا خیر. در پاسخ گفتم خیر. وقتی رئیس‌جمهور نظرم را در مورد مبلغ گزارش نشده پرسید همان پاسخی که شب قبل به لامیدو داده بودم را تکرار کردم: برآورد وزارت دارایی مبلغی بین ۱۰/۸ میلیارد تا ۱۲ میلیارد دلار است.

سپس رئیس‌جمهور گفت که از نظر او این وضعیت نگران‌کننده است و نمی‌داند آیا این موضوع به یک تحقیق و بررسی در مورد رئیس بانک که من از آن باخبر بودم، ربطی دارد یا خیر. او گفت که شورای گزارش‌گری مالی^۲، یک نهاد نظارت مالی واقع

۱. جمهوری موز یا موز فروش: در واژگان سیاسی نوین، اصطلاحی است برای کشورهایی تک‌محصولی و ضعیف و از نظر سیاسی ناپایدار که اقتصادشان وابسته صادرات یک محصول محدود مانند موز و کانی‌های معدنی است. این کشورها معمولاً توسط گروهی کوچک، فاسد، پول‌دار، خودکامه در قالب الیگارش‌ی یا زرسالاری اداره می‌شوند. م

2. Financial Reporting Council (FRC)

در وزارت صنعت، تجارت و سرمایه‌گذاری، نظرش را به سمت اختلالاتی در حساب‌های داخلی بانک مرکزی در سال ۲۰۱۳ جلب کرده است. او تحقیقات شورای گزارش‌گری مالی را برای رئیس بانک مرکزی فرستاده بود تا لامیدو در موردشان اقدام کند و لامیدو نیز این گزارش‌ها را با پاسخ‌های کامل به تمام سوالات مطرح‌شده بازگردانده بود، اما این کار هنوز برای شورای گزارش‌گری مالی قابل قبول نبود. بنا به گفته رئیس جمهور، اگر وضعیت به اطلاع عموم می‌رسید، می‌توانست بازتاب بدی برای رئیس بانک مرکزی داشته باشد. پس رئیس جمهور فکر می‌کرد شاید این نامه در خصوص درآمدهای مفقودی در بخش نفت روشی برای دور کردن توجهات از وضعیت موجود و فیصله دادن به موضوع بوده است. از این حکایت بسیار شگفت‌زده شدم، زیرا اولین باری بود که چیزی در مورد اختلالات گزارش‌شده در حساب‌های بانک مرکزی می‌شنیدم. رئیس جمهور احساس می‌کرد که باید جلسه‌ای با نمایندگانی از بانک مرکزی، وزارت نفت و وزارت دارایی ترتیب دهم تا در مورد نگرانی‌های رئیس بانک مرکزی صحبت کنم و این ارقام را بین سه طرف تطبیق دهم.

کمی بعد در همان روز، با رئیس بانک مرکزی تماس گرفتم و گفتم که با رئیس جمهور صحبت کرده‌ام و او از من خواسته که این ارقام را بین این سه دفتر نمایندگی تطبیق دهم. راحت موافقت کرد. همچنین با وزیر نفت نیز صحبت کردم و او گفت که وزارتخانه‌اش آماده همکاری است. یک گروه عملیاتی فنی متشکل از کارکنان ارشد این سه دفتر و با ریاست مدیر دفتر بودجه، دکتر برایت اوکوگو، یک اقتصاددان نفت و فردی مجرب در زمینه اقتصاد کلان که هم در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)^۱ و هم در صندوق بین‌المللی پول کار کرده بود، تشکیل دادم. این گروه عملیاتی قرار بود به تمام شواهد مربوط به مجموع مبالغ گزارش‌نشده در بین مبالغی که شرکت ملی نفت نیجریه باید در بازه زمانی مورد نظر به حساب دولت فدرال واریز می‌کرد نگاه کند و تمام ارقام موجود بین این سه دفتر نمایندگی را با هم تطبیق دهد. این گروه عملیاتی یک هفته برای انجام این کار فرصت داشت.

جو حاکم بین شرکت ملی نفت نیجریه و کارکنان وزارت منابع نفتی و بانک مرکزی بسیار پرتنش و خصومت‌آمیز بود، به نحوی که این احساس از قبل وجود داشت که

1. Organization of Petroleum Exporting Countries (OPEC)

2. International Monetary Fund

نامه رئیس بانک مرکزی فقط برای بی اعتبارسازی و متهم ساختن آنان به فساد نوشته شده است. وزارت دارایی وسط این بازی قرار گرفته بود. احساس می کردیم کار ما این است که وضعیت را طوری مدیریت کنیم که ارقام به دست آمده همان ارقامی باشد که همگی با آن موافقت کرده بودیم، اما مهم تر این بود که شاید این بازنگری بتواند باعث شود تا وزارت دارایی بتواند پول های گزارش نشده را پیدا کند. من علاقه مند بودم که این پول های گزارش نشده را، هرچقدر هم که بود، به حساب دولت فدرال منتقل کنیم تا از فشار موجود بر بودجه های دولت های فدرال، ایالتی و محلی کاسته شود.

اما زمانی که گروه عملیاتی در حال انجام کارش بود، بدترین ترس های من به حقیقت پیوست. بعد از ظهر روز ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۳ تماسی از ویلیام والیس^۱، خبرنگار بخش آفریقای مجله فایننشال تایمز^۲ لندن دریافت کردم که می گفت نسخه ای از نامه ارسالی به رئیس جمهور را در دست دارد که می گوید ۵۰ میلیارد دلار از حساب های نفتی ما مفقود شده است و نظرم را در این باره جویا شد. گفتم فکر می کنم این ارقام بیش از حد بالا است و رئیس جمهور از من خواسته که یک گروه عملیاتی برای تطبیق این ارقام تشکیل دهم. همچنین گفتم که این گروه عملیاتی قرار است گزارشی را در عرض یک هفته ارائه کند. اما خیلی دیر شده بود. روز بعد، ۵۰ میلیارد دلار مفقود شده به تیترا خبری فایننشال تایمز و دیگر رسانه های داخلی و بین المللی بدل شد. اگرچه این اولین بار در تاریخ نیجریه نبود که مقادیر هنگفتی از درآمدهای نفتی مفقود اعلام می شد، اما این مبلغ خیلی عظیم و برای نیجریه ویران کننده بود. به استثنای خبر مربوط به مفقود شدن دختران چیبوک^۳ (۲۷۶) دختر نوجوانی که در آوریل سال ۲۰۱۴ در شهر چیبوک در شمال شرق نیجریه به دست جنگ طلبان بوکو حرام^۴ ربوده شده بودند (به پیوست ج مراجعه کنید)) این نگران کننده ترین رویداد در دوران ریاست جمهوری جاناتان بود.

گروه عملیاتی گزارشش را در عرض یک هفته ارائه داد و گفت که این اعداد تطبیق پیدا کرده اند و تمام آژانس های دخیل با آنها موافق اند. نامه رئیس بانک مرکزی، سانوسی لامیدو سانوسی، ادعا داشت که شرکت ملی نفت نیجریه در حواصل ماه ژانویه سال

1. William Wallis
2. Financial Times
3. Chibok
4. Boko Haram

۲۰۱۲ و جولای سال ۲۰۱۳، نفت خامی به ارزش ۶۵ میلیارد دلار استخراج کرده (و فروخته) است، اما تنها ۱۵/۲ میلیارد از آن پول به حساب دولت فدرال پرداخت شده و بنابراین ۴۹/۸ میلیارد دلار از آن پول گزارش نشده بود. تطبیق بین سه دفتر نمایندگی مربوطه نشان داد که همکاران بانک مرکزی که رقم ۴۹/۸ میلیارد دلار را ارائه کرده بودند، برخی از تراکنش‌ها و ترتیبات پر جزئیات از حساب‌های نفتی را به طور کامل گزارش نداده‌اند. مثلاً تقریباً ۱۵ میلیارد دلار از این پول مستقیماً در قالب درآمدهای مالیاتی به خدمات درآمد فدرال درون مرزی و از آنجا به حساب دولت فدرال منتقل شده بود. شرکت ملی نفت نیجریه نفت خامی به ارزش ۲۸ میلیارد دلار استخراج کرده بود که با نفت پالایش شده معاوضه شده بود. تراکنش‌های دیگری نیز از سوی اشخاص ثالث انجام شده بود، مانند درآمدهای نفتی که بابت هزینه انواع دیگری از تامین مالی ارائه شده از سوی شرکای سرمایه‌گذاران مشترک پرداخت شده بود. در پایان این اقدامات بازنگرانه همه موافق بودند که مبالغ گزارش نشده در بازه بین ۱۰/۸ تا ۱۲ میلیارد دلاری است که وزارت دارایی محاسبه کرده بود و چه بسا به ۱۲ میلیارد دلار نزدیک‌تر باشند. با این حال، در کشور غوغایی بر سر ۵۰ میلیارد دلار مفقود شده برپا شد و کمیته‌های تامین مالی و نفت مجلس سنا^۱ (جریان موافق و مخالف^۲) در مجلس ملی جلسات شنودی را ترتیب دادند. باور داشتیم که به میان کشیدن پای مطبوعات برای اعلام یافته‌های گروه عملیاتی می‌تواند به شفاف‌سازی اوضاع کمک کند. رئیس بانک مرکزی به اعتبار خود پذیرفت که همراه با من و وزیر منابع نفت در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی حضور به عمل رساند و یافته‌های گروه عملیاتی را اعلام کند. رئیس بانک مرکزی در این کنفرانس مطبوعاتی با کمال متانت پذیرفت که کارمندانش اشتباه کرده بودند و بانک مرکزی نیجریه پس از تطبیق ارقام تایید کرد که مبالغ گزارش نشده که باید به حساب دولت فدرال پرداخت می‌شد تقریباً ۱۲ میلیارد دلار بود.

این کنفرانس مطبوعاتی برای رفع سوء تفاهم مفید بود و من فکر می‌کردم اکنون می‌توانیم بر چگونگی بازیافت این ۱۲ میلیارد گزارش نشده تمرکز کنیم. رقم ۱۲ میلیارد دلار همچنان مبلغی بسیار بزرگ برای خزانه‌داری به شمار می‌رفت و می‌توانست یکی از نشی‌های جدی مالی را مسدود کند. با توجه به اینکه همه ما با هم همفکر بودیم،

1. The Senate Committees on Finance and Petroleum

2. Upstream and Downstream

موافقت کردیم که هفته بعد مشترکا در جلسه استماع مجلس ملی حاضر شویم. فضا چنان صمیمیتی داشت که مدت‌ها بود آن را مشاهده نکرده بودم.

متأسفانه روز بعد از کنفرانس خبری، تبلیغ تلویزیونی شرکت ملی نفت نیجریه با اعلام اینکه شرکت ملی نفت نیجریه از اتهامات نادرست رئیس بانک مرکزی نیجریه در خصوص مفقود شدن پول‌ها تبرئه شده است، این صمیمت را از بین برد. همان لحظه‌ای که این تبلیغ را دیدم می‌دانستم که دردسری به وجود آمده است. با مدیرعامل گروه شرکت ملی نفت نیجریه، آقای اندرو یاکوبو^۱، تماس گرفتم و از او خواستم که این تبلیغ را از روی تلویزیون بردارد زیرا تحریک‌کننده و حتی برای رئیس بانک مرکزی که با متانت تمام این ارقام اصلاح شده را پذیرفت، تحقیرآمیز بود. شب همان روز، رئیس بانک مرکزی با من تماس گرفت تا در خصوص این تبلیغ از من گلیه کند و به او اطمینان خاطر دادم که از شرکت ملی نفت نیجریه درخواست کرده‌ام آن را از روی تلویزیون بردارد. اما این تبلیغ به مدت یک روز دیگر پخش و سپس برداشته شد.

فقط می‌توانم حدس بزنم که این تبلیغ در ماجرای که پس از آن شاهدش بودیم تاثیر داشت. گروه عملیاتی گزارشش را در ۱۸ دسامبر سال ۲۰۱۳ ارائه کرد. در ۴ فوریه سال ۲۰۱۴ ما در مقابل کمیته‌ای از مجلس سنا با ریاست مدیر بسیار توانای کمیته امور مالی مجلس سنا و فرماندار سابق ایالت کادونا^۲، مالام احمد مارکافی^۳، حاضر شدیم. سناتور مارکافی باهوش بود و در نپذیرفتن هر حرف بی‌دلیلی شهرت داشت. او بر ماجرا مسلط بود، بنابراین امیدوار بودم حالا که همه افراد در جبهه اجرایی دولت با هم همفکرند، این جلسه سریع و روان به پایان برسد.

از همه ما خواسته شد که به نوبت در مورد ۵۰ میلیارد دلار مفقودشده شهادت دهیم. وزیر نفت نفر اول بود و تمام حقایقی که همه ما با آن موافق بودیم را گفت. رئیس بانک مرکزی نفر بعدی بود و ما را غافلگیر کرد. رئیس بانک مرکزی، سانوسی لامیدو سانوسی، در شهادتش گفت اگرچه مبالغ گزارش نشده ممکن است به ۵۰ میلیارد دلار نرسد، اما رقمشان ۱۲ میلیارد دلار نیز نیست، بلکه تقریبا ۲۰ میلیارد دلار است. او سپس چنان صحنه‌آرایی کرد تا نشان دهد که چرا اکنون فکر می‌کند که این مقدار ۲۰ میلیارد دلار

1. Andrew Yakubu

2. Kaduna

3. Mallam Ahmed Markafi

است و باور دارد که یکی از توابع شرکت ملی نفت نیجریه، شرکت توسعه نفت نیجریه^۱، تا سقف ۶ میلیارد دلار از پول‌های حساب دولت فدرال را پرداخت نکرده است.

این حرف او آشوبی در اتاق جلسه به پا کرد زیرا تنها چند روز پیش رئیس بانک مرکزی قبول کرده بود که مبالغ گزارش‌نشده چیزی حدود ۱۲ میلیارد دلار است. می‌توانستم دوبدن گزارشگران به سوی در را ببینم و شکی نداشتم که شتاب‌شان برای ارسال این خبر داغ بود!

یک بار دیگر، سانوسی رئیس بانک مرکزی به من نگفته بود (زیرا قبل از این جلسه می‌توانست مرا باخبر سازد) که اکنون به نتیجه جدیدی در مورد مبالغ گزارش‌نشده رسیده است. مجدداً دولت ظاهری به هم ریخته به خود گرفت. دولتی که مقامات ارشد آن نمی‌توانستند بر سر مبالغ گزارش‌نشده از سوی صندوق‌های دولتی به توافق برسند، دولت موجهی نبود.

این موضوع برای من، وزیر دارایی بیش از اندازه سنگین بود. زمانی که نوبت به من رسید، پس از شهادت دادن درباره درستی تطبیق ارقام و یافته‌های وزارت دارایی، اذعان کردم که تنها راهی که دولت می‌تواند از طریق آن اعتبار از دست رفته بر سر این موضوع را به دست آورد و به آن خاتمه دهد این است که درخواست یک حسابرسی قانونی مستقل را دهیم.

مجلس سنا این درخواست را پذیرفت. مجلس در ابتدا اعلام کرد که حسابرسی را خودش مدیریت خواهد کرد اما سپس تصمیم گرفت که شعبه اجرایی دولت باید این حسابرسی را انجام دهد. در روزهای بعد، شرکت ملی نفت نیجریه حساب این ۲۰ میلیارد دلار را ارائه کرد، اما عموم مردم آن را نادیده گرفتند یا آن را معتبر تلقی نکردند و این ۲۰ میلیارد دلار مفقودشده به اخبار مالی جهان بدل شد. این خبر حتی از خبر مربوط به ۵۰ میلیارد دلار نیز سریع‌تر پخش می‌شد.

عزل موقت رئیس بانک مرکزی به دست رئیس جمهور به دلیل «بی‌دقتی مالی» که ظاهراً به مشکلات بانک مرکزی نیجریه با شورای گزارش مالی مربوط می‌شد، وضعیت را وخیم‌تر ساخت. زمان این کار نمی‌توانست بدتر از این باشد، زیرا این حرکت در داخل و خارج از کشور به منزله مجازاتی برای افشای میلیاردها دلار مفقودشده تعبیر می‌شد. این کار باعث شد تا این داستان اعتبار بیشتری پیدا کند!

1. Nigerian Petroleum Development Corporation

با توجه به داستان مربوط به پول‌های گزارش نشده، به نظر می‌رسید که تاریخ دوباره خود را با اعدادی بسیار بزرگ‌تر تکرار کرده است. در گذشته‌ای دور در سال ۱۹۷۸، زمانی که رئیس‌جمهور محمدو بوهاری^۱ در دوره ریاست‌جمهوری ژنرال اولسگون اوباسانجو، وزیر نفت بود، اتهامی دال‌بر مفقود شدن ۳/۵ میلیارد دلار که شرکت ملی نفت نیجریه باید به خزانه‌داری می‌پرداخت، مطرح شد. در دهه ۱۹۹۰، تحت ریاست جمهوری ابراهیم باباگیندا، معلوم شد که ۱۲ میلیارد دلار از سوی شرکت ملی نفت نیجریه گزارش نشده است و اکنون ارقام مورد بحث ۵۰ میلیارد، ۲۰ میلیارد و ۱۲ میلیارد دلار بود. انجام یک بازرسی قانونی مستقل مهم‌ترین کار بود.

حسابرسی قانونی: فرصتی از دست رفته برای احیای حکمرانی خوب

جلب موافقت مجلس سنا در خصوص انجام حسابرسی قانونی نیز خودش ماجرابی داشت. در واقع، معلوم شد که اجرای این حسابرسی خیلی دشوار است زیرا هیچکس نمی‌خواست عهده‌دار این کار شود. سرانجام، مجلس سنا تصمیم گرفت که تحقیق و تفحص را انجام دهد اما مسئولیت حسابرسی قانونی را به عهده دولت جاناتان گذاشت. اما چه فردی از ریاست جمهوری می‌توانست مسئولیت این کار را به عهده گیرد؟ نه وزیر دارایی و نه وزیر نفت هیچ‌کدام نمی‌توانستند بر این بازرسی نظارت کنند، زیرا هر دو ذی‌نفع بودند. همین‌طور که این موضوع هفته‌ها بدون رسیدگی رها شده بود، نگران شدم که این حسابرسی چه‌بسا هرگز انجام نشود و اعتبار کشور بیش از این لکه‌دار شود.

اما علاقه به انجام این حسابرسی قانونی بسیار زیاد بود و رسانه‌ها مدام در ارتباط با آن سوال می‌پرسیدند. برای صحبت در خصوص این موضوع با رئیس‌جمهور جاناتان ملاقات کردم. نهایتاً به این توافق رسیدیم که دفتر حسابرس کل دولت فدرال^۲ باید این کار را انجام دهد. حسابرس کل گفت که برخی جوانب قانون حسابرسی شاید او را از آغاز چنین حسابرسی مستقلی باز دارد و در ابتدا تمایلی به دخیل ساختن حسابرسان مستقل نداشت. همچنین مشارکت در چنین کار حساسی، خطرات کاری و شخصی ناگفته‌ای نیز در برداشت. پس از چندین بحث و گفت‌وگو، حسابرس کل موافقت کرد که جایگزین

1. Muhammadu Buhari

2. Office of the Auditor General of the Federation

کردن حسابرسی داخلی با حسابرسی مستقل برای انجام این کار به نفع کشور است. او در پنجم ژوئن سال ۲۰۱۴، PricewaterhouseCoopers (PwC) را برای انجام این بازرسی استخدام کرد.

قلمرو کار PwC، که به طور خلاصه در گزارش این نهاد درج شده بود، عبارت بود از: «الف) تحلیل کسری‌ها در پرداخت‌های شرکت ملی نفت نیجریه به حساب‌های دولت فدرال؛ ب) تحلیل مبالغ ثبت شده از سوی ذی‌نفعان کلیدی مرتبط با کسری‌های گزارش شده؛ ج) تدوین یک گزارش قانونی مستقل که یافته‌های ما را به تفصیل شرح می‌دهد.»^۱ PwC گزارشش را در ۲۸ نوامبر سال ۲۰۱۴ و براساس اطلاعات دریافتی تا ۳۱ اکتبر سال ۲۰۱۴ منتشر کرد. حسابرس کل در تاریخ ۷ ژانویه سال ۲۰۱۵، متعاقباً طی نامه‌ای از PwC خواست که اطلاعات اضافه‌ای که شرکت ملی نفت نیجریه تا تاریخ ۲۹ ژانویه سال ۲۰۱۵ ارائه کرده است را نیز در نظر بگیرد. بدین ترتیب، گزارش حسابرسی قانونی اصلاح شد و این اطلاعات اضافه را نیز در نظر گرفت. PwC در مقدمه گزارش هشدار داد که «فرآیندهای انجام شده در این گزارش یک حسابرسی یا بازرسی در راستای استانداردهای حسابرسی یا استانداردهای تصدیقی که به صورت عمومی پذیرفته شده‌اند، نیست». با این حال، این گزارش به موارد زیر اشاره می‌کند:

- درآمدهای ناخالص کل به دست آمده از استخراج نفت خام در بازه زمانی مورد نظر (ژانویه سال ۲۰۱۲ تا جولای سال ۲۰۱۳) ۶۵ میلیارد دلار (رقمی که رئیس بانک مرکزی در ابتدا اعلام کرده بود) یا ۶۷ میلیارد دلار (رقمی که کمیته تطبیقاتی^۲ اعلام کرده بود) نیست، بلکه میزان این درآمدها ۶۹/۳۴ میلیارد دلار است.

- کل مبالغ نقدی پرداخت شده به حساب دولت فدرال در همان این دوره زمانی ۴۷ میلیارد دلار نیست (رقمی که کمیته تطبیق اعلام کرده بود) بلکه ۵۰/۸۱ میلیارد دلار است.

شرکت ملی نفت نیجریه اطلاعاتی برای توجیه مابه‌التفاوت پرداخت نشده که شامل کسری‌هایی برای فعالیت‌های مختلف و هزینه‌های نگهداری، هزینه‌های مدیریتی و کسری‌هایی حاصل از پرداخت یارانه خود شرکت (نفت) بابت سوخت نفت و وسایل

۱. گزارش حسابرسی قانونی مستقل در خصوص اتهاماتی درباره مبالغ پرداخت نشده به حساب‌های دولت فدرال از سوی شرکت نفت ملی نیجریه، PricewaterhouseCoopers، ۲۸ نوامبر سال ۲۰۱۴.

2. Reconciliation Committee

موتوری (۵/۳۲ میلیارد دلار) و نفت سفید دوکاربرده (۳/۳۸ میلیارد دلار) می‌شد، ارائه کرد. مقدار این کسری‌ها محل اعتراض بود و در گزارش حسابرسی نیز بدین شکل درج شد. این مبالغ بخش اصلی ۱۰/۸ میلیارد تا ۱۲ میلیارد دلار از مبالغ گزارش نشده که به ثبت وزارت دارایی رسیده بود را شامل می‌شد. مثلاً کمیته تخصیص حساب‌های دولت فدرال^۱ و وزارت دارایی درخصوص رقم این کسری‌ها بابت یارانه‌های نفت و نفت سفید (۸/۷۰ میلیارد دلار) معترض بودند. آنها احساس می‌کردند که اگر شرکت ملی نفت نیجریه ابتدا تمام پول‌هایی که به حساب دولت فدرال بدهکار است را پرداخت کند و سپس صورتحسابی برای هزینه‌های یارانه‌ای ثبت کند و این صورتحساب قبل از پرداخت مورد تایید قرار گیرد، شفافیت بیشتری ایجاد خواهد شد.

یارانه‌های نفت سفید بودجه‌ریزی نشده بودند و مدیر دفتر بودجه و من این موضوع را در گفت‌وگوهای پیش از تخصیص بودجه در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به اطلاع رئیس جمهور رساندیم. دلیل این کار ساده بود. زیرا واضح بود که یارانه نفت سفید سودی برای اکثریت فقرا نداشت. درحالی‌که قیمت خرده‌فروشی نفت سفید قرار بود ۵۰ نایرا برای هر لیتر باشد (با یارانه‌ای بالغ بر ۱۰۰ نایرا که دولت آن را می‌پرداخت)، اما پیمایشی که وزارت دارایی در سال ۲۰۱۲ انجام داد نشان می‌داد که قیمت خرده‌فروشی نفت سفید در سراسر کشور بین ۹۷ تا ۲۰۰ نایرا برای هر لیتر است. بنابراین، بودجه‌ریزی برای یک یارانه ناموجود در ذهن ما به شکل منبعی از نشت درآمد محسوب می‌شد، بنابراین شرکت ملی نفت نیجریه نباید بابت یارانه نفت سفید پولی را کسر کند.

یادداشتی از رئیس جمهور اومارو یار آدوا در سال ۲۰۰۹ که یارانه نفت سفید را منسوخ می‌ساخت، موید موضع ما بود. اما شرکت ملی نفت نیجریه اعتراض داشت که این یادداشت مطابق با مقررات دولتی هرگز در فدرال ریپابلیک آو نیجریا آفیشال گزنت^۲ چاپ نشده و بنابراین فاقد هرگونه ارزش رسمی است. به عبارت دیگر، این شرکت اعتراض داشت که طرح یارانه نفت سفید هنوز برقرار است و اینکه آنها می‌توانند درآمدها را بابت پرداخت این یارانه نزد خودشان نگه دارند. پس از بررسی و تطبیق تمام ارقام، گروه حسابرسی قانونی به این نتیجه رسید که شرکت ملی نفت نیجریه باید «حداقل مبلغ ۱/۴۸ میلیارد دلار» را به حساب دولت فدرال بازگرداند. اگر برخی کسری‌های دیگر

1. Federation Accounts Allocation Committee

2. Federal Republic of Nigeria Official Gazette

نیز نامعتبر و غیرمجاز محسوب می‌شود، این مقدار می‌توانست به ۲/۰۷ میلیارد دلار برسد و اگر مبالغی که شرکت توسعه نفت نیجریه، از زیر مجموعه‌های شرکت ملی نفت نیجریه، به کمیته تخصیص حساب‌های فدرال بدهکار بود را نیز اضافه می‌کردیم، این مبلغ می‌توانست به ۴/۲۹ میلیارد دلار برسد. اگرچه این مبلغ کمتر از مقادیری بود که وزارت دارایی یا رئیس بانک مرکزی، گزارش نشده می‌دانستند، اما رقم بزرگی بود.

مهم‌تر از این موضوع چیزی بود که گزارش حسابرس قانونی درخصوص ساختار و کارکرد شرکت ملی نفت نیجریه عنوان کرد: طبق این گزارش مدل کارکرد این شرکت عملی نبود. بخش ۲/۱ این گزارش نتیجه‌گیری می‌کرد که:

این شرکت مدلی ناپایدار را به کار می‌گیرد. ۴۶ درصد از عواید حاصل از درآمدهای نفت خام داخلی در بازه زمانی تحت حسابرسی صرف هزینه عملیاتی و یارانه‌ها شده است. این شرکت از تحمل پرداخت‌های ماهانه به کمیته تخصیص حساب‌های دولت فدرال ناتوان است و همچنین نمی‌تواند تمام هزینه‌های عملیاتی خود را از طریق عواید حاصله از درآمدهای نفت خام داخلی پردازد و مجبور است برای پوشش این شکاف بودجه‌ای، به اشخاص ثالث روی آورد و بدهکارشان شود. اضافه‌براین، در بازه زمانی مورد نظر، میانگین بین‌المللی قیمت‌ها برای هر بشکه نفت خام ۱۲۲/۵ دلار ثبت شده است (قیمت‌های میانگین پلاتز^۱ برای سال ۲۰۱۲). در زمان تدوین این گزارش، میانگین بین‌المللی قیمت‌ها برای هر بشکه نفت خام ۴۶/۰۷ دلار است که این مقدار در مقایسه با قیمت‌های نفت خام در دوره تحت بازرسی، تقریباً ۶۲ درصد کاهش یافته است. اگر هزینه‌های بالاسری و یارانه‌های شرکت ملی نفت نیجریه حفظ شوند (با فرض اینکه حجم تولیدی نفت خام ثابت باشد)، این شرکت شاید مجبور باشد تمام عواید حاصله از فروش نفت خام داخلی را به اتمام رساند و باز هم ممکن است برای پرداخت هزینه‌های عملیاتی و یارانه‌ها به شخص ثالثی بدهکار شود و چه‌بسا نتواند هیچ پرداختی به کمیته تخصیص حساب‌های فدراسیون داشته باشد.^۲

این گزارش همچنین توصیه کرده بود که:

اساسنامه شرکت ملی نفت نیجریه مورد بازبینی قرار گیرد زیرا محتوای عملیاتی آن با این شرط که شرکت ملی نفت نیجریه باید به شکل یک موجودیت پایدار تجاری

1. Platts

۲. مرجع قبلی، بخش ۱/۲

مدیریت شود متناقض است. ظاهرا این اساسنامه یک چک «سفید امضا» به این شرکت داده است تا بتواند بدون هیچ محدودیت یا کنترلی پول خرج کند. این یک موضوع دفاع‌ناپذیر و ناپایدار است و باید فوراً مورد رسیدگی قرار گیرد. این شرکت باید موظف به خلق ارزش باشد و از ارزش ایجادشده برای پرداخت تمام هزینه‌های خود استفاده کند. عواید حاصل از فروش نفت خام دولت فدرال نیجریه^۱ باید به طور کامل به حساب‌های دولت فدرال واریز شود. سپس می‌توان کمیسیون‌های خدمات این شرکت را طبق شرایط توافقی پرداخت کرد.^۲

در همه‌مه و سیاسی‌سازی‌های همراه با ادعاها و ضدادعاهای مربوط به پول‌های گزارش‌نشده، مهم‌ترین یافته‌های این گزارش (اینکه شرکت ملی نفت نیجریه فاقد شفافیت و ساختار و روند کاری‌اش ناپایدار است) نادیده گرفته شد و هرگز مورد بحث قرار نگرفت. این اتفاق شاید تاحدی به این دلیل بود که انتشار گزارش بازرسی قانونی به حالتی بحث‌برانگیز درآمده بود. برخی افراد در دولت نمی‌خواستند که این گزارش منتشر شود، در نتیجه انتشار این گزارش بی‌جهت به تاخیر افتاد. برای به اشتراک‌گذاری نتایج این گزارش، یک کنفرانس خبری در اوایل ماه فوریه ۲۰۱۵ برگزار شد. رئیس‌جمهور سرانجام استدلال‌های من‌دال‌بر اینکه منتشر نکردن این گزارش برای دولت بد است و منجر به گمانه‌زنی‌های بی‌اساسی می‌شد را پذیرفت. این گزارش سرانجام در ۲۷ آوریل ۲۰۱۵، نزدیک به انتخابات ریاست‌جمهوری و در زمانی که دیگر برای انجام بحث‌های واقعی درمورد یافته‌های این گزارش، مخصوصاً درمورد ساختار و کارکرد شرکت ملی نفت نیجریه دیر شده بود، منتشر شد.

شرکت ملی نفت نیجریه حیات خود را در قالب شرکت ملی نفت نیجریه^۳ در سال ۱۹۷۲ آغاز کرد و در سال ۱۹۷۷ به شرکت ملی نفت نیجریه امروزی^۴ بدل شد. طراحی و قانون مبنای عملکرد این شرکت آنچنان آزادی عمل و انعطاف‌پذیری به این شرکت در مدیریت امور مالی خود داده است که گمان می‌رود این شرکت تنها به عنوان منبعی برای تامین مبالغ فراتر از بودجه‌ای افرادی که کنترل آن را به دست داشتند، طراحی شده بود.

1. Federal Government of Nigeria

۲. مرجع قبلی.

3. Nigerian National Oil Corporation (NNOC)

4. Nigerian National Petroleum Corporation (NNPC)

طی سال‌ها، رئیس‌جمهورها یا خودشان به صورت مستقیم و در مقام وزیر منابع نفت خام و یا همراه با وزیر منابع نفت خام و مدیرعاملی که هماهنگی نزدیکی با خودشان داشت، کنترل شرکت ملی نفت نیجریه و وزارت منابع نفتی را به عهده داشته‌اند. مدیران بخش نفت خام نیازی به اشتراک‌گذاری اطلاعات یا پاسخگو بودن به فردی به استثنای رئیس‌جمهور در خود نمی‌دیدند. درخواست‌های وزیر دارایی یا نهادهای دیگر درخصوص ارائه اطلاعات غالباً نادیده گرفته می‌شد یا مورد توهین قرار می‌گرفت. وزارت دارایی در فاصله‌ای دور نگه داشته می‌شد و دانش و نقش زیادی در رابطه با تولید و فروش منابع نفت و گاز نداشت و این وزارتخانه قبل از اینکه ارقام مربوط به درآمدها به حساب دولت فدرال واریز شود، دسترسی محدودی به آنها داشت.

در دوره اولی که وزیر دارایی (سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳) بودم، این موضوع آنقدر برایم غیرعادی بود که یک واحد نفت و گاز را در وزارت دارایی و به‌طور مستقیم در دفتر وزیر تشکیل دادم تا با وزارت منابع نفتی و شرکت‌های نفتی در ارتباط باشد و ما بتوانیم با داده‌های جمع‌آوری‌شده از طریق این واحد بخش نفت و گاز خود را بهتر مدل‌سازی کنیم و برنامه‌ریزی بودجه‌ای و مالی خود را بهبود بخشیم. گرداندن این واحد دشوار بود و وزارت منابع نفتی یا شرکت ملی نفت نیجریه همکاری زیادی با آن نمی‌کرد. این واحد نهایتاً تحت رهبری دکتر برایت اوکوگو که آن زمان مشاور ویژه من بود شروع به کار کرد.^۱

در سال ۲۰۱۲ مجدداً با پشتیبانی دپارتمان توسعه بین‌المللی بریتانیا، واحد نفت و گاز را بازسازی و آن را به دپارتمان فنی وزارت دارایی^۲ منتقل کردم. ما در زمینه برقراری یک ارتباط عملی با همکارانمان در بخش نفت و گاز یا سود بردن از اشتراک اطلاعات با آنان هنوز با دشواری‌هایی روبه‌رو بودیم.

نبود شفافیت در نهادهای بخش نفت و نبود رابطه‌ای بین آنها و دفتر نمایندگی دیگری چون وزارت دارایی و NEITI (پروژه شفافیت صنایع استخراجی نیجریه) که باید در این بخش صاحب رای می‌بودند، یکی از دلایلی بود که بسیاری از ما احساس می‌کردیم

۱. این واحد نفت و گاز تحت حمایت دپارتمان توسعه بین‌المللی بریتانیا (UK's Department of International Development) قرار داشت. فعالیت این واحد بیش از ۱/۳ میلیارد دلار از پول‌هایی که کمپانی‌های بزرگ نفتی در پرداخت‌های خود ندادند بودند را برای نیجریه باز یافت کرد. سپس این واحد تحت رهبری دکتر اوکوگو با واحد ابتکار شفافیت صنایع استخراجی نیجریه (Nigeria Extractive Industries Transparency Initiative) ادغام شد.

2. Finance Ministry's Technical Department

باید لایحه صنعت نفت خام^۱ (که به منظور تغییر و بهبود کارایی بخش نفت و گاز طراحی شده بود) در دوره ریاست جمهوری جاناتان به تصویب برسد. این اتفاق هرگز نیافتاد زیرا ذی‌نفعان خاص در داخل و خارج از دولت، از جمله شرکت‌های بین‌المللی نفت، مانع از تصویب این لایحه که به ضررشان بود، شدند. اگر این لایحه تصویب می‌شد می‌توانست منجر به تغییرات ساختاری در سراسر شرکت ملی نفت نیجریه و بخش نفت و گاز شده و آنها را به سوی تجاری‌سازی، خصوصی‌سازی جزئی و در نتیجه داشتن شفافیت بیشتر در تولید و مدیریت درآمدهای نفتی سوق دهد. لایحه صنعت نفت خام کامل نبود و مشکلات بسیاری داشت اما می‌توانست بخش نفت و گاز را به سوی پذیرش و پاسخگویی بیشتر حرکت دهد.

ظاهراً در دولت جدید محمدو بوهاری یک رویکرد ساختاری متفاوت نسبت به شرکت ملی نفت نیجریه و بخش نفت و گاز به کار گرفته شده است. امید می‌رود که این بازآرایی باعث تجارتی‌تر و مستقل‌تر شدن نهادهای بخش نفت خام شده و آنها را شفاف، پاسخگو و از لحاظ مالی بادوام سازد. این یگانه راهی است که نیجریه‌ای‌ها از طریق آن می‌توانند به بخش نفت و گاز خود اعتماد پیدا کنند و به داستان پول‌های گزارش‌نشده پایان دهند!

تا به امروز، تحت لوای دولت ادعاهای جداگانه‌ای در این خصوص مطرح شده‌اند. در ۱۵ مارس ۲۰۱۶، حسابرس کل دولت فدرال مدعی شد که حسابرسی او در سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد ۳/۲ تریلیارد نایرا (۱۶ میلیارد دلار) از پول‌هایی که شرکت ملی نفت نیجریه باید به حساب دولت فدرال واریز می‌کرد در وضعیت گزارش‌نشده است. در ۱۷ مارس ۲۰۱۶، شرکت ملی نفت نیجریه با این ادعا مخالفت کرد و مدعی شد که بدهی این شرکت تنها ۳۲۶ میلیارد نایرا است و در حقیقت میزان ۱/۳۷ تریلیارد نایرا از دولت فدرال طلبکار است و در ۲۲ مارس ۲۰۱۶، کمیسیون امور مالی و تجهیز درآمدها^۲ مدعی شد که ۴/۹ تریلیارد نایرا از سوی شرکت ملی نفت نیجریه گزارش نشده است. کدام کشور می‌تواند بدین شکل مدیریت شود؟

داستان بخش نفت و گاز نیجریه داستانی ست زشت. اگرچه درآمدهای بخش نفت و گاز تا حد قابل توجهی به تامین مالی توسعه کشور کمک کرده‌اند، اما به دلیل

1. Petroleum Industry Bill (PIB)

2. Revenue Mobilisation and Fiscal Affairs Commission

سیاست‌های نامناسب، نهادهای ناکارا و بدون شفافیت، فساد، تسخیر از جانب مدیران و فرادستان رانت‌خوار داخلی و خارجی، تاثیر این بخش خیلی کمتر از سطح انتظار بوده است. این موضوع باعث می‌شود که این بخش برای هرفردی که به دنبال شفافیت، پاسخگویی درقبال جریان‌های درآمدی یا حتی رفتار صادقانه و درست فعالیت‌ها و معاملات است، به میدان مین بدل شود. تلاش برای ممانعت از دسترسی بازاربابان نفتی کلاهبردار به یارانه‌های نفتی دولت، درخواست برای پاسخگویی مسئولان بخش نفت و گاز درقبال درآمدهای قابل‌پرداخت به دولت فدرال، مدیریت منافع رقابتی بخش‌ها و رسیدگی به سیاست‌های مضری که این بخش را احاطه کرده‌اند، همگی به منزله پا گذاشتن روی دُم تعداد زیادی از افراد قدرتمند است. کوشش برای برقراری شفافیت و پاسخگویی در این بخش احتمالا یکی از پردغدغه‌ترین و خطرناک‌ترین وظایف کاری من در نقش وزیر دارایی بود.

فصل ۴

فرآیند پیچیده بودجه ریزی

شفاف‌سازی درآمدهای دولت: احیای خسته‌کننده‌ترین کتاب پرفروش

گروه سی‌وشش نفره فرمانداران ایالتی نیجریه گروه قدرتمندی است. این فرمانداران ۴۸ درصد از درآمدهای دولت فدرال که به ایالت‌ها و دولت‌های محلی تخصیص می‌یابد را کنترل می‌کنند. قانون اساسی نه تنها به فرمانداران اختیار تام در استفاده از درآمدهای ایالتی داده، بلکه نظارت بر درآمدهای دولت محلی را نیز به ایشان سپرده است. این درآمدها براساس تعهدنامه به حساب‌های ایالتی واریز می‌شود. این پول‌ها باید به دست دولت‌های محلی برسد، اما در بیشتر موارد این اتفاق نمی‌افتد، زیرا ایالت‌ها ادعا می‌کنند که این پول‌ها صرف تسویه مخارج دولت‌های محلی می‌شود.

تمرکززدایی شدید مالی در نیجریه به منزله اختیار زیاد و پاسخگویی اندک فرمانداران در استفاده از پول‌های تحت کنترل‌شان است. ارزیابی و بررسی‌های کمی درخصوص استفاده از این پول‌ها انجام می‌شود زیرا قانون‌گذاران ایالتی معمولاً ضعیف‌اند. اضافه‌براین، قانون اساسی به فرمانداران در دوره حضورشان در این شغل، مصونیت اعطا می‌کند و باعث می‌شود که پاسخگو قرار دادن آنها کاری دشوار باشد. اگرچه بعضی فرمانداران در حوزه‌های مالی رفتاری مسئولیت‌پذیرانه دارند، اما فرمانداران دیگر این‌طور نیستند. تعداد کمی از این فرمانداران پس از ترک کار، به جرم انتقال منابع ایالتی به جیب‌های خود و دوستان و بستگان‌شان، دستگیر و محکوم و زندانی شده‌اند. این کار باعث از دست رفتن منابع متعلق به خدمات مهم دولت‌های ایالتی و محلی از جمله آموزش ابتدایی و راهنمایی، خدمات درمانی و زیرساخت‌های پایه شده است. این پول‌ها همچنین صرف کمپین‌های سیاسی می‌شود.

هنگامی که ساکنان ایالت‌ها در مورد نبود خدمات شکایت می‌کنند، غالباً به آنان می‌گویند که دولت فدرال درآمدهای ایالتی را پرداخت نکرده و این گفته خصومت زیادی نسبت به دولت فدرال ایجاد می‌کند. طی دوره اول حضور خود در نقش وزیر دارایی، زمانی که از ایالت‌ها دیدن می‌کردم، به شخصه شاهد این موضوع بوده‌ام. طی هر دو دوره وزارت (سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ و سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۱)، پاروی دم برخی از این فرمانداران ایالتی قدرتمند گذاشتم.

مشکلات من در سال ۲۰۰۴ آغاز شد؛ زمانی که حمایت رئیس‌جمهور وقت، اولسگون اوباسانجو برای شفاف‌سازی درآمدها از طریق انتشار مقادیر تخصیص‌یافته ماهانه به دولت فدرال و تمام دولت‌های ایالتی و محلی در روزنامه‌ها را به دست آوردم.

دفتر حسابداری کل دولت فدرال این ارقام را گردآوری و ماهانه در روزنامه‌ها چاپ و همچنین روی تارنمای وزارتخانه بارگذاری می‌کرد. این کار در جلب نظر مردم فوراً به موفقیت رسید.^۱ مردم سرانجام اطلاعاتی را در دست داشتند که می‌توانستند از طریق آن رهبران خود را پاسخگو سازند. رهبران دیگر نمی‌توانستند در خصوص پرداخت نشدن حقوق معلمان یا کارکنان بخش سلامت یا ساخته نشدن راه‌های روستایی دروغ بگویند. مقادیر دریافتی سالانه برخی ایالت‌ها چشمگیر بود (به پیوست ب، جدول B4.1) مراجعه کنید. این مبالغ در مواردی، مانند ایالات آکوا ایوم^۲، دلتا، ریورز^۳، بایلسا و لاگوس، هم سطح یا بالاتر از درآمدهای سالانه برخی کشورهای غرب آفریقا با جمعیتی مشابه یا حتی بیشتر، از جمله بنین، گینه، لیبیریا، سیرالئون و توگو بود (به پیوست ب، جدول B4.2 مراجعه کنید). با این وجود، شماری از این کشورها از زیرساخت‌ها و خدمات بهتری برخوردار بودند.

تقاضای عمومی برای انتشار ارقام مربوط به تخصیص‌های بودجه ایالتی آنقدر زیاد بود که ما این ارقام را در سالنامه‌هایی گردآوری کردیم و اگرچه این کتاب‌ها رایگان بود، اما می‌توان آنان را خسته‌کننده‌ترین کتاب‌های پرفروش قلمداد کرد. به محض چاپ، این کتاب‌ها از روی قفسه‌ها ناپدید می‌شدند.

همچنین این گردآوری‌ها به داده‌هایی مهم برای تحقیق و تفحص کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی^۴ بدل شد. اگرچه فرمانداران ایالتی طی دوره ریاست از محاکمه مصون بودند، اما بعضی از آنها تحت بازرسی قرار گرفتند و پس از اتمام دوره ریاست‌شان با موفقیت محاکمه شدند. شفافیت بیشتر باعث شد تا فرمانداران در آن زمان حالتی تدافعی به خود بگیرند و خصومت زیادی نسبت به من و گروه مدیریت اقتصادی پیدا کنند. اما من در نقش آغازگر و مجری ایده شفافیت درآمدی، خصومت برخی فرمانداران نسبت به خودم را احساس می‌کردم؛ این خصومت غالباً به شکل تهدیدها و حملات زیرکانه و یا نه خیلی زیرکانه در مطبوعات پدیدار می‌شد.

وقتی در سال ۲۰۰۶ از دولت کناره گرفتم، انتشار تخصیص‌های درآمدی ماهانه

۱. به کتاب من با عنوان زیر مراجعه کنید:

Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria (Cambridge, MA: MIT Press, 2012), 84, 88

2. Akwa Ibom

3. Rivers

4. Economic and Financial Crimes Commission

نامنظم و سپس متوقف شد. به محض اینکه به دولت بازگشتم، انتشار این ارقام دوباره آغاز شد. در ژانویه ۲۰۱۲، انتشار این ارقام دوباره به یک امر منظم بدل شده بود.

ایجاد حساب نفت خام مازاد و صندوق ثروت حکومتی^۱: تهدیدی مستقیم برای قدرت مالی فرمانداران ایالتی

اگر شفافیت درآمدها آزاری برای فرمانداران محسوب می‌شد، سیاست‌های بعدی مربوط به مدیریت درآمدهای متلاطم نفتی نیجریه و ثبات بخشی به اقتصاد به منزله تهدیدی مستقیم برای کنترل و خودگردانی فرمانداران در زمینه مدیریت منابع مالی در نظام مالی شدیداً تمرکززدایی شده نیجریه به حساب می‌آمد. خسارتی که وابستگی شدید نیجریه به درآمدهای متلاطم نفتی به اقتصاد این کشور زده بود و ناتوانی این کشور در مدیریت این تلاطم و نوسان که منجر به پدید آمدن چرخه‌های رکود و رونق در توسعه شده بود در کتاب قبلی ام با عنوان اصلاح اصلاح‌ناپذیرها: درس‌هایی از نیجریه به‌خوبی توصیف شده‌اند.

ما برای برطرف کردن مشکل تلاطم و نوسان در آمد یک قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت معرفی کردیم و این قانون اساساً ارتباطی که بین قیمت نفتی که بودجه بر مبنای آن تنظیم می‌شد و قیمت بازاری نفت را از بین می‌برد. هدف اصلی این بود که در دوره‌های خوب، زمانی که قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی بالا بود، نیجریه بتواند بودجه داخلی را با قیمت پایین‌تری آماده و مابه‌التفاوت آن را پس‌انداز کند و این منابع را در دوره‌های بد، زمانی که قیمت‌های بین‌المللی نفت پایین بود، در دسترس داشته باشد. بدین شکل، این بودجه می‌توانست به برطرف کردن نوسان در مصرف و هزینه‌های دولتی کمک کند.

این ایده در اولین دوره وزارت دارایی من و ریاست جمهوری اولسگون اوباسانجو عملکرد خوبی داشت. توانستیم حدها فصل سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۴، تقریباً ۲۲ میلیارد دلار صرفه‌جویی کنیم. پس‌انداز حاصل از این صرفه‌جویی‌ها که به دولت فدرال تعلق داشت را در حسابی که در بانک مرکزی ساخته بودیم و با نام حساب مازاد نف خام شناخته می‌شد نگهداری کردیم. در طول بحران مالی و اقتصادی جهانی در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، مقداری از این پس‌اندازها برای اعمال یک محرک مالی (تقریباً معادل ۴/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۹) به منظور کمک به اقتصاد و جلوگیری

1. Sovereign Wealth Fund

از ایجاد رکود در اقتصاد نیجریه استفاده شد. در زمان وقوع این بحران در بانک جهانی بودم و از مشاهده اینکه نیجریه یکی از معدود کشورهای در حال توسعه‌ای است که تحت تاثیر این بحران قرار گرفته بود اما به دلیل توان استفاده از پس‌اندازهایش مجبور نبود برای حمایت بودجه‌ای از بانک جهانی درخواست وام کند، احساس غرور می‌کردم. به‌رغم موفقیت قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت و حساب مازاد نفت خام، فرمانداران با این سازوکارها مخالفت کردند و عملاً از شمول خود در لایحه مسئولیت مالی^۱ که آنان را متعهد به این قانون می‌ساخت، جلوگیری می‌کردند. آنها لجوجانه اصرار داشتند که حساب مازاد نفت خام مبتنی بر قانون اساسی نیست و تمام پول‌های داخل این حساب نباید پس‌انداز شود و باید با واحدهای دولت فدرال (ایالت‌ها و دولت‌های محلی) به اشتراک گذاشته شود. فرمانداران غالباً بخش ۱۶۲، جزء ۱ و ۳ قانون اساسی سال ۱۹۹۹ را تکرار می‌کردند که بخشی از آن تصریح می‌کند که «دولت فدرال باید یک حساب مخصوص با نام حساب فدرال داشته باشد و تمام درآمدهای جمع‌آوری شده از سوی دولت فدرال باید به این حساب واریز شود» (جزء ۱) و «هر اعتباری که در حساب دولت فدرال وجود داشته باشد باید برحسب شرایط و حالتی که مجلس ملی تجویز می‌کند، بین دولت‌های فدرال و ایالتی و شوراهای دولت محلی در هر ایالت تقسیم شود» (جزء ۳).

استدلال وزارت دارایی و گروه مدیریت اقتصادی در مخالفت با فرمانداران این بود که بخش ۱۶ قانون اساسی به ایالت‌ها امر می‌کند که «الف» از منابع کشور برای ارتقای سطح رونق و ایجاد یک اقتصاد کارا، پویا و متکی بر خود استفاده کند؛ ب) اقتصاد ملی را طوری کنترل کنند که با برقرار کردن عدالت اجتماعی و برابری در جایگاه‌ها و فرصت‌ها، مایه بیشترین رفاه، آزادی و نشاط برای هر شهروند شود؛ ج) بدون تبعیض قائل شدن نسبت به حقوق خود در اداره یا مشارکت در بخش‌های غیراصولی اقتصادی، بخش‌های اصلی اقتصادی را مدیریت و اداره کنند.» داشتن چنین اختیارات گسترده‌ای در زمینه مدیریت اقتصاد برای رفاه تمام نیجریه‌ای‌ها مطمئناً به منزله این است که اگر ما باید در زمان‌های خوب صرفه‌جویی کنیم تا کشور منابع لازم برای تحمل دوران سخت را داشته باشد، پس باید این کار را انجام دهیم.

اما فرمانداران هرگز این منطق را نپذیرفتند و همچنان به مخالفت با قوانین مالی پیشنهادی

می‌پرداختند. رئیس‌جمهور او با سانجو با به کار گرفتن نیروی اراده خویش و مانورهای سیاسی توانست فرمانداران را از استفاده تمام منابع ذخیره شده بازدارد. با این حال، طی بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، وقتی قیمت هر بشکه نفت با شتاب فراوان از ۱۴۷ به ۳۸ دلار افت کرد، پس‌اندازهای حساب مازاد نفت خام، در دوره ریاست‌جمهوری او مارویار آدوا، در حکم بخشی از محرک مالی اقتصادی بین ایالت‌ها تقسیم شد.

اگرچه روش صحیح مدیریت این پول استفاده از آن برای کاهش نوسانات در مخارج و مدیریت تلاطم (مطابق با پیش‌بینی‌ها) بود، اما حتی بعد از اینکه نیجریه این بحران را به شکلی موفقیت‌آمیز پشت سر گذاشت نیز این پول همین‌طور بین ایالت‌ها تقسیم می‌شد. ایالت‌ها خیلی زود به دریافت ماهانه منابع اضافی عادت کردند. تا آغاز ریاست‌جمهوری جاناتان در ماه می سال ۲۰۱۱، حساب مازاد نفت خام به شدت تخلیه شد. در ماه اوت سال ۲۰۱۱ که برای بار دوم به دولت پیوستم، تقریباً ۴ میلیارد دلار در این حساب باقی مانده بود.

یک میلیارد دلار از این مبلغ ظاهراً برای صندوق تازه تاسیس ثروت حکومتی^۱ کنار گذاشته شده بود، اما هنوز به مرحله اجرایی نرسیده بود. صندوق ثروت حکومتی بنابر قانون برای جایگزین کردن حساب مازاد نفت خام و به‌منزله سازوکاری برای مدیریت بهتر پس‌اندازهای حاصه از اجرای قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت در نظر گرفته شده بود. صندوق ثروت حکومتی سه فرصت را در نظر گرفته بود: فرصت ثبات بخشی به مدیریت کوتاه‌مدت و نقدینه‌تر وجوه؛ فرصتی برای نسل‌های آینده^۲ با افق سرمایه‌گذاری بلندتر؛ و جالب‌تر از همه، یک صندوق زیرساختی^۳، یک فرصت سرمایه‌گذاری که به صندوق ثروت حکومتی اجازه می‌داد جهت کمک به رفع پابرجاترین محدودیت کشوری در زمینه توسعه (یعنی زیرساخت‌ها) سرمایه‌گذاری کند.

سگون آگانگا^۴ وزیر دارایی قبلی در ریاست‌جمهوری یار آبودا/جاناتان که من‌جانشینش شدم، بر تشکیل صندوق ثروت حکومتی نظارت داشت و لایحه سازمان سرمایه‌گذاری حکومتی نیجریه^۵ را در مجلس ملی سال ۲۰۱۰ با دشواری زیاد به

1. Sovereign Wealth Fund (SWF)
2. Future Generations
3. Infrastructure Fund
4. Segun Aganga
5. Nigerian Sovereign Investment Authority (NSIA)

تصویب رساند. زمانی که من جانشین سگون آگانگا شدم، بر اجرای لایحه سازمان سرمایه‌گذاری حکومتی نیجریه و در نتیجه بر ایجاد عملی و افتتاح صندوق ثروت حکومتی نظارت کردم.

فرمانداران به همان دلایلی که با حساب مازاد نفت خام مخالف بودند، با تشکیل صندوق ثروت حکومتی نیز مخالفت می‌کردند. آنها نمی‌خواستند جلوی مصرف منابع گرفته شود؛ حتی اگر این کار در میان‌مدت یا بلندمدت به منزله کارکرد بهتر و کم‌نوسان‌تری برای اقتصاد بود. ما امیدوار بودیم که اجرای قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت، جریانی ثابت از منابع را برای تامین مالی صندوق ثروت حکومتی تضمین و در نتیجه نیاز ما به حساب مازاد نفت خام را رفع کند. اما فرمانداران با این موضوع مخالف بودند.

سرانجام پس از برقراری سازشی بین ما و فرمانداران، یک میلیارد دلار برای صندوق ثروت حکومتی کنار گذاشته شد. ایجاد این صندوق و به تصویب رساندن قانون زیربنایی اختیار سرمایه‌گذاری حکومتی نیجریه کاری دشوار بود زیرا اقناع قانون‌گذاران مسئول هدایت و تصویب این لایحه در مجلس ملی نیازمند تلاش بسیار زیادی بود. با این حال، به‌رغم تصویب این لایحه و برقراری سازش‌هایی بین دولت فدرال و ایالت‌ها، فرمانداران ایالتی یکی از شکایت‌های خود که در سال ۲۰۰۸ در دادگاه عالی^۱ نسبت به دولت فدرال ثبت کرده بودند (شکایت SC60/2008) را احیا کردند و قصد جلوگیری از اقدام دولت فدرال در نگه داشتن مبالغ به دست آمده از پس‌اندازها در حساب مازاد نفت خام یا بعداً در صندوق ثروت حکومتی را داشتند. در طول ریاست جمهوری جاناتان این شکایت فعالانه در دادگاه عالی دنبال می‌شد.

من و اعضای گروه‌م در وزارت دارایی از میزان کم پس‌اندازهایی که در اوت ۲۰۱۱ در حساب مازاد نفت خام باقی مانده بود، بسیار احساس ناراحتی می‌کردیم. اقتصادی به بزرگی اقتصاد نیجریه که برای تامین ۷۰ درصد یا بیشتر از درآمدهای دولتی بر یک کالای متلاطم و پرنوسان (از نظر قیمت) تکیه داشت، نیازمند پس‌اندازهای مالی مقاوم‌تری بود. این کشور همچنین نیازمند متنوع‌سازی اقتصاد و منابع درآمدی خود بود. قیمت نفت از سقوطی که در ۲۰۰۸ کرد بیرون آمد و در اوت ۲۰۱۱، چیزی در حدود ۸۶ دلار برای هر بشکه بود. دیگر هیچ دلیلی برای پس‌انداز بیشتر وجود نداشت.

فورا (در این زمینه) هشدار دادم و این موضوع را در هر فرصتی مطرح می‌کردم. گزارشی از تلویزیون کانال‌های نیجریه^۱ در ۱۳ آوریل ۲۰۱۲، جوهره اصرار من را به خوبی نشان می‌دهد:

وزیر هماهنگی اقتصاد و دارایی، دکتر نگوزی اوکونجو-اویالا، تقاضای فرمانداران در خصوص توزیع منابع ملی و مخالفت با تاسیس صندوق ثروت حکومتی را دلیل خالی شدن حساب مازاد نفت خام می‌داند. او خاطر نشان ساخت که برداشت و تقسیم این پس‌انداز به صورت ماهانه باعث خالی شدن حساب مازاد نفت خام شده است به نحوی که اکنون از ۲۰ میلیارد دلاری که در سال ۲۰۰۶ پس‌انداز شده بود، فقط چیزی نزدیک به ۳/۶ میلیارد دلار باقی مانده است. وزیر دارایی هشدار داد که اگر قیمت نفت خام افت کند، کشور ما دیگر دارای ذخیره روز مبادا برای اقتصاد نخواهد بود زیرا ۳/۶ میلیارد دلار پولی نیست که بتواند عملکرد اقتصاد را حتی برای مدت کوتاهی تداوم بخشد. او همچنین به ما اطمینان خاطر داد که دولت فدرال یک میلیارد دلار کنار گذاشته شده برای SWF را به‌درستی مدیریت خواهد کرد و اشاره کرد که قانون SWF دولت را در خصوص مدیریت این صندوق به اندازه کافی مسئول و پاسخگو قرار داده است.^۲

یک بلاگ‌نویس اینترنتی نیز افزود که من در کنار بحث مربوط به پس‌اندازها، همچنین اصرار داشتم که «با توجه به درآمدهای روبه‌تمام حاصل از صادرات نفت خام و همچنین نوسان روزافزون در بازار نفت، تلاش‌های دولت فدرال در زمینه متنوع‌سازی اقتصاد تنها گزینه ممکن برای انتخاب است؛ طرح‌های تبدیلی در حال اجرا در صنایع کشاورزی و تفریحی کلید توسعه و رقابت‌پذیری اقتصادی نیجریه در بازار جهانی به‌سرعت در حال تغییر را در دست دارند.»^۳

رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان و معاون رئیس‌جمهور نامادی سامبو، از پافشاری من روی این پس‌اندازها حمایت می‌کردند. معاون رئیس‌جمهور مدیر شورای اقتصادی ملی بود؛ مجمع ماهانه‌ای که هدفش گرد هم آوردن دولت‌های فدرال و ایالتی برای

1. Nigeria's Channels Television

2. "FG [Federal Government] Blame Governors for Depletion of Excess Crude Account," *Channels Television*, April 13, 2012, <http://www.channelstv.com/20012/04/13/fg-blame-governors-for-depletion-of-excess-crude-account>.

3. Authentic Naijama, "Okonjo-Iweala Blasts Governors for Depleting Nigeria's Savings," *Authentic Naijama's Blog*, October 19, 2013, <http://authenticnaijama.blogspot.com/2013/10/okonjo-iweala-blasts-governors-for.html>.

صحبت در مورد سیاست اقتصادی ملی بود. موضوع پس اندازها، دلیل و برهان پشت آن و چگونگی اجرای آن، غالباً در شورای اقتصادی ملی مورد بحث قرار می‌گرفت. پشتیبانی فراوان رئیس‌جمهور و معاونش ما را قادر ساخت که در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ فرمانداران را متعهد به بازسازی ضربه‌گیرهای مالی کنیم. در نتیجه، نیجریه تا پایان سال ۲۰۱۳، در حساب مازاد نفت خام تقریباً ۹ میلیارد دلار جمع‌آوری کرده بود.

اما در آغاز سال ۲۰۱۴، فرمانداران در شورای اقتصادی ملی دائماً بر سر این موضوع بحث می‌کردند که نیازی به صرفه‌جویی پول برای «این منابع روزهای بارانی» (نامی که به آن داده بودم) وجود ندارد، زیرا همین الان هوا بارانی است، سقف فرو ریخته و آنها برای رسیدگی به نیازهای متعدد ایالت‌هایشان به پول نیاز دارند. یکی از معاونان سابق ریاست بانک مرکزی، آقای تونده لمو^۱، این وضعیت را در یکی از سخنرانی‌هایش در رابطه با اقتصاد نیجریه به خوبی نشان داد و این چنین تایید کرد که: «طی برخی جلسات در شورای اقتصادی ملی، که من در آنها حضور داشتم، مشکل مربوط به منابع پس انداز در ECA مطرح شد، اما در آن زمان بیشتر فرمانداران شدیداً با این ایده مخالف بودند. مخالفت آنها بدین منظور بود که پول بیشتری برای تامین بودجه‌های جعلی در سطح ایالتی در دسترس باشد و آنها غالباً مدعی بودند که نیازی به پس انداز پول برای روز بارانی نیست، زیرا همان‌طور که برخی از آنها می‌گفتند، هوا همان موقع نیز بارانی بود ایشان اصرار داشتند که منابع مالی بین ایالت‌ها تقسیم شوند. متأسفانه، این کار سبب کاهش شدید منابعی شد که دولت فدرال سعی در پس اندازشان داشت.»^۲ فرماندار چیبویکه آمانچی^۳ از ایالت ریورز، مدیر مجمع فرمانداران نیجریه^۴، مخالف اصلی در برابر برهان‌های ما در مورد پس انداز پول‌ها در صندوق ثروت حکومتی یا حساب مازاد نفت خام بود. افرادی که قویاً از او حمایت می‌کردند عبارت بودند از: فرماندار آدامز اوشیوموله^۵ از ایالت ادو^۶ که نارضایتی و تردید خود در رابطه با مدیریت حساب مازاد نفت خام به دست دولت فدرال را بسیار علنی ابراز می‌کرد؛ فرماندار

1. Tunde Lemo

2. Sam Eyoboka, "Governors Opposed Excess Crude Savings—Ex-CBN Dep. Gov.," *Vanguard*, July 28, 2016, <https://www.vanguardngr.com/2016/07/govs-opposed-excess-crude-savings-ex-cbn-dep-gov>.

3. Chibuike Amaechi

4. Nigerian Governors' Forum (NGF)

5. Adams Oshiomole

6. Edo

باباتونده راجی فاشولا^۱ از ایالت لاگوس، وکیل مدافع ارشد نیجریه^۲ که اعتراض‌های او مبتنی بر قانون اساسی بود؛ و فرماندار گادزویل آکپایو^۳ از ایالت آکوا ایوم، که بعدها مدیریت مجمع فرمانداران حزب دمکراتیک مردمی^۴ را به عهده گرفت. افراد دیگری مانند فرماندار پیتر اوبی^۵ از ایالت آنامبرا^۶ نیز مدافع این پس‌اندازها بودند، اما مورد حمایت قرار نمی‌گرفتند. صدای آنها خفه می‌شد و هنگام طرح این موضوع، جلسات شورای اقتصادی ملی^۷ فضای ناخوشایندی به خود می‌گرفت.

یکی از جلساتی که در سال ۲۰۱۴ برگزار شده بود را به یاد دارم که در آن بعضی فرمانداران از من سوال جواب کردند، مرا مورد انتقاد قرار و آزار دادند و سپس فرماندار رئوف آرگبسولا^۸ از ایالت اوسون^۹ مرا مورد حمله لفظی قرار داد. معاون رئیس‌جمهور مجبور شد مداخله کند و به فرماندار آرگبسولا بگوید که شاید مردم در مرکز ایالت او پرخاشگرانه عمل کنند، اما این رفتار در این جلسه یا در آجوجا قابل تحمل نیست. ایستادگی محکم معاون رئیس‌جمهور و حمایتش باعث پایان یافتن این بدرفتاری شد. اگرچه برخی فرمانداران همکار با آرگبسولا پس از این جلسه از من عذرخواهی کردند، اما من پس از این حملات لفظی احساس ناراحتی می‌کردم و تصمیم گرفتم حضورم در جلسات شورای اقتصادی ملی را تا حد ممکن محدود کنم و فاصله‌ام را با فرمانداران متخصصم حفظ کنم. برخی از همین فرمانداران (مخصوصاً آدامز اوشیوموله از ایالت ادو) پس از اینکه دولت را در سال ۲۰۱۵ ترک کردم، رهبری حملات پرشمار علیه من را به عهده داشتند و سعی می‌کردند با اتهامات جعلی در خصوص فاسد بودنم، نامم را لکه‌دار کنند.

فشار فرمانداران روی تقسیم این پس‌اندازها بسیار زیاد بود. در طول ماه‌ها، پول‌هایی که باید برای حفاظت از کشور در مقابل سقوط قیمت‌های نفت نگهداری می‌شد بین ایالت‌ها تقسیم شد. تا پایان سال ۲۰۱۴، پول‌ها حساب مازاد نفت خام مصرف شد

1. Babtunde Raji Fashola
2. Senior Advocate of Nigeria (SAN)
3. Godswill
4. National Economic Council (NEC)
5. Peter Obi
6. Anambra
7. National Economic Council (NEC)
8. Rauf Aregbesola
9. Osun

و به ۲/۳ میلیارد دلار کاهش یافت. همین طور که زمان انتخابات سال ۲۰۱۵ نزدیک تر می شد، فرمانداران اصرار داشتند که حتی این مبلغ باقی مانده نیز بین ایالت ها تقسیم شود. اما ما مقاومت کردیم و مقداری از این منابع را برای دولت جدید در قالب ذخایر حفظ کردیم.

فشار برای تقسیم پس اندازهای حساب مازاد نفت خام با خسارت های مالی ناشی از سرقت نفت خام و آسیب رسانی به لوله ها ترکیب شده بود. در اوایل سال ۲۰۱۳، همین طور که خسارت های بیشتری به بار می آمد، مدیر دفتر بودجه، دکتر برایت اوکوگو، رئیس بانک مرکزی، سانوسی لامیدو سانوسی و من در موقعیت های مختلف نسبت اثرات سوء این پدیده هشدار دادیم (به فصل سوم مراجعه کنید). یک گروه عملیاتی تشکیل شده از طرف رئیس جمهور، به ریاست فرماندار ایالت دلتا، دکتر امانوئل اودوآگان و متشکل از تمام فرمانداران مناطق تولیدکننده نفت، نیروهای مسلح و وزارتخانه ها و دفتر نمایندگی مرتبط با این حوزه به کسی فرصت سر خاراندن نمی داد.

به قراری که در فصل سوم آمد، ما تا آوریل ۲۰۱۳، خسارت ها را در حد یک میلیارد دلار در ماه برآورد کرده بودیم. بنابر گزارش ما که در ۱۹ آوریل سال ۲۰۱۳ و در پی یک کنفرانس خبری که من در حاشیه جلسات بهاره بانک جهانی و صندوق مالی بین المللی در واشینگتن دی سی برگزار کرده بودم ارائه شد: «وزیر هماهنگی اقتصاد دکتر نگوزی اوکونجو-اویالا گفته که دولت هر ماه در اثر سرقت نفت ۱۶۰ میلیارد نایرا (یک میلیارد دلار) از دست می دهد. بخش بزرگی از این خسارت در بخش تولیدی رابطه نزدیکی با سرقت نفت و انبار کردن غیرقانونی آن دارد که به مدت زیادی ادامه داشته است.»^۱

اگرچه سرقت نفت خام چیزی در حدود ۶۵ تا ۱۵۰ هزار بشکه در روز برآورد می شد، اما خسارت روزانه به بخش تولید بسیار بالاتر بود و میانگین آن تقریباً به ۴۰۰ هزار بشکه در روز می رسید (با در نظر گرفتن خسارت های ناشی از مسدود کردن خط لوله). این خسارت ناشی از این واقعیت بود که شرکت های نفتی برای تعمیر لوله های آسیب دیده در اثر سرقت، معمولاً کل یک خط لوله را به مدت چند روز یا چند ماه مسدود می کردند و مقدار نفت و گازی که از طریق این لوله ها حمل می شد بسیار بیشتر از مقادیر مسروقه بود. از این رو، تاثیری که این موضوع بر خزانه داری می گذاشت برابر بود با مجموع کل خسارت های ناشی از سرقت و انسداد لوله. آسیب رسانی به

1. "1 Bn Revenue Lost Monthly to Oil Theft," *News24.com*, April 19, 2013.

لوله و سرقت نفت خام، اثری منفی بر پس‌اندازهای حساب مازاد نفت خام و مخارج بودجه‌ای دولت‌های ایالتی می‌گذاشت.

مشکلات اقتصادی نیجریه از سال ۲۰۱۵ به بعد و همچنین رکود اقتصادی سال ۲۰۱۶ را می‌توان به شکل یک خودزنی تلقی کرد. اگرچه هیچ فردی نمی‌توانست زمان دقیق وقوع آن را پیش‌بینی کند، اما تاریخ به ما آموخته بود و تحلیل‌گران پیش‌بینی کرده بودند که قیمت‌های بالای نفت در بازه زمانی سال ۲۰۱۱ و اواسط ۲۰۱۴ ناپایدار است. کشورهایی که وابسته به این کالا بودند، از جمله خود نیجریه، باید خودشان را برای دوره‌ای از قیمت‌های پایین‌تر آماده می‌کردند. این آماده‌سازی باید شامل اقدامات مالی کوتاه‌مدت و میان‌مدت برای ایجاد ضربه‌گیرها و همچنین اصلاحات ساختاری بلندمدت‌تر برای متنوع‌سازی اقتصاد از جمله متنوع‌سازی منابع درآمدی می‌بود.

نیجریه سازوکارهای لازم (در قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت، حساب مازاد نفت خام و صندوق ثروت حکومتی) برای ایجاد ضربه‌گیرها را داشت. اما فرمانداران (که برخی‌شان در حال حاضر جزء اعضای کلیدی ریاست جمهوری محمدمو بوهاری هستند) به دلیل بی‌ارادگی سیاسی خود، این ضربه‌گیرها را از کار انداخته بودند. بسیاری از آنان پارتیزان (طرفداران متعصب یک حزب خاص) بودند و به قیمت از میان رفتن رشد و توسعه در آینده، تنها بر زمان حال تمرکز داشتند.

نبود ضربه‌گیرها در زمانی که ریاست‌جمهوری جدید بر سر کار آمد و قیمت‌های نفت در سطح پایینی بود به‌اضافه نبود یک مدیر اقتصادی مستقل به مدت چند ماه ترکیب شده بود. وزرا تقریباً به مدت شش ماه به مقام خود منتصب نشده بودند. همچنین وجود یک سیاست مالی و نرخ ارز از هم‌گسیخته کمکی به اوضاع نکرد زیرا به اعتماد سرمایه‌گذاران آسیب رساند، منجر به فرار سرمایه شد و سرانجام در سال ۲۰۱۶ به یک پسرفت اقتصادی با نرخ رشد ۱/۵٪- انجامید؛ اولین پسرفت اینچنینی در اقتصاد نیجریه در دو دهه اخیر.

دولت جانانتان در زمینه اصلاحات ساختاری بلندمدت‌تر به‌منظور متنوع‌سازی اقتصاد گام‌های مهمی برداشت و سیاست‌هایی را اجرا کرد که از بخش‌های کشاورزی، تولید صنعتی و خدمات، خاصه صنعت سرگرمی حمایت می‌کرد. سیاست‌های صنعتی پشتیبان باعث رونق زنجیره‌های ارزشی نشاسته کاساوا، سیمان، مونتاژ خودرو و برنج‌کاری شد. برنامه‌های نوآورانه‌ای چون NIRSAL سامانه تسهیم ریسک انگیزه‌محور برای وام‌دهی

کشاورزی نیجریه^(۱)، YouWIN (شرکت نوآوری جوانان^(۲)) و Nagropreneurs (کارآفرینان کشاورزی نیجریه^(۳)) از شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) حمایت می‌کرد و به اشتغال‌زایی می‌پرداخت. بنگاه مشاوره بین‌المللی مک‌کنزی و شرکا^(۴) برای ارائه کمک در تشخیص معایب و حمایت از اجرای اقدامات مربوط به گسترش پایه مالیاتی، بهبود مدیریت مالیات و تنوع‌بخشی به منابع درآمدی در اقتصاد به کار گرفته شد.

اگر اقتصاد نیجریه بخواهد تغییرات ساختاری که واقعا مورد نیازش است را تجربه کند، دولت‌های آتی باید موارد ذکر شده و همچنین اقدامات دیگری را برای متنوع‌سازی اقتصاد و پایه درآمدی را در طول دو دهه آینده انجام و تداوم‌شان را حفظ کنند. باید یک پیمان اجتماعی و سیاسی برای تمرکز بر سیاست‌هایی وجود داشته باشد که پایداری بلندمدت اقتصاد را تقویت می‌کنند.

حملات پایدار به تلاش‌ها در راستای کنترل بدهی ناپایدار دولت

یک مورد دشوار دیگر در زمینه تعامل با فرمانداران ایالتی به مساله وام‌گیری دولت ایالتی و بدهکاری آن مربوط می‌شود. بسیاری از فرمانداران برای افزایش جریان درآمد ماهانه در ایالت‌های خود به دنبال وام بودند. آنها معمولاً ادعا داشتند که گرفتن وام برای مخارج سرمایه‌ای مربوط به ایجاد زیرساخت‌ها و رفع نیازهای دیگرشان است، اما وام‌هایی که ایالت‌ها برای مخارج مکرر و مصرف ایالتی (از منابع داخلی) می‌گرفتند نسبتاً زیاد بود و همیشه مشخص نبود که شهروندان از این پول‌ها چقدر سود می‌برند.

نیجریه سابقه تلخی در خصوص بدهی‌های ناپایدار خارجی داشت که این بدهی‌ها عمدتاً ناشی از وام‌گیری دولت‌های ایالتی و شرکت‌های دولت فدرال بود. فرآیند طولانی و دردناک اما سرانجام موفقیت‌آمیز خروج نیجریه از بدهی ۳۰ میلیاردی‌اش به باشگاه پاریس^(۵) در سال ۲۰۰۵، با تمام جزئیاتش در کتابم با عنوان اصلاح اصلاح‌ناپذیرها: درس‌هایی از نیجریه تشریح شده است. تجربه حاصل از این خروج منجر به ارائه راهبردهایی درباره وام‌گیری نیجریه و ایالت‌هایش شد که موارد زیر را شامل می‌شود:

1. Nigeria Incentive-based Risk-Sharing System for Agricultural Lending
2. Youth Enterprise with Innovation
3. Nigerian Agricultural Entrepreneurs
4. McKinsey & Company
5. Paris Club

معیارسنجی کشور در خصوص نسبت‌های خوب بدهی به تولید ناخالص داخلی (راهبرد ارائه‌شده برای نیجریه این بود که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی این کشور از ۴۰٪ بالاتر نرود؛ این نسبت بسیار پایین‌تر از ۵۶٪ بود که در کشورهای دیگر با این سطح از توسعه به عنوان معیار ارائه شده بود)؛ نظارت بر نسبت‌های پرداخت بدهی به درآمد؛ و انجام تحلیلی در زمینه پایداری بدهی برای کشور و ایالت‌ها در خصوص هر تقاضای وام.

تمام این راهبردها از ایالت‌ها می‌خواست که در ارتباط با نیازهای خود به وام‌های داخلی و خارجی با وزارت دارایی و دفتر مدیریت بدهی^۱ همکاری نزدیکی داشته باشند. ایالت‌هایی که به دنبال وام بودند باید از مجالس ایالتی خود تاییدیه می‌گرفتند و دفتر مدیریت بدهی تحلیلی در خصوص پایداری مالی آنان ارائه می‌داد تا مشخص شود که آیا آن ایالت تحت شرایط مورد نظر وام، توانایی بازپرداخت بدهی موجود و بدهی اضافی را دارد یا خیر. زمانی که ایالت‌ها در صدد دریافت تسهیلات اعتباری پرهزینه داخلی کوتاه‌مدت از بانک‌ها یا دریافت مقادیری از اوراق قرضه داخلی شناور که بسیار بیشتر از توانایی ایالت برای بازپرداخت بدهی بود برمی‌آمدند، غالباً تنش‌ها بالا می‌گرفت. هنگامی که تحلیل دفتر مدیریت بدهی نشان می‌داد که یک ایالت برای اخذ وام اضافه به حد نصاب پایداری بدهی نرسیده یا مجبور است وامی بسیار کمتر از خواسته‌اش دریافت کند تا از راهبردها تخطی نکند، این وظیفه ناخوشایند بر عهده من بود که این خبر را به اطلاع فرماندار آن ایالت برسانم. اگرچه برخی فرمانداران این خبر را پذیرفته و از آن اطاعت می‌کردند، اما فرمانداران دیگر از این محدودیت‌ها خوشحال نمی‌شدند، زیرا این کار از دیدگاه‌شان به منزله اعمال قدرت ناروا و محدودسازی مالی ایالت‌ها از جانب وزیر دارایی قلمداد می‌شد.

در سال ۲۰۱۴ در مدت زمان باقیمانده تا انتخابات ۲۰۱۵، ایالت‌ها تقاضای زیاد و نامعمولی برای دریافت وام داشتند. هفده ایالت در صدد اخذ وام‌هایی در حدود ۱۰ تا ۱۰۰ میلیارد نایرا (۶۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار) بودند. اما یک مشکل وجود داشت: سطح بدهی ایالتی به سرعت در حال افزایش بود. نگرانی‌های کمتری در خصوص بدهی‌های خارجی وجود داشت زیرا ایالت‌ها نمی‌توانستند بدون ضمانت دولت فدرال از خارج از کشور وام بگیرند (به پیوست ب، جدول B4.3 مراجعه کنید)، گرچه بدهی‌های بعضی

1. Debt Management Office (DMO)

ایالت‌ها مانند ادو به مقدار زیادی در حال افزایش بود. آن زمان بیشتر بدهی‌های خارجی ناشی از بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه و در شرایط ممتاز با نرخ بهره معمولاً زیر ۲ درصد و مهلت تاخیر بازپرداخت بین پنج تا ده سال و دوره بازپرداخت بیست تا چهل سال بود. بنابراین، فشار ناشی از پرداخت این بدهی‌ها قابل مدیریت بود. موضوع نگران‌کننده‌تر سطح بالای بدهی‌های داخلی بود که مقدار کل آنها برای تمام ایالت‌ها از ۱/۵۳ تریلیارد نایرا (۹/۵ میلیارد دلار) در سال ۲۰۱۳ به ۲/۵۰ تریلیارد نایرا (۱۲/۷ میلیارد دلار) در سال ۲۰۱۵ رسیده بود. استقراض داخلی در برخی ایالت‌ها (از جمله بائوچی، دلتا، انوگو، ایمو، جیگاوا، کادونا، کاتسینا، کبی^۳، کوگی^۴، اوسون و یوبه^۵) با سرعت زیادی در حال افزایش بود (به پیوست ب، جدول B4.4 مراجعه کنید)، درحالی‌که درآمدهای ایالتی را کم مانده یا به دلیل افت قیمت نفت کاهش یافته بود. بسیاری از ایالت‌ها (شاید به استثنای لاگوس) دسترسی اندکی به منابع درآمدی اضافه داشتند زیرا اکثراً توانایی اندکی در زمینه درآمدزایی داخلی داشتند.

با توجه به این پیش‌زمینه، وام‌گیری داخلی بر مبنای شرایط دشوارتر (و بدون امتیاز) به منزله فشار سنگین‌تری برای پرداخت بدهی بود. مثلاً عواید حاصل از اوراق قرضه داخلی در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بین ۱۱ تا ۱۴ درصد بود. وام‌های تجاری پرهزینه‌تر و بسیار کوتاه‌مدت‌تر بودند، به نحوی که نرخ بهره‌های اسمی آنها غالباً بین ۱۵ تا ۱۹ درصد بود؛ حتی بعد از اینکه نرخ تورم به ۹ تا ۱۰ درصد کاهش یافت.

بسیاری از ایالت‌ها همچنان بدون اطلاع وزارت دارایی و با تخطی از راهبردهای دفتر مدیریت بدهی در حال اخذ وام‌های تجاری بودند. مورد بدتر این بود که برخی ایالت‌ها ظاهراً برای نیازهای کوتاه‌مدت خود بر سر تسهیلات اضافه برداشت با نرخ بهره‌هایی بالاتر (در برخی از موارد ۱۹ تا ۲۲ درصد) توافق می‌کردند، اما این بودجه‌ها را برای پروژه‌های سرمایه‌ای استفاده می‌کردند و این کار باعث می‌شد که منابع بسیار پرهزینه شود و سررسیدشان کاملاً نامتناسب باشد.

بهرغم سنگین بودن وام‌های پرهزینه، بسیاری از فرمانداران تا اواخر سال ۲۰۱۴ و اوایل سال

1. Enugu
2. Jigawa
3. Kebbi
4. Kogi
5. Yobe

۲۰۱۵ همچنان درصدد استقراض بودند و منطق‌شان این بود که باید پروژه‌های ناتمام را تکمیل کنند؛ اما با این پیامد که چه بسا تعهدات بدهی سنگینی را برای ایالت‌ها و جانشینان خود به جای بگذارند. دفتر مدیریت بدهی درخواست‌های وام را بررسی کرد. تحلیل انجام‌شده برای اکثر هفده ایالت خواهان وام با توجه به ظرفیت بازپرداخت‌شان و وام‌های انباشته‌شان، نتایج نامطلوبی داشت. این تحلیل باعث شد وزارت دارایی به ایالت‌ها توصیه کند که یا درخواست وام ندهند یا مقدار وام درخواستی را تا سطح قابل‌مدیریتی کاهش دهند که این کاهش در برخی موارد به ۸۰ تا ۹۰ درصد رقم مورد نظرشان می‌رسید.

اگرچه بیشتر فرمانداران ایالتی با این تحلیل و توصیه موافقت می‌کردند، اما فرماندار آدامز اوشیوموله از ایالت ادو با آن مخالف بود. در ۹ دسامبر ۲۰۱۴، فرماندار اوشیوموله نامه‌ای فرستاد (مشروط بر راهبردهای وام‌گیری دولت ایالتی ما) و از وزارت دارایی تقاضای «عدم مخالفت» کرد تا ایالتش بتواند از بانک‌های تجاری ۱۵/۳۷ میلیارد نایرا (۹۲ میلیون دلار) وام بگیرد. بنابر گزارش روزنامه دیس دی^۱ در ۱۵ جولای ۲۰۱۵، این وام‌ها برای اهداف زیر بودند:

یک وام به میزان ۱۳/۲ میلیارد نایرا از Ecobank Plc برای توانمندسازی این دولت ایالتی در انجام تعهدات پرداختی به پیمان‌کاران؛ یک وام به میزان ۱/۰۳ میلیارد نایرا از Fidelity Bank Plc برای انجام تعهدات بودجه‌ای متقابل ایالت ادو در قبال آموزش پایه فراگیر این ایالت^۲ (SUBEB)؛ و وام دیگری به مبلغ ۱/۱۴ میلیارد نایرا از Ecobank Plc برای پرداخت تعهدات ۵۰٪ این ایالت در قبال SUBEB.^۳

نرخ بهره متوسط این وام‌ها چیزی حدود ۱۸٪ در سال و مهلت بازپرداخت انتظاری‌شان تقریباً ۲۳ ماه بود. این درخواست پس از انجام فرآیندهای معمول برای تحلیل لازم در خصوص پایداری بدهی و ارائه پیشنهادهای وزارت دارایی به دفتر مدیریت بدهی ارسال شد. نتیجه تحلیل این بود که این وام به افزایش زیاد و ۳۸٪ بار بدهی داخلی جاری ایالت ادو خواهد انجامید. با توجه به درآمدهای راکد و نزولی کمیته تخصیص حساب‌های دولت فدرال به میزان پنج میلیارد نایرا در ماه، برای ایالت ادو تحمل فشار مضاعف پرداخت بدهی کار دشواری بود.

1. This Day

2. State Universal Basic Education

3. "Refusal to Approve Naira 15.37 Bil Loan behind Oshiomole's Tirade against Okonjo-Iweala," *This Day*, July 15, 2015.

نامه‌ای به فرماندار نوشتم و یافته‌های دفتر مدیریت بدهی و توصیه دال‌بر دریافت نکردن این وام یا در صورت نیاز مبرم، کاهش مقدار آن به سطحی قابل کنترل‌تر، یعنی پنج میلیارد نایرا را به اطلاع او رساندم. فرماندار از این توصیه استقبال خوبی نکرد. چند روز بعد، فرماندار به دفترم آمد و توضیح داد که او منتظر یک وام حمایتی از بانک جهانی است که پرداخت آن به تاخیر افتاده بود، اما اکنون انتظار می‌رود در عرض چند هفته یا چند ماه پرداخت شود، در نتیجه وام‌هایی که او از بانک تجاری طلب کرده فقط برای مدتی کوتاه مورد نیاز است زیرا قصد دارد آن وام‌ها را با وام دریافتی از بانک جهانی بازپرداخت کند. من از وام به تاخیر افتاده بانک جهانی مطلع بودم، اما به عنوان یکی از کارکنان سابق بانک جهانی به فرماندار توضیح دادم که قوانین بانک جهانی به او اجازه نخواهد داد که از وام دریافتی برای بازپرداخت وام یک بانک تجاری استفاده کند. با توجه به اینکه وام بانک جهانی شرایط بسیار مساعدتری داشت (دوره بازپرداخت ۲۵ ساله همراه با یک مهلت پنج‌ساله برای تاخیر در پرداخت وام و نرخ بهره سالانه ۱/۲۵٪) بسیار بهتر خواهد بود که ایالت ادو منتظر دریافت این وام بماند. اما فرماندار اصرار داشت که نیاز فوری به وام بانک‌های تجاری دارد و به همین دلیل است که برای توضیح این موضوع شخصا به دفترم آمده است. زمانی که مجدداً به اطلاع فرماندار رساندم که از لحاظ حرفه‌ای بر هیچ اساسی نمی‌توانم توصیه‌های دفتر مدیریت را زیر پا بگذارم، موضوع برای او حالتی شخصی پیدا کرد و از دفترم با ناراضیاتی فراوان رفت.

حملاتی در قالب تیترهای خبری و کمپینی زمزمه‌گر

سپس با رهبری فرماندار آدامز اوشیوموله، حملاتی در قالب تیترهای خبری علیه من و دولت فدرال آغاز شد و زمانی که در می ۲۰۱۵ از وزارت کناره‌گیری کردم شدیدتر شدند. در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۴، در مقاله‌ای در پریمیوم تایمز نیجریه^۱، فرماندار اوشیوموله دولت فدرال را متهم به گزارش ندادن ۳۰ میلیارد دلاری کرد که او ادعا داشت در سه سال گذشته در حساب مازاد نفت خام جمع‌آوری شده است.^۲

1. Premium Times Nigeria

2. Sani Tuku, "\$30 Billion Excess Crude Fund Unaccounted For—Oshiomole," *Premium Times*, December 25, 2014, <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/173810-30billion-excess-crude-fund-unaccounted-oshiomhole.html>.

در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵، اینفورمیشن نیجریه^۱ مقاله‌ای را منتشر کرد که فاش ساخت شورای اقتصادی ملی (متشکل از ۳۶ فرماندار و نماینده دولت فدرال)، من، وزیر سابق دارایی را متهم کرده بود که «۲/۱ میلیارد دلار از حساب مازاد نفت خام را بدون اجازه استفاده کرده‌ام.»^۲ این مقاله به نقل از فرماندار اوشیوموله نوشته بود «ما ارقام ECA را بررسی کردیم. در آخرین گزارشی که وزیر سابق دارایی و هماهنگی اقتصاد، خانم نگوزی اوکونجو-ویالا در اختیار شورا قرار داد و در صورتجلسه درج شد، آمده است که ما تا نوامبر ۲۰۱۴ رقم ۴/۱ میلیارد دلار داشتیم. امروز دفتر حسابدار کل گزارش داده است که ما تنها ۲ میلیارد دلار در اختیار داریم و این نشان می‌دهد که وزیر محترم ۲/۱ میلیارد دلار را بدون کسب اجازه از NEC استفاده کرده و این پول به ایالت‌ها و همچنین به سه طبقه دولت (فدرال، ایالتی و محلی) نیز پرداخت نشده است.» در ادامه این مقاله نوشته شده بود که «بنابر گزارش NEC، استفاده بدون اجازه از پول‌ها فقط یکی از اختلالات متعددی بود که در دوره زمانی ۲۰۱۲ و می ۲۰۱۵ در مدیریت اقتصاد کشور نمایان شده است.»

مطابق این گزارش، شورای اقتصادی ملی، کمیته‌ای برای تحقیق و تفحص در خصوص مدیریت من در امور مالی کشور ترتیب داد. روسای این کمیته زیاد خوش‌برخورد به نظر نمی‌رسیدند. دو نفر از روسای این کمیته فرماندار آدامز اوشیوموله از ایالت ادو و فرماندار ناصر الروفای از ایالت کادونا بودند. افرادی که با تحقیق و تفحص از دفتر حسابدار کل آشنایی داشتند گفتند که حسابرسی مربوط به پول‌های حساب مازاد نفت خام، که به‌طور متداول تحت مدیریت دفتر حسابدار کل فدراسیون قرار دارد، هیچ انحراف یا سوءاستفاده‌ای را در این منابع نشان نمی‌دهد. جزئیات مربوط به حساب مازاد نفت خام مدت‌ها بود که به اطلاع عموم می‌رسید: این جزئیات به‌طور متداول در اختیار مطبوعات قرار می‌گرفت و در پایان هر جلسه ماهانه کمیته تخصیص حساب‌های دولت فدرال منتشر می‌شد.

در ۵ جولای ۲۰۱۵، یک رسانه خبری آنلاین نیجریه‌ای مقاله‌ای را منتشر و در آن متهم کرد که یکی از ساختمان‌های وزارت را رایگان در اختیار مدیریت ترتیبات انتقال حقوق بازنشستگی^۳،

1. Information Nigeria

2. Niyi, "Okonjo-Iweala Accused of Spending \$2.1 Bil without Authorization," *Information Nigeria*, June 30, 2015, <http://www.informationng.com.com/2015/06/okonjo-iweala-accused-of-spending-2-1bn-without-authorization.html>.

3. the Pension Transition Arrangement Directorate

آژانسی که به وزیر دارایی گزارش می‌داد، قرار داده بودم.^۱ در ۱۳ جولای ۲۰۱۵، روزنامل پریمیوم تایمز این حملات را ادامه داد و مقاله‌ای را منتشر کرد که در آن فرماندار اوشیوموله این اتهام را به من زد که برای کمک به پیروزی رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان در دور دوم انتخابات، از حساب مازاد نفت خام یک میلیارد دلار را به‌طور غیرمجاز برداشت کرده‌ام.^۲

این حمله با یک گزارش خبری در ۱۰ اوت ۲۰۱۵ که بر سوالات رئیس‌جمهور جدید، محمدو بوهاری، از وزارت دارایی در مورد انحراف وام یک میلیارد دلاری از چین برای ریل‌سازی تاکید داشت و در بیشتر رسانه‌های خبری نیجریه پخش شد ادامه پیدا کرد. اینفورمیشن نیجریه نمونه‌ای از این رسانه‌ها بود و نوشت: «انحراف وام‌های خارجی دریافتی برای پروژه‌های ریل‌سازی کشور، تحت نظارت وزیر سابق دارایی، دکتر نگوزی اوکونجو-اویالا، باعث مورد سوال قرار گرفتن وزارت دارایی از سوی رئیس‌جمهور محمدو بوهاری شد. انحراف در بخش چشمگیری از وام ۱/۰۵ میلیارد دلاری دریافتی از بانک اکسیم^۳ چین به منظور ساخت خط آهنی که قرار بود ایالات لاگوس و کانورا به جایی دیگر وصل کند، باعث این پرس‌وجو از سوی رئیس‌جمهور شده است.»^۴

این حملات در ماه‌های بعد و با اتهامات و تیرهای خبری بسیار آسیب‌زننده‌تر ادامه یافت. در اوایل دسامبر ۲۰۱۵، تلاشی برای مرتبط ساختن من با یک رسوایی ناگهانی در زمینه خرید تسلیحات که گفته می‌شد دفتر مشاور امنیت ملی^۵ نیز در آن دست دارد، صورت گرفت. این اتهام براساس یادداشتی بود که در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۵ برای رئیس‌جمهور جاناتان فرستاده بودم و برای انجام دستورالعمل‌های ایشان دالبر پرداخت ۳۲۲ میلیون دلار از مبالغ بازگردانده‌شده از وجوه آباچا به مشاور امنیت ملی به منظور خرید تسلیحات برای مبارزه با بوکو حرام^۶ تایید کتبی خواسته بودم (به جدول ۴.۱ مراجعه کنید). این تاییدیه صادر و این مبلغ با پیروی از راهبردهای وزارت امور دارایی

1. "Revealed: Okonjo-Iweala Got ₦1 Bil for Two Years Rent from Agency She Set Up!," *Gong News*, July 5, 2015.

2. "Okonjo-Iweala Used \$1 Bil Government Money for Jonathan's Re-election—Oshiomole," *Premium Times*, July 13, 2015.

3. Exim Bank

4. Ayodele Daniel, "Buhari Queries Finance Ministry over Diversion of \$1 Bil Rail Project Loan," *Information Nigeria*, August 10, 2015, <http://www.informationng.com/2015/08/buhari-queries-finance-ministry-over-diversion-of-1bn-rail-project-loan.html>.

5. Office of the National Security Adviser

6. Boko Haram

پرداخت شده بود. اما تلاشی برای ترکیب این موضوع با رسوایی جداگانه مربوط به خرید ۲/۱ میلیارد دلار تسلیحات و مرتبط ساختن من با آن صورت گرفت.

بنابر مقاله‌ای که در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۵ در دیلی پست^۱ منتشر شد: «آدامز اوشیوموله، فرماندار ایالت ادو، از ریاست جمهوری درخواست کرده بود که وزیر سابق دارایی، دکتر نگوزی اوکونجو-اویالا، را به جرم نقش احتمالی در معامله تسلیحاتی ۲ میلیارد دلاری دستگیر و محاکمه کند. فرماندار متقاعد بود که اصلاً امکان ندارد اوکونجو-اویالا در نقش وزیر هماهنگ‌کننده اقتصاد تحت ریاست جمهوری جاناتان از این موضوع باخبر نبوده باشد.»^۲

در ژانویه ۲۰۱۶، آقای فمی فالانا^۳، وکیلی با ارتباطات سیاسی، اتهامات مربوط به دخیل بودن من در رسوایی تسلیحاتی را بررسی کرد و بدون ارائه هیچ مدرکی، نامم را در فهرستی از اسامی «متهمانی» که قرار بود برای ارتکاب جرایم ضدبشری محاکمه شوند قرار داد و به دادگاه جرایم بین‌المللی در هاگو^۴ فرستاد.

جدول ۴-۱ بازایی مبالغ دزدیده شده در دوره ریاست جمهوری آباچا^۵

برآورد می‌شود که در پنج سال حکومت ژنرال سانی آباچا^۶ در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، این دیکتاتور نظامی، خانواده و آشنایان او ۳ تا ۵ میلیارد دلار از اموال عمومی را به سرقت برده و بیشتر این پول‌ها را به خارج از کشور منتقل کرده باشند. از سال ۱۹۹۸، زمانی که ژنرال عبدالسلامی ابوبکار^۷ جانشین ژنرال آباچا شد، تلاش‌هایی برای پس‌گرفتن این مبالغ انجام شده است. ژنرال ابوبکار و رئیس‌جمهور اولسگون اوباسانجو در دوره ریاست خود فعالیت ویژه‌ای داشتند و تا می ۲۰۰۷ مبالغی در قالب سه ارز خارجی (۱/۸ میلیارد دلار، ۱۰/۹ میلیارد نایرا و ۱۱۱/۹۵ پوند) بازیافت شده‌اند.

1. Daily Post

2. Ameh Comrade Godwin, "Armsgate: Oshiomole Tells Buhari to Arrest Okonjo-Iweala," *Daily Post*, December 10, 2015, <http://dailypost.ng/2015/12/10/armgate-oshiomole-tells-buhari-to-arrest-okonjo-iweala>.

3. Femi Falana

4. International Criminal Court in The Hague

5. Abacha Presidency

6. Sani Abacha

7. Abdulsalami Abubakar

من در دور دوم ریاست جمهوری او با سانجو عضو گروهی بودم که برای بازگردانی ۵۰۵ میلیون دلار از این مبلغ از سوئیس در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۶، با دولت سوئیس همکاری می‌کرد. این پول‌ها به خزانه فدرال بازگردانده شد و با نظارت سازمان‌های غیردولتی نیجریه‌ای و سوئیسی و بانک جهانی، صرف بودجه‌ریزی پروژه‌های سرمایه‌ای شد.

طی ریاست جمهوری گودلاک جاناتان، پیشرفت‌های بیشتری در زمینه بازیافت مقداری از پول‌های به سرقت رفته در دوره آباچا حاصل شد. این پول‌ها به بانک تسویه بین‌المللی^۱ واقع در شهر بازل^۲ سوئیس منتقل شد و در حسابی ویژه با نام پول‌های مسروقه و بازیافتی دولت فدرال نیجریه^۳ قرار گرفت.

در اول فوریه ۲۰۱۲، جرسی^۴ (واقع در جزایر کانالی^۵) مبلغ ۲۲,۵۵۹,۵۶۰ پوند را به حساب موجود در بانک تسویه بین‌المللی بازگرداند. لیختنشتاین^۶ در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۳، مبلغ ۱۰,۱۲۰,۵۱۰ دلار و سپس در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ مبلغ ۲۲۶,۳۹۳,۵۶۷ دلار را بازگرداند. سیتی‌بانک لندن^۷ در سپتامبر ۲۰۱۴ مبلغی معادل ۲۲,۷۴۱,۹۶۶ دلار را در قالب سه ارز مختلف بازگرداند. اضافه‌براین، پول‌هایی وجود دارد که مورد مذاکره قرار گرفته‌اند، اما هنوز از لوکزامبورگ^۸، جایی که در آن پسران رئیس‌جمهور سابق، آباچا، محمد ثانی آباچا و آبا آباچا، مالک ۹ حساب بانکی هستند که از سال ۲۰۰۰ به درخواست نیجریه و از سال ۲۰۰۵ به درخواست ایالت ژنو توقیف شده‌اند، بازگردانده نشده‌اند.

در ۱۴ جولای ۲۰۱۴، دولت فدرال نیجریه با همکاری وزرای دادگستری لوکزامبورگ و ژنو، توافق‌نامه‌ای درباره بازگردانی این پول‌ها به امضا رساند. از طریق این توافق‌نامه اموال موجود در لوکزامبورگ بازیافت و به حساب‌های ایالت ژنو منتقل و به دستور وزیر دادگستری در تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۴ به نیجریه

1. Bank for International Settlements
2. Basel
3. Recovered Looted Funds of the Federal Government of Nigeria
4. Jersey
5. Channel Islands
6. Lichtenstein
7. Citibank London
8. Luxembourg

بازگردانده شد. در ۴ دسامبر ۲۰۱۴، نیجریه و سوئیس توافق‌نامه‌ای در خصوص بازگردانی مبلغ ۳۲۱ میلیون دلار به نیجریه با نظارت بانک جهانی امضا کردند. در ریاست جمهوری جاناتان، جرسی نیز نسبت به بازگردانی بیش از ۳۱۳ میلیون دلار از مبالغ مسروقه به دست آباچا واقع در نهادهای این شهر ابراز علاقه‌مندی کرد. گروهی از سوی دولت فدرال برای بازگردانی این مبالغ با جرسی وارد مذاکرات شد، اما متعاقباً به اطلاع این گروه رسید که محمد آباچا و ابوبکار باگودو^۱ یک پرونده قانونی به دادگاه‌های جرسی برده و تصرف این وجوه به دست جرسی را به چالش کشیده‌اند. دوباره این مبالغ باید مورد پیگیری قرار می‌گرفت و به نیجریه بازگردانده می‌شد.

نهایتاً، دادگاه ایالات متحده برای منطقه کلمبیا^۲ در ۶ اوت ۲۰۱۴ رای‌ی در خصوص اموال سانی آباچا و شرکت‌هایش که تقریباً بالغ بر ۴۸۰ میلیون دلار می‌شد صادر کرد. این اموال که در جرسی و فرانسه و بریتانیا هستند هنوز به نیجریه بازگردانده نشده‌اند.

منبع: دفتر حسابداری کل دولت فدرال، می ۲۰۱۵، سوابق مربوط به تراکنش‌های حساب بانک تسویه بین‌المللی از بانک مرکزی نیجریه گرفته شده است.

به گفته روزنامه ونگارد^۳ در ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۶، فالانا به دادگاه جرایم بین‌المللی خبر داد که مشاور سابق امنیت ملی، سرهنگ (بازنشسته) سامبو داسوکی^۴ و افراد دیگری که در رسوایی سرقت تسلیحات «متهم» شده بودند باید «نسبت به جرایم ضدبشری که در قبال نیجریه‌ای‌ها انجام شده جوابگو باشند.»^۵ مخصوصاً «ناکامی وزیر سابق دارایی، دکتر نگوزی اوکونجو اوایالا، در جلوگیری از فساد گسترده و سیستماتیک از جمله سرقت مجدد پول‌های مسروقه آباچا، طبق قانون رم^۶ به منزله همدستی بوده و در نتیجه شرایط قانونی یک جرم ضدبشری را دارد.» این اتهام مضحک نتیجه‌ای دربرداشت.

1. Abubakar Bagudu

2. US District Court for the District of Columbia

3. Vanguard

4. Sambo Dasuki

5. "\$2.1bn Arms Probe: Falana Petitions ICC, Alleges Crimes against Humanity." *Vanguard*, January 25, 2016.

6. Rome Statute

روزنامه نیشن^۱، در ۸ فوریه ۲۰۱۶، برای تحت محاصره جلوه دادن وزیر سابق دارایی، تصویری برجسته از من را چاپ و ادعا کرد که «رئیس آژانس ضد اختلاس، ابراهیم ماگو^۲، روز یکشنبه گفت که وزیر سابق دارایی، دکتر اوکونجو-اویالا، در خصوص ارتباطش با پرونده‌های مربوط به فساد طی ریاست جمهوری اخیر، از سوی کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی^۳ تحت بازجویی است.»^۴ اهمیتی زیادی نداشت که بیانیه حقیقی مدیر کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی در جواب به سوالی از سوی یک نماینده پارلمان در مجلس به کمیته استماع نمایندگان فقط برای بازجویی‌های سراسری در بخش نفت اشاره داشت و به من یا ارتباطم با کمیسیون جرایم مالی و اقتصادی هیچ اشاره‌ای نداشت.

عذاب یک‌ساله ناشی از این حملات بی‌اساس و سازمان‌یافته، جنبه سیاسی داشت و فقط یک هدف را دنبال می‌کرد؛ تنبیه من برای اقداماتی که در زمان وزارت من انجام شده بود، آن هم از رهگذر لکه‌دار کردن و صدالبته نابود کردن شهرت ملی و بین‌المللی من. در واقع، این تاوان محکم ایستادن و رفتار اصولی در برابر تبهکاری‌های مالی بسیار زیاد بود. حملات رسانه‌های عمومی با یک «کمپین زمزمه‌گر» و کثیف علیه من در آبوجا و لاگوس همراه شد. بستگانم که در این شهرها زندگی می‌کردند گاهی با اعضای از نخبگان نیجریه ملاقات می‌کردند و آنان داستان‌های دروغین و اغراق‌آمیزی که در خصوص بدرفتاری‌های من شنیده بودند را یکی پس از دیگری تعریف می‌کردند. یکی از همین داستان‌های مضحک این بود که من یک میلیون دلار از پول‌های دزدیده‌شده از راه فساد را برای تزئین و تعویض پرده‌های خانه‌ام استفاده کرده‌ام!

این عذاب تنها مختص من نبود بلکه تاثیر زیادی بر خانواده و بسیاری از کارمندان سابقم داشت که برای انجام وظیفه در کنار من، شغل خود را در نقاط مختلف جهان ترک کرده بودند. آنها در این سال به دلیل ارتباطی که با من داشتند مورد حملات لفظی قرار گرفتند و در پیدا کردن شغل جدید در نیجریه با سختی روبه‌رو شده بودند. اما من با آن حملات مقابله کردم! با کمک دوستان و خانواده‌ام به هر یک از این اتهامات دروغین که در رسانه‌ها مرا نشانه‌گیری کرده بودند، علنا پاسخ دادم. توانستم

1. Nation

2. Ibrahim Magu

3. Economic and Financial Crimes Commission

4. Victor Oluwasegun and Dele Aofi, "EFCC 'Investigating' Okonjo-Iweala, Diezani, Aluko," *The Nation*, February 8, 2016, <http://thenationonlineng.net/efcc-investigating-okonjo-iweal-diezani-aluko>.

حقایق و اسنادی را ارائه کنم که نشان می‌داد این اتهامات بی اعتبار است.^۱ خوشبختانه در جامعه بین‌المللی افراد کمی بودند که این اتهامات را باور کنند و من حمایت و تایید زیادی در قالب شماری از بیانیه‌های عمومی دریافت کردم. با این وجود، این تجربه باعث شد از خودم سوال کنم: اگر فردی با شهرتی کمتر در جامعه بین‌المللی جای من بود چه اتفاقی می‌افتاد؛ آیا او می‌توانست از این حملاتی که به اعتبارش می‌شد نجات پیدا کند؟

مبارزه با قانون‌گذاران فدرال بر سر بودجه: نقطه ضعف فرآیند بودجه‌ریزی

اگرچه فرمانداران یک گروه سیاسی قدرتمند برای مقابله بودند، مقابله با قانون‌گذاران فدرال نیز اصلا کار ساده‌ای نبود. وجود این قانون‌گذاران در فرآیند بودجه‌ریزی الزامی است و در این چارچوب بود که مبارزات دشواری در خصوص فرآیند بودجه‌ریزی و محتوای آن درگرفت. در کتاب اصلاح‌ناپذیرها: درس‌هایی از نیجریه، به تلاش‌های موفقیت‌آمیز انجام شده در دور دوم ریاست جمهوری اولسگون اوباسانجو جهت برپاسازی یک چارچوب و فرآیند بودجه‌ریزی که بتواند قوای مجریه و مقننه را قادر به ارائه یک بودجه عملیاتی برای هر سال مالی کند، اشاره کرده‌ام. ما با تشکیل یک گروه مالی و بودجه‌ای قدرتمند، ابزارهای برنامه‌ریزی بودجه مانند گزارش استراتژی مالی^۲، چارچوب مخارج میان‌مدت^۳ و استراتژی‌های بخشی میان‌مدت^۴ را فراهم ساختیم. این ابزار به کابینه اجازه می‌داد که بحث‌های دشواری در ارتباط با معاوضه مخارج انجام دهد و سپس قوای مجریه و مقننه را قادر به انجام گفت‌وگوهایی سازنده در مورد مقدار بودجه و اولویت‌های هزینه‌ای کوتاه و میان‌مدت می‌ساخت.

سال مالی نیجریه با سال تقویمی یکسان است. قانون اساسی حکم می‌کند که بودجه قبل از پایان سال مورد مذاکره و تایید قرار گیرد تا کشور سال جدید را با بودجه‌ای آماده آغاز کند. فرآیند بودجه‌ریزی در عمل اینقدر مرتب و منظم نبود. اگرچه چارچوب

۱. به منبع زیر مراجعه کنید:

Oshiomole's Allegations of Illegal Diversion of Abacha Funds Baseless—Okonjo-Iweala," *Daily Post*," December 10, 2015, <http://dailypost.ng/2015/12/10/oshiomoles-allegations-of-illegal-diversion-of-abacha-funds-baseless-okonjo-iweala>

2. The Fiscal Strategy Paper

3. The Medium-Term Expenditure Framework

4. The Medium-Term Sector Strategies

مخارج میان مدت تا ماه سپتامبر و بودجه معمولاً تا ماه اکتبر مورد مذاکره و تایید قرار می‌گرفت، اما تایید به موقع بودجه تا پایان ماه دسامبر پدیده‌ای نادر بود زیرا قوای مجریه و مقننه بر سر مفاد و نقش بودجه دچار اختلاف و کشمکش می‌شدند.

قوه مقننه عمدتاً نگران سه موضوع بود: میزان بودجه خود؛ ماهیت و میزان بودجه سرمایه‌ای، مخصوصاً پروژه‌های سرمایه‌گذاری؛ و تعداد و محل جغرافیایی این پروژه‌ها. سناتورها و نمایندگان احساس می‌کردند که نقش آنها به عنوان تخصیص‌دهندگان بودجه تنها این نیست که پارامترهای بودجه را بررسی و تایید کنند و بر اجرای بودجه نظارت داشته باشند، بلکه مسئولیت شکل‌دهی به میزان و محتوای بودجه از جمله جزئیات پروژه‌های خاص نیز بر عهده آنهاست. قوه مجریه احساس می‌کرد پس از اینکه پارامترهای بودجه از طریق چارچوب مخارج میان مدت به تایید قوه مقننه می‌رسد، مابقی جزئیات و خصوصیات بودجه، مشخصاً معرفی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بودجه که به خوبی هزینه‌بندی و بررسی شده‌اند، به عهده قوه مجریه است.

این دیدگاه‌های متفاوت در خصوص نقش بودجه به تنش‌های زیادی می‌انجامید. در دوره ریاست جمهوری اوباسانجو، برقراری تعامل با بیشتر اعضای قوه مقننه غالباً پرتنش و ناخوشایند بود، اما وزارت امور دارایی می‌توانست در این تعادل ناخوشایند قدرت که پدیدار شده بود به کار خود ادامه دهد. قوه مقننه برای پوشش حقوق اعضای مجلس و سایر هزینه‌ها تقاضای بودجه سخاوتمندانه‌ای داشت و در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵، پس از انجام مذاکرات، بودجه‌ای تقریباً به میزان ۴۴ میلیارد نایرا (۳۳۳ میلیون دلار برحسب نرخ ارز آن زمان) برای مجلس در نظر گرفته شد.

اما این موضوع باعث حل مشکل مربوط به دخالت قانون‌گذاران در افزودن یا حذف برخی پروژه‌ها و افزایش یا کاهش اندازه پروژه‌های دیگر نشد و در نتیجه باعث به وجود آمدن اختلالاتی در بودجه شد. ما برای رسیدگی به این مشکل، با قانون‌گذاران بر سر این موضوع توافق کردیم که مبلغی تقریباً برابر با ۴۴ میلیارد نایرا (۵۰۰ میلیون دلار) در حکم منابعی برای پوشش چیزی که آن را «پروژه‌های حوزه انتخاباتی»^۱ نامیدیم، به قوه مقننه تخصیص یابد. اینها پروژه‌هایی (اکثراً با مقیاس کوچک‌تر) بود که قانون‌گذاران می‌توانستند آغازشان کنند و برای رفع خواسته‌های خود در زمینه تکمیل اهداف توزیع جغرافیایی و رفع نیازهای جوامعی که آنها را انتخاب کردند، در بودجه سرمایه‌ای جای

1. Geneva

دهند. هدف اصلی این بود که این تخصیص بودجه تمایل برخی قانون‌گذاران برای دخالت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بودجه سرمایه‌ای که غالباً با هدف کنار گذاشتن پول‌های بیشتری برای خودشان انجام می‌شد را کاهش دهد.

این رویکرد موثر واقع شد و تا مارس سال ۲۰۰۵ - زمانی که رسوایی رشوه برای بودجه^۱ به‌پا شد - یک آرامش همراه با بی‌قراری ادامه پیدا کرد. این رسوایی به یکی دیگر از جوانب رفتار ناشفاف و فاسد مربوط می‌شد؛ درخواست و پرداخت رشوه برای سهولت در به تصویب رسیدن بودجه یک بخش. کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی مدعی شد که رئیس مجلس سنا و شش نفر از اعضای دیگر مجلس ملی برای تسهیل تصویب بودجه بخش آموزش از وزارت آموزش رشوه گرفته‌اند. قانون‌گذاران این اتهامات را انکار کردند و مجلس ملی این قضاوت شتاب‌زده و محاکمه شدن به دست رسانه‌ها را تقبیح کرد.

اما رئیس‌جمهور اولسگون اوباسانجو که بسیار خشمگین شده بود، ملت را خطاب قرار داد و گفت که کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی این رسوایی را بر ملا و وزیر آموزش را اخراج کرده است. بنابر مقاله IRIN در تاریخ ۲۳ مارس سال ۲۰۰۵، «رئیس‌جمهور نیجریه اولسگون اوباسانجو، وزیر آموزش، فابیان اوسوجی^۲، را به جرم رشوه‌دهی به رئیس مجلس سنا و شش نفر از اعضای پارلمان برای آسان‌سازی فرآیند تصویب بودجه سالانه اخراج کرد. او همچنین از رئیس مجلس سنا، آدولفوس وابارا^۳، به دلیل دریافت رشوه و هموار ساختن راه برای سرنگون‌سازی احتمالی خودش انتقاد کرد. اوباسانجو که قیامی علیه فساد رایج را آغاز کرده بود، در شب سه‌شنبه در تلویزیون حاضر شد تا به کشور بگوید که وزیر آموزش ۵۵ میلیون نایرا (۴۱۷ هزار دلار) از ذخایر دولت برداشته و آن پول را بین وابارا و پنج سناتور دیگر و عضوی از مجلس نمایندگان (مجلس پایینی در پارلمان) تقسیم کرده است.»^۴ رئیس‌جمهور اوباسانجو ادامه داد: «این کار تمام هنجارهای مربوط به حکمرانی خوب، رهبری پیشرو، وحدت و اعتبار را زیر پا می‌گذارد.» رسوایی رشوه‌گیری برای بودجه، چاله جدید بر سر راه فرآیند آماده‌سازی و تایید بودجه بود، اما حرکت رئیس‌جمهور برای پاسخگو ساختن افراد مجرم باعث به لرزه افتادن نظام و ثبات

1. Bribe for Budget

2. Fabian Osuji

3. Adolphus Wabara

4. Abuja, "Obasanjo Fires Education Minister for Bribing Senate Leader," IRIN, March 23, 2005.

یافتن آن در مابقی دوره حضور من در دولت شد.

در ۱۷ اوت ۲۰۱۱ در حین بازگشت به وزارت امور دارایی، همین طور که در حال تدوین بودجه سال ۲۰۱۲ بودیم، احساس می‌کردم که فرآیند آماده‌سازی و تایید بودجه طی پنج سال پس از رسوایی رشوه‌گیری برای بودجه بسیار نابسامان‌تر و عمدتاً از کنترل قوه مجریه خارج شده است. به نظر می‌رسید تعادل قدرت در طول دوره ریاست جمهوری اومارو یارادوا به نفع قوه مقننه تغییر کرده است و فرآیند بودجه‌ریزی چنان تغییر شکل داده که اصلاً قابل شناسایی نیست.

دو نشانه اصلی این تغییر را تقریباً به‌طور آنی تشخیص دادم. نشانه اول این بود که اعضای کمیته‌های امور مالی و تخصیص‌های بودجه مجلس ملی^۱ احساس می‌کردند که حق دارند (و صدا البته وظیفه دارند) در سراسر زنجیره ارزش بودجه وارد جزئیات مربوط به تدوین و آماده‌سازی بودجه شوند. نشانه دوم این بود که اعضای مجلس ملی از طریق مذاکرات، بودجه مجلس را بسیار افزایش داده بودند و درخصوص این موضوع هیچ بحث یا چالشی را نمی‌پذیرفتند. بودجه عملیاتی آنها به میزان ۱۵۰ میلیارد نایرا یا ۱۶ درصد بودجه و تقریباً ۳/۵ برابر بودجه سال ۲۰۰۶ (بر حسب نایرا) افزایش یافته بود. بودجه پروژه‌های حوزه انتخاباتی تقریباً ۵۰ درصد افزایش یافته و به ۱۰۰ میلیارد نایرا رسیده بود. حقوق و مزایای پایه اندکی کمتر از ۱۰ درصد از بودجه عملیاتی ۱۵۰ میلیارد نایری بود و این رقم کمتر از درصدی بود که در بودجه‌های چندین کشور توسعه یافته، در حال توسعه و بازارهای نوظهور دیده می‌شد (به پیوست B، جدول B4.5 مراجعه کنید). تفاوت در ۹۰ درصد مازاد (یا ۱۳۵ میلیارد نایرا) بود که ظاهراً برای هزینه‌های اداره مجلس ملی و هزینه‌های دیگری که پدیداری عمومی اندکی داشت در نظر گرفته شده بود. اگر این مبلغ بین قانون‌گذاران تقسیم می‌شد، به هر قانون‌گذار ۲۸۸ میلیون نایرا (۱/۴۶ میلیون دلار) تعلق می‌گرفت. بنابراین، از زاویه سرانه، قانون‌گذاران نیجریه بخشی از بهترین تامین‌شدگان در جهان بودند.

با این وجود، مجلس ملی از این افزایش رضایت نداشت. رئیس مجلس از طریق کمیته‌های مختلف، به دنبال افزودن به تعداد پروژه‌های فردی یا ایجاد پروژه‌های کاملاً جدید و ارزیابی نشده مهم بود و در نتیجه بودجه را بیشتر دچار اختلال می‌کرد. اگرچه بیشتر اعضای مجلس ملی مشکلی در رابطه با این رویکرد نمی‌دیدند، اما

1. National Assembly Finance and Appropriations Committees

تمام اعضای مجلس از این دستکاری‌های تاسف‌بار در بودجه حمایت نمی‌کردند. زمانی که این فعالیت‌ها به اطلاع عموم می‌رسید، بعضا به تنش‌هایی بین خود اعضای مجلس می‌انجامید. اما تلاش‌های انجام‌شده برای ایجاد اتحاد بین افرادی با ذهنیت مشابه بی‌نتیجه بود زیرا آنها مغلوب اکثریتی می‌شدند که فعالیت‌های‌شان را چیزی کمتر از اختیارات دفتر وزارت می‌دیدند. همین‌طور که من و گروهم برای مسدودسازی یا حداقل‌سازی این اقدامات مبارزه می‌کردیم، تمام این موارد یک جو بسیار تنش‌زا ایجاد کرد.

یکی از کانون‌های پرتنش مربوط به کاربرد قانون مالی مبتنی بر قیمت نفت بود؛ تعیین یک قیمت نفت معیار برای بودجه‌ریزی در چارچوب مخارج میان‌مدت. دفتر بودجه یک مدل اقتصادی آزموده‌شده داشت که ما از آن برای تعیین قیمت نفت معیار و دیگر پارامترهای اقتصادی استفاده می‌کردیم. اما به نظر می‌رسید طی این پنج سال که در دولت نبودم کمیته‌های تامین مالی مجلس نمایندگان و مجلس سنا روشی برای زیر سوال بردن قیمت معیار پیدا کرده بودند و بر این اساس که این قیمت بسیار پایین‌تر از قیمت کنونی بازار بود و بودجه باید بسط می‌یافت یا بهتر تامین مالی می‌شد، سعی داشتند معمولاً آن را روبه بالا تنظیم کنند.

عملاً این عادت بد به وجود آمده بود که همه منابع مازاد حاصل از افزایشی قیمت نفت نسبت به قیمت معیاری که مدل پیشنهاد می‌داد، بین تامین مالی برای بودجه قوهی مجریه و افزودن پروژه‌های ویژه مازاد برای اعضای مجلس ملی تقسیم می‌شد. هر دلاری که به قیمت نفت معیار افزوده می‌شد معمولاً منجر به تولید یک مازاد ۵۰ میلیارد نایرایی در منابع مازاد می‌شد، بنابراین، این مازاد یک انحراف بزرگ در وجوه به وجود می‌آورد.

من و گروهم با این روند ناخوشایند مبارزه کردیم، اما این نبردی تلخ و همراه با ناکامی بود. نمایندگان مجلس ملی که در مباحث مربوط به بودجه حضور داشتند تهدید می‌کردند که چارچوب مخارج میان‌مدت را تایید نخواهند کرد، مگر آنکه در خصوص این موضوع به یک سازش برسیم. این مبارزه در سال ۲۰۱۲ و در فرآیند آماده‌سازی بودجه سال ۲۰۱۳ به اوج خود رسید. مدل ما در زمانی که قیمت بازاری هر بشکه نفت تقریباً ۹۲ دلار بود، قیمت معیار بودجه برای هر بشکه را ۷۲ دلار تعیین کرد. جلساتی با فرمانداران و رهبران مجلس ملی آغاز شد، اما آنها اصرار بر افزایش قیمت معیار تا ۷۵

دلار برای هر بشکه داشتند و ظاهراً این اصرار به این دلیل بود که بتوانند مخارج خود را در بودجه‌های ایالتی و فدرال افزایش دهند. ما این قیمت را به منزله حد بالایی برای معیار پذیرفتیم و چارچوب مخارج میان‌مدت برای تایید بر این اساس به مجلس ملی ارسال شد.

متأسفانه، گروه من در اواسط اکتبر سال ۲۰۱۲ متوجه شد که مجلس نمایندگان معیار توافق‌شده را نپذیرفته و افزایش آن به ۸۰ دلار برای هر بشکه را تایید کرده است. بنابراین مقاله روزنامه ونگارد در ۱۰ اکتبر ۲۰۱۲:

دیروز مجلس نمایندگان قیمت معیار هر بشکه نفت خام برای بودجه پیشنهادی سال ۲۰۱۳ را ۸۰ دلار تعیین کرد، به نحوی که این مقدار پنج دلار بالاتر از مبلغ پیشنهادی ریاست جمهوری است. این بخشی از توصیه‌های مجلس پایین‌دست درخصوص چارچوب مخارج میان‌مدت و گزارش استراتژی مالی (FSP) بود که بازوی اجرایی دولت در ماه گذشته ارائه کرده بود. این پیشنهاد در گزارش کمیته‌های مشترک امور مالی مجلس^۱، بودجه و تحقیقات قانونی^۲، برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی ملی^۳ و کمک، وام و بدهی^۴ درج شده بود. عبدالمومن جبرین^۵ محترم (PDP-Kano) رئیس کمیته امور مالی مجلس که رهبری این بحث را به عهده داشت از بازوی اجرایی این‌طور انتقاد کرد که آنها تصویر تاریکی از اقتصاد را ترسیم می‌کنند و افزود که پیش‌بینی‌های مستقل از سوی متخصصان خلاف این تصویر را نشان می‌دهند.^۶

سخنگوی مجلس، امینو تامبووال^۷ که نسبت به استفاده از یک قیمت نفت معیار پایین‌تر به منزله ابزاری جهت توانمندسازی کشور در پس‌انداز پول بیشتر برای یک روز بارانی ابراز ناامیدی می‌کرد، حامی عبدالمومن جبرین بود. تامبووال اعلام کرد که «او نمی‌تواند متوجه شود که چرا منتخبان سیاسی و کارمندان دولت اصرار دارند که درآمد حاصل از نفت برای آینده پس‌انداز شود، درحالی‌که بعضی از بخش‌ها بودجه کمی دارند و منتظر یک راه نجات هستند» و «دفتر بودجه و وزارت امور دارایی محل

1. House's Joint Committees on Finance

2. Legislative Budget and Research

3. National Planning and Economic Development

4. Aid, Loans and Debt

5. Abdulmumin Jibrin

6. "2013 Budget: Reps Okay \$80 per Barrel Crude Oil Benchmark," *Vanguard*, October 10, 2012.

7. Aminu Tambuwal

مشکل اصلی وزارتخانه‌ها، دپارتمان‌ها و آژانس‌ها در انجام وظایف قانونی خود هستند. مجلس همیشه با دفتر بودجه اختلاف داشته است زیرا این دفتر در بودجه وزارتخانه‌ها، دپارتمان‌ها و آژانس‌ها دستکاری می‌کرد و در نتیجه باعث می‌شود که عملکردی پایین‌تر از حد انتظار داشته باشند.^۱ تامبووال این‌طور ادامه داد که «ما هنوز با بازوی اجرایی دولت بر سر موضوع قیمت معیار نفت کشمکش داریم. ... وقتی گرسنه‌اید چگونه می‌توانید پول پس‌انداز کنید؟»^۲

از دید وزارت امور دارایی، معیار ۷۵ دلار برای هر بشکه که سه دلار بالاتر از پیش‌بینی مدل دفتر بودجه بود، از لحاظ مالی متزلزل اما قابل مدیریت بود. اما افزودن پنج دلار دیگر به این مقدار برای هر بشکه، بی‌مسئولیتی در زمینه مالی محسوب می‌شد. ما بیانیه‌ها و توضیحات رسانه‌ای خودمان را منتشر کردیم تا مردم نیجریه متوجه شوند که چرا در نظر گرفتن ۸۰ دلار به عنوان قیمت معیار نفت فکری خوبی نیست. تلویزیون این موضوع را در ۱۵ اکتبر سال ۲۰۱۲ پوشش داد:

طبق بیانیه‌ای از سوی دستیار وزیر دارایی، افزایش قیمت معیار تا ۸۰ دلار منجر به افزایشی در نقدینگی خواهد شد و بنابر بسیاری از پیش‌بینی‌های اقتصاد کلان دولت، امری مضر خواهد بود. با توجه به برآوردهای ما تورم مطمئناً به‌طور چشمگیری بالا خواهد رفت. نرخ ارز شدیداً تحت فشار قرار خواهد گرفت و به کاهش ارزش نایرا خواهد انجامید. تورم بالا باعث بالاتر رفتن نرخ بهره خواهد شد. ترکیبی از تورم بالا، نرخ بهره زیاد و نرخ ارز بی‌ثبات تأثیر بدی بر برنامه‌ریزی اقتصادی دولت و کسب‌وکارهای خصوصی خواهد گذاشت. می‌دانیم که تلاطم اقتصاد کلان به‌طور کلی تأثیر بدی بر رشد دارد. مورد دوم اینکه پیشنهاد قوه مقننه بر دیدگاه بیش از حد خوشبینانه‌ای نسبت به قیمت جهانی نفت استوار است. قیمت فعلی نفت در جهان مطابق پایه‌های اقتصادی واقعی تعیین نشده است، بلکه بیشتر بر مبنای نااطمینانی‌های ناشی از کشمکش‌های خاورمیانه بالا رفته است. نیجریه نمی‌تواند برنامه خود را صرفاً مطابق بدبختی‌های مورد انتظار برای کشورهای دیگر تنظیم کند! مورد سوم این است که از نظر ما قیمت‌های فعلی نفت در جهان پایدار نیستند. دو دلیل برای این باور وجود دارد: الف) کاهش

۱. مرجع قبلی.

2. Teddy Oscar, "Okonjo-Iweala, Okogun Are Responsible for Budget Delay—Tambuwal," *247ureports.com*, December 17, 2013, <https://247ureports.com/2013/12/17/okonjo-iweala-okogun-are-responsible-for-budget-delay-tambuwal>.

احتمالی تقاضای جهانی نفت، به دلیل رکود اقتصادی در منطقه اروپا، رشد کم ایالات متحده و کاهش سرعت رشد اقتصاد در کشورهای چین و هند؛ (ب) افزایش عرضه جهانی نفت با اکتشافات جدیدی که در آفریقا و نقاط دیگر انجام شده است. اضافه‌براین، با پایان یافتن بحران لیبی، روزانه تقریباً ۱/۶ میلیون بشکه نفت به بازار جهانی باز خواهد گشت. مورد چهارم این است که پیشنهاد قوه مقننه مقدار پس‌اندازهای حساب مازاد نفت خام را بسیار کاهش خواهد داد. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، این پیشنهاد، ECA را از پس‌انداز مازاد چشمگیری محروم خواهد ساخت. این پس‌اندازها برای کاهش تأثیری که یک رکود اقتصادی جهانی یا افت در قیمت نفت بر اقتصاد نیجریه خواهد گذاشت الزامی است. اگر به یاد داشته باشید در سال ۲۰۰۸ قیمت نفت که تقریباً بشکه‌ای ۱۴۷ دلار بود، ظرف چند ماه به بشکه‌ای ۳۸ دلار کاهش یافت و در آن زمان نیجریه به جای اینکه برای نجات خود اقدام به تقاضای تحقیرآمیز برای کمک‌های مالی حاکمیتی از IMF یا نهادهای دیگر کند به ECA روی آورد. مورد پنجم این است که جامعه سرمایه‌گذاران بین‌المللی توسعه مالی نیجریه را از نزدیک دنبال می‌کند. افزایش قیمت معیار نفت می‌تواند یک علامت بد و پرخطر برای بازارهای بین‌المللی باشد و ممکن است منجر به این شود که سرمایه‌گذاران خارجی فاصله خود با بازارهای مالی نیجریه را بیشتر کنند. این کار همچنین باعث دشوار شدن تأمین مالی برای شرکت‌های نیجریه‌ای در خارج از کشور خواهد شد، با توجه به اینکه بسیاری از این شرکت‌ها در سال ۲۰۱۳ قصد این کار را دارند.^۱

انتقادات ما اثراتی بر دیدگاه قانون‌گذاران داشت، اما این اثر ابتدا کافی نبود. ما گیر افتاده بودیم زیرا تا زمانی که قانون‌گذاران چارچوب اقتصادی میان‌مدت که شامل قیمت معیار نفت نیز می‌شد را تأیید نمی‌کردند، نمی‌توانستیم بودجه را آماده کنیم. پس از مذاکراتی پرتنش، آنها با کاهش یک دلار موافقت کردند. باید تمام تلاشمان را می‌کردیم تا بودجه سال ۲۰۱۳ را با قیمت معیار نفت به میزان بشکه‌ای ۷۹ دلار آماده کنیم؛ ۱۰٪ بالاتر از قیمت ۷۲ دلار اصلی که مدل ما پیش‌بینی کرده بود و ۵٪ بالاتر از قیمت ۷۵ دلاری برای هر بشکه که قبلاً بر سر آن سازش کرده بودیم. چهار دلار مابه‌التفاوت برای هر بشکه نفت، یک هزینه مازاد بالغ بر ۲۰۰ میلیارد

1. "\$80 Benchmark Price Will Hurt Our Economy—Finance Minister," *Channels Television*, October 15, 2012, <https://www.channelsv.com/2012/10/15/80-benchmark-price-will-hurt-our-economy-finance-minister>.

نایرایی را رقم زد. قانون‌گذاران نیمی از این مقدار (۱۰۰ میلیارد نایرا) را برای افزایش بودجه برنامه‌ها و پروژه‌های انتخابی خود در بودجه تخصیص دادند. در برخی موارد، پروژه‌های کاملاً جدیدی که هنوز طرحی برایشان تهیه نشده بود نیز بودجه دریافت کردند. این کار اختلالاتی در بودجه سرمایه‌ای به وجود آورد؛ مانند پروژه‌های کوچک و بزرگی که بسیار پرهزینه و غیرضروری بودند. ۱۰۰ میلیارد نایرا هم برای کاهش کسر بودجه در نظر گرفته شد.

طی فرآیند تخصیص در مجلس ملی، اختلالات بیشتری در پروژه‌ها و برنامه‌ها به وجود آمد، به نحوی که بودجه برخی پروژه‌ها به طرز چشمگیری افزایش یافت و بودجه برخی دیگر از پروژه‌ها به مقداری کمتر از میزان ثبت‌شده در پیشنهاد قوه مجریه کاهش یافت. رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان آنچه که احساس می‌کرد بودجه‌ای منسجم است را به مجلس ملی ارائه کرده بود، بنابراین او نیز از اختلالات و ناکارایی‌های ایجادشده در بودجه به اندازه اعضای دفتر بودجه و گروه وزارت امور دارایی ناراحت بود. او در ابتدا بودجه سال ۲۰۱۳ که به تصویب مجلس ملی رسیده بود را امضا نکرد و سرانجام کار به بن‌بست رسید زیرا قانون‌گذاران تمایلی به اعمال تغییرات مورد نظر رئیس‌جمهور نداشتند. تصور یک سال بدون وجود بودجه و اثر منفی این موضوع بر اقتصاد و اعتبار کشور سبب شد تا من و مدیر کل دفتر بودجه رئیس‌جمهور را متقاعد به تایید بودجه کنیم. هدف ما این بود که با همکارانمان در بخش‌های مختلف، نهایت تلاش خود را برای تصحیح این اختلالات در مراحل اجرایی انجام دهیم.

تنش‌های فرآیند آماده‌سازی و تصویب بودجه سال ۲۰۱۳ به فرآیند بودجه‌ریزی سال ۲۰۱۴ نیز رسید. این بار، رئیس مجلس سنا و کمیته امور مالی مجلس سنا، کمیته تخصیص و دیگر کمیته‌های مرتبط سعی داشتند با قوه مجریه همکاری و بر سر پارامترهای کلیدی مانند قیمت معیار نفت توافق کنند، اما رئیس مجلس نمایندگان و کمیته‌های این مجلس با آنان مخالف بودند.

بودجه سال ۲۰۱۴ بر اشتغال‌زایی، توسعه زیرساخت‌ها، رشد فراگیر و دفاع (برای مبارزه با بوکو حرام) تمرکز داشت و نسبت به بودجه سال ۲۰۱۳ دارای محدودیت مالی بیشتری بود. کمیته مجلس و مجلس سنا که روی بودجه کار می‌کرد بر سر قیمت معیار ۷۶/۵۰ دلاری برای هر بشکه نفت توافق کرد؛ مقداری کمتر از ۷۹ دلار برای هر بشکه که در سال قبل روی آن توافق شده بود. اگرچه مجلس سنا بر معیار توافق‌شده پایبند

بود و این قیمت را در چارچوب اقتصادی میان مدت تصویب کرد، اما مجلس نمایندگان از آن سرپیچی و ۷۹ دلار را برای هر بشکه تایید کرد.

این کار به ایجاد تنش‌هایی بین مجلس سنا و مجلس نمایندگان و تنش‌هایی بین گروه امور مالی و بودجه و مجلس نمایندگان انجامید. همراه با مدیر کل دفتر بودجه شدیداً با رهبر مجلس نمایندگان، کمیته امور مالی و کمیته تخصیص مخالفت کردم و گفتم که رویکردشان برای فرآیند بودجه‌ریزی مضر است و به انسجام بودجه آسیب می‌رساند.

این مخالفت با استقبال خوبی مواجه نشد و منجر به شماری از حملات به دولت شد. بسیاری از این حملات که در رسانه‌ها به خوبی سازماندهی شده بود جنبه شخصی داشت و خود من را نشانه گرفته بود. سرانجام سازشی بر سر قیمت ۷۷/۵۰ دلار برای هر بشکه برقرار شد، اما این حملات همچنان ادامه یافت. این حملات در داستان پنجاه سوال^۱ به اوج خود رسید.

داستان پنجاه سوال

پس از اعلام بودجه سال ۲۰۱۴ در ۱۹ دسامبر ۲۰۱۳، من و کارمندانم تماس‌هایی از سوی چند تن از همکاران مان دریافت کردیم که به ما اطلاع دادند پنجاه سوال در خصوص اقتصاد نیجریه روی اینترنت قرار گرفته است و از من انتظار می‌رود که پاسخ‌شان را بدهم. احتمالاً عبدالمومن جیرین، رئیس کمیته امور مالی مجلس و رهبر حملات خصومت‌آمیز به من، مسئول انتشار این سوالات بود. اما او در این باره نه به من اطلاع داده و نه با من تماس گرفته بود و روی اینترنت گذاشتن چنین درخواستی از یک وزیر بی سابقه بود.

واضح بود که این سوالات برای آزار دادن و شرم‌نامه ساختن من و گروهم و لطمه زدن به اعتبارم طراحی شده بود. با این وجود، پس از چاپ این مجموعه حجیم از سوالات، کارمندانم با کمیته امور مالی تماس گرفتند تا بفهمند که این درخواست صحت دارد یا خیر؟ تایید شد که باید پاسخ‌ها را در اسرع وقت ثبت کنم، در نتیجه گروه کوچکی برای همکاری در پاسخ به این سوالات که شامل مسائل مربوط به بودجه، رشد اقتصادی، بدهی و مسائل بخشی مرتبط با سیاست صنعتی و انرژی می‌شد، تشکیل دادم. لحن اکثر سوالات آشکاراً سوءنیت طراحشان را نشان می‌داد. دو نمونه، یعنی سوالات ۴ و ۱۴، برای نشان دادن این سوءنیت کافی است:

سوال (۴): می‌دانیم که شما برای یک رشد تک‌رقمی در تولید ناخالص داخلی جشن می‌گیرید. اما به نقل از سخنان خودتان بر سر یک میز صبحانه با حضور برخی اعضای بخش خصوصی در ایالت لاگوس، که گروه عالی اقتصادی نیجریه^۱ (NESG) آن را ترتیب داده بود، گفته شد که: «ما در حال رشد هستیم، اما به اندازه کافی اشتغال‌زایی نمی‌کنیم. این چالش بسیار بزرگی است؛ ما باید سریع‌تر رشد کنیم. فکر می‌کنم ما باید دست‌کم ۹ تا ۱۰ درصد رشد کنیم تا بتوانیم رشد اشتغال را به شکلی که می‌خواهیم سرعت ببخشیم.» آیا موافق نیستید که یک وزیر دارایی خوب که اقتصادی مانند اقتصاد ما را مدیریت می‌کند باید برای رشد سالانه ۲۰٪ تولید ناخالص داخلی جشن بگیرد؟ چرا اقتصاد ما نمی‌تواند یک رشد دو رقمی داشته باشد؟ با توجه به این رشد چه تعداد شغل در حال ایجاد شدن است؟ در کدام بخش‌های اقتصاد؟ اگر در بخش خصوصی است، پس دولت در زمینه کمک‌رسانی بیشتر به این بنگاه‌های بخش خصوصی چه اقداماتی انجام می‌دهد؟

سوال (۱۴): اشاره‌های شما به بسته رشد اقتصادی کشور همیشه براساس رتبه‌بندی‌های موسسات فیچ^۲، استاندارد اند پورز^۳ و مودیز^۴ بوده است. آیا می‌دانید که در نیویورک دو صندوق از صندوق‌های پوششی بیر استرنز^۵ از همین آژانس‌های رتبه‌بندی به دلیل رتبه‌بندی بالا و شیادانه اوراق قرضه پیش از بحران مالی سال ۲۰۰۸ شکایت کرده‌اند (با پرونده شماره ۶۵۲۴۱۰/۲۰۱۳)؟ اگر می‌دانید، پس چرا اصرار بر مطمئن‌بودن رتبه‌بندی این موسسات دارید؟

من و گروه‌م در تعطیلات کریسمس و سال جدید کار کردیم تا به این پنجاه سوال پاسخ دهیم. دقیقاً بعد از جشن سال نو، ما یک پاسخ ۱۰۲ صفحه‌ای برای مدیریت کمیته امور مالی مجلس نمایندگان ارسال کردیم و آن را روی اینترنت گذاشتیم. این پاسخ مورد استقبال عمومی قرار گرفت و به سرعت به منبعی از دانش و مرجعی برای مسائل اقتصادی بدل شد. گروه من بابت این تلاش جدی تحسین شد و به جای اینکه وزیر دارایی و گروه او «رسوا شوند»، این اتفاق به ضرر کمیته امور مالی تمام شد زیرا این

1. Nigerian Economic Summit Group
2. Fitch
3. Standard and Poor's
4. Moody's
5. Bear Stearns

پرسش و پاسخ، گروهی جدی و متعهد از افراد را نشان داد که تمایل به پاسخگویی و اهمیت ندادن به ارباب و آزار از سوی دیگران داشتند.

کمیته امور مالی مجلس نمایندگان درس‌هایی از فرآیندهای زننده تعیین بودجه سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و عواقب آن گرفت. آماده‌سازی بودجه سال ۲۰۱۵، اگرچه پرتنش بود، اما زندگی آن نسبت به سال‌های قبل بسیار کمتر بود. مدیر کمیته امور مالی، عبدالمومن جییرین، رفتارش را تغییر داد و به فردی بسیار حامی‌تر تبدیل شد.

همچنین تا آن زمان، از اواسط تا اواخر سال ۲۰۱۴، قیمت نفت شروع به کاهش کرده و در بازارهای کالاهای جهانی به‌شدت نوسانی شده بود. تمام هشدارهایی که قبلاً درباره نوسان قیمت نفت و نیاز به ساخت ضربه‌گیرهایی برای اقتصاد داده بودم، به تدریج در حال تحقق بود و این موضوع برای قانون‌گذاران تاحدی هوشیارکننده بود. قیمت نفت با شتاب در حال نزول بود و از ژوئن سال ۲۰۱۴ تا دسامبر همان سال از قیمتی حدود ۱۱۴ دلار برای هر بشکه به ۵۸ دلار کاهش یافت. در سپتامبر و اکتبر سال ۲۰۱۴، زمانی که در حال آماده‌سازی چارچوب مخارج میان‌مدت بودیم، همین‌طور که قیمت نفت پایین‌تر می‌آمد، باید قیمت معیار را مکرراً تصحیح می‌کردیم و آن را از ۷۸ دلار به ۷۳ دلار و سپس به ۶۵ دلار برای هر بشکه کاهش می‌دادیم. ما نهایتاً بودجه را با استفاده از یک قیمت معیار ۶۵ دلاری برای هر بشکه آماده کردیم، اما سناریوهای دیگری را نیز تهیه کردیم که اگر قیمت نفت پایین‌تر از قیمت معیار نفت بیاید مخارج را کاهش و اقداماتی درخصوص درآمدها انجام دهیم.

وقتی بودجه را در ۱۶ دسامبر ۲۰۱۴ ارائه کردیم، قیمت نفت پایین‌تر آمده و به ۵۸ دلار برای هر بشکه رسیده بود. ما آماده بودیم و می‌دانستیم که برای عملکرد درست بودجه باید اقدامات دیگری را در رابطه با مخارج و درآمد در سال ۲۰۱۵ آغاز کنیم. با توجه به اینکه وارد سال انتخابات شده بودیم، این کاری دشوار بود. البته، قانون‌گذاران در ابتدا به‌رغم درآمدهای کاهشی، از پذیرفتن هرگونه کاهش در بودجه ۱۵۰ میلیارد نایرایی خود امتناع ورزیدند. اما سرانجام با مشاهده اینکه وزرا به‌طور داوطلبانه کاهش ۵۰٪ در حقوق پایه خود را قبول می‌کردند، آنان نیز با کاهشی ۱۳٪ موافقت کردند.

در یک نشست دشوار با کمیته مجلس ملی (متشکل از مدیران کمیته امور مالی و کمیته تخصیص هر دو جناح و دیگر روسای مجلس ملی) در مورد بودجه، ۲۰ میلیارد دیگر در حکم مخارج انتخاباتی اعضای مجلس ملی در نظر گرفته شد. ما اصرار بر

کاهش این مبلغ داشتیم زیرا باعث خنثایی ۱۳٪ کاهش بودجه قانونی آنها می‌شد، اما تنها توانستیم این ۲۰ میلیارد نایرا را به سه تا هفت میلیارد نایرا کاهش دهیم. این بهایی بود که برای تصویب بودجه ۲۰۱۵ باید پرداخت می‌کردیم.

تبانی به نفع خود (ساخت و پاخت) به فرآیندی متناقض برای نیجریه می‌انجامد

مبارزاتی که در دوره ریاست جمهوری اولسگون اوباسانجو و گودلاک جاناتان بر سر بودجه انجام شد را می‌توان به منزله علائمی از وجود یک مشکل اساسی ساختاری و فرآیندی در نیجریه قلمداد کرد. اگر بخواهیم بی‌پرده بگوییم، فرآیند بودجه‌ریزی نیجریه به این دلیل «مشکل‌دار» است که بین نقش‌های اجرایی و قانونی شفافیت وجود ندارد و این موضوع فضایی برای سوءاستفاده قانون‌گذاران و برخی اعضای بخش اجرایی ایجاد می‌کند. دستکاری در قیمت معیار نفت برای ایجاد منابع مازادی که از طریق پروژه‌ها به قانون‌گذاران منتقل می‌شود و تبانی با مقامات دولتی برای انجام همین کار از طریق بودجه‌های بخشی خود دو نمونه از این سوءاستفاده‌ها است.

هر فردی که جرات اعتراض به این نظام را داشته باشد یا بخواهد بر سر راه آن قرار گیرد، در حکم یک مشکل قلمداد و با او مثل یک مشکل رفتار می‌شود. توانایی قانون‌گذاران (غالباً روسای مجلس ملی) برای مداخله در پارامترهای کلیدی، معرفی پروژه‌های آماده‌نشده، تغییر هزینه‌های پروژه در بودجه سرمایه‌گذاری و عموماً مصادره پول‌ها به نفع خود و در عین حال گروگان گرفتن بودجه تا زمان پذیرفته شدن درخواست‌های خودشان، همگی به فرآیندی اشاره دارد که نیازمند یک بازسازی موثر است.

این مشکلات طی ریاست جمهوری محمدو بوهاری ادامه داشت، همان‌طور که رسوایی بودجه سال ۲۰۱۶ که در آن اعضای مجلس نمایندگان یکدیگر را متهم به فساد در فرآیند بودجه‌ریزی کردند، این موضوع را نشان می‌دهد. عبدالمومن جیبرین، رئیس سابق کمیته امور مالی و مدیر کمیته تخصیص مجلس نمایندگان در آن زمان، چهار نفر از اعضای عالی‌رتبه قوه مقننه (سخنگوی مجلس، یاکوبو دوگاری^۱، معاون سخنگو، یوسف لاسون^۲، ناظم مجلس الحسن دوگووای^۳ و رهبر اقلیت لئو اوگور^۴) را متهم به

1. Yakubu Dogara
2. Yusuf Lasun, Whip
3. Alhassan Doguwa
4. Leo Ogor

تلاشی برای منتقل کردن منابع بودجه‌ای سال ۲۰۱۶ به حساب خود کرد. بنا به گفته جیرین، «این اعضای هیات کارگزاران اصلی از گرایش مستقل من و مخالفتم با پنهان ساختن تصمیم یک طرفه آنها در زمینه اختلاس ۴۰ میلیارد نایرا از ۱۰۰ میلیارد نایرای تخصیص یافته برای کل مجلس ملی ناراضی بودند. این چهار نفر با من ملاقات کردند و این تصمیم را گرفتند. اضافه‌براین، آنها میلیاردها نایرا را برای پروژه‌های بی‌فایده در حوزه‌های خود تخصیص داده‌اند. این افراد باید اعتراف کنند. ناتوانی من در لحاظ کردن درخواست تقریباً ۳۰ میلیارد نایرای آقای سخنگو و سه کارمند اصلی دیگر در بودجه نیز به یک مساله بدل شد.»^۱

آقای سخنگو و سه عضو دیگر از روسای مجلس نمایندگان این اتهامات را انکار کردند و به جیرین اتهام زدند که از طریق بیست و دو پروژه خود بیش از چهار میلیارد نایرا اختلاس کرده است و او نیز این اتهام را انکار کرد. جیرین متعاقباً مقام ریاست کمیته تخصیص را ترک کرد یا از این مقام عزل شد. مهم نیست که این موضوع صحت داشت یا خیر و اینکه حرف کدام یک از آنها درست بود، بلکه موضوع قابل توجه (و صدا البته شوکه‌کننده) این بود که وقتی جیرین تصمیم به صحبت کردن گرفت، تمام معاملات کثیف بودجه برای همه آشکار شد.

صرفاً وجود خود اتهامات به سوءنیتی که ما با آن مبارزه می‌کردیم و بهایی برای آن پرداختیم اشاره داشت. عناصر یک فرآیند قدرتمند در تعیین بودجه (گزارش استراتژی مالی، چارچوب مخارج میان مدت و استراتژی‌های بخشی میان مدت)^۲ که ما یک دهه پیش برقرار ساختیم، در حال واژگون شدن و زیر فشار بود.

افراد کمی هستند که به دلیل ترس از مجازات، جرات صحبت کردن در مورد این مشکل را داشته باشند و به همین دلیل مشکلات غالباً پنهان نگه داشته می‌شوند. فرآیند تعیین بودجه نیجریه همچنان در معرض دستکاری و سوءاستفاده قرار خواهد گرفت مگر اینکه شفافیت بیشتری در زمینه کارکرد واقعی بودجه، توافق نظر بین نقش قوای مجریه و مقننه و یک بررسی فرآیندی جهت روشن‌سازی اینکه چه چیزی منفعت اقتصادی و اجتماعی برای کشور دارد، وجود داشته باشد. این اقدامات باید با تعریف دوباره عملکرد

1. "Dogara Tried to Pad ₦30 Bil into the Budget—Sacked House Appropriation Chair," *Premium Times*, July 21, 2016.

2. Medium-Term Sector Strategies

درست و اصلاحاتی که این نحوه عملکرد را در قانون نهادینه کند، همراه شود. به منظور پایدار شدن عملکرد خوب بودجه‌ای، نیاز به نهادینه شدن آن در قانون اساسی است و همچنین لزوم ایجاد سازوکاری مستقل برای تعیین قیمت معیار نفت و گاز مادامی که این کالاها برای درآمدهای نیجریه حیاتی هستند را شامل شود.

فصل ۵

معاملات مبهم و کلاهبرداری‌های بین‌المللی

عصر یکی از روزهای گرم جولای ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان با من تماس گرفت و خواست تا برای شرکت در جلسه‌ای با یکی از مشاوران ارشد ریاست‌جمهوری، یعنی رئیس ستاد نیروی دریایی و دو نماینده یک شرکت کشتی‌سازی خاورمیانه‌ای بلافاصله به ایشان ملحق شوم. وقتی حدود پانزده دقیقه بعد رسیدم جلسه آغاز شده بود و به همین دلیل رئیس‌جمهور از رئیس ستاد نیروی دریایی خواست تا ماهیت اصلی پیشنهادهای روی میز را به طور خلاصه برای من بیان کند.

به این مساله عادت کرده بودم که برای شرکت در مباحث مهم به صورت ناگهانی به دفتر رئیس‌جمهور احضار شوم. رئیس‌جمهور به‌خوبی می‌دانست که چه زمانی باید از من یاری و نیروی کمکی اضافی بخواهد. من نیز در چنین مواقعی به دقت به سخنان حاضران در جلسه گوش می‌دادم تا هم مبحث اصلی و هم جو حاکم بر جلسه را به‌خوبی و به‌سرعت درک کنم زیرا معمولاً صحبت مبالغه‌سیار بزرگ در میان بود یا مشکلات پیچیده‌ای روی میز مذاکره بود. مطابق اظهارات رئیس ستاد نیروی دریایی، این نیرو به دلیل قدیمی و ناکارآمد بودن کشتی‌ها، قایق‌های تخصصی و سایر تجهیزاتشان با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده بود که انجام وظایفی مانند گشت‌زنی در آب‌های ساحلی و محافظت از آنها را برای این نیرو بسیار دشوار می‌کرد. همچنین تعمیرگاه‌های کشتی‌نیروی دریایی نیز به تجهیزات مورد نیاز برای انجام تعمیرات و نگهداری دارایی‌های نیروی دریایی مجهز نبود.

پیشنهاد تجاری گروه بازرگانی ابوظبی شامل موارد زیر بود: در دست گرفتن کنترل تعمیرگاه‌های کشتی، تجهیز مجدد و بازسازی آنها و استفاده از آنها به منزله پایگاهی برای تعمیر و نگهداری کشتی‌های نیروی دریایی و ساخت کشتی‌های جدید. مشخصاً با انجام این تغییرات امکان تعمیر، بازسازی مجدد و نوسازی یکی از اصلی‌ترین دارایی‌های نیروی دریایی یعنی کشتی‌ان‌ان‌اس آرادو که به‌شدت به تعمیرات نیاز داشت در این تعمیرگاه‌ها فراهم می‌شد و دیگر نیازی نبود تا این کشتی برای انجام تعمیرات به خارج از کشور ارسال شود.

مطابق نظر رئیس ستاد نیروی دریایی برای تکمیل این قرارداد فقط کافی بود که نیروی دریایی تامین تعداد کافی کشتی‌نیازمند تعمیرات را در مدت زمان مورد توافق با شرکت تضمین یا تعهد کند که تعدادی کافی از قایق‌های جدید خواهد خرید تا در این تعمیرگاه‌های کشتی‌سازی ساخته شوند تا این شرکت نیز بتواند اصل مبلغ

سرمایه‌گذاری شده اولیه خود را به همراه سود معقولی به دست بیاورد. زمانی که در مورد مبلغ مورد نیاز و روش انجام این سرمایه‌گذاری، روش تامین منابع، جریان‌های درآمدی مورد نیاز برای پشتیبانی بازپرداخت هزینه و مدت زمان تداوم قرارداد سوال پرسیدم، آثار سردرگمی و ناراحتی در چهره این دو مرد جوان نمایان شد که نمایندگان شرکت خاورمیانه‌ای بودند. علی‌الظاهر تصور می‌کردند که به دفتر ریاست جمهوری آمده‌اند تا معامله خود را نهایی کنند و انتظار نداشتند به سوالات فردی پاسخ بدهند که تا آن روز هرگز ملاقاتش نکرده بودند. رئیس ستاد نیروی دریایی مدعی بود که این قرارداد هیچ هزینه‌ای برای دولت نخواهد داشت. این شرکت کشتی‌سازی آماده بود تا مبلغ قابل توجهی معادل ۲ میلیارد دلار در این قرارداد سرمایه‌گذاری کند. آن لحظه کاملاً متوجه شدم که باید حقه‌ای در کار باشد و احتمالاً به همین دلیل است که رئیس جمهور من را به جلسه فراخوانده است. همین مساله تضمین تامین تعداد کافی قایق و کشتی برای تعمیرات و خرید مقدار کافی ملزومات برای تضمین بازدهی سرمایه‌گذاری این شرکت نیز من را نگران کرده بود. حالا صحبت این مبلغ ۲ میلیارد دلاری نیز به میان آمده بود. رئیس ستاد نیروی دریایی به نمایندگان این شرکت تجاری نگاهی انداخت و از آنان خواست تا توضیحات و پاسخ‌های بیشتری برای سوالات من ارائه کنند.

آنان در ادامه اذعان کردند که شرکت‌شان یعنی کنسرسیوم کشتی‌سازی بزرگ و مشهوری به نام پریوینوست^۱، برای نوسازی تعمیرگاه‌های کشتی و ایجاد تجهیزات مدرن کشتی‌سازی آماده است. آنها برای انجام این کار به دنبال بانک‌هایی خواهند بود که می‌توانند وام‌های ۲ میلیارد دلاری پرداخت کنند و این وام به نام شرکت‌شان و به منظور انجام این سرمایه‌گذاری اخذ خواهد شد، اما دولت نیجریه باید ضمانت این وام را بپذیرد.

بنابراین، تمام جزئیات این قرارداد روی میز قرار گرفت. دولت باید وام و جریان درآمد کافی برای بازپرداخت آن و تامین سود اضافی سرمایه‌گذاران را تضمین می‌کرد. در چنین شرایطی چه کسی حاضر به سرمایه‌گذاری در نیجریه خواهد بود؟ چطور می‌توان چنین پیشنهاد تجاری را جدی گرفت که تمام ریسک سرمایه‌گذاری را به دولت محول می‌کند؟ از این سرمایه‌گذاران پرسیدم که برای انجام این پروژه چه طرح تجاری

1. Prinvest

خاصی را آماده کرده‌اند و آنان پاسخ دادند که برنامه خاصی ندارند یا دست‌کم آنجا چیزی برای ارائه نداشتند. من ناراحتی‌ام از این قرارداد را به رئیس‌جمهور ابراز کردم و اشاره داشتم که ضمانت این وام دقیقاً همانند این است که خود دولت وام بگیرد و به همین دلیل به تایید مجلس شورای ملی نیاز دارد.

ما باید این وام را در داخل فرآیند تحلیل تحمل‌پذیری بدهی خود وارد کنیم تا توانایی کشور برای جذب و بازپرداخت این وام را ارزیابی کنیم، به‌ویژه اگر قرار باشد این وام با شرایط تجاری اخذ شود. رئیس‌جمهور بلافاصله گفت که با توجه به مسائل مورد اشاره من، تحلیل این پیشنهاد تجاری به زمان بیشتری نیاز دارد و به همین دلیل سرمایه‌گذاران و نیروی دریایی باید برای برطرف کردن تمام مشکلات و مسائل موجود با من و وزارت دارایی همکاری کنند. در صورتی که پیشرفتی در این زمینه حاصل شود و انجام این سرمایه‌گذاری به نظر عملی باشد به او اطلاع خواهیم داد.

به‌راحتی می‌توانستم ناراضایتی را در چهره این نمایندگان بینم زیرا احتمالاً انتظار چنین جلسه‌ای را نداشتند. مشاور رئیس‌جمهور چهره «حق به جانبی» به خود گرفت و گویی با خود می‌گفت اگر پای این زن به این معامله باز شود این معامله هرگز نهایی نخواهد شد. چهره رئیس ستاد نیروی دریایی اندکی متعجب به نظر می‌رسید، اما همکاری خود را با ما حفظ کرد و به رئیس‌جمهور اطمینان خاطر داد که به همکاری خود با من و گروه من ادامه خواهد داد. نمایندگان شرکت پریونیوست گفتند که باید کشور را ترک کنند، اما می‌توانند طی چند هفته آتی برای ادامه این مباحث به آبوja بازگردند.

هنگامی که به دفتر کارم بازگشتم با اعضای تیمم در مورد این مساله مشورت کردم تا نظرات‌شان را در این مورد بشنوم. همگی با ارزیابی من کاملاً موافق بودند و آن را تایید می‌کردند: ما باید ضمانت این وام را همانند دریافت خود وام به حساب بیاوریم و به همین دلیل باید ضرورت اخذ این وام ارزیابی کنیم تا مشخص شود آیا به حد کافی اولویت بالایی دارد که وام گرفتن دولت در شرایط تجاری را توجیه کند. اضافه‌براین، قطعاً برای گرفتن این وام به تایید مجلس شورای ملی نیاز داریم.

از زمان موافقت‌نامه بخشش بدهی باشگاه پاریس در سال ۲۰۰۵ که تحت رهبری رئیس‌جمهور اولسگون اوباسانجو مدیریت این برنامه به من اعطا شده بود و کشور ما نیجریه را از بار یک بدهی عظیم ۳۰ میلیارد دلاری نجات داد، بدهی خارجی کشور

با دقت زیادی مدیریت می‌شد. من که در آگوست سال ۲۰۱۱ به دفتر وزارت دارایی بازگشتم به همکاری خودم با دفتر مدیریت بدهی خارجی ادامه دادم تا رویکرد محتاطانه کشور نسبت به بدهی خارجی را حفظ کنیم.

ما عمدتاً روی وام‌های امتیازی تمرکز داشتیم که موسسات چندجانبه و چین می‌دادند. یک وام تجاری ۲ میلیارد دلاری، مجموع بدهی خارجی کشور ما که تا دسامبر سال ۲۰۱۳ معادل ۸/۸۲ میلیارد دلار بود را ۲۳ درصد افزایش می‌داد. برای من به وضوح مشخص بود که این طرح سرمایه‌گذاری پیشنهادی به هیچ‌وجه عملی نیست و باید یافته‌های خود را در جلسه بعدی ابراز کنیم. ما نمی‌توانستیم کشور را در چنین بدهی بزرگی گرفتار کنیم!

چند روز بعد رئیس ستاد نیروی دریایی به دفترم آمد و من پیامدهای مالی این وام سنگین را برای او توضیح دادم و اذعان کردم که نمی‌توانیم چنین تعهدات مالی سنگینی را بر کشور تحمیل کنیم. او مضطرب بود و گفت نیروی دریایی به‌زودی ممکن است قادر به انجام وظایف خود نباشد زیرا وضعیت دارایی‌های آن به‌شدت نابسامان است. آنها بدون تجهیزات مناسب چطور می‌توانند مانع دزدان نفتی شوند، برای جلوگیری از دزدی دریایی در دریاها گشت‌زنی و نقش مهمی در جنگ علیه تروریسم ایفا کنند؟ وی مدعی بود از آنجا که نیروی دریایی ماه‌هاست در حال گفت‌وگو با شرکت پریونوست است و حتی تفاهم‌نامه‌ای نیز با این شرکت امضا کرده باید برای همکاری با این شرکت راهی پیدا شود.

اضطراب رئیس ستاد نیروی دریایی و استدلال‌های پرفشارش، من را به یاد رویدادی با ارتش انداخت که در زمینه مبارزه با گروهک تروریستی بوکو حرام پیش آمده بود که در شمال شرق کشور تاخت‌وتاز می‌کرد. آن زمان چنین تلقی شد که وزارت دارایی به اندازه کافی از ارتش حمایت نمی‌کند. اگر نیروی دریایی نیز قصد دنبال کردن همان مسیر را داشته باشد وضعیتی بسیار دشوار و حتی خطرناک پیش خواهد آمد.

فعالیت‌های مخرب گروهک تروریستی بوکو حرام از اوایل سال ۲۰۱۴ شدت گرفت و مردم نیجریه نیز از واکنش به ظاهر آهسته ارتش برای کنترل اوضاع ناراضی بودند. زمانی که ارتش را تحت فشار قرار دادیم تا اقدامات خود را توضیح دهد نیروهای مسلح مدعی شدند که منابع کافی در اختیار ندارند و وزارت دارایی را مقصر اصلی این مساله دانستند. کارکنان من ابتدا حاضر نبودند در شرایطی که

جامعه برای محافظت از جان و مال شهروندان از تروریسم به نیروهای امنیتی نیاز داشت، وزارت دارایی به عدم حمایت از این نیروها متهم شود. آن زمان من مسئول رسیدگی به وضعیت مخارج امنیتی بودم.

روزنامه ونگارد^۱ در تاریخ ۲۴ ماه مه ۲۰۱۴ در مقاله‌ای از خبرنگاری به نام اما اوجا^۲ ماهیت اصلی توضیحات من را منتشر کرد؛ این خبرنگار در این مقاله به این جمله اشاره دارد که «به اعتقاد ارتش در شرایطی که جامعه با ناامنی ناشی از گروهک تروریستی بوکو حرام مواجه شده، منابع مالی کافی در اختیار آنها قرار نگرفته است» و سپس پاسخ من را به این شکل نقل قول می‌کند که «مسائل امنیتی به‌ویژه در زمانی که کشور با گروهک‌های تروریستی در حال مبارزه است برای دولت جاناتان در درجه اول اولویت قرار دارند.»

بنابراین، نزدیک به یک چهارم از کل بودجه سال ۲۰۱۴ به بخش امنیتی تخصیص یافت که نیروهای ارتش، پلیس و سایر سازمان‌های امنیتی کشور را شامل می‌شود.» اضافه‌براین، اوجا در همین مقاله به نقل از من گفته که ما ارتباطات نزدیکی با بخش دفاعی داریم. من به‌تازگی با رئیس وزارت دفاع و سایر کارکنان دیگر صحبت کرده‌ام. ما باید از مردان و زنان خود که لباس نظامی به تن دارند به‌شدت حمایت کنیم زیرا برای محافظت از ما جان خود را به خطر می‌اندازند و وظیفه بسیار دشواری یعنی جنگ علیه تروریسم را بر عهده دارند که پیش از این در کشور وجود نداشته است و می‌خواهیم در این راستا از آنها با تمام توان حمایت کنیم. تصور می‌کنم که مخارج دفاعی باید در سریع‌ترین زمان ممکن تامین مالی شود. امسال ما مبالغی که آنها نیاز دارند را به‌طور کامل پرداخت کرده‌ایم. ما در حدود ۱۳۰/۷ میلیارد نایرا را به این نیروها اعطا کرده‌ایم که ۸۵/۹ میلیارد نایرای آن صرفاً برای هزینه کارکنان در نظر گرفته شده است. تمام حقوق و مزایای آنان سرمورد پرداخت خواهد شد. الزامات دیگری برای دریافت مبالغ اضافی نیز وجود دارد که در بعضی مواقع این الزامات را صندوق احتیاطی رئیس‌جمهور تامین مالی می‌کند.

مشاجره با ارتش برای من و کارکنانم بسیار دشوار بود و نمی‌خواستیم که نیروی دریایی نیز این ادعا را احیا کند که وزارت دارایی از ارتش حمایت نمی‌کند. به همین

1. Vanguard
2. Emma Ujah

دلیل به رئیس ستاد نیروی دریایی گفتم که با رئیس جمهور در این مورد صحبت خواهیم کرد و برای رسیدگی به این وضعیت با همکاری کارکنانم پیشنهاد قابل قبولی آماده خواهیم کرد. رئیس جمهور که فرمانده کل نیروهای مسلح نیز به حساب می‌آید به من تاکید کرد که رئیس ستاد نیروی دریایی به نکته درستی اشاره می‌کند، اما باید راه‌حلی برای مشکل نیروی دریایی بیایم که شامل گرفتار کردن کشور با بدهی به روش شرکت پریونوست نباشد.

من گروه مشارکت دولتی و خصوصی وزارت دارایی به ریاست دکتر جورج انوانگو^۱ را نزد خود فراخواندم تا با همفکری هم طرح سرمایه‌گذاری مشترکی را در چارچوب نهاد واسط^۲ برای پیشنهاد به شرکت پریونوست آماده کنیم. در این مشارکت انتفاعی شرکت پریونوست مسئولیت نوسازی تعمیرگاه‌های کشتی، تعمیرات و نوسازی کشتی‌های نیروی دریایی و سایر کشتی‌های دیگر و ساخت قایق‌های جدید را بر عهده خواهد داشت. سرمایه دولت فدرال در این سرمایه‌گذاری مشترک نیز همان تعمیرگاه‌های کشتی خواهند بود. شرکت پریونوست نیز دست‌کم باید مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار از سرمایه‌اش را در این مشارکت سرمایه‌گذاری کند و وام‌های ضروری را نیز نهاد با اهداف خاص به نام خود خواهد گرفت. دولت فدرال نیز تضمین خواهد کرد تمام سازمان‌های دریایی برای نیازهای خدماتی خود از این مشارکت جدید استفاده کنند. این شرکت جدید برای بازاریابی خدماتش در میان تمام گروه‌های ذی‌نفع و شرکت‌های دریایی از جمله سازمان‌های دریایی کشورهای همسایه تلاش خواهد کرد.

ما نمایندگان شرکت پریونوست را برای بحث در این رابطه دعوت کردیم و نمایندگان این شرکت تقریباً با عمده موارد این قرارداد موافق بودند، اما همچنان اصرار داشتند که وزیر دارایی موافقت‌نامه‌ای را امضا کند که در آن دولت فدرال دریافت وامی به مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار از جانب نهادی با اهداف خاص را تضمین کند. باز هم حاضر به انجام این کار نشدم، اگرچه می‌دانستم که این اقدام من برخی افراد را ناراحت خواهد کرد. پس، ما دولت خود را بدون عقد هیچ‌گونه قراردادی به پایان بردیم که به اعتقاد من این قرارداد باید به همین شکل نیز خاتمه می‌یافت. ما با تمام توان تلاش کردیم و تمایل خود برای یافتن یک راه‌حل قابل قبول را به نیروی دریایی نشان دادیم. در همان زمان،

1. George Nwangwu

2. special purpose vehicle (SPV)

ما از آنچه به نظر من یک پیشنهاد مالی بسیار پرریسک برای دولت بود، پرهیز کردیم. واقعیت کامل ماجرا تنها زمانی برای من مشخص شد که دولت را ترک کردم، تنها در آن زمان به خوبی برای من مشخص شد که ما با رد پیشنهاد شرکت پریونوست دولت را از چه چیزی نجات داده بودیم زیرا از مشکلاتی که اوراق قرضه ۸۵۰ میلیون دلاری شرکت ماهیگیری جدید دولتی به نام اماتوم^۱ برای دولت موزامبیک ایجاد کرده بود اطلاع پیدا کردم؛ دولت موزامبیک با امضای قراردادی با همان شرکت پریونوست این اوراق قرضه را در ازای خرید تعداد کافی کشتی، کرجی ماهیگیری و سایر اقلام دیگر تضمین کرده بود. این مساله زمانی مشخص شد که شرکت اماتوم دیگر قادر به پرداخت اقساط و سود وام‌های خود نبود و دولت موزامبیک نیز به دلیل کاهش چشم‌گیر قیمت نفت از اوایل سال ۲۰۱۴ و تداوم نزول آن در سال ۲۰۱۵ با همین مشکل روبه‌رو شده بود. این ادعا مطرح شده بود که این وام که بدهی خارجی کشور موزامبیک را به شدت افزایش می‌داد در مجلس این کشور تصویب نشده بود. زمانی که این مساله توجه سازمان‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول را به خود جلب کرد، مشکلات بیشتری برای دولت موزامبیک ایجاد شد. برای من کاملاً واضح است که اگر نیجریه نیز قرارداد پیشنهادی پریونوست را می‌پذیرفت به وضعیت مشابهی دچار می‌شد. ما با ایستادگی راسخ خود در برابر تضمین‌های چند میلیارد دلاری شرکت پریونوست و با پذیرش ریسک نارضایتی برخی گروه‌های ذی‌نفع مهم، کشور را از وضعیتی نجات دادیم که می‌توانست به راحتی به یکی از وضعیت‌های مالی شرم‌آور و گرانبار بدل شود.

یک پیشنهاد خیرخواهانه خاورمیانه‌ای

قرارداد پیشنهادی شرکت پریونوست تنها قراردادی نبود که ما کشور را از گیر افتادن در گرداب آن نجات دادیم. در آوریل ۲۰۱۳ در مسافرتی خارجی بودم که رئیس‌جمهور جاناتان با من تماس گرفت و من را به شرکت در جلسه‌ای دعوت کرد که در آن کنسرسیومی از حامیان مالی نیجریه‌ای و خارجی یک پروژه دولتی حضور داشتند. یکی از این حامیان مالی مردی از آفریقای شمالی بود که به نظر می‌رسید به رهبران جهانی بزرگ دسترسی دارد. رئیس‌جمهور من را موظف کرد تا ارزشمند بودن این قرارداد پیشنهادی برای نیجریه را بررسی کنم.

روز بعد با یکی از این حامیان مالی ملاقات کردم که مرد جوانی از نیجریه بود و اذعان داشت که این گروه پیش از این نیز این مساله را چندین مرتبه با رئیس جمهور و برخی از دستیاران او در میان گذاشته است و حتی با معاون من دکتر یریمانا¹ ملاقات داشته و همگی با پیشنهادهای این گروه موافق بوده‌اند. مطابق اظهارات این مرد جوان افراد خیرخواهی از خاورمیانه حاضر بودند برای تامین مالی پروژه‌های دولتی مبالغی در حدود ۲ تا ۳ میلیارد دلار کمک مالی به شرط تامین شرایط خاص مورد نظرشان به نیجریه اهدا کنند. این مبالغ باید برای پروژه‌هایی صرف شود که هر دو طرف سر اجرای شان اتفاق نظر دارند و باید چارچوب‌های مشخصی برای نتایج و محصولات شان وجود داشته باشد. محصولات و نتایج پروژه‌ها را می‌توان با یک جدول زمانی از پیش تعیین شده ارزیابی کرد و وجه نقد پس از انجام پروژه آزاد می‌شد. اگر نیجریه تمام معیارها و شرایط مورد توافق برای نتایج پروژه را تامین کند وجوه نقدی که برای تامین مالی پروژه‌ها اعطا شده‌اند به منزله کمک مالی به این کشور به حساب آورده خواهد شد و در صورت قصور و لغزش این کشور از معیارهای مورد توافق کمک‌های مالی اعطاشده به این کشور به وامی بدل خواهد شد که نیجریه باید کل مبلغ آن را با نرخ بهره توافقی به اعطاکنندگان این کمک بازگرداند. این افراد خیرخواه به هزینه خود مشاورانی را استخدام خواهند کرد تا بر نتایج و دستاوردهای پروژه‌ها نظارت داشته باشند و مطابقت‌شان با معیارهای تعیین شده را ارزیابی کنند.

تمام این مطالب به حدی عالی به نظر می‌رسید که باورکردنی نبود. عقل سلیم به من هشدار می‌داد که هیچکس چنین مبالغ دلاری را به این شکل به کشور دیگری اعطا نمی‌کند. اضافه‌براین، نکته خاصی در آن وجود داشت: مشاورانی که قرار بود بر روند اجرای پروژه نظارت داشته باشند کار خود را تا چه حد عینی و بی‌طرف انجام می‌دادند؟ اگر در مورد تامین یک معیار خاص اختلاف‌نظری پیش می‌آمد چه کسی میان دو طرف داوری خواهد کرد؟ زمانی که از او خواستم تا سندی که در آن روند این مشارکت طرح‌ریزی شده را به من نشان دهد، این مرد جوان در پاسخ گفت که مدیر صندوق سرمایه‌گذاری خاصی که قرار است این وام‌ها را به این کشور اعطا کند به نیجریه خواهد آمد تا با من ملاقات کند.

تقریباً یک ماه بعد مرد سفیدپوست و مسن‌تر دیگری که لهجه بریتانیایی داشت

1. Yerima Ngama

در ابوجا با من ملاقات کرد. او مدعی شد که صندوق سرمایه‌گذاری مشترک وی در هلند مستقر است و منابع مالی خود را از ثروتمندان خانواده سلطنتی عربستان سعودی تأمین می‌کند که در راستای انجام وظایف دینی خود برای کمک به مستضعفان بخش کوچکی از ثروت خود را برای کمک به کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در آفریقا کنار می‌گذارند. وی سندی را به من نشان داد که در آن طرح پیشنهاد آنها تقریباً به همان صورتی ثبت شده بود که برای من توضیح داده بودند. بار دیگر در مورد روش تأیید مطابقت عملکرد نیجریه با معیارهای تعیین شده و نرخ بهره سوال پرسیدم که در صورت تبدیل این کمک مالی به وام باید پرداخت شود. او اذعان کرد که نرخ‌های بهره را می‌توان توافقی تعیین کرد، اما امتیازی خواهد بود. در پایان بحث ما این احساس در من ایجاد شد که این طرح فقط یک کلاهبرداری سه میلیارد دلاری است که بدهی سنگینی به نهادی مشکوک را به کشور تحمیل خواهد کرد و دعاوی حقوقی بی‌انتهای پرهزینه‌ای را به همراه خواهد داشت. پس، این پیشنهاد را رد کردم که به ناامیدی مهمان من و شرکا و همکاران نیجریه‌ای او انجامید. به طور مختصر، شرح رویدادها را به رئیس‌جمهور اطلاع دادم که ایشان نیز اعتراف کرد که احساس ناخوشایندی نسبت به این پیشنهاد داشت و کاملاً از موضع من نسبت به آن حمایت کرد.

متأسفانه ماجراهای شرکت پریونوست و صندوق سرمایه‌گذاری مشترک خاورمیانه‌ای فقط دو مورد از پروژه‌ها و پیشنهادهای مالی ننگین فراوانی بود که به رئیس‌جمهور و اعضای دولت ارائه می‌شد. اما این دو نمونه به دلیل بزرگی و زمان و انرژی و جدیتی که حامیان مالی آنها برای دنبال کردن این پیشنهادها صرف می‌کردند برجسته‌تر از سایرین است. اکثر پیشنهادهایی که به دولت ارائه می‌شد اندازه متوسطی داشت، اما غالباً از حامیان متعددی نیز در دولت و سیاست‌مداران برخوردار بود. رد پیوسته این طرح‌های فریبکارانه کاری بسیار پراسترس و به معنای تجمیع دشمنان متعددی بود که احساس می‌کردند جیبشان از منابع مالی عمومی بی‌بهره مانده است. اما صرف‌نظر از اینکه اقدامات ما چه کسانی را ناراحت می‌کرد، جلوگیری از تحمیل وام‌هایی معادل پنج میلیارد دلار با نااطمینانی‌های ذاتی به دولت که بار بدهی کشور را به شدت افزایش می‌داد مایه خوشحالی فراوان اعضای گروه وزارت دارایی بود.

کلاهبرداری در بخش

خدمات عمومی:

کارگران جعلی، مستمری بگيران

جعلی و اختلاس گرانی که لباس

اصلاح گرانی را به تن کرده اند

کلابرداری نه تنها پروژه‌های بزرگی مانند آنچه در فصل پنجم توصیف شد، بلکه مخارج و پرداخت‌های روزانه دولت نیجریه را نیز احاطه کرده است. زمانی که در سال ۲۰۱۱ بار دیگر به سمت وزیر دارایی دولت منصوب شدم، یکی از اولین اولویت‌هایم مدیریت بودجه هزینه‌های تکراری (همان هزینه‌های عملیاتی دولت) بود که به گفته عده‌ای به حدی بزرگ شده بود که مانع تخصیص بودجه مناسب برای اقلام سرمایه‌ای مانند جاده‌ها، راه‌آهن، مراکز درمانی و تامین آب می‌شد که برای تحکیم پایه‌های رشد اقتصادی و روند توسعه کشور دقیقاً به این نوع مخارج نیاز داشتیم. باید علت افزایش شدید این هزینه‌ها را پیدا می‌کردم زیرا در دوره اول حضورم در وزارت دارایی (سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳) کوشش فراوانی برای کاهش این قبیل هزینه‌ها انجام داده بودیم.

در جلسه توجیهی با مدیر کل دفتر بودجه و کارکنانش دریافتم که وضعیت بسیار وخیم‌تر از آن است که تصور می‌کردم. در سال ۲۰۰۶ هزینه اداره دولت را تا ۶۵٪ کل بودجه کاهش داده بودیم که به باور خودم همچنان بالاتر از حد متعارف بود. در واقع، ما به دنبال کاهش این بودجه سالانه بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بودجه کل بودیم. اما اینک به نظر می‌رسید که هزینه‌های سالانه در سال ۲۰۱۱ به میزان ۷۴٪ بودجه کل دولت فدرال افزایش یافته است و فقط در حدود یک چهارم بودجه کل را برای مخارج سرمایه‌ای باقی می‌گذاشت. این مساله در پرتو طرح‌های دولت برای تحول اقتصاد نیجریه و تدارک زیرساخت‌ها و ارائه خدمات بهتر برای مردم این کشور ابداً قابل قبول نبود.

به همین دلیل باید علت معکوس شدن اصلاحاتی که در ساختار بودجه سالانه ایجاد کرده بودیم را پیدا می‌کردم. مدیر کل دفتر بودجه برایم توضیح داد که افزایش هزینه‌های عملیاتی دولت دو علت اصلی دارد. بزرگ‌ترین عامل آن، افزایش دستمزد کارمندان و خدمت‌گزاران دولتی بود. اتحادیه هیات علمی دانشگاه‌ها^۱ خواهان ۹۲ درصد افزایش حقوق هیات علمی دانشگاه‌ها بود و توانسته بود خواسته خود را از دولت دریافت کند. همچنین دستمزد کارکنان بخش خدمات درمانی نیز به میزان مشابهی افزایش یافته بود. این مساله باقی کارمندان دولت را نیز تحریک کرده بود تا آنان نیز خواهان افزایش حقوق شوند و دولت اومارو یار آدوا در سال ۲۰۱۰ در اقدامی بی‌سابقه حقوق تمام کارمندان دولت را ۵۳٪ افزایش داد. همچنین دادگاه‌ها نیز برای تشدید وخامت اوضاع دستور فراخوانی مجدد هزاران کارمند دولت را صادر کرده بودند که طی اصلاحات

1. Academic Staff Union of Universities (ASUU)

خدمات مدنی دولت اولسگان اوباسانجو در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ از خدمت برکنار شده بودند. دولت یار آدوا نیز برای تامین بودجه لازم برای افزایش حقوق این کارکنان از بازارهای سرمایه داخلی به شدت استقراض کرده بود. اضافه‌براین، افزایش مربوط به هزینه حقوق بازنشستگی کارکنان دولت همچنان در این بودجه لحاظ نشده یا پرداخت نشده بود و به همین دلیل قرار بود تا هزینه‌های مکرر دولت افزایش بیشتری داشته باشد.

اثر مرکب افزایش حقوق تمام این کارکنان به گندترشدن و تکمیل نشدن برخی اصلاحات نهادی خاصی انجامیده بود که ما در سال ۲۰۰۴ و تحت نظارت دولت دوم اوباسانجا برای مبارزه با فساد در بخش خدمات مدنی و پرداخت حقوق بازنشستگی کارکنان و جلوگیری از نشت درآمد دولت به راه انداخته بودیم.

اساساً تعدادی از ضعف‌های نهادی خاصی که در اوایل و اواسط دهه ۲۰۰۰ در روند مدیریت امور مالی دولت ما وجود داشت همچنان برطرف نشده بود و به کارمندان فاسد دولت اجازه می‌داد تا حقوق خود را افزایش دهند و منابع دولت را از کاربردهای تعیین شده، منحرف و به جیب‌های خود سرازیر کنند.

در سال ۲۰۰۳ که برای اولین بار در نقش وزیر دارایی دولت انتخاب شدم از مشاهده برخی شکاف‌های بسیار مهم میان نظام‌های تامین مالی و مخارج بسیار شگفت‌زده شدم. اول اینکه هیچکس به درستی نمی‌دانست که در بخش خدمات مدنی یا بخش بزرگ‌تر خدمات عمومی که برخی سازمان‌های نیمه‌دولتی را نیز شامل می‌شد، دقیقاً چند نفر مشغول کارند. هیچ پایگاه داده قابل اعتمادی برای حقوق‌های پرداختی دولت و حقوق‌های بازنشستگی وجود نداشت و هیچ سرشماری معتبری نیز در این زمینه انجام نشده بود.

دوم اینکه میان دفتر بودجه، خزانه‌داری، وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها^۱ هیچ‌گونه ارتباط الکترونیکی وجود نداشت. به همین دلیل تمام تراکنش‌های میان این سازمان‌ها نیز به صورت دستی و با پرداخت وجه نقد انجام می‌شد. مثلاً وزارتخانه‌ها، دپارتمان‌ها و آژانس‌ها برای دریافت حقوق و مزایای کارکنان خود معمولاً فهرست کارکنان را هر ماه به خزانه‌داری ارسال می‌کردند و وجه نقد کافی برای تامین این تعهدات نیز به حساب آنها در بانک‌های تجاری واریز می‌شد. سپس این سازمان‌ها

1. ministries, departments, and agencies (MDAs)

موظف می‌شدند با این مبالغ دریافتی حقوق کارکنان را پرداخت کنند. همچنین منابعی از بودجه سرمایه‌ای^۱ که برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و سایر پروژه‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته شده بود، به صورت وجه نقد به حساب وزارتخانه‌ها و دیپارتمان‌ها و آژانس‌ها مرتبط واریز می‌شد.

مطابق مقررات‌های تامین مالی^۲ دولت، فقط حسابدار کل فدراسیون می‌تواند اجازه افتتاح حساب بانکی را به وزرا، دیپارتمان‌ها، دفاتر نمایندگی و سایر مقامات دیگر دولتی بدهد تا در ظاهر دفتر حسابداری کل بتواند بر عملیات این حساب‌های مالی نظارت کند. اما در واقعیت بسیاری از این سازمان‌ها بدون کسب اجازه از دفتر حسابداری کل دولت از این حساب‌های مالی استفاده می‌کنند.

آنها حساب‌های جدیدی با شرایط مالی بهتری مانند نرخ‌های بهره بالاتر افتتاح و سپس پول را از حساب‌های رسمی و تاییدشده به این حساب‌ها منتقل می‌کردند. بدین طریق می‌توانستند نرخ بهره‌ای که به این سپرده‌ها پرداخت می‌شد را برای استفاده شخصی خود بردارند. این اقدام عموماً با چشم‌پوشی بانک‌ها و مقامات بانکی انجام می‌شود که معمولاً در عواید حاصل از این نرخ بهره سهیم‌اند. این وضعیت تا حدی وخیم شد که کارکنان ارشد دولت که مسئول مدیریت منابع وزارتخانه‌های دولت بودند، پرداخت حقوق کارکنان را به تاخیر می‌انداختند یا بخشی از حقوق را پرداخت می‌کردند و بخشی را نگه می‌داشتند تا بتوانند مبالغ زیادی را به منزله نرخ بهره این سپرده‌ها دریافت کنند.

سوم اینکه وزیر دارایی بر شمار زیادی از حساب‌هایی که مقامات دولتی در بانک‌های تجاری کشور افتتاح کرده بودند هیچ نظارتی نداشت. به نظر من این رفتار مقامات فقط دستورالعملی برای نقض قانون و تخلف و دری به سوی فساد و انحراف مسیر منابع مالی عمومی بود. پس از گفت‌وگو با گروه مدیریت مالی وقت و با حمایت رئیس‌جمهور او با سانجو به بانک جهانی مراجعه کردم و برای پوشش این شکاف‌های نهادی و ایجاد نظام‌ها و فرآیندهای لازم برای حل این مشکلات کمک خواستم.

بانک جهانی حاضر به همیاری بود و برای ایجاد روند اصلاحات اقتصادی و اجرای پروژه‌های حکمرانی وام بلندمدت و کم‌بهره‌ای به مبلغ ۹۳/۴ میلیون دلار (وام کم‌بهره و

1. Capital budget
2. Finance regulations

امتیازی) را به ما پیشنهاد داد. هیات مدیره بانک جهانی این پروژه را در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴ تصویب کرد و اجرای آن نیز در تاریخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۵ آغاز شد. اداره توسعه بین‌المللی بریتانیا^۱ با اعطای کمک مالی معادل ۱۴/۳ میلیون پوند در تأمین مالی این وام مشارکت کرد و سازمان توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۲ نیز با حمایت و تقویت دفتر بودجه نقشی در این فرآیند ایفا کرد.

در گزارش سند اطلاعات پروژه بانک جهانی به شماره AB1070 مبنای حمایت این بانک به شرح زیر توصیف شده است:

دولت فدرال از زمان انتصاب یک گروه اقتصادی با ذهنیتی بسیار اصلاح‌گر در جولای ۲۰۰۳ کوشیده است تا ساختار مدیریت اقتصاد خود را در راستای مبارزه با برخی ریسک‌های عمیق و ریشه‌دار پیش روی اقتصاد کلان و ثبات مالی و منابع اصلی ناکارایی اقتصادی سازمان‌دهی کند. این دولت همچنین برنامه‌های کاری خاصی را برای رسیدگی به مشکلات حکمرانی و فساد آغاز کرده که برای حل چالش‌های پیش روی اقتصاد کلان و ثبات مالی دولت و توانایی آن برای ارائه خدمات اقتصادی مهم به مردم نیجریه ضروری هستند. با این وجود، با توجه به گستره فساد و ضعف موجود در فرآیند مدیریت اقتصادی و سایر فرآیندهای حکمرانی، اجرای این برنامه‌ها صرفاً شروع مسیری است که برای دستیابی به ثبات اقتصادی و اصلاح روش‌های حکمرانی باید طی کرد.^۳

این بانک همچنین توضیحات بیشتری در خصوص اهداف این پروژه ارائه کرده است:

در راستای تحقق اهداف دولت فدرال در زمینه تقویت قابل توجه روش‌های حکمرانی و پاسخگویی و کاهش فساد و مشارکت و همیاری در زمینه ارائه موثرتر خدمات به مردم نیجریه، دو دسته اهداف برای این پروژه در نظر گرفته شده است: الف) بهبود نظام‌های مدیریت مالی و اقتصادی دولت فدرال و ب) ایجاد فرآیند اصلاحات باثبات در بخش خدمات مدنی دولت فدرال برای بهبود حرفه‌ای‌گری و توانایی دولت در ارائه خدمات. میزان پیشرفت این پروژه در راستای دستیابی به این اهداف با دوروش زیر اندازه‌گیری می‌شود:

الف) اتخاذ روش‌های مدیریت مالی و اقتصادی نوین و شفاف‌تر که احتمال فساد را کاهش می‌دهد

1. The United Kingdom's Department for International Development (DFID)

2. United States Agency for International Development (USAID)

3. World Bank, "World Bank Project Information Document No. AB1070: Federal Government Economic Reform and Governance, Africa, Central Government Administration," Washington, DC, December 14, 2004, 1.

ب) اجرای طرح‌های تغییر ساختاری در وزارتخانه‌ها، بخش‌ها و سازمان‌های جدید و اصلاح ساختار سایر وزارتخانه‌ها و بخش‌ها و سازمان‌های دیگر.^۱

برای دستیابی به اهداف مدیریت مالی و اقتصادی این پروژه، منابع مالی مورد نیاز برای ایجاد یک سامانه اطلاعات یکپارچه حقوق و دستمزد^۲ تامین شد که یک پلتفرم فناوری و یک سامانه شناسایی ویژگی‌های زیستی افراد را شامل می‌شد. اطلاعات هر یک از کارکنانی که نامشان در فهرست حقوق‌بگیران دولت قرار داشت یا هر یک از بازنشستگانی که از دولت حقوق بازنشستگی می‌گرفتند، باید از طریق این سامانه تایید و ثبت می‌شد و حقوق و مزایایشان مستقیماً به حساب بانکی واریز می‌شد و دیگر در این فرآیند نیازی به واسطه‌گری وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و یا دفاتر نمایندگی سازمان‌ها نبود.

مولفه دوم این پروژه، سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت بود. این سامانه برای تراکنش‌های میان دفتر بودجه یا خزانه‌داری (از طریق دفتر حسابداری کل) با وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و دفاتر نمایندگی یک پلتفرم الکترونیکی فراهم می‌کرد و به همین دلیل به بهبود روش‌های مدیریت وجه نقد و برنامه‌ریزی بهتر تامین منابع و کاهش تراکنش‌های دستی منجر می‌شد. در این سامانه برای آماده‌سازی و اجرای بودجه نیز یک واحد مهم برنامه‌ریزی بودجه در نظر گرفته شده بود. مهم‌تر از همه اینکه این سامانه از اجرای طرح حساب واحد خزانه‌داری هماهنگ با نظام بانک مرکزی نیجریه حمایت می‌کرد تا امکان فهرست کردن ساده شماره حساب تمام نهادهای دولتی و وارد کردن آنها در نظام بانک مرکزی فراهم شود و وزیر دارایی نیز بتواند نظارت و کنترل بهتری بر منابع عمومی داشته باشد. این سامانه همچنین ابزار سیاست پولی مهمی را برای مدیریت بهتر نقدینگی در اختیار بانک مرکزی می‌گذاشت.

مقامات دولتی به‌خوبی درک می‌کردند که ساخت این نوع نهادهای خاص به زمان نیاز دارد و اجرای این نوع اصلاحات که به بهبود شفافیت نظام‌ها و فرآیندها و کاهش فساد می‌انجامد، می‌تواند با مقاومت قابل توجهی روبه‌رو شود. روند اجرا و تکمیل این پروژه برای یک دوره زمانی شش ساله برنامه‌ریزی شده بود و شروع نسبتاً خوبی داشت. بانک جهانی اذعان داشت که روند اجرای این پروژه تا حد زیادی رضایت‌بخش است.

۱. مرجع قبلی، ۲.

2. Integrated Payroll and Personnel Information System (IPPIS)

اما با نزدیکی به پایان این دوره زمانی شش‌ساله در سال ۲۰۱۱ روند اجرای این پروژه به تدریج کندتر و تقریباً متوقف شد.

وقتی در ۱۷ آگوست ۲۰۱۱ به وزارت دارایی بازگشتم همچنان بخش قابل توجهی از پروژه تکمیل نشده بود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اجرای این پروژه مقاومت وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها در اجرای اصلاحات تعیین شده در این پروژه بود. ارتش با اصرار بر اینکه ورودش در چنین پروژه‌ای می‌تواند وضعیت پرسنل نظامی و اطلاعات حساس دفاعی را به خطر بیندازد، امتیاز خاصی از رئیس‌جمهور دریافت کرده بود تا از حضور در این پروژه معاف شود. نیروی پلیس و سازمان امنیت کشور نیز قصد دنبال کردن همین مسیر را داشتند و تعدادی از وزارتخانه‌ها و دفاتر نمایندگی دیگر نیز مخالف سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت و سامانه اطلاعات یکپارچه حقوق و دستمزد بودند. به‌ویژه، وزارتخانه‌های بهداشت و درمان و آموزش و پرورش که پس از آژانس‌های امنیتی بیشترین کارکنان دولتی را در خود جای می‌دادند به شدت در مقابل این اصلاحات مقاومت و دلایل متعددی را برای مخالفت خود مطرح می‌کردند که درکشان دشوار بود.

برای مدیر کل دفتر بودجه و حسابدار کل و من به‌خوبی مشخص شده بود که برای پیشرفت این پروژه و جلوگیری از نشت درآمدهای دولتی، مبارزه با فساد و مدیریت بودجه هزینه‌های تکراری، باید روند اجرای این پروژه را تکمیل کنیم. ما با یکدیگر توافق کردیم تا پروژه را تقویت و فرآیند اجرای مجدد آن را بلافاصله آغاز کنیم. ما همچنین با توافق هم از بانک جهانی درخواست کردیم تا ساختار پروژه را به صورتی تغییر دهد که بتوان منابع بیشتری را به سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت و سایر فعالیت‌های دیگری اختصاص داد که روند اجرایشان همچنان تکمیل نشده بود. این مساله جاسازی و نهادینه شدن کامل این سامانه‌ها را تضمین می‌کرد. بانک جهانی ساختار پروژه را در ۱۵ آگوست ۲۰۱۲ تغییر داد.

اجرای پروژه بسیار دشوار بود. تعدادی از وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها در مقابل ثبت‌نام کارکنان خود در سامانه یکپارچه پرداخت حقوق و اطلاعات کارکنان دولت مقاومت می‌کردند. اما تلاش‌های ما ثمربخش بود. در ماده چهارم گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول که در آوریل سال ۲۰۱۴ منتشر شد، اذعان شده است که: «تحقق صرفه‌جویی‌های برنامه‌ریزی شده در مخارج مربوط به پرداخت حقوق کارکنان دولت به اجرای مصمم و با ثبات این پروژه نیاز دارد.»

تلاش‌های اولیه برای پاک‌سازی فهرست کارکنان حقوق‌بگیر دولت از طریق پیاده‌سازی سامانه یکپارچه پرداخت حقوق و اطلاعات کارکنان دولت بسیار موفقیت‌آمیز بود به نحوی که ۲۰٪ از کارکنان دولت فدرال (در حدود ۲۰۰ هزار نفر) در این سامانه ثبت شده‌اند و بیش از ۴۵ هزار مورد از سوابق نادرست حقوق و دستمزد نیز اصلاح شده است. با این حال، گسترش سامانه یکپارچه پرداخت حقوق و ثبت اطلاعات کارکنان دولت به کارکنان سایر بخش‌ها از جمله نیروهای نظامی و امنیتی، متخصصان بخش خدمات درمانی و معلمان و استادان بخش آموزش و پرورش احتمالاً دشوار بود.^{۱)} اجرای طرح سامانه یکپارچه پرداخت حقوق و ثبت اطلاعات کارکنان تا سال ۲۰۱۵ به از بین رفتن ۶۵ هزار نفر از کارکنان جعلی انجامید و مخارج دولت را به میزان ۱/۱ میلیارد دلار کاهش داد که برای پرداخت حقوق این کارکنان جعلی صرف می‌شد. با این همه، تا پایان دوره ریاست جمهوری جاناتان تمام وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها پوشش نیافته بودند و به همین دلیل با تکمیل این پروژه و پوشش تمام کارکنان دولت فدرال در آینده احتمالاً تعداد بیشتری از این کارکنان جعلی از بین خواهند رفت. همچنین، روند اجرای سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت تا سال ۲۰۱۴ پیشرفت قابل توجهی داشت. در گزارش کشوری صندوق بین‌المللی پول که در ماه مارس ۲۰۱۵ منتشر شد، به این مطلب اشاره شده است که «گسترش دامنه پوشش حساب واحد خزانه‌داری و سامانه‌های مدیریت اطلاعات به بیشتر وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها به تقویت سامانه‌های مدیریت اطلاعات مالی دولت منجر شده است» و اینکه «حالا حساب واحد خزانه‌داری ۵۵۱ مورد از ۸۲۱ نهاد دولت فدرال را پوشش و بیش از ۷۵٪ از بودجه دولت فدرال را تشکیل می‌داد.»^{۲)}

مستمری‌بگیران جعلی

کلاهبرداری‌های نظام پرداخت حقوق دولت نیجریه آنچنان فراگیر بود که به طرح قدیمی مستمری بازنشستگی با مزایای معین قدیمی^{۳)} نیجریه نیز نفوذ کرده بود. در دوره

1. International Monetary Fund, Country Report No. 14/103, *Nigeria: Staff Report for the 2013 Article IV Consultation*, April 2014, 14.

2. International Monetary Fund, Country Report No. 15/84, *Nigeria: Staff Report for the 2014 Article IV Consultation*, 2015, 4, 42.

3. Nigeria's old Defined Benefits Pension Scheme (DBPS)

دوم ریاست جمهوری او با سانجو (۲۰۰۷-۲۰۰۳) نظام بازنشستگی ورشکسته دولت نیجریه کاملاً اصلاح شد.^۱ در این دوران طرح بازنشستگی و حق بیمه‌ای جدیدی توسعه یافت که تمام کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی را پوشش می‌داد و عملکرد بسیار مناسبی داشت. اجرای این طرح بازنشستگی حق بیمه‌ای^۲ تا پایان سال ۲۰۱۵ روی هم‌رفته در حدود ۵/۳ تریلیون نایرای نیجریه (معادل ۲۶/۹ میلیارد دلار) منابع مالی برای دولت جمع‌آوری کرد. با این حال، این طرح جدید افرادی که پیش از ژوئن ۲۰۰۷ بازنشسته شده بودند را پوشش نمی‌داد. افرادی که در این دسته قرار داشتند تا زمان آخرین ادعای ثبت شده از طرح بازنشستگی با مزایای معین^۳ استفاده می‌کردند. قانون بازنشستگی سال ۲۰۰۴ مستلزم ایجاد واحد دولتی جدیدی به نام مدیریت ترتیبات انتقال مستمری بازنشستگی بود تا بتواند چهار طرح بازنشستگی با مزایای معین مختلف را برای چهار گروه از کارکنان دولتی در زیر یک سقف گردآوری و مدیریت کند؛ کارکنان بخش‌های دولتی، پلیس، گمرک، مهاجرت و زندان‌ها و تمام سازمان‌های نیمه‌دولتی که از سوی دولت تامین مالی می‌شدند. مقاومت شدیدی در برابر ایجاد واحد جدید ایجاد شد زیرا افراد بسیاری به صورت غیرقانونی از این طرح‌های بازنشستگی سود می‌بردند.

دولت اومارو یار آدوا برای سروسامان دادن به این اوضاع به هم‌ریخته، گروه ویژه اصلاح طرح‌های بازنشستگی^۴ را تشکیل داد. با این حال، زمانی که رهبران این گروه ویژه نیز از قدرت‌ها و اختیارات جدید خود سوءاستفاده کردند، عملکرد این گروه ویژه جنبه سیاسی پیدا کرد و خود به بخشی از مشکل بدل شد.

مجموعه تحقیقات مجلس ملی در سال ۲۰۱۳ به خوبی نشان داد که در طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین فساد زیادی وجود دارد و کارکنان دولتی بی‌اخلاق و همدستانشان با کلاهبرداری در این طرح‌ها دست کم ۳۲ میلیارد نایرای نیجریه (معادل ۲۰۰ میلیون دلار) از منابع مالی دولت را منحرف کرده‌اند و به سرقت برده‌اند. از سال ۲۰۰۹ به بعد، چهارده نفر از کارکنان دولت به دلیل کلاهبرداری در طرح‌های بازنشستگی دولت دستگیر و محاکمه شدند. مثلاً در ۱۲ مارس ۲۰۱۲ شش نفر به اتهام شانزده مرتبه شرکت در توطئه

۱. به کتابم با عنوان زیر مراجعه کنید:

Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria (Cambridge, MA: MIT Press, 2012), 58.

2. Contributory Pension Scheme (CPS)

3. Defined Benefits Pension Scheme

4. Pensions Reform Task Team (PRTT)

و خیانت در امانت و ایفای نقش در کلاهبرداری‌های طرح‌های بازنشستگی محاکمه شدند. از میان این افراد می‌توان به آتیکو ابوبکر کیگو^۱، یکی از مدیران ثابتی که پیش از این ریاست اداره بازنشستگی نیروی پلیس را بر عهده داشت و جان یاکوبو یوسفو^۲ معاون سابق اداره بازنشستگی نیروی پلیس اشاره کرد. یوسفو اولین نفری بود که گناهکار شناخته شد. او در ژانویه همان سال در دو مورد از این اتهامات گناهکار شناخته شد و پس از اعتراف به انحراف ۲ میلیارد نایرای نیجریه (در حدود ۱۲/۵ میلیون دلار آمریکا) از حساب بانکی اداره بازنشستگی نیروی پلیس به حساب شخصی خود به دو سال زندان محکوم شد. همچنین دولت املاک وی را که ارزشی معادل ۳۲۵ میلیون نایرای نیجریه داشت و شامل ۳۲ واحد مسکونی بود را در حکم جریمه عملکردش مصادره کرد.^۳

ما باید با سوءاستفاده مقامات دولتی از طرح‌های بازنشستگی، نشت بزرگ منابع مالی دولت و انحراف حقوق بازنشستگی کارکنان دولتی که عمرشان را صرف خدمت‌رسانی به کشور کرده‌اند مبارزه کنیم. اما بیان این عبارت از انجام آن بسیار آسان‌تر بود. با این حال، عاملان کلاهبرداری در طرح‌های بازنشستگی که لباس اصلاح‌گران را به تن کرده بودند در ازای هر یک از استدلال‌هایی که در راستای لزوم تشکیل مدیریت ترتیبات انتقال طرح‌های بیمه به رئیس‌جمهور ارائه می‌کردیم، استدلال‌های مخالف متعددی برای ایشان ارائه می‌کردند.

نیجریه یکی از پیچیده‌ترین و بدقلق‌ترین نظام‌های سیاسی جهان را دارد که در آن فاسدان غالباً لباس اصلاح‌گران را به تن کرده‌اند تا تصمیم‌گیران، خیرخواهان، متخصصان توسعه و محققان را سردرگم کنند. عرصه بازنشستگی مملو از این نوع فریبکاری‌ها بود که روند اصلاحات نظام سیاسی و اقتصادی نیجریه را به تاخیر می‌انداخت.

دست‌آخر در آگوست ۲۰۱۳ پس از زنجیره‌ای از نامه‌ها که از دفترم به دفتر ریاست‌جمهوری ارسال کردم و گفت‌وگوی جدی با خود رئیس‌جمهور، سخنرانی برای گروه مدیریت اقتصادی و حمایت شدید اعضای گروه و آقای الحاجی بوکر گونی آجی^۴ - رئیس ستاد دولت فدرال - که نقش مهمی در متقاعد کردن رئیس‌جمهور داشت،

1. Atiku Abubakar Kigo

2. John Yakubu Yusufu

3. "Director Jailed Two Yrs for Stealing N33 Bn Pension Fund Freed on N250,000 Fine," *Premium Times*, January 28, 2013, <http://www.premiumtimesng.com/news/117599-director-jailed-2yrs-for-stealing-n33bn-pension-fund-freed-on-n250000-fine.html>.

4. Alhaji Bukar Goni Aji

ریاست جمهوری با لزوم انجام اقدام ضروری در این زمینه موافقت کرد. ایشان اجرای بند (۳۰)(۲)(a) قانون اصلاحات حقوق بازنشستگی سال ۲۰۰۴ را تایید کرد که به تشکیل مدیریت ترتیبات انتقال مستمری بازنشستگی انجامید. رئیس ستاد دولت برای ریاست این اداره جدید، یک خانم دکتر کانادایی و نیجریه تبار به نام نیلی میشک^۱ را پیشنهاد کرد که از مقامات ارشد دولت بود و پروژه‌های را با حمایت مالی اداره توسعه بین‌المللی بریتانیا انجام داده بود. به اعتقاد رئیس ستاد دولت این خانم شهامت و تجربه کافی داشت تا بتواند با افراد دارای منافع خاصی که برای خنثی کردن عملکرد این اداره تلاش می‌کردند مقابله کند. من چندین مرتبه دکتر میشک را ملاقات کرده بودم و تصور می‌کردم برای انجام این وظیفه به حد کافی سرسخت است، به همین دلیل من نیز از پیشنهاد رئیس ستاد دولت حمایت کردم و انتخاب دکتر میشک را برای این سمت به رئیس جمهور پیشنهاد دادم و رئیس جمهور نیز انتصاب او در نقش مدیر اجرایی اداره تمیهدات انتقالی طرح‌های بازنشستگی را تصویب کرد.

تشکیل این اداره، روند اجرای طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین را شفاف‌تر ساخت که ضرورت وجود این شفافیت در اجرای آنها به شدت احساس می‌شد. از میان اولین دستاوردهای این اداره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گردآوری و تحکیم تمام ادارات بازنشستگی موجود زیر یک چتر واحد، ایجاد یک پایگاه داده‌ای بازنشستگی که از ویژگی‌های زیستی افراد برای تایید هویت مستمری‌بگیران استفاده می‌کرد، فهرست‌بندی حساب‌های دفتر بازنشستگی، شفافیت و صراحت بیشتر فرآیندها و برخورد انسانی با مستمری‌بگیران دولت فدرال که پیش از این کارکنان پیشین دفتر بازنشستگی رفتار بی‌رحمانه‌ای با آنها داشتند و پرداخت ماهانه حقوق بازنشستگی آنها با تاخیر زمانی کمتر.

با این حال، این اداره همچنان با برخی مشکلات جدی و به جای مانده از کارکنان و فرآیندهای پیشین مواجه بود؛ مانند رسیدگی به بدهی‌های معوق، پر کردن شکاف‌های حقوق بازنشستگی، جایگزینی کارکنان فاقد توان کارشناسی و شایستگی لازم دفتر بازنشستگی با کارکنان جدید و از جمله افرادی که مهارت استفاده از این پلتفرم فناوری را داشتند. با این وجود، مدیریت ترتیبات انتقال طرح‌های بیمه تا فوریه سال ۲۰۱۵ که انجمن سهامداران حقوق بازنشستگی را با حضور و مشارکت من برگزار کرد، توانسته

1. Nellie Mayshak

بود خود را در سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت ادغام کند تا بدین ترتیب پرداختی‌های طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین نیز از طریق این سامانه انجام شود و این اداره توانست در حدود ۱۵ هزار مستمری‌بگیر جعلی را از فهرست پرداخت‌های حقوق بازنشستگی خود حذف و سالانه حدود ۲/۱ میلیارد نایرای نیجریه در هزینه‌های دولت صرفه‌جویی کند. این اداره همچنین در حدود ۱۳۵۴ نفر مستمری‌بگیر جدید را نیز به فهرست مستمری‌بگیران خود اضافه کرد زیرا این افراد در سازمان‌های نیمه‌دولتی و منحل پیشین فعالیت می‌کردند و به این طرح‌های بازنشستگی تعلق داشتند، اما به‌طور تصادفی از این طرح‌ها محروم شده بودند.

با این وجود، به‌رغم این دستاوردهای بزرگ، حماسه طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین در اینجا به پایان نمی‌رسید. دکتر میسک و سایر کارکنان ارشد اداره ترتیبات گذار طرح‌های بازنشستگی پس از پایان دوران ریاست جمهوری گودلاک جاناتان و با شروع دولت محمدو بوهاری برای بازجویی بازداشت شدند و مطابق گزارش روزنامه‌ها به اتهام بی‌نظمی در روند انجام امور این اداره موقتاً از کار برکنار شدند^۱. در حالی که همه منتظر اعلام نتایج این تحقیقات بودند گمانه‌زنی‌های بسیاری در میان مردم ایجاد شده بود که کدام‌یک از این اتهامات واقعی و مستند و کدام‌یک جعلی است و انگیزه‌های سیاسی دارد. مثلاً دکتر میسک با عذرخواهی و بدون هیچ‌گونه اتهامی آزاد شد.

واقعا شکی نیست که پاکسازی طرح‌های بازنشستگی با مزایای معین از فساد همچنان بسیار دشوار بود. من در اوج روند اصلاحات در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، خطرات این فرآیند را احساس کردم و از سوی مافیای طرح‌های بازنشستگی بارها و بارها به‌شدت تهدید شدم، اما به‌رغم تمام این مسائل و مشکلات به کارم ادامه دادم زیرا باور داشتم تورم پیوسته مخارج تکراری دولت و تخلیه متقلبانه منابع مالی عمومی باید متوقف شود. ضرورت انجام این کار همچنان به قوت خود باقی است و ابزارها و فرآیندهای مالی و فنی لازم نیز ایجاد و مستقر شده‌اند.

شکی نیست که ایجاد نهادها، سامانه‌ها و فرآیندهای مالی از طریق سامانه اطلاعات یکپارچه حقوق و دستمزد، سامانه یکپارچه مدیریت اطلاعات مالی دولت و پلتفرم فناوری حساب واحد خزانه‌داری در مبارزه با فساد و سوءمدیریت مالی به دولت فدرال

1. James Emejo, "Why PTAD Boss, Nellie Mayshak, Was Suspended," *This Day*, March 27, 2016, <https://www.thisdaylive.com/index.php/2016/03/27/why-ptad-boss-nellie-mayshak-was-suspended>.

بسیار کمک کرده و مبالغ زیادی صرفه‌جویی در هزینه را به‌ویژه در بودجه مخارج مکرر برای دولت به همراه داشته است. استفاده از این سامانه‌ها و نهادها مسیرهایی را برای بهبود مدیریت مالی و حتی سیاست پولی ایجاد کرد. ساخت و تحکیم چنین نهادهایی به زمان نیاز دارد. انجام این فرآیند در نیجریه تاکنون یازده سال زمان برده و هنوز هم تا تکمیل آن زمان زیادی باقی مانده است.

اضافه‌براین، نیجریه یکی از نامتمرکزترین کشورهای جهان از نظر مالی^۱ است و دولت‌های ایالتی و محلی مطابق قانون اساسی حدود ۴۸٪ از تمام درآمدهای ملی را کنترل می‌کنند. متأسفانه، به‌رغم اینکه برخی از این ۳۶ دولت ایالتی به برنامه اصلاحات طرح‌های بازنشستگی فدرال علاقه‌مند شده‌اند و برنامه‌های اصلاحاتی خاص خود را آغاز کرده‌اند، اما همچنان نتوانسته‌اند این اصلاحات را به‌طور کامل اجرا کنند. تشکیل این نهادهای مدیریت مالی در دولت بوهاری، مزایای زیادی برای این کشور به همراه داشت و حفظ جایگاه دائمی آن نهادها در ساختار نهادهای دولت فدرال و استفاده کامل از آنها در دولت‌های ایالتی و محلی بسیار ضروری است.

حکم بدهی

شایدی دیگری که ذی‌نفعان خاص داشتند و همواره بار سنگینی بر بودجه تحمیل می‌کرد و ریشه عمیقی بین کارکنان بخش عمومی داشت، پدیده‌ای بود که در میان مردم با عنوان حکم بدهی^۲ شناخته می‌شد. این حالت معمولاً زمانی روی می‌دهد که یک وزارتخانه، دپارتمان یا دفتر نمایندگی دولتی نمی‌تواند به تعهدات قراردادش عمل کند و پیمانکار یا تامین‌کننده خدمات یا همان طرف دیگر قرارداد از این نهاد شکایت می‌کند، در چنین مواردی، شکایت‌کننده غالباً برنده می‌شود و می‌تواند مبلغ مورد اختلافی که دولت بدهکار است را به همراه بهره و جریمه دریافت کند.

در اولین دوره حضورم در وزارت داری، سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳، حکم بدهی وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها هرگز از ۸ میلیارد نایرای نیجریه (معادل ۶۲/۵ میلیون دلار در نرخ ارز رایج) تجاوز نکرد. به همین دلیل، زمانی که در سال ۲۰۱۲ به من گفته شد که کل حکم بدهی دولت معادل ۸۰ میلیارد نایرای نیجریه شده است

1. fiscally decentralized

2. judgment debt

(۵۰۰ میلیون دلار) بسیار شگفت‌زده شدم. واقعا تکان‌دهنده و غیرقابل قبول بود که ادارات دولتی تا این حد در عدم تعهدات قراردادی خود بی‌پروا شده بودند. باید کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه می‌بود!

همچنین به نظر می‌رسید که مجلس ملی نیز باور داشت که مشکلی در این زمینه وجود دارد زیرا تخصیص مبالغ بزرگ مورد نیاز برای پرداخت این بدهی‌ها را در فرآیند پردازش بودجه به‌طور پیوسته رد می‌کرد. در بودجه سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ فقط ۱۰ تا ۱۲ میلیارد نایر برای نیجریه برای بازپرداخت حکم بدهی در نظر گرفته شد. کمیته‌ای متشکل از کارکنان دفتر دادستان کل و وزیر دارایی مسئول مدیریت و تخصیص این مبلغ بود.

اگرچه این کمیته به پرونده‌های واقعی رسیدگی می‌کرد، اما هیچکس نمی‌توانست علت اصلی وقوع اکثر این بدهی‌ها را ریشه‌یابی کند و به صورت مستند نشان دهد. اما داستان‌های زیادی در این خصوص گفته می‌شد که به ده‌ها تن از کارکنان دولتی ارتباط پیدا می‌کرد. برخی از این پرونده‌ها از چشم‌پوشی پیمانکاران و کارکنان وزارتخانه‌ها و دادگاه‌ها از خطاهای یکدیگر و اتحاد نامقدس آنان ناشی می‌شد که با همکاری هم بدهی‌های دولت، بهره‌مبالغ هر حکم و جرایم تحمیل شده به بودجه را متورم می‌ساختند و پس از پرداخت این مبالغ از سوی دولت، عواید حاصل از این کار را میان خود تقسیم می‌کردند. بعضی دیگر نیز به روند دادرسی‌های واقعی دادگاه ارتباط داشت که وکلای دولتی با جدیت از سازمان خود دفاع نمی‌کردند، که این امر به باخت سازمان دولتی در آن پرونده و تحمیل جرایم سنگین به دولت می‌انجامید و بازهم عواید حاصل از این کار میان طرفین دخیل تقسیم می‌شد. داستان‌های دیگر به داوری‌ها و توافق‌های خارج از دادگاه ارتباط داشت که برای دولت بسیار نامطلوب بود.

این‌گونه تخلفات و سوءرفتارهای کارکنان دولت به انباشت بدهی‌های سنگینی می‌انجامید و بار مالی سنگینی به بودجه تحمیل می‌کرد. با توجه به داستان‌هایی که در این زمینه شنیده بودم و سوءظن‌هایی که در این مورد داشتم، نزد رئیس‌جمهور رفتم. پیشنهاد کردم که این مساله در جلسه هیات دولت بررسی شود و پس از آن به هر یک از وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و دفاتر نمایندگی دولت نامه‌ای بدین منظور ارسال شود که ما هیچگونه حکم بدهی معوقه‌ای را نمی‌پذیریم و پرداخت نمی‌کنیم و به همین دلیل مسئولیت هرگونه هزینه‌ای که بابت حکم بدهی به دولت تحمیل می‌شود بر عهده خودشان خواهد بود و باید از طریق بودجه تخصیصی خودشان پرداخت شود. از این

پس، در بودجه دولت فدرال سرفصل حکم بدهی وجود نخواهد داشت. رئیس‌جمهور این پیشنهاد را پذیرفت و به‌شدت از آن حمایت کرد. بنابراین، نامه‌هایی به هر یک از وزارتخانه‌ها و دیارتمان‌ها و آژانس‌ها ارسال شد و به انتظار اعتراض افرادی نشستیم که در پرونده‌های اصلی نقش داشتند. شکایت‌هایی صورت پذیرفت، اما در نهایت در فاصله سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۲ فقط مبلغی معادل ۱۱ میلیارد نایرای نیجریه از احکام بدهی بازبینی و تایید شد. در نتیجه، وزارت دارایی توانست رقمی معادل ۶۸/۴ میلیارد نایرای نیجریه (حدود ۴۲۵ میلیون دلار) را نجات دهد که قرار بود از خزانه دولت خارج شود.

برخی بخش‌ها از این رویکرد جدید دولت برای رسیدگی به مبالغ حکم استقبال نکردند. پس، وزیر دارایی و گروهش مسیر شیادی دیگری را مسدود کردند که برخی کارکنان فاسد با استفاده از آن و تحمیل هزینه اضافی به دولت، ثروت هنگفتی برای خود دست‌وپا می‌کردند.

اصلاح بنادر و مساله عجیب محافظان دروازه‌های ورودی بنادر و سند پیگیری محموله

زیرساخت‌های بنادر نیجریه درست همانند زیرساخت‌های بنادر سایر کشورهای در حال توسعه به‌شدت ناقص است. به‌رغم موج اول اصلاحات بنادر در دوره دوم ریاست جمهوری اوباسانجو که با موفقیت کامل امتیاز کنترل بنادر را در اختیار متصدیان خصوصی قرار داد، اما به نظر می‌رسید مشکلات دیگری مانند تراکم شدید رفت‌وآمد کشتی‌ها، رویه‌های به هم پیچیده ترخیص کالا و فساد مجدداً پدیدار شده‌اند. بندر لاگوس (آپا^۱) یکی از شلوغ‌ترین و پرترافیک‌ترین بنادر نیجریه بود.

در دومین ماه حضورم در وزارت دارایی، سپتامبر ۲۰۱۱، اعضای بخش خصوصی نیجریه به‌ویژه انجمن تولیدکنندگان نیجریه^۲ توجه گروه مدیریت اقتصادی دولت را به مساله تراکم ترافیک بنادر جلب کرد که یکی از موانع بزرگ کسب‌وکارشان بود. آنها از تاخیرهای مفرط ترخیص کالا در بنادر، فرآیندهای اجرایی ناکارآمد در تعدادی از دفاتر نمایندگی دولت و درخواست رشوه کارکنان این دفاتر شکایت داشتند که همگی هزینه انجام کسب‌وکار را افزایش می‌داد. رسیدگی به این شکایات و برطرف کردن آنها

1. Apapa

2. Manufacturers Association of Nigeria (MAN)

می‌توانست یک بُرد سریع برای دولت به حساب بیاید.

تیم مدیریت اقتصادی این مساله را بررسی کرد و اعضای بخش خصوصی نیز تایید کردند که تداوم این وضعیت برای آنها بسیار دشوار است. از این رو، رئیس‌جمهور تصمیم گرفت برای ارزیابی این مسائل و یافتن راه‌حل‌های مناسب یک گروه ضربت خاص ریاست جمهوری تشکیل دهد و سناتور ایدریس عمر^۱، وزیر حمل‌ونقل و من را به عنوان روسای مشترک این کارگروه انتخاب کرد. رئیس‌جمهور همچنین از میان اعضای گروه مدیریت اقتصادی، استاد سیلویستر مونی^۲ که مشاورش در حوزه نظارت بر عملکرد بود و همچنین برخی مقامات بخش خصوصی و سایر آژانس‌ها را به عنوان اعضای این کارگروه انتخاب کرد.

من و وزیر حمل‌ونقل به سرعت این کارگروه را تشکیل دادیم و کمیته فنی اجرایی خاصی را به ریاست استاد سیلویستر مونی برای رسیدگی به ماهیت فنی و دشواری‌های برخی مسائل ایجاد کردیم. این کارگروه ویژه رئیس‌جمهور در ماه‌های سپتامبر و اکتبر سال ۲۰۱۱ جلساتی را با کاربران بنادر و سایر گروه‌های ذی‌نفع تشکیل داد و دریافت که ترخیص کالا از بنادر نیجریه به‌طور میانگین در حدود ۳۹ روز طول می‌کشد؛ آن هم در عصری که ترخیص کالا در سایر کشورهای جهان معمولاً ۲۴ تا ۴۸ ساعت انجام می‌شود. واضح است که چنین اختلاف بزرگی قابل قبول نبود.

ما در مرحله اول تصمیم گرفتیم تا در مدت ۱۲ ماه زمان ترخیص کالاها را به هفت روز کاهش دهیم و تصمیم داشتیم تا در مرحله بعد زمان ترخیص کالا را در بلندمدت به ۴۸ ساعت برسانیم. فهرستی از مشکلات موجود آماده و در سه دسته مشکلات کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت دسته‌بندی کردیم. برای حل این مشکلات راه‌حل‌های سیاسی طراحی کردیم، سازمان‌ها یا نهادهایی را مسئول اجرای این راه‌حل‌ها گذاشتیم و جدول زمانی مشخصی را برای پیاده‌سازی پیشنهاد دادیم.

در برخی مسائل روی مشکلاتی تمرکز کردیم که راه‌حل‌های کوتاه‌مدتی داشتند و می‌توانستند موفقیتی سریع برای دولت به حساب آیند. یکی از مشکلات، چندگانگی آژانس‌ها حاضر در بنادر بود که هر یک از ایستگاه بازرسی خاص خود را داشت و به همین دلیل پیشنهاد دادیم تعدادشان از سیزده به هفت سازمان کاهش یابد. مساله

1. Idris Umar

2. Sylvešter Monye

دوم مشکل گروه ضربت خدمات گمرکی بود که در خارج از دروازه‌های ورودی بنادر به گشت‌زنی مشغول بود و بنا به گزارش‌ها کامیون‌هایی که محموله‌ها را از بنادر خارج می‌کردند بار دیگر بازرسی می‌کرد و با اذیت و آزار صاحبان محموله‌ها و رانندگان خودروهایی باربری، درخواست رشوه می‌کرد؛ به همین دلیل پیشنهاد دادیم تا این گروه ضربت بلافاصله منحل شود. مساله سوم ساعت کاری بسیار کم (۹ صبح تا ۴ بعدازظهر) دو دفتر نمایندگی دولتی اصلی حاضر در بنادر یعنی سازمان خدمات گمرکی نیجریه و سازمان مدیریت عملکرد خطوط حمل و نقل و پایانه‌ای بود که تاخیر زیادی در کار دسته‌ای از کاربران این بنادر ایجاد می‌کردند که در خارج از این ساعات نیاز به تعامل مستقیم با این سازمان‌ها داشتند و به همین دلیل پیشنهاد دادیم تا این سازمان‌ها همانند سایر کشورهای دیگر در تمام ۲۴ ساعت شبانه‌روز عملیاتی باشند و خدمات ارائه کنند.

چهارمین مساله این بود که واردکنندگان از عملکرد رژیم در ارتباط با سند پیگیری محموله^۱ بسیار خشمگین بودند و ادعا داشتند که هزینه اضافی در ازای خدمات تکراری از آنها دریافت می‌کنند. واردکنندگان مدعی بودند که سازمان خدمات گمرکی نیجریه فعلا نیز محموله‌ها را از مبدا تا مقصد پیگیری می‌کند و در نتیجه هیچ دلیلی وجود ندارد که سازمان بنادر نیجریه^۲ مجددا این هزینه را دریافت کند. پس از بازرسی دریافتیم که مجموع سالانه این هزینه‌ها حدود ۶ میلیون دلار می‌شود که مبلغ قابل توجهی بود. در طول دوره حضورم در وزارت دارایی هرگز ندیده بودم که چنین مبلغی به حساب خزانه واریز شود و حتی از وجود نظام سند پیگیری محموله نیز اطلاعی نداشتم. در نتیجه، پیشنهاد دادیم تا نظام سند پیگیری محموله نیز بلافاصله منسوخ شود.

در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱، من و وزیر حمل و نقل یادداشتی را برای رئیس جمهور ارسال کردیم که در آن به مشکلات کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت بنادر نیجریه اشاره و راه‌حل‌هایی نیز برای این مشکلات ارائه کرده بودیم و از ایشان درخواست داشتیم تا اجرای این راه‌حل‌ها را تصویب کند. رئیس جمهور در ۸ اکتبر همان سال درخواست ما را تایید کرد و ما نیز بلافاصله پس از تصویب ریاست جمهوری اقدامات لازم برای اجرای بی‌درنگ این راه‌حل‌ها را اعلام کردیم.

1. Cargo Tracking Note (CTN)
2. Nigerian Ports Authority (NPA)

سپس مشکلات آغاز شد. نامه ناشناسی دریافت کردم که در آن نوشته شده بود این اصلاحات نامناسب و مضر است و باید لغو شوند. اطلاع پیدا کردم که برخی سازمان‌ها مانند سازمان استاندارد نیجریه^۱ و سازمان‌های دیگری که به آنها ابلاغ شده بود تا از بنادر خارج شوند و برای انجام مسئولیت‌های خود از خارج از بنادر ترتیبات مشارکتی جایگزین را با سازمان گمرک نیجریه^۲ ایجاد کنند، به هیچ‌وجه از این وضعیت راضی نبودند و با لابی‌گری در دولت برای بازگشت به بنادر تلاش می‌کردند.

افراد ناخشنود بسیاری که منافع خاصی داشتند من را نوک پیکان اصلاحات به حساب آوردند و سرزنش کردند. تعدادی از کمیته‌های مختلف مجلس که منافع در بنادر و مشکلات حمل‌ونقل دریایی داشتند، جلسات مختلفی را در این باره برگزار کردند. آنها هرگز من را برای حضور در این جلسات دعوت نکردند، اما شنیده‌ها حاکی از آن بود که انحلال نظام پیگیری محموله‌های سازمان بنادر نیجریه دلیل اصلی این ناراضی‌های خاص بوده است. برخی اعضای این کمیته‌های مجلس در کانال‌های رادیویی و تلویزیونی من را به دلیل اقداماتی که در راستای اصلاح امور بنادر انجام داده‌ام به باد انتقاد گرفتند. فشار مخالفان روی کارگروه ویژه رئیس‌جمهور همچنان ادامه یافت تا اصلاحات را لغو کنند، اما ما تسلیم نشدیم و کمیته فنی اجرایی به رهبری سیلوستر مونی به کارش ادامه داد.

در حدود شش هفته پس از آغاز اصلاحات، اوایل دسامبر ۲۰۱۱، پیامی از یکی از دستیاران ارشد رئیس‌جمهور دریافت کردم که از من خواسته بود تا هر زمان که به ویلای ریاست جمهوری آمدم به دفترش مراجعه کنم و ملاقاتی با او داشته باشم. این فرد یکی از مهم‌ترین افراد حاضر در ویلای رئیس‌جمهوری بود و به همین دلیل روز بعد به دفترش رجوع کردم. این دستیار ارشد رئیس‌جمهور به من گفت که اصلاحات بنادر و به‌ویژه لغو سند پیگیری محموله، افراد بسیاری را ناراضی کرده است و از من درخواست کرد (درواقع به من توصیه کرد) که این سیستم را به همان حالت قبلی بازگردانم. از این امر بسیار ناامید و نگران شدم زیرا اگر این مساله توانسته است توجه این مقام عالی‌رتبه را به خود جلب کند یعنی این افراد ناراضی، بسیار بانفوذ و قدرتمند هستند. من منشأ اصلاحات بنادر، ایجاد کارگروه ویژه رئیس‌جمهور و اقدامات اجرایی مصوب

1. Standards Organization of Nigeria (SON)

2. Nigeria Customs Service (NCS)

ایشان را به این مشاور توضیح دادم. ما با اجرای اقدامات اصلاحی در واقع دستورات رئیس جمهور را انجام می‌دادیم. او گفت سخنان من را درک می‌کند اما به‌رغم همه این مسائل بهتر است راهی برای برقراری مجدد سند پیگیری محموله بیابم. من دفتر او را با وضعیتی بسیار نگران و به‌هم‌ریخته ترک کردم. قرار گرفتن در جبهه مخالف افرادی که تا این حد در مقامات رده‌بالا نفوذ داشتند، واقعا ناراحت‌کننده بود. می‌دانستم که عملکردهایم عواقبی دارد، اما در عین حال این را نیز می‌دانستم که ابدأ نمی‌توانم از این اصلاحات مهم به عقب بازگشت. کاملا مشخص است که این ۶ میلیون دلار درآمد حاصل از نظام سند پیگیری محموله سازمان بنادر نیجریه که به حساب خزانه‌داری نیز واریز نشده باید به جیب افراد بانفوذی رفته باشد.

صبح روز بعد از ملاقات با دستیار ارشد رئیس جمهور، پیامدهای عملکرد من به تدریج پدیدار شد. این امتیاز به من اعطا شده بود تا به عنوان یکی از وظایف روزانه‌ام در مراسم دعای صبحگاهی و سخنرانی مذهبی ویلای ریاست جمهوری شرکت کنم و در کنار رئیس جمهور و خانواده‌اش و تعدادی از دوستان بسیار صمیمی حاضر باشم. این مراسم روشی برای کسب توان لازم برای هر روز کاری دشوار بود. مراسم دعای صبحگاهی معمولا ساعت ۶ صبح آغاز می‌شد و به همین دلیل در حدود ساعت ۵:۴۵ به دروازه کاخ ریاست جمهوری می‌رسیدم و طبق معمول با دستم اجازه ورود می‌خواستم.

اما آن روز صبح زمانی که خواستم از دروازه‌ها عبور کنم کسی آنها را به رویم باز نکرد و به من گفته شد که نمی‌توانم وارد ویلا شوم. ماشین را عقب بردم و علت این مساله را پرسیدم. تنها پاسخی که دریافت کردم این بود که به دربان‌ها دستوراتی داده شده تا به من اجازه ورود به ویلا و شرکت در دعای صبحگاهی را ندهند. ابتدا اندکی با آنها بحث و جدل کردم، اما دریافتم که این کار هیچ ثمری ندارد و در نتیجه به خانه بازگشتم. آن لحظه تصور می‌کردم که احتمالا اشتباهی رخ داده است و دیگر به آن فکر نکردم.

اما در سه روز پس از آن نیز به من اجازه ورود به ویلا و شرکت در دعای صبحگاهی داده نشد. روز سوم، افسران امنیتی دروازه ویلا که همگی من را به خوبی می‌شناختند به من گفتند: «وزیر محترم، به نظر ما بهتر است در این مورد با دستیار ارشد رئیس جمهور صحبت کنید [همان فردی که از من درخواست کرده بود تا نظام سند پیگیری محموله را

بار دیگر برقرار کنم].^۱ اینجا بود که متوجه ماجرا شدم.

زمانی که به آقای جان کندی اوپارا^۱ یکی از دوستانم در مراسم دعای مذهبی تماس تلفنی برقرار کردم و وضعیت را توضیح دادم، گفت این مساله را با کشیش ویلا بررسی می‌کنند و میان من و دستیار ارشد رئیس جمهور وساطت خواهند کرد.

پس از اینکه برای بار چهارم به ویلا رفتم و به من اجازه ورود ندادند، این مساله را موقتا به فراموشی سپردم و به جای آن روی آماده‌سازی مقدمات سفر آینده مادام کریستین لاگارد^۲ مدیرعامل صندوق بین‌المللی پول به نیجریه در ۱۸ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۱۱ تمرکز کردم. بزرگ‌ترین دغدغه ذهنی من تضمین این نکته بود که در بحبوحه بحث‌و‌جدل‌های شدید مقامات دولتی بر سر حذف یارانه‌های نفتی، رسانه‌ها و نیروهای ضددولتی تفسیر اشتباهی از سفر مادام لاگارد به مردم ارائه نکنند و مدعی نشوند که مقامات صندوق بین‌المللی پول برای دولت تعیین تکلیف می‌کنند که با یارانه انرژی چه کاری باید انجام دهد. مادام لاگارد نیز به همین اندازه نگران بود که هدف سفرش به وضوح به مردم توضیح داده شود و همه بدانند که او برای بازبینی اصلاحات اقتصاد کلان و بررسی رشد اقتصادی ما و تشویق و حمایت از این اصلاحات به نیجریه سفر می‌کند.

این سفر به‌خوبی پیش رفت و مادام لاگارد با اعضای گروه مدیریت اقتصادی، بانک مرکزی و سایر مقامات مهم دولتی دیدار کرد. او برنامه‌ریزی کرده بود تا در آخرین روز سفرش، ۲۰ دسامبر با رئیس‌جمهور دیدار کند.

برای دیدار مقامات ارشد، معمولاً پروتکل‌ها و توافق‌نامه‌های بسیاری باید در نظر گرفته شود، خاصه زمانی که فرد بازدیدکننده همانند مادام لاگارد رئیس یک سازمان بین‌المللی باشد. یکی از این پروتکل‌ها این است که این افراد رده‌بالا برای ملاقات با رئیس‌جمهور باید از درب مخصوص سران دولت به ویلا وارد شوند. از آنجا که قرار بود مادام لاگارد نیز از این دروازه به ویلا وارد شود از کارکنانم خواسته بودم تا آماده بودن همه تدارکات لازم را مجدداً بررسی کنند و آنها نیز پس از بررسی مجدد به من اطمینان دادند که همه‌چیز طبق برنامه آماده است.

اما وقتی کاروان خودروهای همراه خانم لاگارد به این دروازه رسید به آنان اجازه ورود به ویلا داده نشد. من که از این موضوع بسیار شرمگین شده بودم، تلاش کردم تا با

1. John Kennedy Opara

2. Madame Christine Lagarde

پرسش از محافظان امنیتی علت این ماجرا را دریابیم. آنها گفتند که هیچ دستوری برای ورود این خانم از این دروازه دریافت نکرده‌اند و ما باید از دربی وارد شویم که مخصوص فرمانداران دولتی، برخی وزرا و سایر افراد عالی‌رتبه است. در همین لحظه نیز تاخیر داشتیم، به همین دلیل از مادام لاگارد عذرخواهی کردم و گفتم که احتمالاً اشتباهی رخ داده است و از رانندگان خواستم تا خودروها را به سوی دروازه دیگر ببرند.

زمانی که به آنجا رسیدیم باز هم به ما اجازه ورود ندادند. در این لحظه دیگر کاملاً مشخص بود که هیچ سوءتفاهم و خطای سهوی رخ ن داده است و این رفتار کاملاً عمدی و آگاهانه است. به ما گفتند که باید به درب عمومی بازگردیم که همه از آن رفت‌وآمد می‌کنند، خودروها را آنجا پارک کنیم و سپس راهروهای ویلا را پیاده طی کنیم تا به اتاق جلسه رئیس‌جمهور برسیم که انجام این کار معمولاً پنج دقیقه طول می‌کشد. چنین رفتاری با فردی عالی‌رتبه و هم‌تراز با رئیس کشور بی‌سابقه بود. کریستین با توجه به هوش و ذکاوت بالایی که داشت به خوبی دریافته بود که مشکلی وجود دارد، اما دقیقاً نمی‌دانست که چه اتفاقی رخ داده است. با شوخ‌طبعی و وقار کامل با این وضعیت برخورد کرد و به من گفت برای اهمیت آنچنانی ندارد که از چه دروازه‌ای وارد می‌شود یا چند دقیقه باید برای دیدار با رئیس‌جمهور پیاده‌روی کند، تنها مسأله مهم دیدار با رئیس‌جمهور است. تا اینجا ما در حدود ده دقیقه تاخیر داشتیم. در نهایت، توانستیم در این جلسه حاضر شویم.

هنگامی که رئیس‌جمهور از ما سوال کرد که آیا مشکلی پیش آمده است یا خیر، خانم لاگارد با شوخ‌طبعی پاسخ داد: «جناب رئیس‌جمهور، هنگام ورود از دروازه‌های ویلا با اندکی ناهماهنگی مواجه شدیم و در نهایت مجبور شدیم پیاده به اتاق جلسه بیایم، اما این مسأله در عین حال فرصتی برای من فراهم کرد تا ویلا زیبای شما و باغ‌های دوست‌داشتنی آن را ببینم.» رئیس‌جمهور نگاهی متعجب و متحیر به ما انداخت، سپس لبخندی زد و جلسه را آغاز کرد. هرگز به خانم کریستین لاگارد یا رئیس‌جمهور نگفتم که می‌دانستم ماجرای آن روز چه بود. آنگونه که بعدها برای جان‌کنندی یکی از دوستان مراسم دعای صبحگاهی توضیح دادم، «ماجرای دروازه ورودی» که از عواقب حذف سامانه سند پیگیری محموله بود، تا به امروز نیز برای من تکان‌دهنده است. همچنان نمی‌توان باور کرد که افرادی در کشور وجود دارند که به دلیل منافع شخصی خود می‌توانند چنین ملاقات رده‌بالا و مهمی برای اقتصاد کشور را به خطر بیندازند. جان

کندی و کشیش ویلا در نهایت توانستند این دستیار ارشد رئیس‌جمهور را متقاعد کنند تا از این شیوه‌های خود دست بکشد و به او توضیح دادند که اگر از ورود من به ویلا در لحظات حساسی جلوگیری شود که رئیس‌جمهور به من نیاز دارد، این شیوه‌ها می‌تواند نتیجه معکوسی برای وی به همراه داشته باشد. سرانجام، فشار ناشی از لغو سند پیگیری محموله به تدریج از بین رفت، اما من تا انتهای این دوره ریاست جمهوری همچنان نگران این موضوع بودم.

فصل ۷

ضد فمینیست‌ها، قوم‌گرایان متعصب و ایدئولوگ‌های اقتصادی و سیاسی

بسیاری از مخالفان و دشمنان من سیاست‌مداران و کارمندان دولتی فاسد و سایر افراد دارای منافع خاص بودند که مطابق توضیحاتی که در فصول پیشین دادم، روش‌های قدیمی و مبهم انجام امور در نیجریه را می‌پسندیدند. اما در عین حال اقلیت کوچکی از نخبگان نیز در نیجریه بود که شخصیت من و دیدگاهی که نماینده آن بودم را به هیچ‌وجه دوست نداشت.

ضدفمینیست‌ها از ایده زنی که با نظارت و کنترل امور مالی کشور بتواند «قدرت بی‌حد و حصر و ناروایی در اختیار داشته باشد»، به شدت ناراضی بودند. برخی متعصبان قوم‌گرا نیز ناراحت بودند که چرا فردی مثل من که به قوم ایگبو تعلق دارد، چنین مقام قدرتمندی را در اختیار گرفته است، درحالی‌که به باورشان این مقام قدرتمند باید به گروه قومی خودشان «تعلق» داشته باشد. همچنین ایدئولوگ‌های سیاسی و اقتصادی خاصی نیز بودند که از نظرشان سابقه فعالیت من در بانک جهانی گناه بزرگی به حساب می‌آمد. این منتقدان غالباً با دشمنان فاسد ترکیب می‌شدند و سر و صدایشان را تشدید می‌کردند، اما اگر نقش این منتقدان طی دوران خدمتم در حکم وزیر دارایی را بررسی نکنم، گزارش من از این دوران ناقص می‌ماند.

ضدفمینیست‌ها

هرکجا که مسائل زنان و جنسیت اهمیت داشته باشد، تناقض عجیبی را در نیجریه شاهد هستیم. چنانکه در کتاب پروفیسور بلانلی آوبا عنوان زنان پیشگام و برجسته نیجریه بیان شده در این کشور زنان تحصیل‌کرده و موفق بسیار زیادی وجود دارند¹. همچنین فعالیت اجتماعی زنان در این کشور نیز سابقه دیرینه‌ای دارد و فعالیت اجتماعی آنها از اواخر سده هجدهم آغاز شده و در سراسر سده‌های نوزدهم و بیستم و اوایل سده بیست و یکم تداوم داشته است. در این دوران، ظهور زنان برجسته بسیاری را شاهدیم که از این میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نانا آسامو² شاعر فولانی تبار که دختر شهو اوتمان دان فودیو³ بنیانگذار حکومت سوکوتو و رهبر مجاهدین فولانی در نیجریه بود، اولوفانمیلایو رنسام کوتی⁴ زن سلحشور و بزرگ، مربی و قهرمان افسانه‌ای حقوق زنان نیجریه و در عین

1. Bolanle Awe, *Nigerian Women Pioneers and Icons* (Ibadan, Nigeria: Childsplay Books, 2016).

2. Nana Asmau

3. Shehu Uthman Dan Fodio

4. Olufunmilayo Ransome-Kuti

حال مادر یکی از نوازندگان بسیار فعال نیجریه یعنی فلا آنیکولاپو کوتی^۱ بود، فلورا نوایا نواکوچی^۲ یکی از برجسته‌ترین رمان‌نویسان و قهرمان حقوق زنان نیجریه که هم‌دوره چینوا آچه^۳ و ولی سویینکا^۴ بود، کوفوورولا آدمولا^۵ متولد سال ۱۹۱۳ و یکی از اولین زنان نیجریه‌ای که به دانشگاه آکسفورد راه یافت، مادر خود من استاد کامنه اوکونجو^۶ و هم‌دوره‌های او مانند استاد بلانلی آو و استاد گریس آلهله و یلیامز^۷ که در دهه ۱۹۳۰ به دنیا آمدند و به بالاترین درجات علمی دست یافتند و مدرک دکترای خود را گرفتند و استاد دانشگاه، روسای ادارات دولتی و حتی روسای دانشگاه (استاد آلهله و یلیامز) شدند و چیماماندا نگوزی آدیچی^۸ رمان‌نویس و مولف و مفسر سیاسی که جوایز جهانی گرفته و مورد تحسین تمام مردم جهان است.

زنان نیجریه‌ای کارآفرین نیز بوده‌اند. بسیاری از این زنان کسب‌وکارهای خود را راه انداخته‌اند که شامل کسب‌وکارهای خرد در بخش غیررسمی نیز می‌شود. مطابق برآوردها حدود ۳۲ میلیون شرکت رسمی و غیررسمی متوسط و کوچک در کشور وجود دارد که مالکیت بیش از نیمی از این شرکت‌ها به زنان نیجریه‌ای تعلق دارد، همچنین زنان نیجریه بیش از ۶۰٪ نیروی کار کشاورزی این کشور را تشکیل می‌دهند.

با این حال، به‌رغم سال‌ها سرمایه‌گذاری در بخش توسعه حقوق انسانی و برخی پیشرفت‌ها، این کشور همچنان یکی از بدترین آمار وضعیت زنان را دارد. نیجریه یکی از بالاترین نرخ‌های مرگ‌ومیر مادران هنگام وضع حمل در جهان را دارد. مطابق پیش‌بینی‌ها نرخ مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان در این کشور ۸۱۴ مورد در هر ۱۰۰ هزار زایمان است که تقریباً چهار برابر میانگین جهانی یعنی ۲۱۶ در هر ۱۰۰ هزار زایمان و بسیار بالاتر از میانگین کشورهای واقع در جنوب صحرای آفریقا است که ۵۴۷ در هر ۱۰۰ هزار زایمان برآورد شده است^۹. این مساله به معنای آن است که در نیجریه

1. Fela Anikulapo-Kuti

2. Flora Nwapa Nwaku

3. Chinua Achebe

4. Wole Soyinka

5. Lady Kofoworola Ademola

6. Kamene Okonjo

7. Grace Alele-Williams

8. Chimamanda Ngozi Adichie

9. United Nations, Maternal Mortality in 1990–2015, http://www.who.int/gho/maternal_health/countries/nga.pdf.

تقریباً روزانه ۱۵۸ زن جان خود را به دلیل شرایط ناشی از بارداری و وضع حمل از دست می‌دهند که تقریباً معادل یک زن در هر نُه دقیقه است.

همچنین نرخ بیسوادی زنان در این کشور ۵۰/۳٪ است، درحالی‌که این نرخ در میان مردان ۳۰/۸٪ برآورد شده است. در این مورد میان شمال و جنوب کشور تفاوت آشکاری وجود دارد. نرخ بیسوادی زنان در شمال کشور حدود ۶۹/۳٪ است، درحالی‌که این نرخ در جنوب کشور معادل ۳۲/۱٪ محاسبه شده است.^۱ در ایالتی مانند بورنو در شمال شرق نیجریه که گروه تروریستی بوکو حرام^۲ در آن منطقه فعالیت دارد و زنان را از جامعه جدا کرده‌اند تا از تحصیل‌شان جلوگیری کنند، نرخ بیسوادی زنان به رقم نگران‌کننده و تکان‌دهنده ۹۰٪ می‌رسد! بودن ۲۷۶ دختر از مدرسه چیپوک^۳ از سوی گروه بوکو حرام در آوریل سال ۲۰۱۴ (به پیوست C رجوع کنید) توجه کشورهای جهان را به خطراتی جلب کرد که در بخش‌های مختلف این کشور پیش روی دختران و زنان جویای تحصیلی قرار دارد. با این حال، برای بهبود وضعیت زندگی و سلامت فقرا و خانواده‌های‌شان و نجات‌شان از فقر، تحصیل دختران یکی از ضرورت‌های اساسی به حساب می‌آید. با توجه به پژوهش‌های متعددی که تاثیر بزرگ و مثبت تحصیل دختران و زنان بر رفاه و رفتار فرزندان‌شان را نشان داده‌اند، برای افزایش احتمال نپیوستن جوانان به گروهک‌های شبه‌نظامی و افراطی، مبارزه با نرخ بالای بیسوادی زنان در ایالت بورنو بسیار ضروری است.

این نابرابری‌های جنسیتی به معنای آن است که در این کشور بیش از ۵۲٪ از ۱۰ میلیون کودک و نوجوانی که به مدرسه نمی‌روند دختر هستند و تفاوت شمال و جنوب درخصوص این مساله کاملاً جدی است. بیشتر دخترانی که به مدرسه نمی‌روند در ایالات شمالی زندگی می‌کنند. مقاله‌ای که گوردون براون نخست‌وزیر سابق بریتانیا و نماینده ویژه سازمان ملل در حوزه آموزش و پرورش منتشر کرد به خوبی نشان داد که در مناطق روستایی شمال نزدیک به ۳۴٪ از دختران و ۲۵٪ از پسران به مدرسه نمی‌روند، درحالی‌که در مناطق روستایی جنوب فقط ۴٪ از دختران و ۳٪ از پسران از تحصیل محروم‌اند.^۴

1. UNESCO, High-Level International Round Table on Literacy, Paris, 6-7, September, National Literacy Action Plan for 2012–2015: NIGERIA., <http://www.unesco.org/new/fileadmin/multimedia/HQ/ED/pdf/Nigeria.pdf>.

2. Boko Haram

3. Chibok

4. Office of the UN Special Envoy for Global Education, Accelerating Progress to 2015—Nigeria, April 2013. <http://educationenvoy.org/wp-content/uploads/2013/07/Nigeria-UNSE-FINAL.pdf>.

این آمار وحشتناک آموزش و پرورش زنان با این ذهنیت خاص مردان این کشور هماهنگ است که به زنان اجازه فعالیت اقتصادی می‌دهند تا در تامین مخارج خانواده مشارکت داشته باشند و در واقع حتی برخی گروه‌های قومی مانند ایگبو و یوروبای زنان را به این کار تشویق می‌کنند یا از آنها انتظار دارند در این امر مشارکت کنند، اما در عین حال در برابر ایده اعطای فرصت‌های برابر به زنان یا کسب نقش‌های قدرتمند یا پرنفوذ در حوزه سیاسی یا دولتی برای زنان مقاومت می‌کنند. در کابینه اولی که در نقش وزیر دارایی خدمت می‌کردم، سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ رئیس‌جمهور اولوسگون اوباسانجو با افزایش درصد زنان شاغل در دولت از ۸٪ در دوره اول ریاست جمهوری خود (سال‌های ۲۰۰۲-۱۹۹۹) به ۱۶٪ در دوره دوم خبرساز شد و خشم زیادی را برانگیخت. ایشان همچنین زمانی که من را به سمت وزیر دارایی انتخاب کرد و زنان دیگری را برای ریاست وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و مسکن و توسعه شهری برگزید، برای اولین بار در تاریخ این کشور سمت‌های مهم را به زنان داد. یکی از دلایل مخالفت خشمگینانه برخی گروه‌های نخبه با دولت رئیس‌جمهور گودلاک جاناتان، حمایت او از زنان و ارتقای جایگاه آنان در جامعه بود. رئیس‌جمهور جاناتان حتی بسیار بیش‌تر از رئیس‌جمهور اوباسانجو در این زمینه پیش رفت.

ایشان تعداد زنان حاضر در کابینه را دو برابر کرد و به رقم بی‌سابقه ۳۲٪ رساند و به آنها سمت‌های مختلفی داد که در نظر عموم بسیار قدرتمند و بانفوذی به حساب می‌آمدند. بنابراین، زنان ریاست وزارتخانه‌های دارایی، منابع نفتی، دفاع، حمل‌ونقل هوایی، آموزش و پرورش، مسکن و توسعه شهری و منابع آبی را در دست گرفتند. او برای اولین مرتبه در تاریخ این کشور ریاست دیوان عدالت دولت فدرال نیجریه را به یک خانم یعنی قاضی آلوما مریم مختار^۱ داد. سیاست‌مداران و مفسران مرد غالباً مدعی بودند که در این دولت قدرت بیش از حدی به زنان داده شده است و متأسفانه همه وزرای زن نیز نمی‌توانند از قدرت خود به‌خوبی یا خردمندانه استفاده کنند. این سوگیری ذهنی نسبت به قدرت بیش از حد زنان تداوم داشت و زمانی که رئیس‌جمهور در مجلس شورای ملی طرح بودجه سال ۲۰۱۳ را اعلام می‌کرد مقامات دولتی مستقیماً این ذهنیت خود را ابراز کردند.

با حمایت رئیس‌جمهور رویکرد بودجه‌ریزی جنسیت‌محوری را آغاز کرده بودم که

1. Aloma Mariam Mukhtar

در آن بخش کوچک و ویژه‌ای از بودجه معادل ۲۱ میلیون دلار برای تشویق وزارتخانه‌ها در نظر گرفته شده بود تا به صورت داوطلبانه برنامه‌ها و پروژه‌هایی را در برنامه کاری خود در نظر بگیرند که مزایای ویژه‌ای برای زنان دارند یا در صورت چنین پروژه‌هایی در برنامه کاری این وزارتخانه‌ها، چنین برنامه‌هایی را گسترش دهند. اما وقتی رئیس‌جمهور در سخنرانی بودجه خود این برنامه آزمایشی را اعلام کرد، نمایندگان مرد مجلس با شنیدن این خبر او را هو کردند، درحالی‌که تعداد اندک نمایندگان زن حاضر در مجلس تشویقش کردند.

البته، یکی از دلایل خشم این نمایندگان خود من بودم زیرا نه تنها «کنترل» روند تخصیص بودجه در دست من بود، بلکه سمت اضافی دیگری با عنوان وزیر هماهنگی اقتصاد به من داده شده بود که پیش از این و در تاریخ این کشور هیچ‌یک از اعضای کابینه چنین سمتی را نداشت.

هدف رئیس‌جمهور از حمایت از این سمت، در اختیار داشتن فردی بود که بتواند در پرکردن شکاف مسائل اقتصادی میان بخش‌های مختلف دولت به وی کمک کند، شکاف‌هایی که برطرف‌کردنشان غالباً به همکاری وزرای وزارتخانه‌های مختلف نیاز دارد تا بتوانند به نتایج مطلوب دست پیدا کنند، اما اغلب این وزرا موفق به انجام این کار نمی‌شدند. در فضای حکمرانی خاصی که روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود، برای دستیابی به آثار مورد نظر به هماهنگی وزرای وزارتخانه‌های مختلف نیاز است.

همان‌طور که این سمت روزبه‌روز جایگاه باثبات‌تری بین اعضای دولت پیدا می‌کرد و رئیس‌جمهور و دیگران به تدریج من را «وزیر هماهنگی اقتصاد» خطاب می‌کردند، این تصور اشتباه در ذهن برخی افراد پدیدار شد که هدف از اعطای این قدرت اضافی به من نظارت و سرپرستی بر کار سایر وزرا است، در صورتی که ابداً چنین هدفی برای این سمت در نظر نگرفته شده بود. تفاوت زیادی میان هماهنگ‌سازی و سرپرستی وجود دارد. کسانی که از من بیزار بودند در مطبوعات نسبت به شغلم اغراق می‌کردند و من را «نخست‌وزیر» می‌نامیدند که با این کار به خشم عمومی نسبت به این سمت دامن می‌زدند و حتی بعضی همکارانم را نیز بر علیه من تحریک می‌کردند. این پوشش خبری منفی در یکی از مقالات یوشاو شعیب^۱ که هم کارمند دولت و هم یک روزنامه‌نگار پاره‌وقت بود به خوبی منعکس شده است:

همچنان تعجب می‌کنم که چطور وزیر هماهنگ‌کننده اقتصاد و وزیر محترم دارایی خانم دکتر نگوزی اوکونجو اویالا در مرکز این توفان انتقادات تند قرار گرفته است. عنوان باشکوه این خانم برخلاف آنچه که برخی تصور می‌کنند یک سمت زائد نیست. از آنجا که این خانم اولین فرد در تاریخ نیجریه است که به چنین سمتی منصوب شده، چه بسا برخی تصور کنند که سمت او با سمت نخست‌وزیر برابر است و وظیفه نظارت و سرپرستی بر کار سایر وزارتخانه‌ها و دپارتمان‌ها و آژانس‌ها و اموری مانند تخصیص بودجه و مخارج درآمدی آنها را بر عهده دارد. او از هر نظر پس از رئیس‌جمهور جاناتان و معاون اول رئیس‌جمهور نمدی شامبو^۱ قدرتمندترین فرد کابینه است.^۲

به دنبال شکست دولت گودلاک جاناتان در انتخابات، زنان به «جایگاه اولیه» خود بازگشتند. بار دیگر درصد زنان حاضر در کابینه دولت به ۱۶٪ کاهش یافته است. درصد زنان حاضر در مجلس شورای ملی نیز از رقم ناراحت‌کننده ۷٪ در دولت پیشین به ۵/۶٪ کاهش یافت، آن هم در زمانی که درصد نمایندگان زن در مجالس کشورهای آفریقایی در حدود ۲۴٪ است و حتی از میانگین جهانی یعنی ۲۱٪ نیز فراتر رفته است.^۳

متعصبان قوم‌گرا

حکمرانی و اداره کشور نیجریه آنچنان پیچیده است که شاید اکثر مردم جهان قادر به درک پیچیدگی آن نباشند. در این کشور که بیش از ۱۹۰ میلیون نفر جمعیت دارد، بیش از ۳۵۰ زبان (و گروه‌های قومی) مختلف وجود دارد. مردم هر قوم نمی‌توانند زبان قوم دیگر را درک کنند زیرا این زبان‌ها متقابلاً قابل‌درک نیست. بنابراین، زبان رایجی که برای ارتباطات میان اقوام مختلف استفاده می‌شود زبان انگلیسی یا زبان انگلیسی شکسته است که نسخه رایج‌تر این زبان به حساب می‌آید. سه زبان و گروه قومی بزرگ در نیجریه دست بالا را دارند و تقریباً اندکی بیشتر از دو سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند که عبارتند از: هاسا-فولانی^۴ در شمال کشور و ایگبو^۵ و یوروباس^۶ در جنوب.

1. Namadi Sambo

2. Yushau Shuaib, "Ngozi Okonjo-Iweala and the Controversial Appointments," *Premium Times*, March 6, 2013.

3. Lohini Moodley, Tania Holt, Acha Leke, and Georges Desvaux, "Women Matter: Africa," McKinsey & Co., 2016.

4. Hausa-Fulani

5. Igbo

6. Yorubas

اگرچه گروه‌های مسیحی و مسلمان قابل توجهی نیز به ترتیب در شمال و جنوب کشور حضور دارند، اما شمال عمدتاً از جمعیت مسلمان و جنوب نیز عمدتاً از پیروان مسیحی و سایر ادیان تشکیل شده است که همین مسأله اوضاع را بیش از پیش پیچیده می‌کند. به استثنای دوران ریاست‌جمهوری گودلاک جاناتان که به یکی از گروه‌های قومی اقلیت تعلق داشت، سخنرانان سه زبان قومی بزرگ این کشور، پنج‌جاه و هفت سال پس از استقلال از بریتانیا در سال ۱۹۶۰ اداره امور این کشور را در دست داشته‌اند. از آن زمان تاکنون، همزیستی این گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر، اصطلاح «نیجریه‌ای» را شکل داده است. اما این حس تعلق به نیجریه همواره با اختلافات و بی‌اعتمادی گروه‌های قومی و مذهبی مختلف به هم به چالش کشیده و تضعیف می‌شود.

سیاست‌مداران نیز پیوسته به خاطر مقاصد شخصی خودشان، نقاط گسست میان این گروه‌ها را دستکاری می‌کنند. جنگ داخلی میان نیجریه و بیافرا^۱ در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ و کودتاهای نظامی متعددی که با دهه‌ها حکومت نظامی دنبال شد، به ایجاد سرمایه اجتماعی کمکی نکرده است. تصمیم ارتش برای پایان دادن به سلطه‌اش بر کشور و وارد صحنه کردن یک افسر بازنشسته ارتش یعنی ژنرال اوباسانجو به منزله یک فرد غیرنظامی و نامزد ریاست‌جمهوری در سال ۱۹۹۹ ظاهراً عصر جدیدی را در این کشور آغاز کرده است. هنگامی که در سال ۲۰۰۰ در دولت رئیس‌جمهور اوباسانجو در حکم مشاور اقتصادی خدمت می‌کردم و متعاقباً در دوره دوم ریاست‌جمهوری او که به عنوان وزیر دارایی انتخاب شدم (سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷) احساس کردم که اتحاد بین مردم این کشور روزبه‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود و اینک مردان و زنانی وجود دارند که می‌توان آنان را نیجریه‌ای نامید.

با این حال، این حس اتحاد دیری نپایید و با سوءظن مردم شمال و جنوب در مورد احتمال کاندیداتوری رئیس‌جمهور اوباسانجو برای دور سوم ریاست‌جمهوری به سرعت در هم شکست که البته این ادعا از سوی خود رئیس‌جمهور رد شد. همچنین محرمانه نگه‌داشتن بیماری و مرگ رئیس‌جمهور اومارو و یارآدوآ که شمالی بود و تلاش‌هایی که اطرافیان این رئیس‌جمهور بیمار برای جلوگیری از جانشینی معاون اولش یعنی گودلاک جاناتان و روی کار آمدن او که جنوبی بود انجام دادند و به اقلیت‌های قومی تعلق داشت، آسیب بیشتری به این اتحاد ملی زد، به نحوی که مردم جنوب و برخی شمالی‌ها اسلحه به دست گرفتند.

وقتی گودلاک جاناتان سرانجام در سال ۲۰۱۰ رئیس‌جمهور موقت دولت شد و در سال ۲۰۱۱ نیز توانست در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شود، بعضی شمالی‌ها و اهالی جنوب غرب کشور، او را فردی غاصب به حساب می‌آوردند و با ریاست‌جمهوری وی مخالف بودند. من در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۵ که در دولت خدمت می‌کردم به وضوح احساس کردم که نیجریه تکه‌تکه شده و شکاف میان گروه‌های قومی مختلف بزرگ‌تر شده است و هیچ پیمان اجتماعی خاصی وجود ندارد که کشور را متحد نگه دارد.

در سراسر تاریخ نیجریه هر گروهی که قدرت را در دست نداشته همواره ادعا کرده است که صاحبان قدرت آنان را به حاشیه رانده‌اند، اما ظاهراً در دوران ریاست‌جمهوری جاناتان این احساس به حاشیه راندن گروه‌هایی که در قدرت نیستند به نقطه اوج غیرقابل‌کنترلی رسیده بود، حتی وقتی آمارهای منتشر شده نشان می‌دادند که دولت عمدتاً از مفاد قانون اساسی پیروی می‌کند که خواهان حضور متوازن تمام گروه‌ها در دولت فدرال هستند. این شواهد هرگز از سوی گروه‌های دیگر پذیرفته نشد و اتهامات به حاشیه راندن سایر گروه‌ها همچنان ادامه یافت. با توجه به این سابقه تاریخی، برخی حضور من در این سمت را غیرقابل‌قبول می‌دانستند زیرا من از قوم ایگبو بودم و احساس می‌کردند که وزارت دارایی باید در اختیار سایر گروه‌های قومی باشد. من نیز برای بسیاری از منتقدان یک غاصب به حساب می‌آمدم.

اضافه‌براین، اینان احساس می‌کردند که قوم ایگبو حوزه مالی را تصاحب کرده و جایی برای سایر اقوام در این حوزه باقی نگذاشته است. همین‌طور ما در گروه اقتصادی توافق کرده بودیم که دولت باید مسئولان برخی سمت‌های مشخص را براساس شایستگی و لیاقت انتخاب کند و رئیس‌جمهور جاناتان را متقاعد کرده بودیم تا برای استخدام افراد در این سمت‌ها و ایجاد مراکز عالی در دولت از روش‌های مناسب بین‌المللی تبلیغات، مصاحبه و گزینش بهترین نامزد استفاده کند و ویژگی‌های قومی را نادیده بگیرد.

مثلاً ما آگهی استخدام مدیرعامل صندوق تازه تاسیس ثروت حکومتی یا همان سازمان سرمایه‌گذاری ملی نیجریه را منتشر کردیم. برنده این فرآیند رقابتی یک نیجریه‌ای یهودی و از تبار قوم ایگبو یعنی اوچی اورجی^۱ مدیرعامل شرکت یوبی‌اس بود که تاکنون وی را هرگز ملاقات نکرده بودم. طی دورانی که در حکم وزیر دارایی خدمت می‌کردم،

این تنها شغلی بود که من در روند بررسی آن حضور داشتم و در نهایت به فردی از قوم ایگبو رسیدم.

سمت بعدی که آگهی استخدام آن منتشر و سپس پر شد، مدیرعاملی موسسه نیمه‌دولتی و نیمه‌خصوصی تازه‌تاسیسی به نام شرکت تامین مالی مجدد وام مسکن نیجریه بود.^۱ پس از یک فرآیند رقابتی دیگر، یکی از یهودیان نیجریه‌ای یعنی استاد چارلز اینیانگته^۲ از قوم ایوبو و از ایالت آکوا ایوم توانست در این رقابت پیروز شود. شغل سومی که آگهی استخدام آن را منتشر کردیم، ریاست موسسه خدمات درآمد داخلی فدرال یعنی همان اداره مالیات و درآمد نیجریه بود که باز هم یک زن یهودی نیجریه‌ای مجدداً از ایالت آکوا ایوم توانست در یک فرآیند رقابتی برنده شود، اما هرگز به او اجازه آغاز کار داده نشد. گروهی از نمایندگان مجلس شورای ملی که احساس می‌کردند اهالی جنوب کشور سمت‌های بسیاری را در دولت تصاحب کرده‌اند با موفقیت تمام مانع تایید سمت این خانم در مجلس شورای ملی شدند. جلوگیری از تایید سمت این خانم به رئیس فعلی این سازمان یعنی الحاجی کبیر ماشی^۳ که از اهالی شمال و ایالت کتسینا بود اجازه داد تا سمتش را برای مدت زمان بیشتری حفظ کند و عملاً تا پایان دوران ریاست جمهوری جاناتان باقی بماند.

به من اتهام زده بودند که به دنبال تحمیل سلطه قوم ایگبو بر کشور هستم، درحالی‌که تنها یکی از سمت‌هایی که من در فرآیند گزینش آن حضور داشتم توسط یکی از اهالی قوم ایگبو گرفته شده بود! این اتهامات را به بهترین شکل ممکن در مقاله‌ای می‌توان مشاهده کرد که کارمند دولتی شمالی و روزنامه‌نگار پاره‌وقت به نام یوشاو شعیب نوشته بود و پیشتر نیز بخش‌هایی از آن را نقل کردم. او در پوشش انتقال هشدارهای «دوستانه» به من، اتهامات کوبنده و نادرستی را به من زد که به تداوم این دروغ‌های آشکار کمک کرد: یکی از بزرگ‌ترین دلایلی که باعث شده تا گروهی از ما به توانایی‌های دکتر اوکونجو ایوالا به‌شدت باور داشته باشیم این است که وی در طول دوران خدمتش در وزارت دارایی در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ بازیکنان اصلی را از هر دو منطقه شمال و جنوب به مشاغل دولتی وارد

1. Nigerian Mortgage Refinance Company (NMRC)

2. Prof. Charles Inyangete

3. Alhaji Kabir Mashi

کرد. در این کشور مملو از تعصبات قومی که به دو قطب مذهبی مختلف تقسیم شده است، وی هرگز به رفتار تبعیض آمیز یا سوگیری ذهنی نسبت به هیچ یک از گروه‌های قومی مختلف نیجریه متهم نشده است. همین مطلب در مورد رئیس جمهور وقت یعنی اوباسانجو نیز صادق است که به رغم برخی ضعف‌های خود هیچ‌گاه به قبیله‌گرایی متهم نشد. ایشان رهبری است که به هیچ قبیله خاصی تعلق ندارد و یک ملی‌گرای واقعی است که به پروژه نیجریه واحد به شدت معتقد است.

با توجه به این سوابق جای شگفتی نیست که در هنگام انتصاب مجدد او به سمت وزیر دارایی در دولت رئیس جمهور جاناتان و همچنین در زمان گزینش او برای سمت ریاست بانک جهانی در سال ۲۰۱۲، مردم نیجریه با تمام قدرت از وی حمایت کردند. حتی یکی از نشریات اینترنتی مدعی شد که برخی روحانیون مذهبی شمال در مساجد برای موفقیت وی دعا می‌کردند.

در آن دوران همه تصور می‌کردند که خانم اوکونجو یک نیجریه‌ای ملی‌گرا و جدا از هرگونه تعصبات قومی است که در زمینه سیاست‌گذاری تجربه جهانی و واقعی دارد. هدف از نگارش این مقاله، آگاه‌سازی او از بعضی روندهای نگران‌کننده است که اخیراً در برخی انتصابات دولتی رده‌بالا در نیجریه و با توجه به تبعات اقتصادی و سیاسی آنها شاهد بوده‌ایم.

باور دارم او که قدرتمندترین وزیر این کشور و شاهزاده‌ای از قبیله ایگبو و یکی از اهالی دلتای نیجر و دختر اوبی از جامعه اوگواشی اوکوآ ساکن این ایالت است، به زندگی صادقانه خویش ادامه خواهد داد. اخیراً انجمن اتحاد یوروبا (YUF) اتهامات نگران‌کننده‌ای را به دولت رئیس جمهور گودلاک جاناتان زده و مدعی شده که این دولت در حال پاکسازی اهالی قوم یوروبا از مشاغل دولتی است.

اچ‌آی‌دی آوولوو^۱ همسر رئیس فرزانه و اسقف بازنشسته صومعه آکوری جناب کشیش بولانلی گبونگی^۲ در اکنه پس از جلسه اعضای این انجمن دولت را متهم کردند که افراد قوم یوروبا را به صورت نظام‌مند و غیرقابل توجیه از مشاغل دولت فدرال محروم می‌کند. آنها از دولت خواستند بلافاصله به این «تبعیض نظام‌مند» علیه قوم یوروبا در انتصابات دولتی پایان دهد و باور داشتند که دولت با قوم یوروبا همانند «افراد بی‌ارزش» رفتار می‌کند.

1. HID Awolowo
2. Bolanle Gbonigi

اندکی پس از اعلام این اتهامات از جانب قوم یوروبا، انجمن سناتورهای شمالی^۱ نیز به صورت علنی نسبت به نادیده‌گرفتن روزافزون اهالی شمال در انتصابات و ترفیع درجات ارتش به شدت اظهار تاسف کرد. مطابق نظر این نیجریه‌ای‌تبارهای برجسته، در فرآیند انتصاب و استخدام در ارتش نیجریه گرایش نامتوازی نسبت به قوم ایگبو وجود دارد که نقض آشکار اصول قانون اساسی دولت فدرال به حساب می‌آید. دکتر اوکونجو باید بداند که بسیاری از مردم نیجریه به چینو آچهبه: معلم نور^۲ مراجعه می‌کنند که خود این خانم یکی از مولفان آن کتاب بوده است و در آن تلخی رفتار نامناسبی که هم در دوران پیش از جنگ داخلی و هم طی آن و هم در دوران پس از آن علیه قوم وی وجود داشته را تشریح کرده است و از این رو تصور می‌کنند حالا که وی به قدرت رسیده قصد دارد تا تمام رفتارهایی را که برای مردم خویش ناعادلانه می‌دانسته، اصلاح کند. بعضی حتی اصرار دارند که وی در حال حاضر با دستکاری انتصابات دولتی، برنامه‌ای منطقی‌ای و قومی را ترویج می‌کند که به ضرر سایر گروه‌های حاضر در نیجریه است. عمق فاجعه در اینجاست که اخیراً او را متهم کرده‌اند که برای تضمین انتصاب مجدد خانم آرونما اوته^۳ در سمت مدیر کل کمیسیون بورس و اوراق بهادار به‌رغم تمام اتهامات بزرگی که علیه او مطرح است و درخواست‌های پی‌درپی مجلس شورای ملی برای برکناری این خانم از این سمت، با یکی دیگر از مقامات دولتی رده‌بالا و اهل قوم ایگبو همکاری کرده است. اوکونجو اوایالا بر موضع خود پافشاری و همه را محکوم کرد و امروزه خانم اوته همچنان در شغلش باقی مانده است.

در حالی که همچنان جنجال حماسه اوته فروکش نکرده بود، ائتلافی از جوانان به رهبری شهوسانی^۴ فعال حقوق بشر و رئیس کنگره حقوق مدنی، منطق فراسوی انتصاب رئیس جدید سازمان خدمات درآمد داخلی فدرال^۵ را زیر سوال برد زیرا کبیر ماشی یکی از اهالی شمال، هم‌اکنون در این شغل بود و پایه درآمد سازمان را نیز بهبود می‌بخشید. این گروه مدعی بود که کمیته‌ای که اوکونجو اوایالا تشکیل داده صرفاً پوششی است که برای تظاهر به عادلانه بودن فرآیند اعتبار‌آزمایی تشکیل شده است در حالی که اعضای

1. Northern Senators Forum (NSF)
2. Chinua Achebe: Teacher of Light
3. Arunma Oteh
4. Shehu Sani
5. Federal Inland Revenue Service (FIRS)

آن عمدتاً از خویشان ایگبویی خودش هستند. آنان همچنین اضافه کردند که «ما هیچ باوری به شفافیت این فرآیند نداریم و به رئیس جمهور نسبت به انتقال بیش از حد قدرت خود به وزیر دارایی هشدار می‌دهیم.» این گروه آشکارا از رئیس جمهور انتقاد کردند که از زمان بازگشت به مصدر قدرت در بسیاری از انتصابات دولتی یک بازی قومی را اجرا کرده است. از میان مشاغل دیگری که به ادعای این گروه در دوران حضور اوکونجو در دفتر وزارت دارایی ایجاد و تکمیل شده‌اند می‌توان به شرکت مدیریت دارایی‌های نیجریه^۱، صندوق‌های ثروت ملی، کمیسیون ارتباطات نیجریه^۲ و حتی انتصاب اخیر یک زن چهل ساله در سمت مدیر کل کمیسیون ملی بازنشستگی^۳ اشاره کرد. مردم در تعجب‌اند که چگونه در مصاحبه‌های رقابتی که کمیته مشاوره بین‌المللی و منتخب وی انجام می‌دهند فقط ایگبوها هستند که می‌توانند سایرین را شکست دهند. در برخی از این موسسات تنها کاری که به ظاهر مطابق اصول قانون اساسی انجام می‌شود، انتصاب تشریفاتی و موقت روسایی است که عمدتاً روسایی پوشالی‌اند و صرفاً نقش تبلیغاتی دارند. استفاده از جملات جذابی مانند «بهترین مغزها، تحصیل کرده در خارج از کشور و مستقر در خارج از کشور» به قصد محروم کردن نیجریه‌ای‌تبارهای واجد شرایط و شایسته و باتجربه در آرزوی دستیابی به مشاغل رده‌بالا و پیشرفت کشور ما کاملاً مضر است. این تصور نادرست که برخی سمت‌های رقابتی و حساس را فقط با اعضای قبیله‌های باهوش و منحصر به فرد می‌توان پر کرد، باید اصلاح کرد. تجربه ثابت کرده است که در بعضی موقعیت‌های کاربردی، عملکرد برخی از این افراد به اصطلاح تحصیل کرده در خارج از کشور و اهل کتاب و فارغ‌التحصیل شده با نمرات عالی از دانشگاه، ابتدا بهتر از عملکرد سایر افراد دارای صلاحیت و تجربه در داخل نیجریه نیست که می‌توانند ارزش خود را در دشوارترین حوزه‌ها اثبات کنند.

دکتر اوکونجو اوایالا همچنین باید توجه کند که بی‌توجهی آشکار به حساسیت‌ها و احساسات سایرین و ترویج یکسویه و متکبرانه اهالی قوم خویش می‌تواند تنفر شدید گروه‌های دیگر را برانگیزد که احتمالاً پیامدهایی انفجاری در پی خواهد داشت، همانند همان حوادثی که در دهه ۱۹۶۰ تجربه کردیم و اغلب مشاغل دولتی در دست یک

1. Asset Management Corporation of Nigeria (AMCON)

2. Nigerian Communications Commission (NCC)

3. Director General of the National Pension Commission (PENCOM)

گروه قومی خاص قرار داشت. افرادی که همچنان برای وزیر محترم دارایی و توسعه اقتصادی احترام قائل‌اند به‌شدت باور دارند این وزیر محترم باید نامش را از اتهامات فعلی «بی‌فارسازی»^۱ ادارات دولتی رده‌بالا در نیجریه پاک کند. ما در کشوری دموکراتیک زندگی می‌کنیم که در آن نباید مسائل سیاسی را به روش دیکتاتوری^۲ «اکنون ما به قدرت رسیده‌ایم» حل کرد. به همین دلیل در اینجا از او تقاضا دارم تا تضمین کند که از این پس انتصابات دولتی مهم به روشی معتبر و شفاف انجام شود که در برابر انظار عمومی قابل دفاع باشد. قویا باور دارم که تنها افرادی که حسن نیت دارند می‌توانند احساسات واقعی مردم نیجریه در این زمینه را بیان کنند.^۳

مقاله شعیب مقاله‌ای تفرقه‌انگیز و انفجاری و مملو از تعصبات و نفرت قبیله‌ای بود و مطالبی را از خودش ابداع کرده بود که حالا «حقایق جایگزین و ساختگی» نامیده می‌شوند. استخدام افراد در ادارات دولتی و در سایر سازمان‌های نیمه‌دولتی دیگر از سوی وزرای بالادستی این ادارات و سازمان‌های نیمه‌دولتی انجام می‌شد و نهادهای دولتی و مدنی خاصی برای این هدف ایجاد شده‌اند. نسبت دادن مسئولیت استخدام تمام کارکنان دولتی به من چیزی جز دشمنی نویسنده را نشان نمی‌داد و خود مولف نیز به‌خوبی از این موضوع مطلع بود.

به قراری که در بخش‌های پیشین گفتم، برخی مسندهای دولتی که شعیب به آنها اشاره کرده بود یا به طور رقابتی واگذار شدند یا اینکه به افرادی از گروه‌های قومی جنوب کشور به جز قبیله ایگبو تعلق گرفت. در سه مورد از این انتصابات دولتی که گزینش افراد در آنها از طریق فرآیندهای رقابتی انجام شد و من نیز در انجام‌شان حضور داشتم فرآیندهای کاملاً شفافی داشت که برخلاف ادعای شعیب گروهی متشکل از شخصیت‌های برجسته اقوام مختلف نیجریه و نه صرفاً ایگبوها بر روند استخدام نظارت داشتند که نام‌شان نیز در روزنامه‌ها منتشر شد.

این سازمان‌های مشاوره‌ای که برنده مزایده انجام این فرآیندها شدند از طریق دفاترشان در نیجریه این فرآیند را انجام دادند. نیجریه‌ای‌تبارهای بسیار شایسته‌ای مسئولیت اجرای این فرآیند را بر عهده داشتند که از آن میان می‌توان به کونله البوته^۴ مدیر و شریک شرکت کام‌پی جی در نیجریه، دوتون فیلیپس^۴ از موسسه مشاوره فیلیپس و

1. biafranization

2. Shuaib, "Ngozi Okonjo-Iweala and the Controversial Appointments."

3. Kunle Elebute

4. Dotun Philips

جوزف اولوفینسولا^۱ از آکینتولا ویلیامز دیلویت^۲ از اهالی قبیله یوروبا اشاره کرد. برخی از مشاغلی که این مقاله اشاره می‌کند مانند مدیرعامل شرکت آمکون^۳ و مدیر کل کمیسیون بورس و اوراق بهادار نیز پیش از پیوستن من به دولت انتخاب شده بودند. در واقع، سانوسی لامیدو سانوسی رئیس سابق بانک مرکزی پس از دیدن این مقاله علنا اعلام کرد که مدیرعامل شرکت آمکون یعنی مصطفی چیکه اوبی^۴ را پیش از پیوستن من به دولت انتخاب کرده است.

هر محقق یا نویسنده بی‌طرفی می‌توانست به راحتی درستی این حقایق را بررسی کند. اما از مطالب نوشته شده در این مقاله به وضوح مشخص بود که تلاش یک کارمند دولت برای ارتباط دادن انتصابات و ارتقای درجات نظامی به من در حالی که من فرمانده کل ارتش نبودم و در روش اداره ارتش نیز هیچ دخالتی نداشتم، فقط از روی کینه‌توزی انجام شده بود و هدف از آن تحریک تشکیلات نظامی شمال علیه من بود؛ آن هم زمانی که ارتش در شمال شرق در حال جنگ با بوکو حرام بود. به رغم انکار و دفاع قاطعانه من با استناد به شواهد روشن، شبکه‌های اجتماعی اجازه دادند تا مقاله شعیب به طور فراگیر منتشر شود تا این مقاله در فضای مملو از اختلافات قومی نیجریه اعتباری کسب کند. این مقاله زمینه را برای سایر اتهامات جعلی قوم‌گرایی علیه من فراهم کرد. نمونه بارزی از این اتهامات بعدی را یک سال بعد و در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۴ شاهدیم که آن هنگام دکتر تمیتوپ اوشیکویا^۵ یکی از اهالی قوم یوروبا و منطقه جنوب غربی کشور مقاله‌ای به شدت انتقادی علیه من نوشت و در آن علاوه بر اتهامات دیگر مدعی شد که من روند انتصابات دولتی را به نفع مردم منطقه خودم تغییر می‌دهم. برای روشن‌تر شدن مساله بخش کوچکی از این مقاله را در اینجا نقل قول می‌کنم:

چهارمین نشانه تناقض ایکاروس: خشنودی از خویش. نگوزی اوکونجو اوپالا زمان زیادی را در معاشرت با لیگارشی‌های فوق‌العاده ثروتمندی سپری کرده است که برای حضور در گروه مدیریت اقتصادی نیجریه هیچ هدفی جز پیشبرد منافع شخصی خویش و تضمین هم‌راستایی برخی انتصابات مهم سازمان‌های اقتصادی دولت با منافع خود

1. Joseph Olofinsola
2. Akintola Williams Deloitte
3. Amcon
4. Mustapha Chike-Obi
5. Temitope Oshikoya

ندارند. حتی در حال حاضر نیز برخی تحلیلگران عمومی این روند نگران‌کننده خاص را تشخیص داده‌اند و اشاره کرده‌اند که وی ظاهراً تصور می‌کند که بهترین مدیران سیاست اقتصادی و سازمان‌های نظارتی در دایره‌های قومی منطقه‌ای خود او پرورش می‌یابند. این مساله از ریاست برخی سازمان‌های اقتصادی و مالی مرتبط کاملاً مشهود است که از آن میان می‌توان به سازمان‌های آمکون، سی‌بی‌ان، ان‌اس‌ای، دی‌ام‌او، بی‌پی‌ای، ان‌اس‌آی‌ای، ان‌ام‌آرسی، اف‌آرسی، سازمان بازنشستگی، بودجه، نظارت بر تدارکات، نظارت بر عملکرد و مشاور اقتصادی ارشد اشاره کرد.

پنجمین نشانه تناقض ایکاروس: غرور و بی‌احترامی به دیگران است. یکی از شیوه‌هایی که نگوزی اوکونجو او‌یالا از آن استفاده می‌کند تظاهر به استفاده از سازمان‌های تحقیقاتی حرفه‌ای در فرآیند استخدام برخی از این مشاغل دولتی است. اما مردم بابصیرت نیجریه توانسته‌اند تظاهر و فریبکاری و تلاش نظام‌مند او برای اولویت دادن به مردم منطقه خود را تشخیص دهند.^۱

اوشیکویا^۲ که آن زمان مدیر یکی از بانک‌های برتر آفریقا - ایکوبانک - بود فراموش کرد به خوانندگان بگوید که در آزمون استخدام مدیرعامل سازمان تازه‌تاسیس تامین مالی مجدد وام مسکن نیجریه - یکی از مشاغلی که دولت برای استخدام آن یک فرآیند رقابتی برگزار کرده بود - شرکت و با سایر متقاضیان رقابت کرده است، اما نتوانسته در این رقابت پیروز شود. این سمت در نهایت به پروفیسور چارلز اینیانگنه رسید که یکی از اهالی قوم ایبیبیوی ایالت آکوا ایبوم است. دکتر اوشیکویا آگاهانه یکی از اهالی قوم ایبیبیورا در حکم یک ایگبویی طبقه‌بندی و من را برای شکستش در این رقابت استخدامی سرزنش می‌کرد.

چند روز پس از آن جوابیه‌ای از طرف پل ان وایویکو مشاور ویژه ارتباطات رسانه‌ای من در روزنامه گاردین منتشر شد. وی اشاره کرد که مقاله دکتر اوشیکویا تفسیری از روند استخدام در حال اجرای مدیرعامل سازمان تامین مالی مجدد وام مسکن نیجریه است. دکتر اوشیکویا دست‌کم برای روشن‌تر شدن مساله برای تمام مردم باید به این نکته اشاره می‌کرد که در آزمون استخدامی این شغل شرکت کرده اما متاسفانه نتوانسته

1. Temitope Oshikoya, "The Golden Girl and the Icarus Paradox," *Nigerian Guardian*, September 8, 2014, <http://allafrica.com/stories/201409081894.html>.

2. Oshikoya

در فرآیند رقابتی آن پیروز شود. این واقعیت که وی فراموش کرده که در مقاله خود به این نکته اشاره کند بسیار آموزنده است و نشان می‌دهد که او چیزی جز یک فرد ناامید و بداخلاق نیست و حتی به بلوغ کافی دست نیافته تا بتواند مسئولیت عملکرد خود را بر عهده بگیرد. واقعا ناامیدکننده است که افرادی همانند اوشیکویا که همه از او انتظار قدرت تشخیص بالاتری دارند، صرفا به دلیل نارضایتی از نتایج آزمون رقابتی، اینچنین سعی در زیر سوال بردن تلاش‌هایی دارد که برای نهادینه کردن یک رویکرد شایسته‌محور در انتصابات مهم کشوری انجام می‌شود. بعضی از ما باید بیاموزیم که منفعت جمعی را به منافع شخصی و خودخواهانه خود ترجیح دهیم!

متأسفانه امروزه نیز اختلافات قومی همچنان در نیجریه تداوم و رواج دارد. همچنین سیاست‌مدارانی که برای مقاصد خود به این اختلافات قومی دامن می‌زنند و سایر مردم بی‌مسئولیت نیجریه که از این اختلافات قومی برای حمله به هر نتیجه‌ای که به نفعشان نیست استفاده می‌کنند نیز آتش این اختلافات را شعله‌ورتر می‌کنند. تقریباً هر سیاستی که تاثیری بر زندگی مردم نیجریه داشته باشد از دیدگاه‌های قومیتی تحلیل می‌شود. رهبران خارجی و سیاست‌های آنها نیز همواره از این دیدگاه ارزیابی می‌شود که به نفع کدام منطقه یا مذهب حاضر در این کشور هستند. هر یک از سیاست‌ها یا اعلامیه‌های دولت نیز تقریباً به همین روش تحلیل می‌شود. نیجریه به جای رهبرانی که به اختلافات قومی دامن می‌زنند، شدیداً به رهبرانی نیاز دارد که دیدگاه جامع و فراگیری نسبت به کل کشور دارند و به دنبال اتحاد مردم با یکدیگر و ترمیم پیوندهای ملی هستند.

ایدئولوژی‌های اقتصادی و سیاسی

نیجریه، گروه کوچکی از ایدئولوگ‌ها را در خود جای داده است که در آرمان‌های کمونیست و سوسیالیست غرق شده‌اند و یا صرفاً مخالف سرمایه‌داری هستند. این گروه را در محافل علمی و جامعه مدنی و در میان مفسران سیاسی و اجتماعی می‌توان مشاهده کرد. برای اعضای این گروه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی معابد اجماع و اشنگتی نئولیبرال و نماد تمام ویژگی‌های منفور اقتصادهای بازار نزد به‌شمار می‌روند.

1. Paul C. Nwabuikwu, "Nigeria: Temitope Oshikoya: Lies of a Disappointed Man," *The Guardian*, September 15, 2014, <http://allafrica.com/stories/201409152558.html>.

پس، هرکسی که در این معابد «عبادت» کند را باید منفور و خوار کرد. به نظر برخی از این افراد سیاست‌های اقتصادی خاصی که ما در دولت گودلاک جاناتان اجرا کردیم، هیچ منفعتی برای کشور نداشت زیرا من مشاغل متعددی را در بانک جهانی بر عهده گرفته بودم. به‌رغم اجرای سیاست‌های معقول اقتصاد کلان که زمینه را برای رشد واقعی بخش غیرنفتی و رشد کلی و قدرتمند تولید ناخالص داخلی در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ فراهم کرد (همان‌طور که در پیوست ب و جدول B7.1 نشان داده شده است)، این افراد ابدًا صحت و عقلانی بودن این سیاست‌ها را باور نداشتند. ما در طول یک دوره ریاست‌جمهوری چهار ساله نرخ تورم را کاهش دادیم و آن را از دو رقمی به تک رقمی رساندیم. در نتیجه، نرخ ارز ثبات پیدا کرد و عمدتاً از طریق عوامل بازاری تعیین می‌شد، ذخایر ارز خارجی ما نیز تا انتهای سال ۲۰۱۴ به سطوح معقول ۳۴/۳ میلیارد دلار رسید، کسری مالی دولت را به‌خوبی زیر ۳٪ تولید ناخالص داخلی حفظ کردیم، نسبت‌های بدهی در سطوح معقولی بود و از آنجا که نرخ پرداخت اصل و فرع وام به درآمد به تدریج مساله‌ساز می‌شد تصمیم گرفتیم تا برخی بدهی‌های خود را پرداخت کنیم، به‌نحوی که ۷۵ میلیارد نایرای نیجریه از بدهی دولت را تا سال ۲۰۱۳ پرداخت کردیم. ما پس از ۲۴ سال نادیده گرفته شدن نرخ تولید ناخالص داخلی توانستیم با موفقیت کامل نرخ تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۱۴ احیا کنیم. این تغییرات حسابداری باعث به رسمیت شناخته شدن اقتصاد خدماتی گسترده نیجریه شد به‌گونه‌ای که نیجریه در سال ۲۰۱۳ توانست با تولید ناخالص داخلی ۵۱۴ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی ۳۷۲ میلیارد دلاری آفریقای جنوبی را پشت سر بگذارد و جایگاه این کشور را به‌منزله بزرگ‌ترین اقتصاد آفریقا تصاحب کند.

اواسط سال ۲۰۱۴ با شروع روند نزولی شدید قیمت نفت، رشد سریع قیمت کالاها نیز به پایان رسید. بنابراین، اقتصاد کشور تحت فشار شدیدی قرار گرفت، اما ما معیارهای درآمدی و هزینه‌ای خاصی را اجرا کردیم که رشد اقتصادی کشور را در سال ۲۰۱۴ و سه ماهه اول سال ۲۰۱۵ که شغلم را رها کردم در محدوده مثبت حفظ کرد. البته، کیفیت رشد اقتصادی کشور کاملاً رضایت‌بخش نبود و به حد کافی فراگیر به حساب نمی‌آمد. همچنان نرخ بیکاری و شبه‌بیکاری، به‌ویژه برای جوانان مشکل‌ساز بود. اما ما برای ایجاد مشاغل جدید به‌شدت تلاش کردیم. برای همگام ماندن با تعداد جوانانی که سالانه به بازار کار وارد می‌شدند باید سالانه ۲ میلیون شغل جدید ایجاد می‌کردیم

و تا سال ۲۰۱۴ توانستیم سالانه تا ۱/۴ میلیون شغل جدید ایجاد کنیم. همچنین پیش از شکست دولت گودلاک جاناتان در انتخابات و ترک دفتر ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۵ برای مبارزه با نرخ بیکاری و شبه‌بیکاری فعلی جوانان نیز طرح‌هایی را برنامه‌ریزی کرده بودیم.

در مقابله با تداوم روند نزولی نفت در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶، واکنش‌های سیاست اقتصادی دولت جدید ناکافی یا کاملاً اشتباه بود و از این رو اقتصاد کشور پس از دو دهه برای اولین بار دچار رکود شد.

اما همان ایدئولوژی‌های سیاسی و اقتصادی در این مورد حرف زیادی برای گفتن نداشتند. نمونه بارز حملات این افراد به اصول اقتصادی برگرفته از اجماع واشنگتن به اصطلاح نئولیبرال را در دو مقاله‌ای می‌توان مشاهده کرد که در مطبوعات نیجریه منتشر شد. در یکی از مقالات ایسهاد مودیو کاوو^۱ با جانب‌داری از فرماندار آدامز اوشیوموله در مورد حملات وی به من چنین اظهار نظر می‌کند:

هر دو شخصیت اصلی این داستان، نمایندگان بزرگی از دوروی سکه نیجریه هستند. آدامز اوشیوموله فرماندار ایالت ادو در مقابل نگوزی اوکونجو اوایلا قرار می‌گیرد که وزیر دارایی دولت رئیس‌جمهور جاناتان است و غرور بیش از حد متورم او را باید با یک عنوان اضافی به نام وزیر هماهنگ‌کننده اقتصاد به دقت ماساژ داد. نگوزی اوکونجو اوایلا دختر نمونه سرمایه‌داری نئولیبرال و نماد آرمانی تسلیم در برابر استعمارطلبی و اوامر آن برای تبدیل نیجریه به یک مستعمره جدید است. اوکونجو اوایلا خود را نوعی «موهبت الهی» برای طبقه حاکم بر نیجریه می‌داند زیرا در پایگاه اصلی استعمارطلبی یعنی واشنگتن و بانک جهانی به این نظام خدمت کرده است. او نمونه کامل یک «تکنوکرات» است که برای تزریق سم یک اصلاحات نئولیبرال تک‌سایز و مناسب برای همه کشورها به نیجریه انتخاب شده است. تکنوکرات‌هایی از این دست بیش از حد مغرورند و نمی‌توانند هیچ‌گونه مداخله‌ای را در روش‌هایی تحمل کنند که آنها را بهترین درمان مشکلات اقتصادی جوامع مستعمراتی جدید می‌دانند.^۲

مقاله دوم نوشته اودیلم انوگبارا^۳ نیز به همین شکل ادامه می‌یابد:

1. Is'haq Modibbo Kawu

2. Is'haq Modibbo Kawu, "Between Adams Oshiomole and Ngozi Okonjo-Iweala," *Vanguard*, July 16, 2015, <http://www.vanguardngr.com/2015/07/between-adams-oshiomole-and-ngozi-okonjo-iweala>.

3. Odilim Enwegbara

اصول اقتصادی کینزی راز پس پرده رشد اقتصادی و تولید شغل بی‌پایان کشورهای توسعه‌یافته بوده‌اند. اما درحالی‌که قدرت‌های اقتصادی غرب همچنان سیاست‌های اقتصادی طرفدار رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را دنبال می‌کنند، اقتصاددانان محتاط نئولیبرال را برای کشورهای در حال توسعه بسیج کرده‌اند تا اصرار کنند که این کشورها نباید همان اصول اقتصادی محرک توسعه اقتصادی را دنبال کنند. در اینجا دستورکار مخفی همان ترس کشورهای توسعه‌یافته از این مساله است که مبدا کشورهای در حال توسعه نیز همان اصول کینزی را دنبال کنند و بتوانند به قدرت‌های صنعتی بزرگ بدل شوند، زیرا تحقق چنین پدیده‌ای سرنوشت رقابتی و شومی را گریبان‌گیر اقتصادهای توسعه‌یافته خواهد کرد به این خاطر که برای تدام ارتقای رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کشورهای توسعه‌یافته و محافظت از آن به مواد خام صنعتی و بازار مصرفی بزرگ کشورهای در حال توسعه متکی هستند. بنابراین، تحمیل سیاست‌های پولی انقباضی و ضدکینزی به همراه دستورکار هزینه‌ای مخالف با کسری بودجه به کشورهای در حال توسعه به مساله مرگ و زندگی قدرت‌های اقتصادی غربی بدل شده است تا بتوانند اقتصادهای در حال توسعه را همواره به‌منزله برده خود حفظ کنند. برای ترویج سیاست‌های اقتصاد کلان ضدکینزی در میان کشورهای در حال توسعه چه کسی بهتر از اقتصاددانان نئولیبرال محلی و افرادی که در نهادهای استعمارطلب و چندجانبه تحت کنترل دولت‌های غربی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی آموزش دیده و پرورش یافته‌اند؟ این افراد در کشورهای در حال توسعه به اشتباه تکنوکرات لقب گرفته‌اند درحالی‌که در واقعیت مزدوران اقتصادی هستند که به این کشورها اعزام شده‌اند تا دستورات کشورهای غربی را اجرا کنند. دکتر نگوزی اوکونجو او‌بالا وزیر سابق دارایی طی چهار سال آخر خدمتش بدون هیچ‌گونه عذرخواهی اقتصاد دولت را در مسیر اصول نئولیبرالیسم هدایت کرده است. او در حکم فردی که تحصیلات و زندگی کاری خود را در ایالات متحده سپری کرده است آیا می‌تواند مخالف اصولی باشد که کل زندگی خود را در آن گذرانده و تمام عمر مطابق‌شان عمل کرده است؟ در نتیجه، آیا نباید تعجب کرد که چرا وی همواره اصرار داشت که نیجریه باید اصول ریاضت اقتصادی خاصی را اتخاذ کند که در واشنگتن برای کشورهای در حال توسعه همانند ما تدریس می‌شود؟^۱

1. Odilim Enwegbara, "Okonjo-Iweala and the End of Neo-Liberalism in Nigeria," *People's Daily*, February 26, 2016, <http://www.peoplesdailyng.com/okonjo-iweala-and-the-end-of-neoliberalism-in-nigeria>.

این منتقدان این واقعیت را نادیده می‌گیرند که این سیاست‌های به اصطلاح نئولیبرال اگرچه اصلاً و ابدا ایده‌آل و کامل نیستند، اما به ارتقای رشد اقتصادی کشور، ایجاد شغل و ثروت انجامیدند و برخی مردم را از فقر نجات دادند. در حداصل ماه مه سال ۲۰۱۱ تا مه سال ۲۰۱۵ توانایی و وضعیت مردم نیجریه در زمینه تغذیه، کار و دسترسی به ارزها و اعتبارات خارجی لازم برای کسب‌وکار و نیازهای شخصی به‌طور میانگین بهبود پیدا کرد و هیچ ضرورتی برای دسترسی ویژه و فساد ناشی از آن وجود نداشت، اما پس از ژوئن سال ۲۰۱۵ که اقتصاد کشور پس از دو دهه برای اولین بار در رکود اقتصادی فرو رفت و منقبض شد، باز هم شاهد افول وضعیت مردم در این زمینه‌ها هستیم. دلایل موفقیت اقتصادی ما عبارت بودند از مدیریت مناسب اقتصاد، قیمت بالاتر کالاها در سال‌های اولیه دولت و سیاست‌های اقتصاد کلان پاسخگو و مناسب در سال‌های ۲۰۱۴ و اوایل سال ۲۰۱۵ که قیمت نفت با نزول شدیدی مواجه شد. متأسفانه، ایدئولوگ‌های نیجریه در مورد وقایعی که تعصبات آنها را منعکس نمی‌کنند غالباً سکوت اختیار می‌کنند.

وجود این همه گروه‌های مختلف بدخواهان که معمولاً «طرفدار روش‌های سیاسی متداول» بودند، به همراه مدافعان سرسخت وضعیت فاسد فعلی گاهی این احساس را در من ایجاد می‌کرد که روزانه در استخری مملو از کوسه‌ها شنا می‌کنم. اجتناب از حمله مرگ‌بار این کوسه‌ها یا غرق شدن در این استخر یکی از واقعیت‌های هر روزه من و سایر اعضای صبور گروه وزرات دارایی را شکل می‌داد که باید روش کنار آمدن با این واقعیت را می‌آموختیم.

فصل ۸

تاملاتی از خطوط مقدم

اگرچه اکنون مطالب بسیار زیادی در مورد تعاریف فساد، سازه‌های نظری لازم برای فهم آن و اصلاحات در رفتار و بخش عمومی که می‌تواند از فساد جلوگیری کند وجود دارد، اما در خصوص افرادی که در خط مقدم در برابر فساد مبارزه کرده‌اند، وضعیت آنها در این مبارزه و اینکه چه چیزی از این مبارزه آموخته‌اند، گزارش‌های زیادی وجود ندارد. با این حال، افراد شجاع و قهرمانان ناشناس زیادی هستند که می‌کوشند در برابر مرتکبین اعمال فاسد ایستادگی کنند. اثر زخم‌ها تا مدت‌ها پس از پایان این مبارزه روی بدن این افراد باقی می‌ماند. صحبت درباره این مبارزه برای آنها می‌تواند از لحاظ جسمی و اعتباری و عاطفی خطرناک باشد. وزرای دارایی و مقامات رسمی و همکارانی در کشورهای دیگر را می‌شناسم که با فساد مبارزه و بهایی پرداخته کرده‌اند، اما به دلیل خطراتی که یک گفت‌وگوی آزاد در مورد این مسائل برای آنها و خانواده‌شان دارد، سکوت اختیار کرده‌اند. تا زمانی که منافع شخصی مرتبط با فساد همچنان فعال باشد، احتمال یک حمله از سوی آنها همچنان وجود دارد و این مبارزان خط مقدم غالباً هیچ محافظی از خود ندارند.

بنابراین، بازگو کردن این داستان برای من پرخطر است. اما بازگو نکردن آن نیز خطرناک است. سکوت به همین منافع شخصی در کشور من، همان افراد فاسد، اجازه می‌دهد تا برای محافظت از خود و آزار رساندن به دیگران رویدادها را مخدوش و گزارش‌های واقعی را تحریف کنند و در پشت دروغ‌ها، شبه‌دروغ‌ها و ابهامات پنهان شوند. آنها با همدستی رسانه‌های بی‌اخلاق حقیقت را به دروغ بدل می‌کنند و دروغ‌ها را به منزله حقیقت ترویج می‌دهند. پول آنها تبلیغات و اخبار جعلی است و باید از طریق شفافیت و اقدامات اخلاقی پایدار و براساس درس‌های آموخته‌شده آنها را به چالش کشید. در اینجا چند فقره از تاملاتی که حاصل تجربه خودم هستند را عنوان می‌کنم:

تامل اول: آیا ارزشش را دارد؟ آیا ایستادگی در برابر افرادی که پول عمومی را برای نفع شخصی خود برداشتند ارزش ریسک شخصی را دارد؟

اگر مادرم در زمان ربوده شدن به قتل می‌رسید، پاسخ من منفی بود، زیرا هیچ چیز با ارزشی نمی‌توانست سال‌هایی که دیگر او در کنار خانواده نبود را جبران کند! اما ما از این پیامد نجات پیدا کردیم، پس می‌توان تفکری عینی‌تر داشت و گفت بله، به‌رغم خطرات و دشواری‌ها، ارزشش را داشت، زیرا نهادها، نظام‌ها و فرآیندهای پایداری برای

نیجریه ساخته شد و پول‌های بسیار زیادی نجات پیدا کرد. افرادی که به صورت متحد برای حقیقت ایستادگی کردند و هنوز ایستادگی می‌کنند، تاثیری نمایان داشته‌اند.

مضرات فساد در بسیاری از مطالعات گردآوری شده است. ویلیام دوروتینسکی^۱ و شیلپا پرادان^۲ در مطالعه خود در سال ۲۰۰۷ با عنوان «بررسی فساد در مدیریت مالی عمومی»^۳ تأکید می‌کنند که «فساد در مدیریت مالی عمومی منجر به انحراف منابع کمیاب از اهداف عمومی شده، توانایی دولت‌ها در رسیدن به اهداف برنامه‌ریزی شده خود را به خطر انداخته، اثری مستقیم بر بخش‌های اولویت‌دار مانند آموزش و درمان گذاشته و می‌تواند اثر مشخصاً مخربی بر رشد اقتصادی داشته باشد.»^۴ جیمز ولفنسون^۵، مدیر بانک جهانی در سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۵، یک دهه قبل (در سخنرانی مهمی در سال ۱۹۹۷ که در آن اصطلاح «سرطان فساد» را ابداع کرد) موضوع مربوط به تأثیر فساد بر فقرا و توانایی یک کشور در حرکت به سوی رشد متوازن و فراگیر را به‌طور مشخص‌تر بیان کرد. او گفت: «در تمام کشورها یکی پس از دیگری، افراد خواهان اقداماتی درباره این مساله هستند. آنها می‌دانند که فساد باعث انتقال منابع از فقرا به ثروتمندان شده، هزینه اداره کسب‌وکارها را افزایش داده، مخارج عمومی را مبهم ساخته و سرمایه‌گذاران خارجی را دور می‌سازد. آنها همچنین می‌دانند که فساد باعث فرسایش دوام برنامه‌های امدادی و کمک‌های انسان‌دوستانه است و همه ما می‌دانیم که فساد مانعی بزرگ سر راه توسعه سالم و متساوی است. تنها خود کشور می‌تواند راه‌حل‌هایی برای رفع فسادش پیدا کند. رهبران ملی باید به پا خیزند.»^۶

اثر فرسایشی فساد روی توسعه و آسیبی که به آینده فقرا و جوانان (که کار توسعه به خاطر ایشان پیگیری می‌شود) می‌زند، این انگیزه را در من و دیگران ایجاد کرد تا در برابر فساد در نیجریه به‌طور محکم ایستادگی کنیم. با توجه به ارزش شفافیت و خدماتی که من و گروهم در وزارت دارایی به آن باور داشتیم، کار کردن روی بهبود مدیریت

1. William Dorotinsky

2. Shilpa Pradhan

3. Exploring Corruption in Public Financial Management

4. William Dorotinsky and Shilpa Pradhan, "Exploring Corruption in Public Financial Management," in *The Many Faces of Corruption: Tracking Vulnerabilities at the Sector Level*, edited by J. Edgardo Campos and Sanjay Pradhan (Washington, DC: World Bank, 2007), 267.

5. James Wolfensohn

6. Quoted in Morris Szeftel, "Misunderstanding African Politics: Corruption and the Governance Agenda," *Review of African Political Economy* 25 (76) (1998): 221-240.

امور مالی، متنوع‌سازی و رشد اقتصاد، اشتغال‌زایی و پیشرفت‌هایی در خدمات پایه و شاخص‌های توسعه انسانی، بدون مقابله با نیروهای مخمل این اهداف می‌توانست کار دشواری برای ما باشد.

این مساله برای من به منزله یک مسئولیت شخصی نیز بود. باور دارم که مبارزه علیه فساد را باید اشخاصی آغاز کنند که آماده مسئولیت‌پذیری هستند. سال‌ها تجربه در زمینه توسعه به من نشان داده که افراد خارجی حتی با در دست داشتن ابزارهایی مانند انگیزه‌ها و بازدارنده‌ها که در اختیار اصلاح‌گران قرار دارد نیز نمی‌توانند با فساد داخلی به‌طور موفقیت‌آمیزی مبارزه کنند. خارجی‌ها فقط می‌توانند کمک کنند. فقط افراد داخلی و از درون کشور می‌توانند با فساد مبارزه کنند. ولفنسون با این گفته خود که «رهبران ملی باید به‌پا خیزند»، این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهد. همراه با گروه‌م این ایستادگی را انجام دادیم.

نتایج این کار واضح بود. با عمومی‌سازی مجدد درآمدهای تمام طبقات دولت و انتشار آن ارقام در روزنامه‌ها و وبسایت‌های وزارت، شفافیت حساب‌های دولت افزایش یافت (فصل چهارم). نهادها و مکانیسم‌هایی مانند صندوق ثروت حکومتی یا صندوق سرمایه ملی و حساب مازاد نفت خام ساخته و حفظ شدند تا کشور بتواند با صرفه‌جویی و پس‌انداز در زمان‌های خوب ضربه‌گیرهایی برای روزهای بد خلق کند (فصل سوم). ساخت یک نظام مدرن مدیریت مالی دولتی مبتنی بر فناوری تقریباً به پایان رسیده و به مرحله اجرا گذاشته شده و تراکنش‌های نقدی را با تراکنش‌های الکترونیکی جایگزین کرده است (فصل چهارم). ایجاد سامانه‌ای برای سنجش ویژگی‌های زیستی که سوابق کارمندان دولت و بازنشستگان را به‌درستی ثبت می‌کند نیز با مورد قبلی مرتبط است (فصل ششم) و یک حساب واحد خزانه‌داری ایجاد شد و بخشی از آن برای حساب‌های سرمایه‌ای بکار گرفته شد و وزارت دارایی را قادر به بررسی حساب‌های یکپارچه در بانک مرکزی کرد (فصل چهارم). ریاست‌جمهوری محمود بوهاری این اصلاحات را ادامه داد و با عملیاتی‌سازی هرچه بیشتر سامانه حساب واحد خزانه‌داری برای مخارج تکراری، کار ما را تکمیل کرد.

به واسطه مبارزات ما علیه فساد، میلیاردها دلار به‌طور مستقیم برای کشور پس‌انداز شد. مقادیر مالی چشمگیری از دست فساد و تراکنش‌های شیادانه آزاد شد که شامل انسداد پرداخت‌های بازار بایان نفتی (۲/۵ میلیارد دلار، فصل سوم)، از بین بردن کارگران

و بازنشستگان جعلی و غیرواقعی و امتناع از پرداخت احکام بدهی‌های جعلی (بیش از ۱/۵ میلیارد دلار، فصل ششم) و امتناع از تضمین وام‌های پیشنهادی از سوی کلاهبرداران یا پذیرفتن کمک‌های مالی مشکوک (۵ میلیارد دلار، فصل پنجم) می‌شد. این تلاش‌ها در مجموع باعث نجات یافتن حداقل ۹ میلیارد دلار شد.

این پس‌اندازها واقعی‌اند، اما از نظر من به‌خوبی بازگوکننده موفقیت‌های ما نیستند. با این وجود، این پس‌اندازها به منزله سود بالایی برای کشور در قبال ریسک‌هایی که ما به جان خریدیم هستند و فعل نهادسازی باعث پایه‌گذاری رویکردی بلندمدت اما لازم برای مبارزه با فساد بود.

اما معایبی نیز وجود داشت. مقابله موفقیت‌آمیز با فساد در بخش‌ها و حوزه‌ها و فعالیت‌هایی که در آنها به مبارزه با فساد پرداختیم در حکم این نبود که فساد را تماما متوقف کردیم. مثلاً فساد در بین بازار یابان نفتی را مسدود کردیم و مقادیر زیادی از پول را نجات دادیم. اما در قسمت‌های دیگری از بخش نفت که تحت کنترل وزارت دارایی نبود، همچنان نشتی‌هایی باقی مانده بود. ما توانستیم مشکل را مستندسازی کنیم (فصل سوم) و در مورد هزینه سرقت‌های نفتی و دیگر نشتی‌های مربوط به نفت هشدار دهیم. وجود پیگیری‌های کافی از سوی آژانس‌های ضدفساد می‌توانست برای کسانی که با فساد مبارزه می‌کردند بسیار نیروبخش باشد.

برخی افراد به‌جد می‌پرسیدند که با وجود فساد در مناطق دیگر آیا امکان رسیدن به موفقیت در برخی مناطق وجود دارد یا خیر. بعضی هم فکر می‌کردند که آیا کناره‌گیری از دولت، استراتژی بهتری برای انجام این مبارزه نبوده است؟ پاسخ به این سوالات مهم و دشوار کار ساده‌ای نیست. با توجه به فراگیر بودن این رویکرد، هرگز نمی‌توانستیم امیدوار باشیم که فساد را همه‌جا متوقف خواهیم کرد و هرگز قصد این کار را نیز نداشتیم. هیچ گروه یا دولتی را نمی‌شناسم که در انجام این کار موفق شده باشد. این کار نمی‌توانست هدفی واقع‌بینانه باشد. هیچ دولت نیجریه‌ای که من به خاطر داشته باشم، حتی بعد از اعلام ایستادگی در برابر فساد نیز قادر نبوده فساد را در همه‌جا ریشه‌کن یا کنترل کند. این موضوع در کتاب استفن الیس^۱ با عنوان این تاریکی کنونی: تاریخچه‌ای از جرایم سازمان‌یافته نیجریه^۲ به‌خوبی تشریح شده است.^۳

1. Stephen Ellis

2. *This Present Darkness: A History of Nigerian Organized Crime*

3. Stephen Ellis, *This Present Darkness: A History of Nigerian Organized Crime* (London: C. Hurst, 2016).

برنامه و هدف ما پیشرو و در عین حال تمرکز بر منابع اصلی نشستی‌ها در بودجه و نظام مدیریت مالی کشور و ساخت فرآیندها و نظام‌های پردوامی بود که فساد را در این بخش حیاتی تحت کنترل قرار می‌دهد و به نجات مقادیر زیادی از منابع کشور می‌انجامد. این حقیقت که محمود بوهاری از این نظام‌ها استقبال کرد و در حال تقویت‌شان بود، گویای موفقیت ما است. این نشان می‌دهد که در برخی شرایط، بسته به خصوصیات کشور مورد نظر، یک رویکرد انتخابی برای تقویت نهادها و نظام‌ها عملی است. ساخت چرخه‌هایی از رفتار مناسب حتی در دشوارترین وضعیت‌ها می‌تواند تا حدی به موفقیت بینجامد.

تحت برخی شرایط، کناره‌گیری از دولت در حکم ابزاری برای علامت‌دهی و مبارزه با فساد امری ضروری است و می‌تواند کارگر واقع شود. زمانی که یک فرد وادار به قرار گرفتن در موقعیت‌هایی می‌شود که به جای متوقف کردن فساد، آن را ترویج می‌کنند، به عنوان همدست در اعمال فسادآمیز شناخته می‌شود، یا از چنین اعمالی اطلاع دارد و نمی‌تواند با آنها مبارزه، افشا یا متوقف‌شان کند، در این صورت می‌تواند و باید استعفا دهد. اینها شرایطی نبودند که با آن روبه‌رو شده باشم، همان‌طور که در فصول قبلی به‌طور مستند آمده است. وقت من به رویارویی با فساد در کارم و رویارویی با تمام چهره‌های فساد در دولت سپری شد.

اما گاهی احساس می‌کردم افرادی که روایت‌های دیگری را در اختیار رئیس‌جمهور قرار می‌دادند، باعث کاسته شدن از سرعت مطلوبی می‌شوند که برای اقداماتم در نظر داشتم. هم اجرای بازرسی قانونی در بخش نفت و هم به اشتراک‌گذاری گزارش آن به تاخیر افتاد و در نتیجه اثر مثبت این بازرسی از بین رفت.

همچنین از این موضوع بسیار مایوس شدم که فقط تعداد اندکی از مجرمان رده‌بالا به دلیل هرگونه رفتار مفسدانه طی ریاست جمهوری گودلاک جانانان محاکمه یا زندانی شدند. اگرچه کلاهبرداران در حوزه حقوق بازنشستگی محاکمه و بعضی زندانی شدند (فصل ششم)، اما بازاریابان جعلی نفت محاکمه نشدند. کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی بعضی از آنان را برای پرس‌وجو احضار کرد، اما این افراد بعدها آزاد شدند. طراحان اصلی ربودن مادرم هرگز شناسایی نشدند و بسیار کمتر از موارد دیگر مورد بازرسی قرار گرفتند، اگرچه از توالی وقایع روشن بود که آدم‌ربایان رده‌پایین این کار را انجام نداده بودند. از رئیس‌جمهور جانانان احتمالاً در حکم یکی از مودب‌ترین روسای جمهور لیبرال

در تاریخ یاد خواهد شد، خاصه به دلیل سپردن صلح‌آمیز و بی‌سابقه قدرت به حزب مخالف؛ اولین انتقال قدرت صلح‌آمیز اینچنینی از سوی یک متصدی در تاریخ این کشور (به جدول ۸-۱ مراجعه کنید). اما برخی منتقدان رئیس‌جمهور را ضعیف نامیدند. این موضوع به احساس مصونیتی برای منافع خاصه انجامید، به نحوی که احساس می‌کردند می‌توانند به کارهای فاسد خود ادامه دهند. به‌شکلی گیج‌کننده، این ناتوانی در مجازات فاسدان در طول تلاش‌هایی که برای مبارزه با فساد انجام می‌دادیم وجود داشت. رئیس‌جمهور هیچ‌گاه مرا از مبارزه با فساد یا تلاش برای ریشه‌کن کردن آن در حوزه‌های تمرکزمان باز نداشت. بلکه، فشار منفی طاقت‌فرسا از جانب ذی‌نفعان خاص خواهان حضور نداشتن من در دولت باعث توقف من می‌شد. در ابتدا کوشش‌هایی جدی برای منصرف کردن من از پیوستن به ریاست‌جمهوری وجود داشت و سپس ربه‌وده شدن مادر من توطئه معلول ساختن من، تلاش‌هایی زورمندانه برای برکنار کردنم از دولت بود. در برخی رسانه‌های مطبوعاتی (از جمله پوینت‌بلنک نیوز^۱، صحرا رپورترز و پانچ^۲) حملات منفی مداومی غالباً همراه با گزارش‌هایی پرخطا و داستان‌هایی بی‌اساس در جریان بود. حملات صحرا رپورترز آنقدر زیاد و آشکار بود که یکی از خوانندگان رسانه‌های اجتماعی داستان‌های شان علیه من را تحلیل کرده بود. امانوئل آرینزه^۳ در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۳، در تحقیقاتش نشان داد که صحرا رپورترز در عرض ۲۵ ماه، ۴۱ نوشته درباره من منتشر کرده که از بین آنها تنها یک مورد مثبت بود. او می‌پرسد که آیا یک فرد می‌تواند اینقدر بد باشد یا خیر و نتیجه‌گیری کرد که باید یک جبهه‌گیری علیه من در کار باشد.^۴

اگرچه لحظاتی وجود داشت که قصد تسلیم شدن داشتم، اما این فشارها برای برکناری من و ترک کشور مرا متقاعد می‌کردند که حضور دائم من در دولت حتماً اثرات مثبتی داشته است. این فشارها باعث می‌شد که در برابر تهدیدات و باج‌گیری‌ها تسلیم نشوم و در دولت بمانم و این کار مرا قادر می‌ساخت که نه تنها بر اقدامات ضدفساد کوتاه‌مدت بلکه بر نهادسازی مهم‌تر و موثرتر و بلندمدت‌تر تمرکز کنم. در

1. Pointblank News

2. Punch

3. Emmanuel Arinze

4. Emmanuel Arinze, "Sahara Reporters versus Okonjo-Iweala: What Do We Make of This?," *Nigerian Eye*, September 11, 2013, <http://www.nigerianeye.com/2013/09/sahara-reporters-vs-okonjo-iweala-what.html>.

بیشتر کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً در آفریقا، نهادها یا ضعیف‌اند یا وجود ندارند و این موضوع به ترویج فساد کمک می‌کند. مبارزه با فساد باید به منزله داشتن جرات و قدرت ایستادگی برای ساخت نهادها و فرآیندها و نظام‌ها ضروری باشد که اجرای آنها به زمان زیادی نیاز دارد.

جدول ۱-۸ انتقال بی سابقه قدرت از سوی رئیس‌جمهور گودلاک جانانان

انتخابات ریاست‌جمهوری نیجریه در سال ۲۰۱۵ در ۲۸ مارس برگزار شد. این دوره پرتنش در کشور بود، که بخشی از آن به دلیل به تعویق انداختن انتخابات از ۱۴ فوریه و بخشی دیگر به این دلیل بود که کمپین‌های دو حزب اصلی (حزب دموکراتیک مردمی (PDP) حاکم و حزب مخالف یعنی حزب کنگره تمام‌پیشرو^۱ (APC)) بسیار تفرقه‌اندازانه و قطبی بودند.

من به‌رغم ثبت‌نام در زمانی خوب، کارت رای دائم^۲ خودم را در ۱۶ مارس، مدت‌ها پس از تاریخ اولیه انتخابات (۱۴ فوریه) دریافت کردم. این تاخیر نشانه‌ای از وجود مشکلات در فرآیند انتخاباتی بود که نیجریه با آن روبه‌رو بود. اما من هیچ‌آن‌زده بودم که می‌توانم. در دهکده خودم او‌مودا ایسینگوو^۳ در ایالت آبیا^۴، جایی که من و همسرم برای رای دادن ثبت‌نام کردیم، رای دادم و سپس به آبو‌جا بازگشتم و در آنجا منتظر شمارش آرا و اعلام نتایج انتخابات شدم.

پروفیسور آتاهیرو جگا^۵، مدیر کمیسیون انتخابات مستقل ملی^۶، ظهر روز دوشنبه ۳۰ مارس، نتایج انتخابات را ایالت به ایالت اعلام کرد. نزد چند نفر از همکارانم از گروه مدیریت اقتصادی در دفتر یکی از مشاوران ریاست‌جمهوری رفته بودم و آنجا گروهی در حال نظارت بر نتایج بودند. جو حاکم بر آنجا مملو از انرژی بود. تمام روز، شمارش آرا در ایالت‌های مختلف، غالباً از جنوب و جنوب شرق کشور اعلام می‌شد. رئیس‌جمهور در صدر بود، اما فاصله او با

1. All Progressive Congress
2. Permanent Voter's Card
3. Umuda Isingwu
4. Abia
5. Atahiru Jega
6. Independent National Electoral Commission

رقیبش در حال کمتر شدن و نتایج ایالت‌های شمالی (پایگاه حزب مخالف) هنوز اعلام نشده بود. تا ساعت هشت شب، نتایج این ایالت‌ها نیز اعلام شد و شمار آرا به ضرر رئیس‌جمهور تغییر کرد. تا ساعت ۱۰ شب روشن شد که دولت جاناتان در حال مغلوب شدن است.

شمارش و اعلام آرا در ظهر ۳۱ مارس ادامه پیدا کرد و همه ما دوباره در دفتر مشاور (که اکنون آن را اتاق وضعیت خودمان می‌نامیدیم) گرد هم آمدیم. چند ساعت بعد، وزیر هوانوردی^۱، اوسیتا چیدوکا^۲، با من تماس گرفت و گفت که آقای روبن آباتی^۳ نویسنده سخنرانی‌های رئیس‌جمهور، در حال نوشتن یک سخنرانی خاص است و از من می‌خواهند که کمک کنم. اینکه از نظر من رئیس‌جمهور باید در سخنرانی خود بر چه چیزی تاکید داشته باشد؟

من به چند موضوع مورد نظرم در مورد دستاوردهای اقتصادی دولت، میراث رئیس‌جمهور و چالش‌های دشوار اقتصادی پیش روی ملت که نیازمند توجه فوری بودند، اشاره کردم. تا ساعت چهار بعدازظهر دیگر احساس می‌کردم که مطالب کافی در دست دارم و تصمیم گرفتم به ویلا بروم و با افرادی که در حال کار روی متن این سخنرانی بودند صحبت کنم. از خودم می‌پرسیدم که رئیس‌جمهور کجاست و در حال انجام چه کاری است.

وقتی به ویلا رسیدم، اوسیتا چیدوکا بیرون از اقامتگاه با من ملاقات کرد، مطالبم در خصوص سخنرانی را گرفت و گفت رئیس‌جمهور داخل ویلا است. وقتی وارد ویلا شدم، رئیس‌جمهور همراه با معاون، تعدادی از مشاوران و گروهی از سیاست‌مداران در یکی از اتاق‌های نشیمن بود و همراهان او با اشتیاق تمام در حال بحث در مورد نحوه برگزاری انتخابات و موارد غیرعادی در آن بودند و می‌گفتند که شواهدی در خصوص این موارد، از جمله تصاویری از رای دادن افراد زیر سن قانونی در برخی بخش‌های کشور در دست دارند. آنان اصرار داشتند که رئیس‌جمهور به شکستش در انتخابات اعتراف نکند. سیاست‌مداران بیشتری وارد شدند و به ایشان پیوستند. در آن سوی اتاق، وزیر هوانوردی، اوسیتا چیدوکا،

1. Minister of Aviation

2. Osita Chidoka

3. Reuben Abati

مشاور کل دولت فدرال، محمد بلو آدوکه^۱ و وزیر کشاورزی، آکین وونمی آدسینا^۲ حضور داشتند. آنان در حال بازگویی دیدگاهی مخالف بودند و باور داشتند که رئیس جمهور باید شکست را بپذیرد.

من بلافاصله وارد بحث شدم و همه به نظراتم گوش دادند. گفتم فکر می‌کنم رئیس جمهور باید تسلیم شود و حتی باید این کار را قبل از اعلام نتیجه انتخابات انجام دهد. دستیار ویژه امور داخلی رئیس جمهور، دکتر دودافا وارپامو-اووی^۳ که یک سیاستمدار بود و من انتظار داشتم با سیاستمداران هم عقیده باشد، گفت که او نیز با افرادی که فکر می‌کنند رئیس جمهور باید شکست را قبول کند هم عقیده است.

بحثی داغ درگرفت. طی این صحبت‌ها، رئیس جمهور یک کلمه هم صحبت نکرد. او نظرش را بروز نمی‌داد و فقط به میهمانان و اعضای وفادار حزبی که در حال پیوستن به جمع ما در ویلا بودند خوش آمد می‌گفت.

بنابر اعلان‌هایی که همه ما روی صفحه نمایش بزرگ دنبال می‌کردیم، فقط چند ایالت دیگر باقی مانده بود که نتایج انتخابات خود را اعلام کنند. کنار رئیس جمهور نشستم و آرام گفتم که اگر قصد اعلام شکست خود را دارد، احتمالاً بهتر است این کار را قبل از اعلام نتایج انتخابات انجام دهد. او ناگهان بلند شد و اتاق را ترک کرد. همگی فکر کردیم که او رفت تا مدتی تنها باشد. تقریباً بیست دقیقه بعد بازگشت و بدون گفتن کلمه‌ای نشست. قصد داشتم دوباره شانسم را امتحان و در فرصتی مناسب دوباره از او درخواست کنم. وقتی برای دومین مرتبه با او نجوا کردم رئیس جمهور با صدای بلند به من گفت «CME، پایان یافته است. با نامزد ریاست جمهوری بوهاری تماس گرفتم و شکستم را اعلام کردم!» همه ما گیج شده بودیم! او حتی یک کلمه هم به ما نگفت، اما واضح بود که این مرد تصمیمش را گرفته و کاری که فکر می‌کرد درست است را انجام داده بود. او چیزی را که غالباً به وزرا و مشاورانش می‌گفت تکرار کرد: «من همیشه گفته‌ام که به قدرت رسیدن جانانتان ارزش ریخته شدن حتی یک قطره خون از

1. Muhammed Bello Adoke
2. Akinwunmi Adesina
3. Dudafa Waripamo-Owei

یک نیجریه‌ای را ندارد.»

گودلاک جاناتان با آن حرکت جسورانه عمل فداکارانه برای تمام نیجریه‌ای‌ها انجام داد. از چیزی که احتمالاً قرار بود به یک خون و خونریزی بدل شود، اجتناب کرد. از سیاست‌های حزبی دوری کرد. او فراتر از رقابت‌های قومی و منطقه‌ای به دنبال مصالحت کشور بود. این حرکت باعث شد تا نیجریه روی نقشه جهان به منزله کشوری با یک دموکراسی به بلوغ برسد و در قاره‌ای که در آن انتقال قدرت صلح‌آمیز به یک حزب مخالف پدیده‌ای نادر است، شناخته شود.

تامل دوم: نمی‌توانید به تنهایی مبارزه کنید. به ائتلاف‌های پشتیبان، گروهی برای اجرای اقدامات ضروری و اصول تعهدی نیاز دارید.

ویژگی کلیدی مبارزه علیه فساد صداقت است: صداقت فردی و صداقت کسانی که با شما همکاری می‌کنند. این یعنی فکر کردن به اصول تعامل و ابلاغ ارزش‌های خود به اطرافیان. نمی‌توانید همه‌چیز را کنترل کنید، اما گروه‌تان باید بدانند که دست به فعالیت‌های فاسد، چه کوچک و چه بزرگ، نخواهید زد و شما نیز همین انتظار را از آنان دارید و باید به حرف‌های‌تان عمل کنید.

فشار برای انجام کارهای غیراخلاقی هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. در جوامع در حال توسعه که روابط خانوادگی گسترده، گروهی و دهکده‌ای بسیار قوی است، پایبند بودن به اصول، آن اندازه که به نظر می‌رسد ساده یا سراسر است نیست. چه‌بسا فشار زیادی وجود داشته باشد که فرد از جایگاهش برای بهبود جایگاه افراد یا گروه‌های درون شبکه اجتماعی خود استفاده کند. یک قطعه خبری از بانک جهانی با عنوان «زمانی که فساد هنجار است»^۱ این موضوع را به خوبی بیان می‌کند. این مقاله با اشاره به اینکه توقعات اجتماعی و مدل‌های فکری باعث نهادینه شدن فساد می‌شود، می‌نویسد:

مهم است بدانیم که تصمیم برای درگیر شدن در فساد چگونه در ذهن یک مقام رسمی عمومی شکل می‌گیرد. اگر مردم باور داشته باشند که هدف از رسیدن به یک مقام اداری، فراهم کردن پول، کالا، لطف یا منصب برای اعضای خانواده و دوستان

است، بنابراین، شبکه‌های اجتماعی می‌توانند هنجار فساد را نهادینه سازند. شبکه‌های اجتماعی حتی می‌توانند مجازات‌کننده آن دسته از کارکنان دولت باشند که این هنجار را زیر پا می‌گذارند. مثلاً در اوگاندا تعهدات متقابل خویشاوندی و وفاداری به اجتماع چه بسا در به وجود آمدن یک حکمرانی که در آن مقامات عمومی باید از جایگاه‌شان برای سود رساندن به شبکه خود استفاده کنند تا در حکم افراد خوب تلقی شوند، نقش داشته باشد. دارندگان مقام عمومی که از نفوذشان برای کمک به دوستان و خویشاوندان خود استفاده نمی‌کنند، این ریسک را به جان می‌خرند که مورد استهزا و بی‌احترامی قرار بگیرند.^۱

اضافه‌براین، این مقاله اشاره می‌کند که فشارهای اجتماعی می‌توانند حتی ماموران درستکار را مجبور به تسلیم در برابر فساد کنند؛ مثلاً زمانی که آنان برای پذیرفتن هدایایی که در واقع رشوه هستند، مورد ترغیب یا فشار قرار می‌گیرند. این موقعیت‌ها حقیقت دارند و من تجربه‌اش کرده‌ام. کلید موفقیت من در این راه داشتن اصول و ارزش‌های شفاف، انجام گفت‌وگوهای ناخوشایند اما صریح در این موارد و یادآوری دائم آنها به شبکه‌های اجتماعی و گروه خودم بود. من مخصوصاً مورد حمایت والدین و اعضای نزدیک خانواده‌ام بودم و آنان به متقاعد ساختن بستگان دور و دوستان و اعضای دهکده در خصوص این موضوع می‌پرداختند.

تشکیل ائتلاف‌های پشتیبانی برای مبارزه کارآمد با فساد ضروری است. این پشتیبانی می‌تواند برای کسب نتایج خوب در خصوص نوع و میزان فساد، تحلیل داده‌ها و سپس تدبیر راه‌حل‌ها مهم باشد. مبارزه براساس شواهد عینی آسان‌تر است.

مثلاً در خصوص ادعاهای شیادانه بازاریابان نفتی (فصل سوم)، زیرگروهی از گروه مدیریت اقتصادی یک ائتلاف تشکیل داد و وظیفه عظیم و پرریسک بررسی ۸/۴ میلیارد دلار ادعاشده را به عهده گرفت، به نحوی که این بررسی شامل بازدید از تسهیلات انبار و مخازن بود و این ائتلاف در برخی بازدیدها با خصومت بسیار زیادی مواجه می‌شد. زمانی که منابع لازم برای استخدام بازرسان قانونی بیشتری نداشتیم، یکی از اعضای

1. World Bank, "When Corruption Is the Norm," in *World Development Report 2015: Mind, Society, and Behavior* (Washington, DC: World Bank, 2015), 60. See two citations for Uganda: Odd-Helge Fjeldstad, "Corruption in Tax Administration Lessons from Institutional Reforms in Uganda," CMI Working Paper 2005:10, Chr. Michelsen Institute, Bergen, Norway, 2005; and Odd-Helge Fjeldstad, Ivar Kolstad, and Siri Lange, "Autonomy, Incentives and Patronage: A Study of Corruption in the Tanzania and Uganda Revenue Authorities," CMI Report 2003:9 (Bergen, Norway: Chr. Michelsen Institute, 2003).

گروه که عضو بخش خصوصی بود در تامین مالی این بازرسی سهیم شد. شواهد ارائه شده در این بازرسی نشان می‌داد که تقریباً ۳۰ درصد از ادعاها شیادانه بود که مبنایی عینی برای امتناع از پرداخت بود. این واقعیت که خشمی عظیم در مجلس ملی و بین عموم مردم در خصوص میزان این کلاهبرداری به وجود آمد، امکان بیشتری برای پرداخت نکردن پول کلاهبرداران به وجود آورد. مردم، پیروزمندان علنی این رویداد و همچنین سپری در دست ما علیه کلاهبرداران بودند.

در خصوص نشتی‌های درآمدی (فصل ششم)، گروهی از درون وزارت دارایی به سرکردگی مدیر کل دفتر بودجه و مدیران دفتر حسابداری کل دولت فدرال تشکیل شد. این گروه مدیریت تحلیل آنچه که باید اصلاح می‌شد را به عهده داشت و تعداد و تاثیر درآمدی کارگران غیر واقعی - جعلی را اعلام کرد. گروه وزارت دارایی، در صورت لزوم با مشارکت افرادی از سایر سازمان‌ها، سیستم‌های مورد نیاز برای تغییر را به اجرا گذاشت. وجود حمایت از سوی رده‌های بالا (در این خصوص، رئیس جمهور) حیاتی است، اما اگرچه وجود آن برای مبارزه با فساد یک شرط لازم است، اما کافی نیست. شما همچنان به ائتلاف‌ها و گروه‌ها نیاز دارید. در کشورهایی با نهادهای ضعیف، اگر رئیس جمهور مخالف اقدامات شما باشد، در درون چارچوب دولت کار زیادی از دست شما بر نمی‌آید زیرا ممکن است حتی از تهیه و تحلیل شواهد عینی نیز منع شوید. در خصوص ما لحظاتی وجود داشت که از سرعت ما کاسته شد (مانند بازرسی قانونی «۲۰ میلیارد دلار مفقود شده»)، اما هرگز متوقف نشدیم. رئیس جمهور گودلاک جاناتان حامی فعالیت‌های ضدفساد بود و در برخی مواقع توجه من را به وضعیت‌هایی مشکوک (مانند کلاهبرداری‌های بین‌المللی که در فصل پنجم توضیح داده شد) جلب می‌کرد. با این حال، رئیس جمهور و گروه ریاست جمهوری به فساد مشهور شدند زیرا افراد فاسد مواخذه نشدند و اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های مثبت علیه فساد مانند فعالیت‌های ما ضعیف بود (به تامل چهارم در ادامه این فصل مراجعه کنید). رویکرد رئیس جمهور در خصوص حکمرانی چشمگیر نبود و برداشت افراد در ارتباط با موضع دولت در برابر فساد متفاوت بود زیرا در برخی مناطق مبارزه به صورت موفقیت‌آمیز انجام شد و در مناطق دیگر سیاست‌مداران و ماموران دولتی فاقد اصول اخلاقی، همچنان به فعالیت‌های فاسد خود ادامه می‌دادند و افراد کمی دستگیر و زندانی می‌شدند.

این مشکل مختص ریاست جمهوری جاناتان نبود. در نیجریه تمام رئیس‌جمهورها یا

در حین ریاست خود یا پس از آن متهم به فساد شده‌اند. در واقع، فردی چون سانوسی لامیدو سانوسی، امیر ایالت کانو و رئیس سابق بانک مرکزی نیجریه اشاره کرده است که چند مورد از رژیم‌های نرخ ارز که از سال ۲۰۱۵ در جریان بوده‌اند، نیروی فساد در ریاست جمهوری فعلی را افزایش داده‌اند. به گفته امیر سانوسی، «ما همچنین از سال ۲۰۱۵ به بعد میلیارد‌رهایی را از طریق یارانه‌های مبادلات ارز خارجی به وجود آورده‌ایم اندکی به این موضوع فکر کنید. من در باغچه خودم نشسته‌ام و چند تماس تلفنی می‌گیرم و ۱۰ میلیون دلار را با نرخ ۱۹۷ نایرا به ازای هر دلار می‌خرم و با قیمت ۳۰۰ نایرا برای هر دلار می‌فروشم و ۱/۰۳ میلیارد نایرا سود می‌کنم هر سیستمی که به شما اجازه دهد در باغچه خودتان بنشینید و با یک تماس تلفنی و بدون سرمایه‌گذاری حتی یک کوبو^۱، یک میلیارد نایرا سود کنید، سیستم ناسالمی است و برای دانستن این حقیقت نیازی نیست که اقتصاددان باشید.»^۲ موریس شفتل^۳ این را یک پدیده آفریقایی می‌نامد که در آن «تصور اینکه یک کودتای نظامی یا یک جنبش سیاسی، رقبای دولتی‌اش را به فساد متهم نکند (یا بعداً خودشان با اتهامات مشابهی روبه‌رو نشوند)، کاری دشوار است.»^۴

بر اساس تجاربی که در دولت کسب کردم، به ازای هر ائتلافی که برای مبارزه با فساد تشکیل می‌شود، یک ائتلاف مخالف وجود دارد که سعی می‌کند رئیس‌جمهور را متقاعد به متوقف کردن آن کند. کمپ ضدفساد باید تلاش‌های بسیار زیادی کند تا بتواند فرد اداره‌کننده را آنقدر متمرکز نگه دارد تا برای مبارزه از مسیرش خارج نشود. سازمان‌های جامعه مدنی^۵ و رسانه‌ها باید همپیمانان طبیعی باشند که در خارج از دولت ائتلاف‌های پشتیبانی برای مبارزان با فساد تشکیل دهند و سازمان‌های جامعه مدنی در بسیاری از کشورها می‌توانند مسائل را در معرض دید همه قرار دهند و تقاضای انجام اقداماتی را داشته باشند. نیجریه نیز از این قاعده مستثنی نیست. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، سازمان‌های جامعه مدنی در خصوص مسائل مربوط به یارانه نفتی و مبارزه با کلاهبرداری در زمینه بازاریابی نفتی حضور بسیار فعالی داشتند. این موضوع بسیار مفید

1. Kobo

2. "How Nigerian Govt. Caused Economic Recession—Emir Sanusi," *Premium Times*, September 2, 2016.

3. Morris Szeftel

4. Szeftel, "Misunderstanding African Politics: Corruption and the Governance Agenda,"

5. Civil society organizations (CSOs)

بود. سازمان‌های جامعه مدنی همچنین بر نشتی‌های بودجه و درآمد نیز تمرکز داشتند. اما سازمان‌های جامعه مدنی و رسانه‌ها آئینه‌ای از جوامع خود نیز هستند. در کشورهایی که با فساد مبارزه می‌کنند، مانند نیجریه، تمام سازمان‌های جامعه مدنی یا رسانه‌ها درباره موضع خود در برابر فساد شفاف نبودند. برخی سازمان‌ها متعلق به افراد فاسد یا سرپوشی برای کارهای مفسدانه آنها بودند. برخی از آنان افرادی غیردولتی^۱ بودند که حقایق را تحریف و آب را گل آلود می‌کردند. بنابراین، ائتلاف‌های سازمان جامعه مدنی باید با دقت ایجاد شود تا واقعا از افراد مبارزه‌گر با فساد حمایت کنند، نه اینکه این مبارزه را تضعیف کنند.

تامل سوم: باید از طریق افراد داخل کشور به جنگ فساد رفت. افراد خارجی نمی‌توانند این مبارزه را انجام دهند. اما شرکای کشور و آژانس‌های کمک‌کننده می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند.

آژانس‌های کمک‌کننده، بنیادها و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در بسیاری از کشورها کماکان حضور چشمگیری در حوزه مبارزه با فساد دارند. دستور کار حاکمیت و مبارزه با فساد با نتایج و اثرات مختلف، به بخشی جدایی‌ناپذیر از کسب‌وکار این سازمان‌ها و راه‌حل‌های تجارت آنها بدل شده است. این کار از رهگذر ابزارهای مختلف انجام می‌شود؛ با ایجاد دانش و ظرفیت، سیاست‌گذاری، نظارت بر برنامه‌ها و پروژه‌های خاص و نهادسازی. آنها همچنین حامی سازمان‌های جامعه مدنی هستند که برای بهبود شفافیت و حکمرانی خوب در فعالیت‌های دولتی تلاش می‌کنند. موفقیت رویکردهای مختلف با توجه به وضعیت هر کشور و حتی با توجه به هر پروژه یا برنامه متفاوت است و به تعهد افراد داخلی برای مبارزه با فساد وابسته است.

تجربه ما نشان می‌دهد که کمک‌کنندگان و شرکا، اگر ابتدا کمی از زمان خود را صرف درک پویایی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بافتار کشوری که در آن فعالیت دارند، درک پویایی‌های فساد و شناسایی و حمایت از رهبران متعهد به شفافیت و مبارزه با فساد در تمام سطوح و دارای قابلیت همکاری کنند، می‌توانند اثری واقعی داشته باشند. آنان باید نسبت به حمایت از آن رهبران متعهد باشند.

بعد از انجام این کار، دو گام مهم دیگر وجود دارد. اولین گام کمک به مبارزان علیه

فساد در تحلیل‌های مربوط به جمع‌آوری داده‌ها است. این کار شاید شامل انجام یک تحلیل نهادی برای ایجاد زیربنای دانش و شواهد جهت هدایت فعالیت‌ها باشد. مناطقی که از لحاظ نهادی دچار ضعف بودند و به دلیل نداشتن نهادها و سیستم‌ها و فرآیندها به شکل‌گیری نشستی‌ها در وجوه عمومی کمک می‌کنند، باید شناسایی شوند. گام دوم، تعهد برای ایجاد این نهادهاست. این کار نیازمند چشم‌اندازی بلندمدت است که شامل اشتیاقی برای فراهم کردن منابع تحلیلی در یک بازه زمانی بلندمدت است. ایجاد نهادهای خاص، استقرار سیستم‌ها و فرآیندهای مناسب و تضمین اینکه همگی پیش از پایان وظیفه خود قادرند به‌درستی فعالیت کنند، چه بسا ده سال یا بیشتر طول بکشد. ایجاد یک واحد قضایی یا ضدفساد به زمان نیاز دارد. افق زمانی سه، پنج یا حتی هفت ساله بیشتر پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، معمولاً بازه زمانی مناسبی برای این کار نیست. این کار جذاب یا قابل‌رویت نیست. سنجش نهادسازی کاری دشوار است زیرا نتایج آن را فوراً نمی‌توان برحسب افراد نجات‌یافته، تعداد کودکان آموزش‌دیده یا کیلومترها جاده ساخته‌شده اندازه‌گیری کرد. اما نهادسازی عنصری ضروری است که در میلیاردها دلار صرفه‌جویی می‌کند و تضمین‌کننده پایداری بلندمدتی برای نتایج توسعه‌ای است. نهادسازی مطمئناً کلید شکستن کمر فساد است.

شهروندان کشورهای توسعه‌یافته، درست‌کارتر یا فاسدتر از شهروندان کشورهای در حال توسعه نیستند. آنان نیز در خانواده، مدرسه و باشگاه‌های خود شبکه‌های اجتماعی مشابهی دارند که می‌کوشند آنها را به انجام دادن کارهای فاسد یا رفتارهای مبهم ترغیب کنند. گذشته از هر چیز، اصطلاح «شبکه رفقای قدیمی»^۱ در بریتانیا ساخته شد. تفاوت در اینجا است که کشورهای توسعه‌یافته نهادهایی قدرتمند برای کمک به جلوگیری از فساد و دستگیری و مجازات متخلفان ساخته‌اند. در نیجریه، چندین نظام وجود دارد (نظام اطلاعات مدیریت مالی ادغام‌شده در دولت^۲، سامانه اطلاعات یکپارچه حقوق و دستمزد^۳ و حساب واحد خزانه‌داری^۴ که با کمک بانک جهانی، دپارتمان توسعه بین‌المللی بریتانیا^۵ و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده^۶ برای نظام مالی فدرال

1. Old Boys' Network
2. the Government Integrated Financial Management Information System (GIFMIS)
3. Integrated Personnel and Payroll Management System (IPPMS)
4. Treasury Single Account (TSA)
5. United Kingdom's Department for International Development (UKDID)
6. the United States Agency for International Development (USAID)

ساخته شده‌اند) که مثال‌هایی خوب از نهادسازی برای محدود یا ریشه‌کن کردن فساد هستند. این نهادها باید به سطح دولت‌های محلی و ایالتی که مصونیت در آنها رواج دارد نیز تعمیم یابند. برای مبارزه موفقیت‌آمیز با فساد در نیجریه، هنوز کارهای زیادی برای تقویت نهادهای دولت فدرال و ایالتی و محلی، از جمله در قوه قضاییه و مقننه باید انجام شود. کمک‌کنندگان و شرکا نقش مهمی برای ایفا دارند.

شرکای خارجی نیز می‌توانند یک تور ایمنی بیرونی برای کسانی که ریسک مبارزه با فساد را به جان می‌خرند فراهم کنند. این تور ایمنی می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای قدرت بخشیدن به افراد در خطوط مقدم و تشویق دیگران باشد. این تور ایمنی می‌تواند به شکل همکاری‌های دو تا سه ساله در اتاق‌های فکر و نهادهای دانشگاهی در خارج از کشور باشد که برای ذی‌نفعان، فضای تنفس مورد نیاز به دور از مخالفان خود و حمایت مالی را برای خانواده‌هایشان فراهم می‌کند. امکان جلب حمایت یک‌باره برای جنگجویان ضدفساد وجود داشته است. مثلاً زمانی که نوه‌ریادو^۱، مبارزی نیجریه‌ای و شناخته‌شده علیه فساد و اولین مدیر کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی مجبور شد در سال ۲۰۰۹ نیجریه را ترک کند، دولت نروژ، مرکز توسعه جهانی^۲ و بانک جهانی مخارج یک دوره همکاری ۱۸ ماهه برای او در مرکز توسعه جهانی را به عهده گرفتند. با این حال، هیچ کمک‌کننده‌ای وجود ندارد که برنامه یا رویکردی سیستماتیک در خصوص این مساله داشته باشد. کمک‌کنندگان می‌توانند با وقف پول خود این دوره‌های همکاری را تامین مالی و آنها را با کمک بخش خصوصی تکمیل کنند.

تامل چهارم: اطلاع‌رسانی خوب و یک نقشه بازی به‌خوبی طراحی شده مهم‌اند

اطلاع‌رسانی خوب برای جلب حمایت از اصلاحات ضروری است، از جمله اصلاحاتی که هدفشان مبارزه با فساد است. با این حال، مبارزه علیه فساد در رده‌ای قرار دارد که در آن اگر بیش از حد یا زود هنگام در مورد استراتژی و رویکردتان صحبت کنید، چه‌بسا این اطلاعات به دست مخالفان برسد و برای افراد گروه ضدفساد خطراتی به وجود آورد. در نتیجه، این یک معضل ایجاد می‌کند. راه‌حل این معضل عبارت است از رعایت تعادل بین صراحت و نهان‌کاری؛ ایجاد جوی که به افراد اطلاع دهد مبارزه

1. Nuhu Ribadu

2. The Center for Global Development

با فساد با جدیت تمام در حال پیگیری است و توزیع اطلاعات کافی درباره موضوعات و اهداف مشکل‌دار و تضمین شفافیت و برخورد منصفانه با افراد دخیل. به اشتراک گذاشتن نتایج اصلاحات، از جمله سیستم‌های ساخته‌شده، فرآیندهای برقرارشده، مبالغ صرفه‌جویی‌شده یا بازیابی‌شده و روش‌هایی که این مبالغ به استفاده رسیده‌اند و افراد محاکمه و زندانی‌شده، برای جلب اعتماد و حمایت مردم حیاتی است.

در نیجریه، هرگز نتوانستیم توازن مناسبی در ارتباط با مبارزه علیه فساد برقرار کنیم. فضای کلی مناسبی ایجاد نشد و اگرچه در رسانه‌ها برنامه‌هایی توجیهی درخصوص اقدامات یا نتایج خاص ضدفساد ارائه کردیم، اما نتوانستیم این برنامه‌ها را واقعاً به منزله بخشی از رویکرد سیستماتیک خود برای نهادسازی نشان دهیم و جا بیاندازیم. همچنین نتوانستیم نتایج کارمان را به‌طور سیستماتیک منتشر کنیم. در مواردی مانند کارهای خوبی که بازرسی قانونی انجام داده بود، فقط یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار شد و تاخیر در انتشار و به اشتراک‌گذاری پیشرفت‌ها و نتایج، باعث از دست رفتن این داستان، مخاطبان و اثر آن شد.

بخشی از دشواری رعایت تعادل در اطلاع‌رسانی، تهدیدهای مربوط به خطرات جسمانی بود. بازاریابان نفتی کلاهبردار عضو گروهی منسجم از افراد بی‌وجدان بودند. بخش دیگری از مساله این بود که بعضی افراد در درون نظام حکومت نیجریه از صراحت و شفافیت بیشتر خوشحال نبودند و در نتیجه مانع از فعالیت ما می‌شدند. ما می‌توانستیم عملکرد بهتری داشته باشیم. شکاف موجود در فرآیند اطلاع‌رسانی فرصتی برای نیروهای مخالف با اصلاحات دولتی به وجود آورد تا هر طور که می‌خواهند به اصلاح‌گران انگ بزنند؛ انگ فساد؛ و این منظره زیبایی نبود.

همچنین ناکامی رئیس‌جمهور جاناتان در اطلاع‌رسانی درخصوص موضوعات دیگر (از جمله قطع یارانه نفتی، جنگ علیه گروه تروریستی بوکو حرام و بالاتر از همه ربوده شدن دختران چیبوک) باعث حادثه شدن این مشکل می‌شد. در مورد آدم‌ربایی‌های چیبوک که دولت نتوانسته بود ناراضایتی خود در این باره و استراتژی خود برای پیدا کردن این دختران را به‌خوبی توضیح دهد، ناکامی‌هایی در زمینه کنترل رسانه‌های اجتماعی و استفاده از آنها برای ارسال پیام‌های کلیدی مخصوصاً به افراد جوان‌تر وجود داشت (برای مطالعه یک گزارش شخصی درباره داستان دختران چیبوک و پیدایش یک نقطه

درخشان، ابتکار مدارس امن^۱، به پیوست ج مراجعه کنید).

با این وجود، ما به موفقیت‌هایی نیز دست یافتیم. اضافه‌بر دستاوردهای مبارزه با فساد، مراقبت‌های اقتصادی مهمی نیز وجود داشت، از جمله پایه‌گذاری مجدد اقتصاد و رشد آن، حفظ یک نرخ ارز باثبات و تورم تک‌رقمی، اشتغال‌زایی و رشد کشاورزی و تولیدات و خدمات. این دستاوردها عملاً در دریایی از تبلیغات مخالف غرق شد. نکته آموزشی در اینجا این است که ابزارهای مهم در مبارزه با فساد نه تنها شامل اجرای سیاست‌ها و اصلاحات کلیدی دولت بلکه یک استراتژی اطلاع‌رسانی به‌خوبی طراحی شده با اجرای انعطاف‌پذیر اما باثبات است.

موفقیت نیازمند یک نقشه بازی است که ما در این فصل و جاهای دیگر این کتاب سعی کردیم عناصر آن را توضیح دهیم. در جامعه‌ای که یک گروه برگزیده کوچک در حال ترویج فساد است، نمی‌توان در آن واحد در همه‌جا با فساد مبارزه یا با هر منشأ فساد برخورد کرد. بخشی از نقشه بازی تمرکز بر اصلی‌ترین خاستگاه‌های فساد و تحلیل این است که بزرگ‌ترین نشتی‌های مالی و بدترین اثر بر اقتصاد یا جامعه در کجاها هستند. پس از پاک شدن این خاستگاه‌ها، سعی کنید ضعف‌های نهادی و اساسی و فرآیندها و سیستم‌هایی را شناسایی کنید که شرایط آسانی را برای فساد فراهم می‌کنند. راه‌حل‌های لازم برای تصحیح ضعف‌های نهادی، هزینه‌های آنها و منابع تامین مالی برای پوشش این نقاط ضعف را پیدا کنید. در اقدامات ضدفساد، بازندگان و برندگان را شناسایی کنید و بکوشید برای افراد پیروز ائتلاف‌های حمایتی تشکیل دهید. بر اقدامات یا عواقب جزایی بازندگان که بر سر راه شما قرار می‌گیرند اصرار کنید. یک استراتژی اطلاع‌رسانی قوی داشته باشید، اما برای محافظت از اعضای ائتلاف شما که در این مبارزه با شما همکاری می‌کنند، این استراتژی را با انعطاف‌پذیری و اعتدال به اجرا گذارید. بالاتر از همه، محکم بایدد و قدرت ایستادگی داشته باشید. نهادسازی برای مبارزه با فساد می‌تواند یک بازی طولانی باشد.

تامل پنجم: مبارزه با فساد امکان‌پذیر است!

نهایتاً همین‌طور که درباره سفرم که سعی کردم آن را به صورت بسیار ناقص در صفحات این کتاب توصیف کنم، فکر می‌کنم برای من آشکار است که مبارزه با فساد، صدالبته

خطرناک و پرریسک، اما امکان‌پذیر است! این مبارزه نیازمند صداقت، شجاعت، اراده و تمرکز بی‌وقفه بر نتایج است، و بله، برای افرادی که قدرت‌های آسمانی را باور دارند، این مبارزه نیازمند کمک خدا نیز هست. موفقیت‌هایی که ما توانستیم در محیط پیچیده نیجریه به دست آوریم، باید دلگرمی برای کسانی باشد که بدانند آنها نیز می‌توانند وقتی در محیط‌های فاسد قرار می‌گیرند، تغییری، چه کوچک و چه بزرگ، ایجاد کنند. در نیجریه، کشوری که فساد در آن به نظر یک داستان بی‌پایان است، دستاوردهای ما باید نشانه‌ای برای زنان و مردان متحد باشد که اگر این ریسک را به جان بخرند، آنان نیز می‌توانند در به وجود آوردن دولتی پاک‌تر برای نیجریه‌ای‌ها، که شایسته آن‌اند، نقشی داشته باشند.

سپاسگزاری

مبارزه با فساد خطرناک است: داستان مربوط به تیترهای خبری کتابی نیست که قصد نوشتنش را داشتم. اما زمانی که پشت لپ‌تاپم نشستم، چیزی که از ذهنم تراوش کرد، بازنگری در بلایی بود که آدم‌ربایان بر سر مادرم آوردند و تقاضای شان مبتنی بر اینکه برای آزادی او من باید از مقامم به عنوان وزیر دارایی استعفا دهم و نیجریه را ترک کنم. من این بازنگری را با یادداشت‌هایی درباره برخوردهایم با فساد رایج در بخش خاصی از دولت و جامعه نیجریه ادامه دادم. ایکمبا^۲ هم‌سرم بود که اصرار داشت «تو باید تمام این یادداشت‌ها را یکجا کنار هم قرار دهی تا خوانندگان بتوانند بخوانندشان. تو این کار را به مادرت مديونی.» من از او به دلیل اصرارش و فشار آوردن بر من برای نوشتن چند سطر در هر روز تا زمانی که نوشتن کتاب حاضر به اتمام رسید، متشکرم. این کتاب را به مادرم، کامنه اوکونجو^۳، و پدرم، چوکوکا اوکونجو^۴ تقدیم می‌کنم زیرا آنها (مخصوصاً مادرم) انگیزه و محرک تألیف کتاب حاضر بودند. من نتوانسته‌ام دینی که به آنان دارم را تمام و کمال در اینجا ادا کنم، اما قدردان خدا هستم که در قید حیات‌اند و ذهن سالمی دارند و می‌توانند این کتاب را بخوانند.

می‌خواهم از فرزندانم (اونیی اوایل^۵ و همسرش، اندرو اسپکتر^۶، اوزودینما اوایل^۷ و اوچچی اوایل^۸) به دلیل تشویق‌هایشان که توانایی‌ام برای نوشتن را بسیار بهبود داد تشکر کنم. نمی‌توانم از برادران و خواهرانم (نجیده اودوچی^۹، چوده^{۱۰}، اونیما^{۱۱} و چیچی اوکونجو^{۱۲}) و اوجو^{۱۳} همسر چیچی به دلیل پشتیبانی بی‌پایان و محبت‌آمیز، تشویق، دعاها و شوخ‌طبعی‌شان که به من قدرت پیشروی می‌دادند به اندازه کافی تشکر کنم.

1. Fighting Corruption Is Dangerous: The Story behind the Headlines

2. Ikemba

3. Kamene Okonjo

4. Chukwuka Okonjo

5. Onyi Iweala

6. Andrew Spector

7. Uzodinma Iweala

8. Uchechi Iweala

9. Njide Udochi

10. Chude

11. Onyema

12. Chichi Okonjo

13. Uju

طی برخی از چالش‌برانگیزترین اوقات پس از جدایی از دولت و زمانی که در حال نوشتن این کتاب بودم، آنها همیشه راهی برای تعریف کردن لطیفه‌های خود، روحیه دادن به من و خنداندم پیدا کردند.

از تعداد خاصی از همکاران، دوستان، اعضای سابق گروه اقتصادی و کارمندان سابقم به دلیل حمایت دائم در کارم و مخصوصاً در نوشتن این کتاب بسیار متشکرم. من نمی‌توانم و نمی‌خواهم اسامی تمام‌شان را در اینجا ذکر کنم؛ خودشان می‌دانند که چه کسی هستند. اما اجازه دهید بخصوص از پل نوابویکیویاد کنم^۱، مشاور رسانه‌ای مستعد خودم که درستی و سرسختی و سخت‌کوشی او در برداشتن بار پاسخگویی به سوالات مطبوعاتی دشواری که مرا احاطه کرده بودند و برای ایجاد فضایی که بتوانم در آن این کتاب را بنویسم، ضروری بود. همچنین می‌خواهم از باریستر اوا ائیگوه^۲، آقای بوناوتتوره امبیدا-اساما^۳، پروفیسور سیلوستر مانیه^۴، دکتر نوانزه اوکیدگبه^۵، دکتر برایت اوکوگو^۶ و آقای موریس رید^۷ به دلیل حمایت و تشویقشان قدردانی کنم. خانم امی چانگ^۸، خانم چیسوم اوکچوکوو^۹ و خانم نیکول منسا^{۱۰}، دستیاران ویژه‌ام و خانم اوبی ایراهیم^{۱۱} دستیار شخصی‌ام، حمایت تحقیقاتی شایسته‌ای برای من فراهم کرد و در مراحل مختلف نگارش این کتاب به ردیابی مطالب کمک کردند. از کوشش آنها سپاسگزارم.

می‌خواهم از بسیاری از رهبران آفریقایی که پس از ترک دولت و بازگشت به کار بین‌المللی تشویق و حمایت‌شان را از من دریغ نکردند و از جامعه بین‌المللی که آغوش گرم و پذیرای خود را به روی من گشودند، تشکر کنم. تعداد زیاد ماموریت‌ها، پیشنهادهای شغلی و دعوت به شرکت در بسیاری از تلاش‌های توسعه‌ای ارزشمندی که به سوی من روانه شد، حس فروتنی و خاص بودن را برای من تداعی کرد. این موضوع مطمئناً باعث شد تا در مورد اثرات توسعه‌ای تجربه‌هایی که در این کتاب مرورشان

1. Paul Nwabuioku
2. Barrister Uwa Etigwe
3. Bonaventure Mbida-Essama
4. Sylveſter Monye
5. Nwanze Okidegbe
6. Bright Okogu
7. Morris Reid
8. Amy Chang
9. Chisom Okechukwu
10. Nicole Mensa
11. Obi Ibrahim

کردم، بیشتر فکر کنم.

پس از آغاز نگارش این کتاب، سه نفر باور داشتند که من واقعا داستانی برای گفتن دارم و مرا وادار به این کار می‌کردند. از نانسی موریسون^۱، ویراستار پرستعدادم، به دلیل توانایی‌اش در تبدیل نوشته‌هایم به چیزی قابل خواندن و روایتی قابل فهم برای همه بسیار متشکرم. از اندرو وایلی^۲، کارگزار شگفت‌انگیزم ممنونم که همیشه به من باور داشت و امیلی تیر^۳، ویراستار خستگی‌ناپذیرم در انتشارات ام‌آی‌تی^۴: از علاقه شخصی، انگیزه و اراده راسخ او برای به موفقیت رساندن این کتاب متشکرم.

-
1. Nancy Morrison
 2. Andrew Wylie
 3. Emily Taber
 4. MIT Press

مجموعه‌ای از مقالات و بلاگ‌های منتخب درباره نگوژیا اوکونجو-اویالا، ۲۰۱۱-۲۰۱۶

۲۰۱۶

2011

“Okonjo-Iweala Drops Jumbo Salary Request, Makes Demand for Jumbo Ministry.”

Sahara Reporters, June 23, 2011. [http://saharareporters.com/2011/06/23/](http://saharareporters.com/2011/06/23/okonjo-iweala-drops-jumbo-salary-request-makes-demand-jumbo-ministry)

okonjo-iweala -drops-jumbo-salary-request-makes-demand-jumbo-ministry.

Sunday Njokede. “Ngozi Okonjo-Iweala Will Step on Big Toes.” *Sahara Reporters*, July 11,

2011. [http://saharareporters.com/2011/07/11/ngozi-okonjo-iweala-will-step-](http://saharareporters.com/2011/07/11/ngozi-okonjo-iweala-will-step-big-toes)

big-toes

-sunday-njokede.
Rudolf Okonkwo. “Oh! Ngozi.” *Sahara Reporters*, July 13, 2011. [http://](http://saharareporters.com/2011/07/13/oh-ngozi)

saharareporters

.com/2011/07/13/oh-ngozi.
Anthony A. Kila. “Is Ngozi Okonjo-Iweala Suitable for This Job?” *Sahara Reporters*, November

21, 2011. [http://saharareporters.com/2011/11/21/ngozi-okonjo-iweala-](http://saharareporters.com/2011/11/21/ngozi-okonjo-iweala-suitable-job)

suitable-job

-anthony-kila.

2012

“Ngozi Okonjo-Iweala Buys ₦1.2 Billion Mansion in Abuja.” *Gistmania*, January 11, 2012.

<http://www.gistmania.com/talk/topic,88632.0.html>.

Akin Alex. “Governors Are Running Nigeria Broke—Okonjo-Iweala.” *African Development*,

April 13, 2012.

“FG Blame Governors for Depletion of Excess Crude Account.” *Channels Television*, April

13, 2012. <http://www.channelstv.com/2012/04/13/fg-blame-governors-for-depletion>

-of-excess-crude-account.

Andy Rowell. "Nigeria Loses \$1 Billion a Month in Oil Theft." *Oil Change International*, June

27, 2012. <http://priceofoil.org/2012/06/27/nigeria-loses-1-billion-a-month-in-oil-theft>.

"\$80 Benchmark Price Will Hurt Our Economy—Finance Minister." *Channels Television*,

October 15, 2012. <https://www.channelstv.com/2012/10/15/80-benchmark-price-will>

-hurt-our-economy-finance-minister.

"Groups Demand Okonjo-Iweala's Sacking over N2.7 Bn Subsidy Fraud." *Punch*,

November 8, 2012. <http://www.punchng.com/news/groups-demand-okonjo-iwealas>

-sacking-over-n2-7bn-subsidy-fraud.

"Economy Expanding at a Fast Rate—Jonathan." *Punch*, November 23, 2012.

<http://www.punchng.com/business/business-economy/economy-expanding-at-a-fast-rate-jonathan>.

"Subsidy Budget: Oil Marketers Accuse Okonjo-Iweala of Deceit." *Punch*, December

13, 2012. <http://www.punchng.com/news/subsidy-budget-oil-marketers-accuse>

-okonjo-iweala-of-deceit.

2013

"\$1 Bn Revenue Lost Monthly to Oil Theft." *News24.com*, April 19, 2013.

"Loss of 150,000 Barrels of Oil to Thieves." *Logbaby.com*, April 29, 2013.

http://logbaby.com/news/loss-of-150-000-barr_16536.html#.VrtgPfkRLIU.

Emmanuel Arinze. “*Sahara Reporters vs. Okonjo-Iweala: What Do We Make of*

This?” *Nigerian Eye*, September 12, 2013. <http://www.nigerianeye.com/2013/09/sahara>

-reporters-vs-okonjo-iweala-what.html (an analysis of articles about me that appeared

in *Sahara Reporters*).

Sarah Osunbar. “Amaechi’s NGF Calls for Okonjo-Iweala’s Resignation.” *Naija Center*

News, September 18, 2013. <https://www.naijacenter.com/news/amaechis-ngf-calls-for>

-okonjo-iwealas-resignation.

Authentic Najaman. “Okonjo-Iweala Blasts Governors for Depleting Nigeria’s Savings.”

Authentic Najaman’s Blog, October 19, 2013. <http://authenticnajaman.blogspot.com/>

2013/10/okonjo-iweala-blasts-governors-for.html.

Editorial. “Jonathan Should Get Serious with Job Creation.” *Punch*, October 19, 2013.

Les Leba. “The Blessing of Oil: A Peculiar Mess.” *Vanguard*, November 11, 2013. <https://>

www.vanguardngr.com/2013/11/blessing-oil-peculiar-mess.

Editorial. “Government and Dwindling Revenue.” *Punch*, November 11, 2013. <http://>

www.punchng.com/editorial/government-and-dwindling-revenue.

Editorial. “Jonathan, Okonjo-Iweala, and Waivers.” *Punch*, November 18, 2013.

Opinion. “Nigeria’s Servant Masters.” *Punch*, November 19, 2013.

Editorial. “Okonjo-Iweala’s Gaffe on Abuse of Waivers.” *Punch*, November 25, 2013.

“We Can’t Save Money on Empty Stomach—Tambuwal.” *Ogun State Television*, December 18, 2013. <http://www.ogtv.com.ng/we-cant-save-money-on-empty-stomach>

-tambuwal.

2014

Chris Kay. "Nigeria's Okonjo-Iweala Says Lower Oil Savings Increasing Risk." *Bloomberg*, January 22, 2014. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2014-01-22/nigeria-s>

-okonjo-iweala-says-lower-oil-savings-increasing-risk.

Bassey. "FG Loses ₦160 Bn Monthly to Oil Theft—Okonjo Iweala." *Silverbird Television*,

March 18, 2014. <http://silverbirdtv.com/news/5129-fg-loses-n160bn-monthly-oil>

-theft-okonjo-iweala.

Temitope Oshikoya. "The Golden Girl and the Icarus Paradox." *Guardian* (Nigeria),

September 8, 2014. <http://allafrica.com/stories/201409081894.html>.

Paul C. Nwabuikwu. "Temitope Oshikoya: The Lies of a Disappointed Man." Response

to "The Golden Girl and the Icarus Paradox." published in *Guardian* (Nigeria), September

8, 2014. *247ureports*, September 11, 2014. <https://247ureports.com/2014/09/11/temitope-oshikoya-the-lies-of-a-disappointed-man-by-paul-c-nwabuikwu>.

Sani Tuku. "\$30 Billion Excess Crude Fund Unaccounted For—Oshiomhole." *Premium*

Times, December 25, 2014. <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/173810>

-30billion-excess-crude-fund-unaccounted-oshiomhole.html.

"\$30 Billion Not Missing from Excess Crude Accounts—Okonjo-Iweala." *Vanguard*, December

27, 2014. <http://www.vanguardngr.com/2014/12/30-billion-not-missing-excess>

-crude-accounts-okonjo-iweala.

2015

Niyi. “Okonjo-Iweala Accused of Spending \$2.1 Bn without Authorization.”

Information

Nigeria, June 30, 2015. <http://www.informationng.com/2015/06/okonjo-iweala>

-accused-of-spending-2-1bn-without-authorization.html.

“Okonjo-Iweala Replies Governors: I Didn’t Unilaterally Spend \$2.1 Bn.”

The News,

June 30, 2015. <http://thenewsnigeria.com.ng/2015/06/okonjo-iweala-replies-governors>

-i-didnt-unilaterally-spend-2-1bn.

Jola Sotubo. “Ex-Minister Denies Spending \$2.1 Bn without Approval.”

Pulse, July 1, 2015.

<http://pulse.ng/politics/okonjo-iweala-ex-minister-denies-spending-2-1bn-without>

-approval-id3925564.html.

Is’haq Modibbo Kawu. “Between Adams Oshiomole and Ngozi Okonjo-Iweala.”

Vanguard, July 16, 2015. <http://www.vanguardngr.com/2015/07/between-adams>

-oshiomhole-and-ngozi-okonjo-iweala.

“Revealed: Okonjo-Iweala Got ₦1 Billion for Two Years Rent from Agency She Set Up!”

Gong News, July 5, 2015.

“Okonjo-Iweala Used \$1 Bn Govt. Money for Jonathan’s Re-election—Oshiomhole.”

Premium Times, July 13, 2015. <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/>

186604-okonjo-iweala-used-1bn-govt-money-for-jonathans-re-election-oshiomhole.html.

Dimenj Akinloye. “Oshiomhole Suffers from ‘Numerical Diarrhea’—Ex-minister

Reacts to Gov’s Accusations.” *Pulse*, July 13, 2015. <http://pulse.ng/politics/okonjo-iweala-oshiomhole-suffers-from-numerical-diarrhea-ex-minister-reacts-to-govs-accusations-id3969091.html>.

Taiwo George. “Oshiomhole Will Fail in His Campaign of Falsehood against Me, Says

Okonjo-Iweala.” *The Cable*, July 13, 2015. <https://www.thecable.ng/oshiomhole-will-fail-says-ngozi-okonjo-iweala>.

“Okonjo-Iweala Replies Oshiomhole on Allegations of \$1 Bn Misappropriation.” *Channels Television*, July 14, 2015. <http://www.channelstv.com/2015/07/14/okonjo-iweala-replies-oshiomhole-on-allegations-of-1bn-misappropriation>.

Bamidele Olowosagba. “Report: Why Oshiomhole Is Witch-Hunting Okonjo-Iweala.”

Naij, n.d. <https://politics.naij.com/489413-report-why-oshiomhole-is-witch-haunting-okonjo-iweala.html>.

Ayodele Daniel. “Buhari Queries Finance Ministry over Diversion of \$1 Bn Rail Project

Loan.” *Information Nigeria*, August 10, 2015. <http://www.informationng.com/2015/08/buhari-queries-finance-ministry-over-diversion-of-1bn-rail-project-loan.html>.

Ikenna Asomba. “Allegation of Diverted \$1 Bn China Loan Has No Substance.” *Vanguard*,

August 16, 2015. <http://www.vanguardngr.com/2015/08/allegation-of-diverted-1bn-china-loan-has-no-substance-okonjo-iweala>.

Emma Ujah. “SERAP Call for Okonjo-Iweala Probe Politically Sponsored—Nwabuikwu.” *Vanguard*, December 1, 2015. <http://www.vanguardngr.com/2015/12/>

serap-call-for-okonjo-iweala-probe-politically-sponsored-nwabuikwu.
 Nicholas Ibekwe. “How Jonathan, Okonjo-Iweala Illegally Diverted N61.4 Billion Abacha Loot to NSA, Sambo Dasuki.” *Premium Times*, December 9, 2015. <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/194870-how-jonathan-okonjo-iweala-illegally-diverted-n61-4-billion-abacha-loot-to-nsa-sambo-dasuki.html>.
 Mayour Speakers. “Okonjo-Iweala Should Be Arrested after Confession— Says Adams Oshiomhole.” *Rock City Gist*, December 10, 2015.
 Ameh Comrade Godwin. “Armagate: Oshiomhole Tells Buhari to Arrest Okonjo-Iweala.” *Daily Post Nigeria*, December 10, 2015. <http://dailypost.ng/2015/12/10/armagate-oshiomhole-tells-buhari-to-arrest-okonjo-iweala>.
 “Oshiomhole’s Allegations of Illegal Diversion of Abacha Funds Baseless— Okonjo-Iweala.” *Daily Post Nigeria*, December 10, 2015. <http://dailypost.ng/2015/12/10/oshiomholes-allegations-of-illegal-diversion-of-abacha-funds-baseless-okonjo-iweala>.
 “Okonjo-Iweala Makes Public Memo on Arms Deal.” *Vanguard*, December 11, 2015. <http://www.vanguardngr.com/2015/12/okonjo-iweala-makes-public-memo-on-arms-deal>.

2016

“Ex-Finance Minister Okonjo-Iweala Lashes Out, Slams Femi Falana as a Tool of the Corrupt.” *Sahara Reporters*, January 26, 2016. <http://saharareporters.com/2016/01/26/ex-finance-minister-okonjo-iweala-lashes-out-slams-femi-falana-tool->

corrupt.

Victor Oluwasegun and Dele Aofi. “EFCC ‘Investigating’ Okonjo-Iweala, Diezani, Aluko.”

The Nation, February 8, 2016. <http://thenationonlineng.net/efcc-investigating-okonjo>

-iweala-diezani-aluko.

Odilim Enwegbara. “Okonjo-Iweala and the End of Neo-Liberalism in Nigeria.”

People’s Daily, February 26, 2016. <http://www.peoplesdailyng.com/okonjo-iweala-and>

-the-end-of-neoliberalism-in-nigeria.

پیوست ب: جداول فصول ۴ و ۷

جدول B4.1

تخصیص درآمد فدرال نیجریه به ایالت‌ها از طریق کمیته تخصیص حساب‌های فدرال در ۲۰۱۴-
(به دلار آمریکا) ۲۰۱۱

ایالت	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	میزان تغییر در ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ (درصد)
Abia	\$123,147,704	\$341,872,319	\$385,177,302	\$317,891,288	-17.5%
Adamawa	129,576,284	338,639,339	363,636,394	295,792,880	-18.7
Akwa Ibom	611,934,635	1,667,373,787	1,887,326,615	1,425,767,491	-24.5
Anambra	132,515,801	346,780,049	372,864,241	300,694,279	-19.4
Bauchi	151,286,984	394,784,216	426,229,037	345,420,354	-19.0
Bayelsa	481,508,713	1,178,321,009	1,332,545,429	942,522,737	-29.3
Benue	140,433,722	367,086,837	396,262,676	323,191,006	-18.4
Borno	153,102,750	399,037,443	431,202,996	360,651,843	-16.4
Cross River	136,345,708	341,817,502	351,381,398	294,492,142	-16.2
Delta	567,046,857	1,399,419,600	1,485,456,998	1,099,761,137	-26.0
Ebonyi	108,540,476	284,831,042	308,954,219	254,967,538	-17.5
Edo	162,160,319	418,863,722	462,160,991	365,329,459	-21.0
Ekiti	109,380,227	287,420,175	311,436,227	255,236,830	-18.0
Enugu	116,966,523	323,032,844	350,270,344	298,678,506	-14.7
Gombe	115,423,950	301,826,651	327,986,230	268,351,643	-18.2
Imo	154,335,064	396,424,390	428,850,501	340,081,022	-20.7
Jigawa	143,347,920	375,914,058	404,453,154	333,784,741	-17.5
Kaduna	164,582,044	430,776,806	465,253,404	381,019,082	-18.1
Kano	206,966,869	543,869,218	586,313,811	477,669,372	-18.5
Katsina	156,596,781	410,184,464	442,219,909	365,868,766	-17.3
Kebbi	130,382,955	341,187,573	368,964,529	310,451,358	-15.9
Kogi	130,274,763	340,890,969	370,571,875	319,554,963	-13.8
Kwara	113,014,969	294,088,503	316,606,643	257,628,634	-18.6
Lagos	299,340,119	812,471,418	878,354,765	750,730,784	-14.5
Nassarawa	110,704,039	289,756,304	314,914,974	264,171,704	-16.1
Niger	150,409,980	391,664,750	421,437,964	335,046,552	-20.5
Ogun	127,946,733	335,983,929	358,275,257	282,137,276	-21.3
Ondo	196,524,677	499,751,613	554,606,765	416,247,379	-24.9
Osun	121,606,642	318,255,441	342,344,832	258,897,146	-24.4
Oyo	152,983,839	400,488,389	428,234,022	338,665,998	-20.9
Plateau	127,531,812	333,864,720	362,437,002	307,276,057	-15.2
Rivers	631,853,472	1,520,190,701	1,584,339,042	1,083,003,117	-31.6
Sokoto	135,101,640	354,060,988	383,526,216	324,302,349	-15.4
Taraba	126,608,131	331,045,596	353,984,880	282,350,839	-20.2
Yobe	125,627,531	328,839,550	353,904,794	290,099,802	-18.0
Zamfara	127,419,255	334,113,012	360,568,838	293,998,644	-18.5
جمع کل، ایالت‌ها و شوراهای دولت محلی	\$6,872,603,797	\$17,775,795,194	\$19,273,270,983	\$15,161,734,713	-21.3%
جمع کل، دولت فدرال نیجریه	\$10,308,513,251	\$28,531,273,071	\$22,769,595,779	\$20,279,721,015	-10.9%

منبع: دفتر حسابدار کل فدراسیون نیجریه

جدول B4.2

تخصیص درآمد فدرال نیجریه برای هشت ایالت در مقایسه با درآمدهای کشورهای منتخب آفریقا در سال ۲۰۱۴ (به دلار آمریکا)

کشور آفریقایی	ایالت نیجریه‌ای	درآمد
رواندا		\$1,900,456,968
نیجر		1,896,770,681
بنین		1,670,826,700
گینه		1,491,684,538
سوازیلند	اکووا ایبوم	1,425,767,491
لسوتو		1,353,251,198
ماداگاسکار		1,344,019,266
مالاوی		1,326,690,211
	دلتا	1,319,997,015
	ریورز	1,099,761,137
	بایلسا	1,083,003,117
توگو		942,522,737
بوروندی ^۱		907,926,688
	لاگوس	825,774,119
سیرالئون		750,730,784
لیبیریا		684,327,402
اریتره		610,814,189
سیشلز ^۲		586,723,152
کیپ ورده ^۳	کانو	503,105,719
	اوندو	477,669,372
	کادونا	426,708,724
جمهوری آفریقای مرکزی		416,247,379
گینه-بیسائو ^۴		381,019,082
کوموروس ^۵		268,885,044
سانو تومه و پرنسپ ^۶		233,051,832
گامبیا		166,542,788
		87,638,621
		84,980,564

منبع: صندوق مالی بین‌المللی، داده‌های طولی درآمد جهانی^۷؛ دفتر حسابدار کل دولت فدرال نیجریه

1. Burundi
2. Seychelles
3. Cape Verde
4. Guinea-Bissau
5. Comoros
6. São Tomé and Príncipe
7. World Revenue Longitudinal Data

جدول B4.3

بدهی خارجی ایالت‌های نیجریه، سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ (به دلار آمریکا)

تغییر ۲۰۱۳-۲۰۱۵ (درصد)	۲۰۱۵	۲۰۱۳	ایالت
21.42%	\$41,502,309.09	\$34,180,112.33	Abia
60.54	49,056,440.81	30,556,441.13	Adamawa
-14.75	52,717,441.23	61,841,809.85	Akwa Ibom
100.44	60,781,525.58	30,323,574.40	Anambra
20.90	85,335,689.10	70,582,915.21	Bauchi
31.19	37,602,856.36	28,662,160.25	Bayelsa
16.20	35,700,600.77	30,722,987.68	Benue
48.79	23,189,858.24	15,585,332.20	Borno
11.84	136,403,069.67	121,966,922.51	Cross River
97.26	38,792,421.97	19,665,800.31	Delta
8.89	47,166,600.06	43,314,886.43	Ebonyi
279.72	168,186,197.48	44,292,718.14	Edo
47.65	54,982,558.30	37,237,967.18	Ekiti
35.10	71,828,840.62	53,166,642.89	Enugu
18.34	39,822,769.29	33,652,015.79	Gombe
12.24	59,163,843.12	52,712,924.49	Imo
-4.91	34,085,704.85	35,846,252.03	Jigawa
-6.19	226,368,167.93	241,309,864.17	Kaduna
-9.84	57,612,298.94	63,897,444.17	Kano
-2.13	72,153,818.01	73,725,662.92	Katsina
-3.37	45,275,904.28	46,855,525.42	Kebbi
-0.97	33,632,106.66	33,960,974.29	Kogi
11.25	51,032,662.69	45,871,785.31	Kwara
28.76	1,207,900,597.65	938,135,517.81	Lagos
11.37	53,066,146.92	47,648,079.92	Nawarawa
41.04	44,780,717.63	31,750,342.66	Niger
-11.53	103,331,349.94	116,802,098.95	Ogun
-0.09	52,089,561.21	52,134,726.59	Ondo
24.35	76,896,131.15	61,838,048.10	Osun
-16.77	66,754,604.54	80,201,551.16	Oyo
34.40	30,474,421.99	22,674,216.60	Plateau
9.91	46,922,403.74	42,690,633.60	Rivers
-4.91	41,946,527.11	44,111,989.86	Sokoto
-2.63	22,934,478.17	23,554,326.97	Taraba
-7.80	30,456,120.37	33,033,729.59	Yobe
8.13	34,919,653.15	32,292,716.69	Zamfara
-10.64	35,044,755.92	39,218,574.39	ناحیه پایتختی فدرال
22.36	7,348,520,340.26	6,005,796,877.91	دولت فدرال نیجریه
21.50%	\$10,718,431,494.80	\$8,821,816,149.90	مجموع

منبع: دفتر مدیریت بدهی نیجریه

جدول B4.4

بدهی داخلی ایالت‌ها، سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۵ (برحسب نایرای نیجریه)

تغییر ۲۰۱۳-۲۰۱۵ (به درصد)	۲۰۱۵	۲۰۱۳	ایالت
5.65%	₦33,530,526,404.80	₦31,736,723,709.99	Abia
195.44	47,201,622,579.96	15,976,516,325.57	Adamawa
18.03	147,575,744,158.56	125,037,037,605.70	Akwa Ibom
18.18	3,575,774,874.94	3,025,797,046.67	Anambra
242.65	57,652,771,752.74	16,825,508,391.99	Bauchi
48.71	103,374,234,640.82	69,513,133,900.54	Bayelsa
59.85	39,944,214,752.45	24,987,874,907.59	Benue
-6.70	22,338,730,000.00	23,943,150,000.00	Borno
-0.46	115,522,252,057.76	116,061,634,844.18	Cross River
214.01	320,605,705,560.12	102,100,201,248.42	Delta
158.15	34,168,940,626.65	13,236,092,949.91	Ebonyi
-3.94	46,289,079,475.93	48,190,150,127.26	Edo
134.91	52,564,975,851.05	22,376,368,393.61	Ekiti
211.33	37,550,234,882.49	12,061,395,495.12	Enugu
90.96	53,454,395,426.58	27,992,839,304.52	Gombe
467.88	71,743,513,593.94	12,633,534,789.87	Imo
1276.61	22,194,825,541.33	1,612,286,807.20	Jigawa
407.00	49,847,912,415.07	9,831,844,875.14	Kaduna
101.84	65,007,329,454.77	32,207,008,565.09	Kano
4162.89	11,495,034,109.56	269,653,436.00	Katsina
7372.76	63,793,338,564.49	853,678,192.00	Kebbi
491.21	42,034,626,226.84	7,109,873,890.72	Kogi
42.60	31,966,815,195.18	22,416,654,388.02	Kwara
-21.63	218,538,866,537.99	278,867,066,559.64	Lagos
40.59	40,557,054,662.42	28,848,544,842.82	Nawarawa
-13.06	21,501,786,900.47	24,731,746,161.25	Niger
30.04	75,921,433,395.59	58,381,996,066.07	Ogun
-13.71	26,647,789,528.58	30,883,178,135.70	Ondo
249.52	144,699,560,798.75	41,400,000,000.00	Osun
148.28	47,437,006,181.97	19,106,047,344.26	Oyo
83.54	96,204,851,687.47	52,416,334,018.77	Plateau
4.18	134,966,595,276.76	129,549,646,455.00	Rivers
103.12	11,658,206,030.82	5,739,570,055.40	Sokoto
99.12	27,646,234,687.08	13,883,978,775.15	Taraba
244.50	3,867,455,411.90	1,122,635,101.66	Yobe
64.01	46,280,694,674.28	28,217,646,668.06	Zamfara
58.79	133,900,288,428.20	84,324,102,643.49	ناحیه پایتختی فدرال
62.82%	₦2,503,260,422,348.31	₦1,537,471,452,022.38	مجموع

منبع: دفتر مدیریت بدهی نیجریه

جدول B4.5

حقوق‌ها و مزایای قانون‌گذاران: مقایسه نیجریه و کشورهای دیگر

استرالیا	فیلیپین	کنیا	نیجریه		سنگاپور	تانزانیا	هند	بریتانیا کبیر	ایالات متحده		
	مجلس سنا		مجلس سنا	مجلس نمایندگان					مجلس سنا	مجلس نمایندگان	
\$195,130	\$23,414	\$61,964	\$10,132	\$9,926	\$116,986	\$84,000	\$25,758	£67,060	\$174,000	\$174,000	حقوق پایه سالانه مقرری‌هایی برای هزینه‌های دفتری (میانگین) الف
\$451,100	\$204,543	\$111,585	\$174,829	\$156,813	\$136,483	\$133,200	\$27,936	£427,225	\$3,235,422	\$1,255,909	صندوق توسعه حوزه انتخاباتی ^۱ (CDF) ^۲
-	\$4,270,000	\$794,464	~\$1,460,000	~\$1,460,000	-	\$13,761	\$420,790	-	-	-	جمع
\$646,230	\$4,497,957	\$968,013	\$1,684,961	\$1,666,739	\$253,469	\$230,961	\$474,484	£494,285	\$3,409,422	\$1,429,909	

یادداشت‌ها: الف) شامل هزینه‌هایی برای کارمندان، نامه‌رسانی و سفر می‌شود. ب) همان‌طور که در اینجا نشان داده شده است، صندوق توسعه حوزه انتخاباتی (CDF) شامل مجلس ملی نیجریه نیست. در عوض، کل مقدار حقوق و مزایا برای قانون‌گذاران نیجریه و هزینه‌های مربوط به اداره مجلس ملی در یک آیتم یک‌سطری با عنوان «هزینه سطر اول» گزارش شده‌اند. این هزینه در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۱۵۰ میلیارد نایرا است. اگر دستمزدها و مزایای پایه قانون‌گذاران از این مقدار کاسته شود، این مبلغ به ۱۳۵ میلیارد نایرا می‌رسد. به طور سرانه، این مقدار معادل است با حمایت ۲۸۸ میلیون نایرایی مجلس ملی نیجریه از هر قانون‌گذار. قانون‌گذاران نیجریه همچنین دارای یک سهم جداگانه از بودجه سرمایه‌ای پروژه‌های حوزه انتخاباتی نیز هستند. - = غیرقابل کاربرد.

منبع:

National Institute for Legislative Studies, "Legislators' Salaries and Allowances: A Cross-Country Comparison," Nigerian National Assembly, July 10, 2015, <http://nils.gov.ng/docs/legislators-salaries-and-allowances.pdf>;
Mark Baskin, *Constituency Development Funds (CDFs) as a Tool for Decentralized Development* (Nairobi: State University of New York Center for International Development, SUNY/CID, 2010).

جدول B7.1

نیجریه در قالب اعداد: شاخص‌های منتخب از اقتصاد کلان

الف) تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص نفتی و غیرنفتی داخلی، کسری بودجه، بدهی، حساب جاری و ذخایر خارجی، ۲۰۱۷-۲۰۱۵ (پیش‌بینی شده)

2017 پیش‌بینی شده	2016	2015	2014	2013	2012	2011	2010	2009	2008	2007	2006	2005	
\$400.621	\$405.952	\$493.841	\$568.496	\$514.965	\$460.952	\$414.095	\$369.062	\$297.458	\$330.260	\$262.215	\$222.791	\$169.64	GDP (قیمت‌های فعلی، بر حسب میلیارد دلار)
0.833%	-1.541%	2.653%	6.310%	5.394%	4.279%	4.887%	11.259%	8.353%	7.199%	7.318%	6.726%	7.008%	GDP (قیمت‌های ثابت، بر حسب درصد تغییر سالانه)
-7.8%	-13.6%	-5.4%	-1.3%	-13.1%	-4.9%	-2.2%	5.0%	0.5%	-6.2%	-4.5%	-4.5%	0.5%	GDP نفت (بر حسب درصد تغییر سالانه)
0.2%	-0.3%	3.6%	7.3%	8.3%	5.9%	8.3%	8.4%	8.3%	9.0%	9.5%	9.4%	8.6%	GDP غیرنفتی (بر حسب درصد تغییر سالانه)
17.350%	15.699%	9.010%	8.048%	8.495%	12.225%	10.825%	13.742%	12.536%	11.581%	5.401%	8.218%	17.856%	تورم (بر حسب درصد تغییر در CPI)
-5.049%	-4.427%	-3.527%	-2.211%	-2.472%	0.092%	0.245%	-4.235%	-5.365%	5.701%	-1.067%	8.695%	4.908%	کسر بودجه
23.263%	18.621%	12.112%	10.605%	12.609%	12.539%	12.629%	9.597%	8.617%	7.276%	8.116%	7.708%	18.927%	بدهی ناخالص (بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی)
-	\$11.406	\$10.718	\$9.711	\$8.822	\$6.527	\$5.667	-	-	-	-	-	-	بدهی خارجی (بر حسب میلیارد دلار آمریکا)
0.99%	0.65%	-3.19%	0.16%	3.70%	3.77%	2.58%	3.55%	4.66%	8.83%	10.54%	16.39%	21.53%	موجودی حساب جاری (بر حسب درصدی از تولید ناخالص داخلی)
\$27.1	\$27.0	\$28.3	\$34.3	\$42.8	\$43.8	\$32.6	\$32.3	\$42.4	\$53.0	\$51.3	\$41.8	\$28.3	ذخایر خارجی (بر حسب میلیارد دلار آمریکا)
-	۳۰۴	۱۹۷	۱۶۷	۱۵۵	۱۵۵	۱۵۶	۱۴۸	۱۴۷	۱۳۰	۱۱۶	۱۲۶	۱۲۸	نرخ مبادله

یادداشت‌ها: الف) CPI (Consumer Price Index) شاخص قیمت مصرف‌کننده. ب) وام‌دهی و وام‌گیری خالص در قالب درصدی از تولید ناخالص داخلی. ج) بدهی خارجی برگرفته از دفتر مدیریت بدهی نیجریه که در ۳۱ دسامبر هر سال گزارش می‌شود و از طریق آدرس اینترنتی <https://www.dmo.gov.ng/debt-profile/total-public-debt> قابل دسترسی است. د) نرخ‌های ارز (با تبدیل دلار آمریکا به نایرا نیجریه) برگرفته از بانک مرکزی نیجریه که در ۳۱ دسامبر هر سال گزارش می‌شود و از طریق آدرس اینترنتی <http://www.cbn.gov.ng/rates/ExchangeArchives.asp> قابل دسترسی است. - = ناموجود.

منابع:

International Monetary Fund, *World Economic Outlook Database*, accessed July 2017, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2017/01/weodata/weoselgr.aspx>; International Monetary Fund, *Article IV Consultations for Nigeria*, various years, <http://www.imf.org/external/country/NGA/index.htm?type=9998#56>

(ب) ارزش افزوده هر بخش: کشاورزی، صنعت، تولید و خدمات، سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۵ (برحسب درصدی از تولید ناخالص داخلی)

بخش	2010	2011	2012	2013	2014	2015
کشاورزی	23.90%	22.30%	22.10%	21.00%	20.20%	20.90%
صنعت	25.30	28.30	27.30	26.00	24.90	20.40
تولیدات	6.55	7.12	7.79	9.03	9.75	9.53
خدمات	50.80	49.40	50.60	53.00	54.80	58.80

منبع:

World Bank, International Bank for Reconstruction and Development/International Development Association, *DataBank*, <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=NGA>.

(ج) رشد بخشی: کشاورزی، صنعت، تولیدات و خدمات، سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ (درصد تغییر سالانه)

بخش	2010	2011	2012	2013	2014	2015
کشاورزی	5.82%	2.92%	6.70%	2.94%	4.27%	3.72%
صنعت	5.95	8.39	2.43	2.16	6.76	-2.24
تولیدات	7.57	17.82	13.46	21.80	14.72	-1.46
خدمات	12.40	4.90	3.97	8.38	6.85	4.78

منبع:

World Bank, International Bank for Reconstruction and Development/International Development Association, *DataBank*, <http://databank.worldbank.org/data/reports.aspx?source=2&country=NGA>.

پیوست ج: حادثه غم‌انگیز دختران گمشده چیبوک و یک پروژه ابتکاری بین‌المللی برای افزایش امنیت مدارس نیجریه

یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های نیجریه و یکی از لکه‌های ننگین شهرت دولت گودلاک جاناتان، ربوده شدن ۲۷۶ دختر مدرسه‌ای از مدارس دولتی شهر چیبوک به وسیله گروه تروریستی بوکو حرام در شب ۱۴ آوریل سال ۲۰۱۴ بود. آن زمان مکزیکوسیتی بودم و به همراه جاستین گرینینگ وزیر همکاری توسعه بریتانیا کنفرانسی در مورد مشارکت جهانی برای همکاری موثر در زمینه توسعه برگزار کرده بودیم. هنگام صرف قهوه صبحانه در صبح روز ۱۵ آوریل ناگهان متوجه شدم که مهمه‌ای در میان حاضران ایجاد شده است. اندکی بعد گروهی با عجله به سویم آمدند و از من سوال کردند: «آیا خبر دارید که در نیجریه چه اتفاقی رخ داده است؟» و سپس به من گفتند که ۲۷۶ دختر در شمال نیجریه از مدرسه‌ای دولتی ربوده شده‌اند!

از شنیدن این خبر ناگهان شوکه شدم. ظاهراً واکنشم به این خبر شوک حاضران در اتاق را تشدید کرد. چطور فردی یا حتی یک گروهک تروریستی می‌تواند این همه دختر بچه را از مدرسه‌ای براباید؟ پس از بررسی ایمیل‌م متوجه شدم که بسیاری از کارکنان دولت پیام‌های اضطراری متعددی در مورد این حادثه برایم ارسال کرده‌اند. حالا تمام شرکت‌کنندگان این کنفرانس از من سوال می‌کردند که دولت ما قصد دارد برای نجات این دختر بچه‌ها چه اقدامی بکند. هیچ پاسخی نداشتم، اما می‌دانستم که پاسخ این سوال بی‌نهایت مهم است و به همین دلیل تصمیم گرفتم تا با بالاترین مقامات دولت تماس بگیرم و پاسخ این سوال را بگیرم. با رئیس‌جمهور جاناتان تماس گرفتم و از آنجا که «اتاق کنترل» با اولین تماس من را مستقیم به رئیس‌جمهور وصل کرد بسیار دلگرم شدم.

وقتی رئیس‌جمهور گوشی تلفن را برداشت به نظر می‌رسید که بسیار خسته است. به‌راحتی می‌توانستم خستگی را در صدایش احساس کنم. خبرهایی را که در مکزیک شنیده بودم و همچنین واکنش شرکت‌کنندگان کنفرانس به این خبر را به او گفتم. رئیس‌جمهور تایید کرد که این خبر حقیقت دارد و اضافه کرد که با همکاری سایر مقامات دولتی در تلاش است تا ابعاد واقعی این حادثه دقیقاً مشخص شود، اما همچنان مشخص نیست که دقیقاً چه تعداد از دختر بچه‌های مدرسه ربوده شده‌اند. او گفت ظاهراً این دختر بچه‌های ربوده‌شده به مخفی‌گاه گروهک بوکو حرام در جنگل سامببسا برده شده‌اند.

ایشان همچنان اذعان کرد که واقعا برایش قابل تصور نیست که حتی یک سازمان تروریستی بتواند تا این حد پست و حقیر باشد. نمی توانست تصور کند که اگر دو دختر خودش را به این شکل ربوده بودند چه احساسی به او دست می داد.

درد و ناراحتی رئیس جمهور از این حادثه را به راحتی می توانستم در صدایش احساس کنم. پرسیدم برای نجات این دختران چه کاری می توان کرد. وی پاسخ داد که با سازمان های امنیتی در حال بررسی این آدم ربایی اند، اما با معضل واقعا دشواری روبه رو هستند. در صورتی که ارتش با نیروی هوایی به مخفی گاه آنها حمله کند، ممکن است به همراه تروریست های بوکو حرام تعدادی از این دختر بچه ها نیز در این درگیری جان شان را از دست بدهند یا حتی ممکن است تروریست های بوکو حرام با اطلاع از نزدیک شدن نیروهای دولتی شروع به قتل عام این دختران کنند. رئیس جمهور اذعان کرد که برای انتخاب رویکرد مناسب برای نجات این دخترها بچه ها باید خیلی احتیاط کرد.

وی سپس جمله ای را به من گفت که به شدت مرا تحت تاثیر قرار داد: «وزیر هماهنگ کننده اقتصاد عزیز، ما باید این دختران را زنده نجات دهیم! اصلا برای من اهمیتی ندارد که دیگران در مورد چه خواهند گفت، اما نمی خواهم که هیچ کدام از این دختران جان شان را از دست بدهند. ما باید آنان را زنده پس بگیریم!» این جمله رئیس جمهور بسیار عمیق و خالصانه بود و آرامش خیلی زیادی به من داد؛ من که پیش از این اصلا آرام و قرار نداشتم. از ایشان تشکر کردم و به اتاق کنفرانس بازگشتم و در آنجا مشکلات امنیتی این رویداد را با شرکت کنندگان نگران کنفرانس در میان گذاشتم و توضیح دادم که دولت برای نجات این دختران در حال برنامه ریزی اقدامات لازم است. دو روز بعد به نیجریه بازگشتم و با جنون رسانه ها مواجه شدم. نظرات مختلفی در مورد مسئول اصلی این فاجعه ملی مطرح شده بود. مقامات دولتی و محلی تصمیم گرفته بودند تا به رغم هشدارهای دولت فدرال امتحانات ملی را در این مدرسه برگزار کنند و به همین دلیل دختران مدرسه نیز مجبور شده بودند در خوابگاه بدون برق مدرسه بمانند که امنیت کافی نداشت. اما از سوی دیگر دولت فدرال مسئول امنیت کلی کشور به حساب می آمد.

هر فردی انگشت اتهام را به سوی یکی از مقامات دولتی نشانه رفته بود، اما هیچکس توجهی نداشت که دولت چه احساسی در مورد این حادثه دارد یا چه برنامه ای

برای نجات این دختران آماده کرده است.

هیچکس به نگرانی شخصی رئیس‌جمهور درباره مساله ناپدید شدن این دختران اشاره‌ای نمی‌کرد، درحالی‌که وی نگرانی خود از این مساله را در تماس تلفنی به من ابراز کرده بود. در ارتباط دولت با مردم مشکلات جدی وجود داشت و همین مساله باعث شده بود تا مردم تصور کنند که دولت هیچ اهمیتی به این مساله نمی‌دهد. مردم نیجریه در رسانه‌های اجتماعی خشم و ناامیدی خود را از بی‌واکنشی مناسب دولت ابراز می‌کردند.

در ۲۳ آوریل سال ۲۰۱۴ وکیلی در ابوجه به نام ابراهیم ام. عبدالهی برای اولین بار از هشتگ #BBOG یا (هشتگ: دختران ما را بازگردانید^۱) استفاده کرد و به این وسیله جنبشی در میان مردم ایجاد شد. در ۳۰ آوریل همان سال صدها تن از مردم در خیابان‌های ابوجه در اعتراض به بی‌تفاوتی دولت به آدم‌ربایی جمعی تظاهرات کردند. در همین زمان رسانه‌های بین‌المللی نیز به ابوجه هجوم آوردند و توجه جهانی به این مساله را تشدید می‌کردند. من در مصاحبه‌ای با شبکه سی‌ان‌ان کوشیدم تا هراس و نگرانی بسیاری از مقامات دولتی نسبت به این مساله را برای مردم توضیح بدهم تا هم مردم نیجریه و هم مردم سایر کشورها بدانند که ما واقعا به این مساله توجه داریم و تایید کردیم که دولت فعالانه در تلاش است تا واکنش مناسبی نشان بدهد. من همچنین از تمام دولت‌های جهان درخواست کردم تا در صورت امکان در حل این مساله به ما کمک کنند. اما همچنان هیچ ابزار نظام‌مند و رسمی برای انتقال افکار و اقدامات دولت به مردم وجود نداشت و همین مساله مردم را نسبت به بی‌تفاوتی دولت بدگمان کرده و به شهرت دولت در میان مردم به‌شدت آسیب زده بود.

تا زمان انتشار خطابه عمومی رئیس‌جمهور در ۴ ماه مه که در آن از تمام افرادی که قادر به کمک درخواست یاری کرد، وجهه دولت چه در داخل کشور و چه در عرصه بین‌المللی به‌شدت تخریب شده بود. به قراری که جنبش #BBOG به تدریج به یک کمپین جهانی بدل می‌شد، احزاب سیاسی مخالف دولت روی اشتباهات دولت دست گذاشتند و از تظاهرات جنبش این هشتگ برای تخریب بیشتر وجهه دولت در میان مردم و سایر کشورهای جهان استفاده کردند.

درحالی‌که شخصیت‌های برجسته جهانی مانند میشل اوباما همسر رئیس‌جمهور

1. Bring Back Our Girls (BBOG)

ایالات متحده به تدریج به کمپین #BBOG می‌پیوستند، اهمیت سیاسی این مساله در نیجریه روزبه‌روز بیشتر می‌شد. میشل اوباما در ۷ ماه مه توثیقی به این مضمون ارسال کرد که «برای سلامتی دختران ربوده شده و خانواده‌های‌شان دعا می‌کنیم. زمان آن رسیده است که هشتگ، دختران ما را بازگردانید» و عکسی از نشان #BBOG منتشر کرد. در بحبوحه این کمپین داخلی و جهانی، من با رئیس‌جمهور در مورد اقداماتی که برای حمایت از این دختران چی‌بوک و خانواده‌های آنها می‌توانستیم انجام دهیم و همچنین آماده‌سازی مقدمات بازگشت این دختران صحبت کردم.

۵۷ تن از این دختران مدرسه‌ای زمانی که متوجه شده بودند چه اتفاقی در حال وقوع است، خودشان را از کامیون‌های بوکو حرام که دختران ربوده شده را حمل می‌کرد بیرون انداخته بودند. می‌توانستیم به این دختران کمک کنیم تا زندگی خود را از سر بگیرند و در همین حال برای بازگشت سایر هم‌مدرسه‌ای‌های آنها برنامه‌ریزی کنیم. همچنین می‌توانستیم برای محافظت از سایر کودکان آسیب‌پذیر مناطق شمال شرق کشور در برابر ربوده شدن توسط گروهک‌های تروریستی اقدامات لازم را برنامه‌ریزی کنیم. رئیس‌جمهور پیشنهاد کرد که می‌توانیم مدرسه چیبوک را بازسازی -مدرسه‌ای که تروریست‌های بوکو حرام آن را به آتش کشیده بودند- و برای بازگشت دختران آماده کنیم. وی همچنین اذعان کرد که در پرتو این چالش‌های امنیتی عاقلانه این است که از کمک ارتش نیز برای انجام این برنامه‌ها استفاده کنیم.

درحالی‌که با رئیس‌جمهور مشغول بررسی این مساله بودیم نخست‌وزیر سابق بریتانیا، گوردون براون که حالا نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل در حوزه آموزش جهانی است و یکی از دوستان قدیمی من نیز به حساب می‌آید با من تماس گرفت و پرسید چه کمکی نیاز داریم. گوردون به روش‌های ایمن‌سازی بیشتر مدارس و آموزش و پرورش کودکان نیجریه علاقه‌مند بود. وی گفت در صورت تصویب دولت می‌تواند برای حمایت از این هدف، جامعه جهانی را متحد و منابع کافی را برای ایمن‌سازی مدارس جمع‌آوری کند. او همچنین به ما پیشنهاد کرد برای حمایت از این طرح ابتکاری می‌توانیم از کمک بخش خصوصی استفاده کنیم. برای ایجاد مدارس ایمن‌تر می‌توانستیم با کمک ائتلاف تجاری جهانی برای آموزش و پرورش که سارا براون ریاست آن را بر عهده داشت و تعدادی از صاحبان کسب‌وکار بزرگ نیجریه نیز در آن عضویت داشتند نوعی مشارکت دولتی و خصوصی راه بیاندازیم. من از این ابراز حمایت گوردون بسیار تشکر کردم و

رئیس‌جمهور نیز با ایده‌های او موافق بود زیرا با ایده‌هایی که ما در حال بررسیشان بودیم کاملاً همخوانی داشت. بدین ترتیب، طرح ابتکاری مدارس ایمن متولد شد. این پروژه در ۷ مارس ۲۰۱۴ و در انجمن اقتصادی جهانی که در ابوجه برگزار شد رسماً افتتاح شد. این پروژه روی مدارس و مداخلات این انجمن برای محافظت از کودکان آسیب‌پذیر و در معرض خطر، محافظت از ساختمان‌های مدارس و آموزش کارکنان و مشاوران ایمنی برای مدارس تمرکز داشت. این پروژه به عنوان یک طرح ملی افتتاح شد و در ابتدا بر کودکان مناطق شمال شرق کشور و پانصد مدرسه پیش‌ساخته شمال تمرکز داشت. بازسازی مدرسه چیبوک نیز یکی از پروژه‌های ویژه‌ای به حساب می‌آمد که باید زیر چتر طرح مدارس ایمن قرار می‌گرفت. بخش خصوصی نیجریه به رهبری آلیکو دانگوت^۱، تاجر میلیاردر نیجریه و اندوکا اوبیگبنا^۲ یکی از بزرگان حوزه انتشارات متعهد شد که مبلغی معادل ۱۰ میلیون دلار را به عنوان کمک مالی آغازین طرح ارائه کند و دولت نیز بلافاصله متعهد شد که مبلغی مشابه را برای آغاز این پروژه اختصاص دهد. رئیس‌جمهور جاناتان کمیته خاصی به ریاست مشترک من و گوردون براون تشکیل داد که در آن حامیان مالی مختلف از کشورهای آلمان، نروژ، بریتانیا، بانک توسعه آفریقا، برنامه توسعه ملل متحد، یونیسف و کشورهای دیگر، نمایندگان از بخش خصوصی، فرمانداران ایالتی ایالات‌های پیشگام شمال شرق کشور به همراه نمایندگان آموزش و پرورش و سازمان‌های مرتبط دولت فدرال مانند سازمان ملی مدیریت بحران حضور داشتند. وزارت دارایی در حکم مرکز اصلی این پروژه انتخاب شد.

طی این دوره، رئیس‌جمهور ۵۷ دختری که از کامیون‌ها فرار کرده بودند را به همراه والدین و سرپرستان‌شان به ویلای ریاست جمهوری دعوت کرد تا با او ملاقات کنند. این دختران تجربه وحشتناک خود را برای ما تعریف کردند و این اولین مرتبه‌ای بود که می‌توانستیم گزارش دست‌اولی از یک رویداد خاص را بشنویم. این دختران در خوابگاه‌های تاریک مدرسه بودند که ناگهانی مردانی در لباس ارتش نیجریه وارد شدند و آنان را دور هم جمع کردند و گفتند که می‌خواهند آنها را از حمله قریب‌الوقوع بوکو حرام نجات دهند. دانش‌آموزان به شدت وحشت و تصور کردند که سربازان ارتش نیجریه می‌خواهند آنها را به محل امنی ببرند. پس از اندکی پداده‌روی آنها را سوار کامیون‌هایی

1. Aliko Dangote
2. Nduka Obaigbena

کردند و در آنجا بود که با شنیدن اتفاقی مکالمه این مردان متوجه شدند که در دستان گروهک تروریستی بوکو حرام قرار گرفته‌اند و در معرض خطر جدی هستند. کسانی که شجاع‌تر بودند از کامپون‌ها بیرون پریدند و برای فرار از دست آنها به سوی بوته‌زارهای نزدیک دویدند. شنیدن داستان این دختران برای همه بسیار هولناک بود.

پس از شنیدن سخنان این دختران با بعضی از آنها صحبت کردم و پرسیدم به چه چیزهایی نیاز دارند و چطور می‌توانیم از آنها حمایت کنیم. درحالی‌که بسیار واضح به نظر می‌رسید که مشاوره روان‌پزشکی یکی از اولویت‌های اصلی است و ما نیز بعدها این گزینه را به طرح مدارس ایمن اضافه کردیم، اما آنها همان جمله‌ای را که به رئیس جمهور گفته بودند تکرار کردند: بزرگ‌ترین نگرانی‌شان نجات دختران در دست بوکو حرام بود. رئیس جمهور نیز به صراحت اعلام کرد که اولویت اصلی دولت نجات دختران باقی مانده و حمایت از ۵۷ دختر فرار کرده و خانواده‌های‌شان است.

پس از این تعهد دولت، از دختران در مورد علاقه آنها برای بازگشت به مدرسه سوال کردم. بسیاری از آنها مشتاق بودند تا تحصیل خود را ادامه دهند، اگرچه بعضی ترجیح می‌دادند تا در سایر نقاط کشور ادامه تحصیل دهند. در طرح مدارس ایمن با انتقال برخی از دختران به مدارس شبانه‌روزی مناطقی مانند شهر جوز از آنها حمایت می‌شد. در این طرح بیش از دویست کودک شمال شرق کشور به صورت داوطلبانه به مناطق دارای مدارس شبانه‌روزی ایمن‌تر در شمال منتقل شدند.

ما در اردوگاه‌های آوارگان داخلی^۱ میدوگوری، یولا و مناطق دیگر و با کمک طرح‌های خاص یونیسف مانند «مدارس در کیف پشتی» که اقلام مورد نیاز تحصیل را در اختیار دانش‌آموزان و دبیران قرار می‌داد از آموزش و پرورش کودکان حمایت می‌کردیم.

به‌رغم کمپین پرشوری که در رسانه‌های اجتماعی به راه افتاده بود و کمک برخی کشورها مانند ایالات متحده و بریتانیا ماه‌ها سپری شد، اما نتوانستیم دختران گمشده را بیابیم. نظارت رسانه‌ای شدید بود و هر اقدام یا عدم اقدام دولت را حتی در مواقعی با بی‌رحمی تمام گزارش می‌کردند. همچنانکه دولت به جست‌وجوی دختران گمشده ادامه می‌داد، اشتباهات ارتباطی نیز ادامه داشتند. یک بار به اشتباه اعلام شد که دختران گم شده پیدا شده‌اند که امیدی واهی در مردم ایجاد کرد.

یک بار دیگر خبری اعلام شد که مذاکراتی با سازمان تروریستی در حال انجام

1. Internally Displaced Persons (IDP)

است تا این دختران را آزاد کنند، اما باز هم مشخص شد که چنین مطلبی حقیقت ندارد. در ۳ جولای سال ۲۰۱۴ در مصاحبه‌ای با کریستیان امان‌پور^۱ از شبکه سی‌ان‌ان در مورد این مشکلات ارتباطاتی صحبت و تلاش کردم تا تمرکز رسانه‌ها را به سوی طرح مدارس ایمن جلب کنم. اما تا زمانی که این دختران پیدا نشده بودند حتی گام‌های مثبت دولت نیز در درجه دوم اهمیت قرار داشت. ما قاطعانه به پیشبرد عملیات طرح مدارس ایمن ادامه دادیم و مصمم بودیم تا به احترام این دختران، امنیت سایر کودکان مشغول تحصیل در مدارس را تضمین کنیم.

به دلیل تداوم فعالیت بوکو حرام در ایالت بورنو شامل بمب‌گذاری‌های انتحاری گاه‌به‌گاه در میدوگوری، مرکز این ایالت، بسیاری از مردم حاضر نبودند به این شهر مسافرت کنند. اما گروه طرح مدارس ایمن تصمیم گرفت که ما باید در این مناطق حضور داشته باشیم تا بتوانیم با کودکان و والدینی که به دنبال کمک به آنها هستیم به صورت حضوری صحبت کنیم و دریابیم که برای محافظت از مدارس آسیب‌پذیر به چه اقداماتی نیاز داریم.

بنابراین، در ۱۸ ژوئن به همراه گروهی از متخصصان طرح مدارس ایمن شامل مشاورانی که سازمان توسعه بین‌الملل بریتانیا هزینه آنها را تامین می‌کرد، به میدوگوری سفر کردیم و در آنجا با فرماندار ایالت و معاون فرماندار و سایر مقامات محلی همکاری نزدیکی داشتیم.

وضعیت شهر میدوگوری خیلی وخیم بود. تعدادی از مدارس این شهر با بمب‌گذاری‌های بوکو حرام تخریب شده بودند. کودکان این شهر دو سال بود که نمی‌توانستند به مدرسه بروند و در کوچه‌ها و خیابان‌ها سرگردان بودند. ما کارمان را با شناسایی اقدامات لازم برای عملیاتی‌سازی مجدد این مدارس در شرایط ایمن آغاز کردیم و به دنبال شناسایی اقداماتی بودیم که در حین انتظار برای بازسازی این مدارس می‌توانستیم برای ترویج آموزش و پرورش در میان اردوگاه‌های آوارگان داخلی انجام دهیم. برای بازسازی فیزیکی این مدارس به مواد ضدحریق، تجهیزات روشنایی بهتر، دیوارهای محافظتی، سامانه‌های هشدار زود هنگام و سایر امکانات ایمنی نیاز داشتیم. ما همچنین با رئیس مدرسه تخریب شده دختران چیوبک نیز ملاقات کردیم که در زمان ربودن شدن این دختران در شهر میدوگوری حضور نداشت و با او در مورد روش بازسازی این مدرسه گفت‌وگو کردیم.

1. Christiane Amanpour

در ۵ مارس سال ۲۰۱۵ من اولین مقام دولتی رده بالا و اولین وزیری شدم که از منطقه چیپوک دیدن کرده بود. رئیس جمهور سفری را برای ملاقات با والدین دختران گم شده و پایه گذاری پروژه بازسازی مدرسه برنامه ریزی کرده بود، اما در آخرین لحظه مجبور به لغو این سفر شد و من را به عنوان معاونش به منطقه فرستاد تا در حکم نماینده مستقیم وی این وظیفه را انجام دهم. البته، این مایه افتخار بود که رئیس جمهور مرا شایسته چنین سمتی دیده بود، اما در عین حال وظیفه خطرناکی نیز به حساب می آمد زیرا سازمان تروریستی بوکو حرام همچنان در منطقه چیپوک فعالیت داشت و در بزرگراهها مشغول غارتگری بود.

از آنجا که ارتش بیشتر جاده ها را مسدود کرده بود، ما در منطقه یولا سوار بالگردهای اوکراینی بزرگی شدیم و دو ساعت پرواز کردیم تا به مقصد برسیم. یک جنگنده آلفا نیز بالای سر ما گشت زنی می کرد تا از ما محافظت کند. پس از فرود بر زمین با سرهنگ آدامو^۱ فرمانده گردان نظامی حاضر در منطقه چیپوک و سرتیپ مشلیا^۲ فرمانده منطقه ملاقات کردیم. من در این سفر گروه طرح مدارس ایمن از جمله سانی سیدی^۳ مدیر کل سازمان ملی مدیریت بحران را همراهی می کردم. فرمانده کل سپاه مهندسی ارتش، سرتیپ ای ارووا^۴ و فرمانده نیروی هوایی سرتیپ اوتگباده^۵ نیز ما را همراهی می کردند. رئیس جمهور به سپاه مهندسی ارتش دستور داده بود تا وظیفه بازسازی و بهبود مدارس این منطقه مطابق تمام استانداردهای مدارس ایمن را بر عهده بگیرند. همچنین رئیس مدرسه چیپوک و دکتر دانلادی یکی از پزشکان جوان چیپوک که زمانی که به ابوجه فرار کرده بود با وی آشنا شده بودم ما را همراهی می کردند.

ما در شهر چیپوک گشتی زدیم و خانه های پلمپ شده و مجتمع های خالی از سکنه متعددی را دیدم که صاحبان آنها به شهر میدوگوری یا سایر مناطق دیگر گریخته بودند. اما همچنان مردم زیادی و تقریباً تمام والدین دختران گم شده در آنجا زندگی می کردند. من با پدر یکی از این دختران گمشده ملاقات کردم که همسرش خانم اشتر^۶ از شهر چیپوک فرار کرده بود زیرا دیگر قادر نبود خاطرات دختر گمشده اش را تحمل کند و

1. Colonel Adamu

2. Brigadier General Mshelia

3. Sani Sidi

4. Brigadier General E. Eruwa

5. Air Commodore Otegbade

6. Esther

حالا در ابوجه به عنوان منشی من کار می‌کرد.

مردم شهر چیپوک با احساساتی متضادی برای استقبال از ما گرد هم آمده بودند. وقتای برای آنها سخنرانی کردم و به پاسخ‌های آنها گوش می‌دادم، حس قدردانی و آرامش آنها را به خوبی می‌توانستم احساس کنم زیرا رئیس‌جمهور در نهایت یکی از مقامات دولتی رده‌بالا را به منطقه فرستاده بود و نشان می‌داد که به وضعیت زندگی آنها توجه دارد. اما در عین حال خشم و ناراحتی آنها را نیز می‌توانستم احساس کنم زیرا زمان زیادی طول کشیده بود تا رئیس‌جمهور این کار را انجام دهد و دختران گمشده نیز هنوز بازگردانده نشده بودند.

همچنین نگرانی و ناامیدی آنها نیز به خوبی قابل درک بود، به این خاطر دیگر امید به بازگشت ایمن این دختران بسیار بعید به نظر می‌رسید. بسیاری از حاضران و از جمله خودم از شدت ناراحتی گریه کردند و من نیز پیام امیدوارکننده رئیس‌جمهور را به آنها منتقل کردم که دولت همچنان با تمام وجود در حال جست‌وجوی این دختران است و این دختران پیدا خواهند شد و به خانه باز خواهند گشت و به همین دلیل باید با بازسازی مدرسه برای بازگشت آنها آماده شویم.

والدین این دختران تاکید کردند که اولویت اصلی‌شان یافتن دختران گمشده‌شان است، اما از این حرکت رئیس‌جمهور برای بازسازی مدارس نیز استقبال کردند. آنها درخواست داشتند تا در طرح کاری بازسازی این مدارس با آنها کاملاً مشورت شود و با توجه به نرخ بیکاری بالای شهر که یکی دیگر از آسیب‌های ناامنی ناشی از فعالیت‌های بوکو حرام بود به عنوان نیروی کار پروژه بازسازی استخدام شوند. از آنجا که فرمانده سپاه مهندسی ارتش نیز در آنجا حضور داشت، می‌توانستیم در همان مکان با خواسته آنان موافقت کنیم و ارتش نیز می‌توانست خواسته‌های آنها را تامین کند. پس از توافق بر سر این موضوع ما به محل مدرسه‌ای رفتیم که سازمان تروریستی به آتش کشیده بود و پروژه بازسازی آن را افتتاح کردیم. در ۲۸ مارس سال ۲۰۱۵ انتخابات ریاست جمهوری در نیجریه برگزار شد و گروه مخالف در این انتخابات برنده شد. بنابراین، کارهای طرح مدارس ایمن نیز متوقف شد. در وزارت دارایی که مرکز اصلی مدیریت این پروژه بود ما یادداشت‌های تحویل کار دقیقی را آماده کردیم به این امید که دولت جدید کارهای این پروژه را ادامه دهد. معتقدم که کارهای این پروژه در منطقه شمال شرق کشور تحت رویکرد جدیدی در حال انجام است.

در دسامبر سال ۲۰۱۶ جهان خبر خوشحال‌کننده‌ای دریافت کرد که ۲۱ دختر دیگر نیز با مذاکره با نمایندگان بوکو حرام آزاد شده‌اند و به همین دلیل امید به بازگشت و آزادسازی سریع بقیه دختران نیز افزایش یافت. در ۷ ماه مه ۲۰۱۷ نیز به دنبال مذاکرات موفقیت‌آمیز نمایندگان دولت بوهاری و سازمان بوکو حرام ۸۲ دختر دیگر نیز آزاد شدند. اما همچنان ۱۱۶ دختر چیبوکی در دست بوکو حرام باقی مانده‌اند و مردم نیجریه و سایر کشورهای جهان همچنان امیدوارند تا این دختران نیز در آینده آزاد شوند.

سخن آخر: مبارزه همچنان ادامه دارد

درست همان زمانی که در حال تکمیل نگارش این کتاب بودم، هفت ماه مارس ۲۰۱۷ و در ساعت ۹:۳۰ صبح به وقت واشنگتن دی سی و ۲:۳۰ بعد از ظهر به وقت ابوجه تلفنم زنگ خورد. وکیلیم در نیجریه بود که به نظر هراسان می رسید. گفت که در همین لحظه نیروهای پلیس به خانه من در ابوجه آمده اند. آنها با خود حکم بازرسی و ورود به همراه داشتند و در همین حال نیز مشغول بازرسی خانه ام بودند. او گفت که دستیار شخصی ام، خانم اوبی ابراهیم^۱ با وی تماس گرفته و موضوع را به او اطلاع داده است زیرا نتوانسته با من یا همسرم تماس بگیرد. اوبی به همراه پسر^۲ اوکچوکو و سرایدار در خانه بودند، اما تمام گوشی های همراه آنها توقیف شده است و وکیل من نیز نمی دانست که آیا می توانم با آنها صحبت کنم یا خیر. با این وجود، اصرار کرد تا با تلفن همراه اوبی تماس بگیرم زیرا نیروهای پلیس قصد داشتند به اتاق خواب من وارد شوند، اما در قفل بود و اوبی نیز نمی دانست که کلید این اتاق کجاست.

نیروهای پلیس تهدید کرده بودند که در صورتی کلید در اتاق نباشد، در را می شکنند. من گیج شده بودم و به دلیل سفر هوایی طولانی از زوریخ به واشنگتن دی سی در شب گذشته خسته و خواب آلود بودم. چرا نیروهای پلیس خانه ام را تفتیش می کردند؟ هیچکس تماسی نگرفته بود تا به من اطلاع دهد که مشکلی میان من و نیروهای پلیس وجود دارد. وکیلیم بار دیگر وضعیت را به صورت خلاصه شرح داد و گفت باید بلافاصله با اوبی تماس بگیرم و زمانی که با تلفن همراه اوبی تماس گرفتم از اینکه کسی به زبان انگلیسی به من سلام کرد شگفت زده شدم. بلافاصله به زبان ایگبویی شروع به صحبت کردم و به اوبی گفتم: «اوبی، به نیروهای پلیس اجازه بده به اتاق خواب ما وارد شوند. در اتاق را برای شان باز کن. صبر کن بگویم که کلید اتاق را کجا گذاشته ام.» تصور می کنم یکی از این افراد گوشی را به اوبی داده بود زیرا پای گوشی تلفن آمد و به من سلام کرد. من بار دیگر پیام خودم را برای او تکرار کردم، اما پیش از آنکه بتوانم مطمئن شوم که جای کلید را به خوبی متوجه شده است یا خیر تماس تلفنی قطع شد. سپس تلاش کردم با شماره تلفن همراه پسر^۲ و سرایدار تماس بگیرم. اما هیچ کدام پاسخ ندادند. تنها پس از گذشت هفت ساعت از این ماجرا توانستم بار دیگر با اوبی، اوکچوکو و سرایدار تماس بگیرم.

1. Obi Ibrahim

2. Okechukwu

آنها توضیح دادند که در حدود ۱۲:۳۰ بعدازظهر به وقت ابوجه و در روز ۷ مارس گروهی متشکل از شش افسر پلیس به مجتمع مسکونی ما آمدند و تلفن همراه سرایدار و سایر افراد خانه را توقیف کردند. دو تن از این افسران پلیس از در ورودی محافظت می کردند درحالی که چهار تن دیگر که دو مرد و دو زن بودند وارد خانه شدند. آنها گفتند که از اعضای گروه ویژه ضدسرقت هستند که یکی از واحدهای پلیس در دفتر بازرسی کل پلیس بود که بالاترین درجه در میان افسران پلیس دولت فدرال به حساب می آمد و مجوزی برای بازرسی خانه جهت نگهداری غیرقانونی ارز در خانه داشتند. در نیجریه اخیرا قانونی برای افشاگری تصویب شده است که به موجب آن هر مخبری می تواند مقامات دولتی را از نگهداری غیرقانونی ارز مطلع و ۵ درصد از کل پول بازیافت شده را به عنوان پاداش دریافت کند و از ظاهر امر به نظر می رسد که فردی به مقامات پلیس گزارش داده بود که پسر من و سرایدار ما در خانه کیسه هایی مملو از ارز خارجی را پنهان کرده بودند.

پسرم اوکچوکو از شنیدن این خبر متحیر شده بود زیرا او برای کمک به موفقیت تحصیلی کودکان فقیری که در مدارس خانواده های فقیر تحصیل می کردند بنیادی را در نیجریه تاسیس کرده بود. او به این افسران پلیس گفت که این اتهامات ابدًا حقیقت ندارند. زمانی که افسران پلیس از او پرسیدند چه مقدار ارز در خانه وجود دارد، وی ۳۰۰۰ نایرای نیجریه و ۷ دلار ایالات متحده ای را که در خانه بود به آنها نشان داد. اما افسران پلیس گفته بودند که باید تمام خانه را بازرسی کنند. پسرم از آنها خواست تا مجوز خود برای بازرسی خانه را نشان بدهند. افسر ارشدتر این گروه که خود را صرفا بن معرفی کرد و نام خانوادگی خود را افشا نکرد مجوزی را به پسرم نشان داد که توسط فردی به نام یونوسا امضا شده بود. در این مجوز نام سه ساکن خانه بود: نگوزیا (بدون نام خانوادگی)، اوکچوکوو (بدون نام خانوادگی) و بلسینگ آسوکو (سرایدار). در این مجوز تنها نام سرایدار ما به صورت کامل نوشته شده بود. دقیقاً برای من مشخص نیست که چرا نام خانوادگی من و پسرم در این مجوز نوشته نشده بود.

این افسران پلیس سپس اتاق به اتاق خانه را بازرسی کردند و تمام اشیای خانه را به هم ریختند. تشک های تخت خواب ها را جدا، فرش های کف اتاق را جمع و کشوها و قفسه های کتاب را تخلیه کردند. این افسران پلیس در زیرزمین خانه کیف های رافیا رنگارنگی را مشاهده کردند که روی هم انباشته شده بودند و از همان نوع کیف هایی

بودند که مردم نیجریه آنها را «کیف‌های غنایی‌ها باید بروند» می‌نامیدند زیرا پناهندگان غنایی هنگام فرار به نیجریه در دهه ۱۹۸۰ وسایل خود را در این کیف‌ها حمل می‌کردند. این افسران پلیس با این ادعا که مردم معمولاً وجوه نقد غیرقانونی خود را در این کیف‌ها نگهداری می‌کنند در حدود شش عدد از آنها را روی کف زیرزمین تخلیه کردند. زمانی که از تخلیه این کیف‌ها چیزی جز روزنامه‌های قدیمی نیافتند که یا در طول چهار سال خدمت به عنوان وزیر دارایی نگهداری کرده بودم و یا روزنامه‌هایی بودند که از واشنگتن دی‌سی با خودم به نیجریه آورده بودم، ناراحتی به‌وضوح در چهره‌شان مشهود بود.

آنها سپس با زور در اتاق خواب ما را باز کردند، اما آنجا چیزی جز لباس‌های من و همسرم و برخی اقلام شخصی و روزنامه‌های بیشتر نیافتند. یکی از افسران خانم از اوبی سوال کرد که من جواهرات طلا را کجا نگهداری می‌کنم و اوبی نیز پاسخ داد که من زیورآلات طلای بسیار ناچیزی دارم و معمولاً از مهره‌جات و صنایع دستی ارزان‌قیمت استفاده می‌کنم. آنها در اتاق آرایش ما کیف جواهرآلاتم را بیرون کشیدند و مهره‌های هنری و دودست طلای ساده من را دیدند. آنها پس از به هم ریختن تمام اتاق آرایش چند بسته روزنامه را از داخل اتاق برداشتند و گفتند که بازرسی خانه را تکمیل کرده‌اند و می‌خواهند این روزنامه‌ها را با خود ببرند. اوبی به آنها اصرار کرد تا از روزنامه‌هایی که مصادره کرده‌اند فهرستی تهیه شود. آنان در پاسخ گفتند که هیچ پولی در خانه نیافتند و می‌خواهند بازرسی خانه را تکمیل کنند و به همین دلیل باید پسر و دستیار شخصی من و سرایدار همراهشان برای دادن شهادت به اداره پلیس بروند.

در اداره پلیس، اوبی و اوکچوکو و بلسینگ هر یک اظهارنامه‌ای نوشتند و در آن تمام ماجرای را که در آن روز در خانه ما اتفاق افتاده بود به دقت شرح دادند. اضافه‌براین، اوبی از ۴۵ روزنامه‌ای که افسران پلیس با خود به همراه بردند فهرستی تهیه کرد. افسران پلیس از اوبی خواستند که فردای آن روز رونوشتی از فهرست این اسناد را به اداره پلیس تحویل دهد. سپس هر سه را آزاد کردند.

صبح روز بعد اوبی رونوشت فهرست را به اداره پلیس تحویل داد. یکی از افسران پلیس اوبی را به کناری کشید و گفت که صاحبان این خانه نباید از این مساله عصبانی باشند. افسران پلیس تنها به وظیفه خود عمل می‌کردند. آنها تنها مامورانی بودند که دستورات دریافتی را اجرا می‌کردند و در حال حاضر نیز دچار مشکل شده‌اند زیرا

گزارش داده‌اند که هیچ پولی در خانه نیافته‌اند. او باید به من بگوید که آرام باشم: مساله صرفاً جنبه سیاسی داشت!

بدین ترتیب فردی تحت پوشش سیاست افشاگری و براساس بهانه بی‌اساسی که پسر ۳۲ ساله من در خانه ارز مخفی کرده است، دستور حمله و زیر و رو کردن خانه‌ام را صادر کرده بود. هر فردی که این دستورات را صادر کرده بود اکنون بسیار خشمگین بود زیرا چیزی در خانه من یافت نشده بود!

این مثالی است که نشان می‌دهد چطور می‌توان همان سیاست‌های دولتی را که برای سرکوب فساد طراحی شده‌اند کاملاً منحرف و از آنها برای تسویه حساب‌های شخصی و ارباب استفاده کرد. وکیلی به نام موناچسیو مایکل^۱ شکایتی را در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۷ به نیابت از بلسینگ آسوکو، اوبی ابراهیم و اوکچوکو اویولا، برای اعتراض به این اقدام و نقض حقوق شهروندی آنها به کمیسیون ملی حقوق بشر ارسال کرد (شماره ثبت C/2017/5472-5474).

تعرض به خانه من تحت پوشش قانون افشاگری نشان می‌داد که افراد قدرتمند و فاسدی که ما با آنها مبارزه می‌کردیم برای آزار و اذیت و ارباب مخالفان خود تا چه حد می‌توانند از مرزهای قوانین عبور کنند. اما درگیری مداوم این افراد با من همچنین نشان می‌داد که مبارزه ضدفساد ما توانسته بود ضربه موثری به آنها وارد کند. این حمله به نوعی نتیجه معکوسی داشت و به من قوت قلب می‌داد که مبارزه ما علیه فساد در حال پیشرفت است.

منابع

- 1-Abuja. 2005. "Obasanjo Fires Education Minister for Bribing Senate Leader." IRIN, March 23.
- 2-Arinze, Emmanuel. 2013. "Sahara Reporters versus Okonjo-Iweala: What Do We Make of This?" *Nigerian Eye*, September 11. <http://www.nigerianeye.com/2013/09/sahara-reporters-vs-okonjo-iweala-what.html>.
- 3-AuthenticNaijaman. 2013. "Okonjo-Iweala Blasts Governors for Depleting Nigeria's Savings," *Authentic Naijaman's Blog*, October 19. <http://authenticnaijaman.blogspot.com/2013/10/okonjo-iweala-blasts-governors-for.html>.
- 4-Awe, Bolanle. 2016. *Nigerian Women Pioneers and Icons*. Ibadan, Nigeria: Childsplay Books.
- 5-Baskin, Mark. 2010. *Constituency Development Funds (CDFs) as a Tool for Decentralized Development*. Nairobi: State University of New York Center for International Development, SUNY/CID.
- 6-Daniel, Ayodele. 2015. "Buhari Queries Finance Ministry over Diversion of \$1 Bn Rail Project Loan." *Information Nigeria*, August 10. <http://www.informationng.com/2015/08/buhari-queries-finance-ministry-over-diversion-of-1bn-rail-project-loan.html>.
- 7-"Director Jailed Two Yrs for Stealing N33 Bn Pension Fund Freed in N250,000 Fine." 2013. *Premium Times*, January 28. <http://www.premiumtimesng.com/news/117599-director-jailed-2yrs-for-stealing-n33bn-pension-fund-freed-on-n250,000-fine.html>.
- 8-"Dogara Tried to Pad ₦30 Bil into the Budget—Sacked House Appropriations

- Chair.” 2016. *Premium Times*, July 21.
- 9-Dorintinsky, William, and Shilpa Pradhan. 2007. “Exploring Corruption in Public Financial Management.” In *The Many Faces of Corruption: Tracking Vulnerabilities at the Sector Level*, edited by J. Edgardo Campos and Sanjay Pradhan, 267–294. Washington, DC: World Bank.
- 10-“\$80 Benchmark Price Will Hurt Our Economy—Finance Minister.” 2012. *Channels Television*, October 15. <https://www.chanelstv.com/2012/10/15/80-benchmark-price-will-hurt-our-economy-finance-minister>.
- 11-Eke-Odiugo, Kola. 2015. “Nigeria: Okonjo-Iweala’s Mother’s Kidnap-Suspect Admits Receiving ₦12 Million Ransom.” *Leadership*, December 23, 2015. <http://allafrica.com/stories/201512230664.html>.
- 12-Ellis, Stephen. 2016. *This Present Darkness: A History of Nigerian Organized Crime*. London: C. Hurst.
- 13-Emejo, Janes. 2016. “Why PTAD Boss, Nellie Mayshak, Was Suspended.” *This Day*, March 27. <https://www.thisdaylive.com/index.php/2016/03/27/why-ptad-boss-nellie-mayshak-was-suspended>.
- 14-Enwegbara, Odilim. 2016. “Okonjo-Iweala and the End of Neo-Liberalism in Nigeria,” *People’s Daily*, February 26, 2016, <http://www.peoplesdailyng.com/okonjo-iweala-and-the-end-of-neoliberalism-in-nigeria>.
- 15-Eyoboka, Sam. 2016. “Governors Opposed Excess Crude Savings—Ex-CBN Dep. Gov.” *Vanguard*, July 28. <https://www.vanguardngr.com/2016/07/govs-opposed-excess-crude-savings-ex-cbn-dep-gov>.
- 16-Federal Republic of Nigeria, National Assembly. n.d. “About the House.” <http://www.nassnig.org/page/about-the-house>.
- 17-Federal Republic of Nigeria, National Assembly. n.d. “About the Senate.” <http://www.nassnig.org/page/about-the-senate>.
- 18-“FG [Federal Government] Blame Governors for Depletion of Excess Crude Account.” 2012. *Channels Television*, April 13. <http://www.channelstv.com/2012/04/13/fg-blame-governors-for-depletion-of-excess-crude-account>.
- 19-Fjeldstad, Odd-Helge. 2005. “Corruption in Tax Administration: Lessons from Institutional Reform in Uganda.” CMI Working Paper 2005:10. Chr. Michelsen Institute, Bergen, Norway.
- 20-Fjeldstad, Odd-Helge, Ivar Kolstad, and Siri Lange. 2003. “Autonomy, Incentives, and Patronage: A Study of Corruption in the Tanzania and Uganda Revenue Authorities.” CMI Report 2003:9. Chr. Michelsen Institute, Bergen, Norway.

- 21-Godwin, Ameh Comrade. 2015. "Armstrong: Oshiomhole Tells Buhari to Arrest Okonjo-Iweala." 2015. *Daily Post*, December 10. <http://dailypost.ng/2015/12/10/armstrong-oshiomhole-tells-buhari-to-arrest-okonjo-iweala>.
- 22-"How Nigerian Govt. Caused Economic Recession—Emir Sanusi." 2016. *Premium Times*, September 2.
- 23-International Monetary Fund. 2014. Country Report No. 14/103, *Nigeria: Staff Report for the 2013 Article IV Consultation*, April.
- 24-International Monetary Fund. 2015. Country Report No. 15/84, *Nigeria: Staff Report for the 2014 Article IV Consultation*.
- 25-International Monetary Fund. 2017. "5. Report for Selected Countries and Subjects." *World Economic Outlook Database*, April, <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2017/01/weodata/weorept.aspx?sy=2015&ey=2022&scsm=1&ssd=1&sort=country&ds=.&br=1&pr1.x=33&pr1.y=9&c=694%2C199&s=NGDPDPC&grp=0&a=>.
- 26-International Monetary Fund. 2017, March 29. "IMF Executive Board Concludes 2017 Article IV Consultation with Nigeria," Press Release No. 17/105, <https://www.imf.org/en/News/Articles/2017/03/30/pr17105-nigeria-imf-executive-board-concludes-2017-article-iv-consultation>.
- 27-"Jonathan's Cabinet and Ngozi Okonjo-Iweala." 2011. *Sahara Reporters*, June 22.
- 28-Modibbo Kawu, Is'haq. 2015. "Between Adams Oshiomole and Ngozi Okonjo-Iweala," *Vanguard*, July 16. <http://www.vanguardngr.com/2015/07/between-adams-oshiomole-and-ngozi-okonjo-iweala>.
- 29-Moodley, Lohini, Tania Holt, Acha Leke, and Georges Desvaux. 2016. "Women Matter: Africa." McKinsey Gender Report, August, McKinsey & Company.
- 30-Murdock, Heather. 2012. "Nigeria Given 24 Hours to Rescue Kidnapped Mother of Finance Minister." *Daily Beast*, December 11.
- 31-National Institute for Legislative Studies. 2015. "Legislators' Salaries and Allowances: A Cross-Country Comparison." Nigerian National Assembly, July 10. <http://nils.gov.ng/docs/legislators-salaries-and-allowances.pdf>.
- 32-"New Cabinet List: Ngozi Iweala Stalls Jonathan over Pay and Control of Economic Policy." 2011. *Sahara Reporters*, June 21.
- 33-Nossiter, Adam. 2010. "Protests in Nigeria over Absent Leader Led by Nobel Laureate and Writer Wole Soyinka." *New York Times*, January 12.
- 34-Niyi. 2015. "Okonjo-Iweala Accused of Spending \$2.1 Bn. without Authorization." *Information Nigeria*, June 30. <http://www.informationng.com/2015/06/okonjo-iweala-accused-of-spending-2-1bn-without-authorization.html>.

- 35-Nwabuikwu, Paul C. 2014. "Nigeria: Temitope Oshikoya: Lies of a Disappointed Man," *The Guardian*, September 15, <http://allafrica.com/stories/201409152558.html>.
- 36-Office of the UN Special Envoy for Global Education. 2013. Accelerating Progress to 2015—Nigeria, April. <http://educationenvoy.org/wp-content/upload/2013/07/Nigeria-UNSE-FINAL.pdf>.
- 37-Okonjo-Iweala, Ngozi. 2012. *Reforming the Unreformable: Lessons from Nigeria*. Cambridge, MA: MIT Press.
- 38—"Okonjo-Iweala Used \$1 Bn Govt. Money for Jonathan's Re-election—Oshiomhole." 2015. *Premium Times*, July 13. <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/186604-okonjo-iweala-used-1bn-govt-money-for-jonathans-re-election-oshiomhole.html>.
- 39-Oluwasegun, Victor, and Dele Aofi. 2016. "EFCC 'Investigating' Okonjo-Iweala, Diezani, Aluko." *The Nation*, February 8. <http://thenationonline.net/efcc-investigating-okonjo-iweala-diezani-aluko>.
- 40—"1 Bn Revenue Lost Monthly to Oil Theft." 2013. *News24.com*, April 19.
- 41-Organization of the Petroleum Exporting Countries. 2017. "OPEC: Annual Statistical Bulletin." OPEC, Vienna, Austria. http://www.opec.org/opec_web/static_files_project/media/downloads/publications/ASB2017_13062017.pdf.
- 42-Organization of the Petroleum Exporting Countries. n.d. "Nigeria Facts and Figures." http://www.opec.org/opec_web/en/about_us/167.htm.
- 43-Oscar, Teddy. 2013. "Okonjo-Iweala, Okogun Are Responsible for Budget Delay—Tambuwal." *247ureports.com*, December 1. <https://247ureports.com/2013/12/17/okonjo-iweala-okogun-are-responsible-for-budget-delay-tambuwal>.
- 44-Oshikoya, Temitope. 2014. "The Golden Girl and the Icarus Paradox," *Nigerian Guardian*, September 8, <http://allafrica.com/stories/201409081894.html>.
- 45—"Oshiomole's Allegations of Illegal Diversion of Abacha Funds Baseless—Okonjo-Iweala." 2015. *Daily Post*, December 10. <http://dailypost.ng/2015/12/10/oshiomoles-allegations-of-illegal-diversion-of-abacha-funds-baseless-okonjo-iweala>.
- 46-PricewaterhouseCoopers. 2014. Report of the Investigative Forensic Audit into the Allegations of Unremitted Funds into the Federation Accounts by the Nigerian National Petroleum Corporation. November 28.
- 47—"Refusal to Approve Naira 15.37 Bil. Loan behind Oshiomole's Tirade against Okonjo-Iweala." 2015. *This Day*, July 15.

- 48-“Revealed: Okonjo-Iweala Got ₦1 Billion for Two Years Rent from Agency She Set Up!” 2015. *Gong News*, July 5.
- 49-Ross, Will. 2012. “Nigeria’s Okonjo-Iweala: Kidnappers ‘Demanded Resignation.’” *BBC News*, December 17, www.bbc.com/news/world-africa-20762630.
- 50-Rowell, Andy. 2012. “Nigeria Loses \$1 Billion a Month in Oil Theft.” *Oil Change International*, June 27. <http://priceofoil.org/2012/06/27/nigeria-loses-1-billion-a-month-in-oil-theft>.
- 51-Sallah, Tijan, and Ngozi Okonjo-Iweala. 2003. *Chinua Achebe: Teacher of Light*. Trenton, NJ: Africa World Press Books.
- 52-Shaib, Yushau. 2013. “Ngozi Okonjo-Iweala and the Controversial Appointments.” *Premium Times*, March 6.
- 53-Starkey, Jerome. 2012. “Mother of Finance Minister Kidnapped in Nigeria.” *The Times*, December 11. <https://www.thetimes.co.uk/article/mother-of-finance-inister-kidnapped-in-nigeria-8mlnnf5h3m3>.
- 54-Szeftel, Morris. 1998. “Misunderstanding African Politics: Corruption and the Governance Agenda.” *Review of African Political Economy* 25 (76): 221–240.
- 55-Tuku, Sani. 2014. “\$30 Billion Excess Crude Fund Unaccounted For—Oshiomhole.” *Premium Times*, December 25. <http://www.premiumtimesng.com/news/headlines/173810-30billion-excess-crude-fund-unaccounted-oshiomhole.html>.
- 56-“2013 Budget: Reps Okay \$80 per Barrel Crude Oil Benchmark.” 2012. *Vanguard*, October 10.
- 57-“\$2.1bn Arms Probe: Falana Petitions ICC, Alleges Crimes against Humanity.” 2016. *Vanguard*, January 25.
- 58-Ujah, Emma. 2014. “Budget 2014: FG [Federal Government] Sets Aside ₦968 Bil to Fight Boko Haram.” *Vanguard*, May 24.
- 59-UNESCO, High-Level International Round Table on Literacy, Paris, 6–7, September, National Literacy Action Plan for 2012–2015: NIGERIA. <http://www.unesco.org/new/fileadmin/multimedia/HQ/ED/pdf/Nigeria.pdf>.
- 60-United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division. 2017. “World Population Prospects: The 2017 Revision. Key Findings and Advance Tables,” Working Paper No. ESA/P/WP/248, https://esa.un.org/unpd/wpp/Publications/Files/WPP2017_KeyFindings.pdf.
- 61-United Nations, Maternal Mortality in 1990–2015, http://www.who.int/gho/maternal_health/countries/nga.pdf.

- 62-United States Embassy in Nigeria, Economic Section. 2012. "Nigeria Fact Sheet," Abuja, Nigeria, January, [http://photos.state.gov/libraries/nigeria/487468/pdfs/Nigeria%20 overview%20Fact%20Sheet.pdf](http://photos.state.gov/libraries/nigeria/487468/pdfs/Nigeria%20overview%20Fact%20Sheet.pdf).
- 63-United States Energy Information Administration. 2017 "International Energy Statistics, Crude Oil Proved Reserves 2016," EIA, Washington, DC, https://www.eia.gov/beta/international/data/browser/#/?pa=0000000000000000000008&c=rurvrvrvfvtvrvv1urvvrvfvvvrvfvvvou20evvvrvvvrvvvvo&ct=0&tl_id=5-A&vs=INTL.57-6-AFG-BB.A&cy=2016&vo=0&v=H&start=1980.
- 64-World Bank. 2004. "World Bank Project Information Document Report No. AB1070: Federal Government Economic Reform and Governance, Africa, Central Government Administration," Washington, DC, December 14.
- 65-World Bank. 2013. "Nigeria General Household Survey," *Living Standards Measurement Study*.
- 66-World Bank. 2015. "When Corruption Is the Norm." *World Development Report 2015: Mind, Society, and Behavior*. Washington, DC: World Bank.
- 67-World Bank. 2017. "Population Growth (Annual %)." *World Bank Open Data*. <http://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.GROW?locations=NG>.

